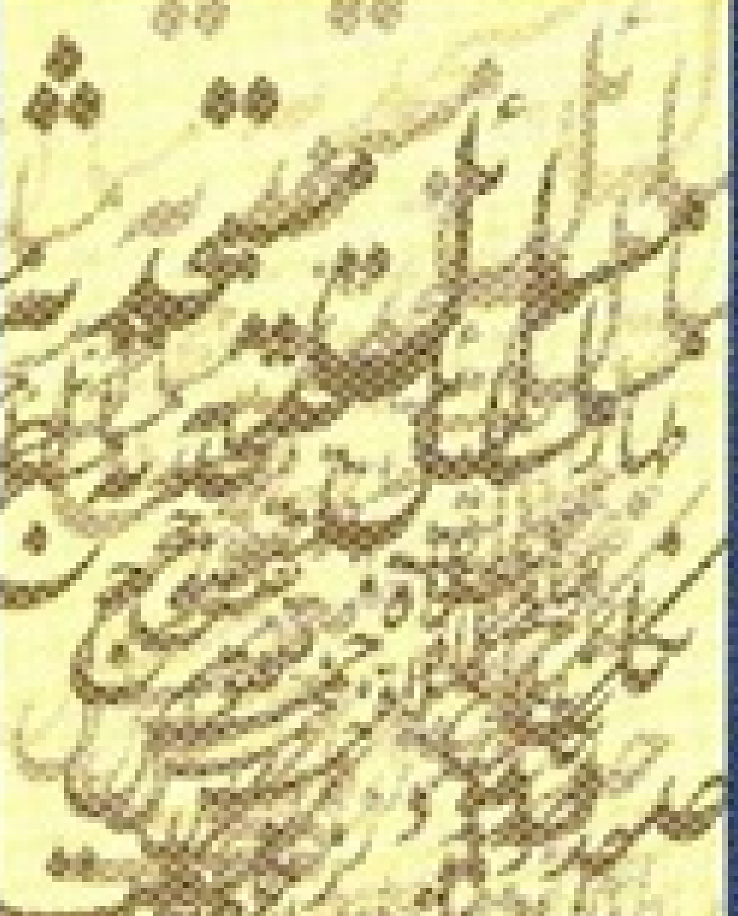
رسالهٔ استفتائات

جلد اول

مطابق با فتاوی

فقیه عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی منتظری



بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله شیخ حسینعلی منتظری

نویسنده:

آیت الله شیخ حسینعلی منتظری

ناشر چاپی:

تفکر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله استفتائات (منتظری) جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ - ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدیدآور : رساله استفتائات/ منتظری.

مشخصات نشر : تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۳.

مشخصات ظاهری : ۳۲۸ ص.: نمونه.

شابک : ۲۵۰۰ ریال

یادداشت : چاپ دوم : تابستان ۱۳۷۳.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : فتوا های شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۸ر۴۸ ۱۳۷۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۳-۳۵۰۰

پیش گفتار:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

«الحمـد للّه ربّ العـالمین، و الصّلاه و السّلام علی خیر خلقه محمّد و آله الطاهرین، و لعنه اللّه علی أعـدائهم أجمعین إلی یوم الدّین»

مجموعه ای که ملاحظه می شود بخش زیادی از استفتائاتی است که تا کنون از سوی اقشار مردم و ارگانهای مختلف از حضرت آیت اللّه العظمی منتظری شده است و ایشان پاسخ داده اند.

از آنجا که بیشتر استفتائات ذکر شده مسائل مورد ابتلاء بوده و از طرفی احکام آنها در رسالهٔ توضیح المسائل معظم له یا اصلا مطرح نبوده و یا به شکل ضمنی و جزئی مطرح شده، لذا جهت استفاده همگان اقدام به جمع آوری و تنظیم و انتشار آنها شد و به همین مناسبت نکاتی یادآوری می شود:

۱- متن سؤالات معمولاً متضمن امور شخصی و یا مسائل اجرایی و غیر فقهی نیز بوده لذا آنچه مربوط به مسائل شرعی و فقهی نبوده حذف شده است از این رو ممکن است در بعضی آنها جملات نامأنوس و غیر منظم به چشم بخورد.

۲- جهت حفظ امانت سعی شده است متن سؤالات و اصطلاحات و عبارات به کار برده شده تغییری پیدا نکند و همان شکل اصلی آنها حفظ گردد.

۳- در مواردی که در موضوع واحدی استفتائات مختلفی از افراد گوناگون با تفاوتهای مختصری

دیده می شد در میان آنها آنچه کامل تر بود در این مجموعه آورده شده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴

۴- گرچه ثبت و ضبط استفتائات در دفتر معظم له طبق روال عادی بر حسب تاریخ سؤالها و جوابها می باشد ولی هنگام تنظیم این مجموعه جهت انتشار، تاریخ سؤالها و جوابها کلاً حذف گردید و بر اساس تناسب فقهی موضوعات مورد سؤال با یکدیگر، تنظیم کنونی به عمل آمد زیرا تنظیم بر اساس تاریخ سؤالها و جوابها موجب آشفتگی ذهنی خوانندگان و احساس بی تناسبی کامل مجموعه می شد.

۵- برای رعایت اختصار، القاب و عناوین معمول در سؤالات و امضای سؤال کنندگان و نیز عنوان «بسمه تعالی» در جوابها حذف گردید تنها مواردی که سؤالات از طرف ارگانها بوده به دلیل اهمیت موارد سؤال و نیز تفهیم ارتباط و تناسب خاصّی که بین جوابها و سؤالات مراعات شده، اسامی ارگانها آورده شده است.

۶- مرحوم امام خمینی (قدس سرّه) طی ده سال بعد از پیروزی انقلاب، مسائل شرعی مهمّ و گوناگونی را در مقاطع مختلف از لحاظ اظهار نظر فقهی و علمی و یا از نظر لزوم اعمال ولایت شرعی به حضرت آیت اللّه العظمی منتظری ارجاع و احاله می فرمودند. مسائل نوع اوّل، شامل احکام زیر می باشد: عمومیّت حرمت احتکار نسبت به تمام آنچه مورد نیاز مردم است، احکام جبهه ها، وظائف شرعی پرسنل یکی از وزارتخانه های مهمّ و حسّاس کشور، مشروعیّت تعزیرات مالی و تعیین حدود و شرائط آنها، بعضی احکام مفسد فی الارض، پاره ای از مسائل شرعی حجّ خونین حجّاج در سال ۶۶، بعضی فروع دیات و حق الحضانه و موسیقی و معمولا مسائلی که امام (قدّس سرّه) در

آنها فتوای قطعی نداشتند.

مسائل فوق الذّکر گرچه از طرف مجلس شورای اسلامی (دوره دوم)، شورای نگهبان، شورای عالی قضایی، کمیسیون قضایی و حقوق مجلس، سازمان قضایی کشور و وزارت فوق الذّکر از حضرت آیت اللّه العظمی منتظری استفتاء شده و معظم له به آنها پاسخ داده اند ولی به دلیل انتشار بعضی آنها در مقدمه جلد اوّل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵

مبانی فقهی حکومت اسلامی و نیز عمومی نبودن بعضی دیگر و عدم ابتلاء عامه مردم به آنها، از درج در این مجموعه خودداری شد.

مسائل نوع دوم که شامل تعیین قضات شرع برای دادگاههای انقلاب و تعیین حدود اختیارات آنان، تعیین قضات شرع برای هیئتهای هفت نفره ستاد واگذاری اراضی موات، تشکیل هیئت عفو و اقدام در جهت عفو زندانیان، محدوده تعزیرات غیر مالی و ارائه چهار چوب معیّنی برای آنها، تشخیص و احراز صلاحیت ائمه جمعه و کاندیداهای عضویّت در شورای عالی قضایی، مسائل اراضی بزرگ کشاورزی و تقسیم اراضی موات بین کشاورزان و نیز مسأله اراضی بائر شهری، تأسیس دادگاه عالی انقلاب جهت نظارت و کنترل بر احکام اعدامها و مصادرات دادگاههای انقلاب، تعیین قضات شرع و ائمه جمعه برای افغانستان و نظائر اینها است، به کلّی از موضوع مورد نظر در این مجموعه خارج است.

و السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶

توجه

لازم به توضیح است که مسائل مندرج در استفتائات جلد اوّل مشتمل بر فتاوا و نظرات فقهی آیت اللّه العظمی منتظری در بیش از پانزده سال پیش بوده که در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳ به چاپ رسیده و منتشر گردیده است؛ لذا

یادآوری می شود اگر احیانا در موردی تغییر فتوایی مشاهده شد ملاک فتوا و نظرات جدید (رسالهٔ توضیح المسائل و استفتائات جلد دوّم) خواهد بود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷

مسائل اعتقادی

(سؤال ۱) در مسائل اعتقادی و اصول دین که مراجع محترم، یقین به آنها را کافی می دانند آیا اگر کسی قدرت یادگیری استدلال را داشته باشد باید دنبال آن برود و از روی استدلال به اصول دین معتقد شود یا همان یقین اجمالی بدون استدلال کفایت می کند؟

جواب: ایمان از روی یقین، کافی است.

(سؤال ۲) آیا سرایت انکار یا تشکیک در ضروری دین یا مذهب به تشکیک و انکار اصول دین قهری است یا نه؟ که اگر کسی از روی توجّه و آگاهی توانست انکار یا تشکیک در فروع را از اصول جدا کند آیا صدمه ای به اسلامیّت او می خورد؟

جواب: اگر منکر ضروری دین توجه به ضروری دین بودن آن داشته باشد قابل تفکیک نیست و اگر توجّه نداشته باشد قابل تفکیک است.

(سؤال ۳) با توجه به اینکه حقیقت و چگونگی و خصوصیّات بسیاری از موضوعات مربوط به اصول دین برای افراد عادی قابل شناخت و اطلاع نیست نظیر ذات و صفات خدای متعال و چگونگی معاد و بهشت و دوزخ و نظائر آنها با این حال چه مقدار شناخت و یقین به آنها جزو اصول دین می باشد؟

جواب: اعتقاد اجمالی کافی است.

(سؤال ۴) اگر کسی که اهل مطالعه و تحقیق در ادیان و مسائل اسلامی است در بعضی از مسائل ضروری دین یا مذهب تشکیک و یا انکار علمی نماید به این شکل که نتواند باور کند اسلام چنین حکمی داشته باشد، آیا این تشکیک و

انکار علمی سرانجام به انکار اصول بازمی گردد و چنین فردی مرتدّ می باشد؟

جواب: اگر توجه داشته باشد که آن حکم، از ضروریات اسلام است انکار آن با اسلام قابل جمع نیست و اگر توجه به ضروری بودن آن نداشته باشد موجب ارتداد نمی باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸

(سؤال ۵) مشاهده می شود گاهی اوقات جهت بیان مفاهیمی از قبیل: محبت الهی، قضا و قدر، تسلیم در برابر خداوند متعال، ناپایداری دنیا و غیره در اشعار شعرا و بعضی نوشته ها و اثر نویسندگان از کلماتی استفاده می شود که در جامعه عموما معنای ثانوی آن کلمات مورد استفاده قرار نمی گیرد مثل: می، شراب، لب لعل، مست، قدّ سرو و غیره این کلمات حتی بعضا معنای ثانوی که اشاره شد ندارند و تنها از آنها تأویل به مقاصدی می گردد آیا از نظر شرعی به کارگیری این قبیل کلمات و عبارات در بیان مسائل و عقائد اسلامی صحیح است یا خیر؟ (عده ای از دانشجویان مسلمان آنکارا)

جواب: اگر مقصود معلوم باشد مانعی ندارد مگر اینکه انتزاع اهانت «۱» بشود.

(سؤال ۶) آیا واجب است قیام، هنگام شنیدن نامهای مبارک حضرت صاحب الزمان (عج) و بالاخص نام مبارک «قائم» یا خیر؟

جواب: مستحب است.

(سؤال ۷) آیا قرآن شریف حادث است یا قدیم؟

جواب: قرآنی که جبرئیل امین به امر پروردگار بر رسول اکرم (ص) به عنوان وحی نازل کرده حادث «۲» است ولی علم خدا به آن قرآن، قدیم است.

(سؤال ۸) ملاک ضالّه بودن کتب چیست؟

جواب: کتابهایی که موجب گمراهی و سبب انحراف در عقائد و افکار و فساد اخلاق باشد به آنها کتب ضلال و مضلّه می گویند و اطلاق ضالّه بر آنها مجاز و یا

غلط مشهور بین فارسی زبانها است.

---

(۱)- انتزاع اهانت یعنی احساس و فهمیدن اهانت.

(۲)- حادث: چیزی که نبوده و سپس بوجود آمده، و قدیم، آنست که همیشه بوده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹

مسائل بلوغ

(سؤال ۹) پسر شک دارد که سنش به حد بلوغ رسیده یا نه و دو علامت دیگر (احتلام و موهای خشن ...) را ندارد.

جواب: در فرض مسأله حکم مکلف را ندارد.

(سؤال ۱۰) آیا اینکه نه سال تمام، ملاک بلوغ دخترها قرار داده شده است از جهت تعبّد صرف است یا از این جهت است که زمانها و کشورها و منطقه های روی زمین از نظر آب و هوا و غیره تأثیر زیادی روی رشد و بلوغ جسمی و عقلی دختر و پسر دارد و در منطقه های گرمسیر زمین زودتر از مناطق سردسیر و معتدله، بلوغ و رشد لازم پیدا می شود؟ پس در مناطق غیر گرمسیر که معمولا دخترها در سن نه سالگی رشد کافی را پیدا نمی کنند آیا ملاک نه سال است یا پیدا شدن رشد جسمی و فکری؟

جواب: ملاک تکمیل ۹ سال قمری است و اختلاف زمان و مکان مغیّر آن نیست.

(سؤال ۱۱) الف: آیا غیر از ۹ سال تمام، علائم دیگری برای بلوغ زن هست؟ و آیا آمدن خون از طرف چپ رحم و یا رؤیت خون با صفات حیض فی نفسه هر چند اطمینان به بلوغ ۹ سال پیدا نشود دلیل تعبّدی بر بلوغ زن می باشد؟

ب: و مراد از سال، آیا سال قمری است یا شمسی و مقدار تفاوت دقیق این دو در جایی که مبدأ تاریخ تولّد دختر دقیقا معلوم است چقدر می باشد؟

جواب: علامت بلوغ دختر منحصر در

تکمیل ۹ سـال قمری است و علامت مـذکور در سؤال دلیل بر بلوغ نیست و ۹ سال قمری در حـدود ۹۸ روز زودتر از ۹ سال شمسـی تکمیـل می شود و چون بر حسب اختلاف در فصـل ولادت مقـدار جزئی تفـاوت حاصل می شود تعیین دقیق آن که درباره همه کلیّت داشته باشد ممکن نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰

(سؤال ۱۲) در رابطه با کسانی که هورمون خونشان را عوض می کنند مثلا مرد هورمون خون زن را تزریق می کند و بالعکس آیـا به مردی که هورمون زنـان به او تزریق شود، زن خطاب می کننـد یا نه؟ یعنی حکم زن را دارد و حکم او در مورد ارث و غیره چگونه است؟

جواب: اگر به هر علت جنس زن یا مرد عوض شد و واقعا زن، مرد شود حکم هم عوض می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱

مسائل تقلید

(سؤال ۱۳) تکلیف اعمالی که انسان به علت نشناختن اعلم و بلا تکلیف ماندن در مسأله تقلید انجام می دهد چیست؟

جواب: اعمالی که مطابق با احتیاط یا مطابق با فتوای مرجع تقلید فعلی واقع شده باشد صحیح است و همچنین اگر کسی بفهمد که عملش مطابق با واقع بوده آن هم صحیح است ولی فهمیدن آن از غیر طریق مذکور برای هر کس ممکن نیست.

(سؤال ۱۴) در حـال حاضـر مقلـدین حضـر تعالی آماده رفتن به مکه جهت انجام مناسک حـج هسـتند و در سابق هم که مقلد حضرت امام رضوان اللّه علیه بودند، مسائل حج و غیر آن را نمی دانسته و عمل هم نکرده اند وظیفه شان چیست؟

جواب: مسائل مورد ابتلاء را سؤال کنند و اگر دسترسی ندارند از مجتهد دیگری سؤال کنند با

رعایت الاعلم فالاعلم «۱».

(سؤال ۱۵) محدوده احتیاط در احکام بین فتواهای فقها چیست؟ و آیا فقهای گذشته را در احتیاط باید منظور داشت؟

جواب: عمل به احتیاط اینست که انسان اعمال خود را به نحوی انجام دهد که یقین کند طبق احکام واقعیّه عمل کرده است و چون این معنی برای کسی که مجتهد یا قریب الاجتهاد نباشد میسور نیست احتیاط درباره او به یک معنای دیگر امکان دارد و آن اینست که به احوط اقوال بین مراجع زنده و کسی که قبلا از او تقلید می کرده و از دنیا رفته است عمل کند.

---

(۱)- الاعلم فالاعلم: مجتهدی که از سایر مجتهدین علمش زیادتر است او را اعلم گویند و مجتهدی که در رتبه بعدی از نظر علمیّت قرار گرفته و از سایر مجتهدین اعلم است را فالاعلم می گویند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲

(سؤال ۱۶) مسائلی که حضرتعالی احتیاط واجب دارید در آنها به کدام یک از حضرات آقایان باید مراجعه شود؟

جواب: در احتیاط واجب، رجوع به مرجع تقلید دیگر با رعایت الاعلم فالاعلم مانع ندارد.

(سؤال ۱۷) اخیرا فرقه نقشبندیه در میان مسلمانان و بویژه شیعیان گسترش چشمگیری پیدا کرده است. در تبلیغات این فرقه از جمله آمده است که حضرت امام جعفر صادق (ع) هم نقشبندی بوده است! آنها از طرفی خود را وابسته به جناح سنّی اسلام معرفی می کنند و از طرفی به برخی از معتقدات تشیع از جمله وجود و ظهور حضرت مهدی (عج) ابراز اعتقاد می نمایند، نظریه آن حضرت در رابطه با طریقه نقشبندیه چیست؟

آیا تقلید شیعیان از شیوخ نقشبندی جایز است یا نه؟

جواب: نسبت دادن مذهبی که در قرن هشتم هجری

حادث شده به امام صادق (ع) افترای بزرگی است و تقلید از شیوخ آنها جایز نیست، ولی مراوده به منظور ارشاد و راهنمایی برای کسی که مطمئن است که تحت تأثیر مطالب باطله قرار نمی گیرد اشکال ندارد.

(سؤال ۱۸) در امور مختلف که در وظائف عمومی پیش می آید اگر به جای اهمّ، مهمّ را انجام دهیم مرتکب گناه شده ایم؟

جواب: اگر اهمیت آن در حد الزام باشد ترک اهمّ گناه دارد.

(سؤال ۱۹) اگر در بعضی احکام، فتوای مقلّد نائب با مقلّد منوب عنه تفاوت داشته باشد مثل احکام حجّ مثلا و در قرار نیابت هم مسکوت مانده باشد آیا نائب به فتوای مقلّد خود یا منوب عنه عمل نماید؟

جواب: اگر هنگام اجاره، مسکوت عنه مانده باشد و منصرف به نحو خاصی نباشد باید نائب، عمل را به نحوی انجام دهد که طبق فتوای مقلّد خود صحیح باشد هر چند احوط مراعات صحّت نزد هر دو است.

(سؤال ۲۰) بعضی می گویند مقلد آیت اللّه العظمی بروجردی (قدس سرّه) هستیم و ایشان جایز دانسته که بدون قید و شرط اگر بانک چیزی بدهد مانعی ندارد آیا درست

است؟ و اگر ربا است و مبلغی دریافت نموده وظیفه اش چیست؟ دستور و اجازه لازم را مرقوم فرمایید. و اگر مبلغ را نمی داند چه کند آیا هیچ راه حلی دارد؟

جواب: هر کس در تقلید معظم له باقی مانده باشد می تواند طبق فتوای ایشان عمل کند.

(سؤال ۲۱) با توجه به اینکه زن در تقلید، مستقل از شوهر است اگر چیزی یا کاری به فتوای مرجع تقلید زن واجب نباشد، نظیر نماز جمعه مثلا یا حرام نباشد مثل شطرنج و

امثال آن ولی به فتوای مرجع تقلیـد شوهر، واجب یـا حرام باشـد آیا شوهر می توانـد همسـر خود را مجبور و ملزم به عمل و یا ترک نماید یا نه؟

جواب: زن باید طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

(سؤال ۲۲) بنـابر قول به تجزّی در اجتهاد آیا زن می توانـد در همان مسائلی که مجتهـد و مرجع تقلیـد زنان است فرضا در حق اللّه یا حق النّاس قاضی زنان باشد؟

جواب: از شرائط منصب قضاء و مرجعیّت تقلید به طور اطلاق، رجولیّت است و تفصیل ندارد.

(سؤال ۲۳) آیا زن می تواند مرجع تقلید شود؟ مرجع تقلید زنان در مسائل مختص به آنها چطور؟

جواب: تقلید از زن صحیح نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴

مسائل مطهّرات و نجاسات

[مطهّرات]

آب

(سؤال ۲۴) بعضـی انواع پودرها و بعضـی مواد دیگر پاک کننده که اخیرا جانشـین آب شده و در خشکشوییها به کار می رود آیا پاک کننده نجاسات می باشد؟

جواب: مطهّر نجاسات، آب است مگر در موارد مخصوصه.

(سؤال ۲۵) آبهـای معـدنی و آب بعضـی دریاچه ها که با نمک و غیره مخلوط است و یا آبهای لوله کشـی که احیانا موادّ کلر آن به قدری زیاد است که در طعم و رنگ آب اثر زیادی می گذارد آیا اینها حکم آب مطلق را دارند؟

جواب: حکم آب مطلق را دارند مگر آبی که خلیط «۱» آن به قدری زیاد باشد که اطلاق آب تنها بر آن صحیح نباشد.

(سؤال ۲۶) آیا در اتصال آب کر با آب قلیل، امتزاج شرط است؟

جواب: در تطهیر آن بنابر احتیاط واجب امتزاج لازم است.

(سؤال ۲۷) چاه آب منزلی در ۳ متری نزدیک چاه توالت منزلی می باشـد. چنـد سال آب چاه آشامیدنی صاف و تمیز و بدون رنگ و بو

بود، لکن اخیرا بو دارد و مزه آب نیز تغییر کرده و رنگ آن هم کمی کـدر شـده، ولی مضاف نیست، چه صورت دارد؛ و اگر مضاف باشد یا رنگ و بوی نجاست را نگیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر رنگ یا طعم یا بوی آن به واسطه نجاست تغییر یافته باشد، نجس می باشد.

(سؤال ۲۸) در صورت زوال عین نجاست مثل بول از زمین مسجد، و یا خشک

---

(۱)- خلیط: چیز مخلوط با چیز دیگر.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵

شدن آن هنگام تطهیر آن با شلنگ متصل به آب کر، خارج نمودن غساله لازم است یا نه؟

جواب: پاک می شود و خروج غساله «۱» لازم نیست.

(سؤال ۲۹) تطهیر که به وسیله دستگاه لباسشویی صورت می گیرد که همه لباسها اعمّ از پاک و نجس را در یکجا جمع و آب بر همه آنها مسلط شده، و پس از قطع آب، غساله تدریجا خارج می شود، بدون اتصال کفایت می کند یا نه؟

جواب: با اتصال به آب کر پاک می شود.

(سؤال ۳۰) آیا تطهیر لباسـها توسط بعضی از ماشینهای رختشویی که هنگام دوران دیگ آن و تخلیه آب، تماس آب شلنگ با آب شبکه قطع می شود گرچه این عمل چندین مرتبه انجام می شود ولی قهرا تطهیر، با آب قلیل می باشد کافی است یا نه؟

جواب: در فرض سؤال که شسـتن با آب قلیل می باشـد اگر حـد اقل، سه مرتبه شسـته شود و آب غساله آن خارج گردد کافی است.

(سؤال ۳۱) در تطهیر لباسـهایی که با ماشـین رختشویی شسته می شود و باید با فشار آب غساله آنها خارج شود با دوران سریع ماشین، آب غساله لباسها خارج می شود بدون هیچ فشاری بر لباس و

پارچه آیا همین مقدار، کافی است؟

جواب: کافی است و حکم فشار را دارد.

(سؤال ۳۲) اگر چیزی با سه واسطه یا بیشتر به نجس اصلی متّصل شد نجس می شود یا نه؟

جواب: اگر کثرت واسطه به حدّی برسد که عرفا حکم به سرایت نشود اجتناب لازم نیست.

زمین

(سؤال ۳۳) آیا زمین آسفالته و تخته و چوب و فرش، پاک کننده است یا نه؟

جواب: مشکل است.

---

(۱)- غساله: آبی است که هنگام شستن چیزها از آنها خارج می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶

آفتاب

(سؤال ۳۴) آیا شیشه، حائل و مانع نور خورشید که یکی از پاک کنندگان است می باشد؟

جواب: مشکل است و باید احتیاط شود.

نجاسات

بول و غائط

(سؤال ۳۵) اگر آب یا رطوبتی که معمولا نه رنگ دارد و نه بو از مخرج غایط خارج شود پاک است؟

جواب: اگر از اجزای نجاسات در آن نباشد پاک است.

(سؤال ۳۶) اگر غیر از بول، لباس مادر پرستار بچه به سایر نجاسات متنجّس باشد در نماز معفو است یا نه؟

جواب: بنابر احتیاط، معفو نیست مگر در مورد عسر و حرج.

(سؤال ۳۷) و آیا بدن او (پرستار) نیز همین حکم عفو را دارد چه متنجّس به بول باشد یا غیر آن؟

جواب: بنابر احتیاط حکم آن را ندارد مگر در مورد عسر و حرج.

مردار

(سؤال ۳۸) اگر کسی از ظرفی شیره، و از ظرف دیگر روغن، و از ظرف سومی آب برداشته و به ظرفی ریخته، و بعد متوجه شده که موش مرده ای در آن است، ولی نمی داند در کدام یک از آن سه ظرف بوده؛ آیا کدام یک از اینها نجس یا پاک است؟

جواب: اگر از نفوذ شیره یا روغن در باطن موش تشخیص دهد که در کدام بوده، از آن اجتناب می کند؛ و اگر نتواند تشخیص دهد، باید از همه آنها اجتناب کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷

(سؤال ۳۹) کیف، کفش و البسه ای که از پوست مار تهیه شده هنگام خیس شدن نجس است یا خیر؟

جواب: نجس نیست لکن احتیاط واجب آنست که همراه نمازگزار نباشد.

خون

(سؤال ۴۰) لباسی که با خون بواسیر آلوده می گردد چقدر تعمیم دارد آیا هر چند قطعه لباس که بر روی هم بپوشد و همه آنها در یک محل ملوّث شوند معفو است؟

جواب: هر مقدار از لباسها که عوض کردن و تطهیر آن مشقّت داشته باشد معفو است.

(سؤال ۴۱) باطن دهان اگر به وسیله خون و مانند آن نجس شد می گویند زوال عین نجاست در پاک شدن آن کفایت می کند حال اگر دندان مصنوعی در دهان باشد و نجس شد آیا زوال عین آن در تطهیر کافی است یا باید خارج نمود و تطهیر کرد؟

جواب: اگر دندان مصنوعی نجس شود بنابر احتیاط واجب باید یا در بیرون یا در داخل دهان به واسطه شستشو تطهیر شود.

سگ

(سؤال ۴۲) چیزی را که سگ بلیسد و غیر ظرف باشد، مثل تخته سنگ و نیز پشت ظرف، آیا حکم ولوغ «۱» سگ را دارد؟

جواب: حکم آن را ندارد.

کافر

(سؤال ۴۳) خانه های افراد غیر مسلمان که خود آنها خانه هایشان را ساخته اند، اگر شخص مسلمان خانه را بخرد، آیا آن خانه

پاک است و می شود در آن، اعمال واجبات روزانه اسلامی را انجام داد یا خیر؟

---

(۱)- ولوغ: رطوبت یا مایعی است که در اثر لیسیدن سگ یا آب خوردنش از ظرف آبی به آن می رسد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸

جواب:: خریدن خانه کافر مانعی ندارد، ولی از هر جا که یقین دارید با دست تر ملاقات کرده اجتناب کنید، و هر جا را که شک دارید مانعی ندارد.

(سؤال ۴۴) نظر برخی از فقها اینست که نصاری نجسند و حکم نجاست به آنها جاری است و نظر برخی دیگر همچون مرحوم آیت اللّه حکیم بر طهارت آنهاست نظریه آن حضرت چیست؟

جواب: به نظر این جانب اهل کتاب در صورتی که به واسطه شرب خمر و اکل میته و گوشت خوک و ملاقات با سائر نجاسات بالعرض نجس نشده باشند نجاست ذاتی ندارند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹

مسائل وضو و غسل

مسائل مشترک [وضو و غسل]

(سؤال ۴۵) آیا اعضای وضو و غسل باید هنگام جریان آب وضو و غسل بر آنها خشک باشد یا اگر آب وضو و غسل بر رطوبت اعضاء، غالب باشد کفایت می کند؟

و حکم مسح، نیز همین طور است یا باید، محل مسح، خشک باشد؟

جواب: خشک بودن اعضاء در غسل و وضو لازم نیست و انسان می تواند آب موجود در اعضاء و آبی که می ریزد همه را آب غسل یا وضو نیّت کند ولی اعضای مسح باید خشک باشد، بلی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که بعد از مسح بگویند تمام رطوبت، از تری کف دست است

اشکال ندارد.

(سؤال ۴۶) لاک هایی که بعض زنان روی ناخن های خود جهت تزیین می مالند از این جهت که مشتبه است که رنگ اند یا جسمیّت هم دارند چه حکمی دارند برای وضو و غسل؟ و اگر فرضا جسم باشند و بعضی به خیال اینکه جسمیّت ندارند مدتی در هنگام وضو و غسل، آنها را از ناخن خود پاک نمی کرده اند آیا قضای آنها واجب است یا نه؟

جواب: ظاهرا لاک جسمیّت دارد، و رنگ مسری ندارد و مثل حنا یا خون نیست که با رفتن جرم آن رنگش باقی بماند و اگر به نحوی بوده که مانع از رسیدن آب به اعضای وضو و غسل بوده نمازهایی که با آن وضو یا غسل خوانده قضا دارد ولی روزه هایش قضاء ندارد.

(سؤال ۴۷) جبیره ای بیش از حد معمولی است و نمی شود زیادی را بر طرف نمود.

اگر بعد از بر طرف شدن عذر، وضو یا غسل و تیمم را که وظیفه او بوده نشکسته، می تواند نماز بخواند؟

جواب: احتیاطا وضو یا غسل را تجدید کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۰

(سؤال ۴۸) استعمال کردن گردن بندهایی که مزیّن به نام اللّه یا اسامی شریفه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و یا آرم جمهوری اسلامی است برای زنها با توجه به حالات جنابت، حیض و نفاس و بی وضو بودن آنان، جایز است یا نه؟ و آیا آرم، حکم کلمه اللّه را دارد؟

جواب: اگر بدون وضو تماس نگیرند و کاری که مستلزم هتک حرمت است انجام ندهند اشکال ندارد و آرم جمهوری اسلامی حکم کلمه اللّه را دارد.

(سؤال ۴۹) در فرض بطلان وضو و غسل به آبی که بر خلاف دستور سازمان آب دولت

اسلامی منشعب شده اگر جاهل به حکم یا موضوع یا هر دو باشد و مدّتی چنین عمل می نموده است تکلیف نمازها و غسل و وضویش چیست؟

جواب: اگر متوجه غصبیّت نبوده وضو و غسل باطل نیست.

(سؤال ۵۰) افرادی روی بدن خود اسم جلاله یا کلماتی از قرآن را، حکّ کرده اند به شکلی که مثل جزء بدن حساب می شود آیا ازاله آنها از بدن، واجب است هر چند حرجی و مشکل باشد؟ و آیا باید دائما و فورا با طهارت از حدث اصغر و اکبر بشوند یا نه؟ و آیا مسّ آنها در مورد چنین شخصی صادق می باشد و بدون طهارت، جایز است یا نه؟

جواب: بنابر احتیاط واجب در صورت امکان باید ازاله نمایند و در صورت عدم امکان اختیارا بدون طهارت باقی نمانند.

(سؤال ۵۱) الف- آیا توقف و ماندن زن مستحاضه متوسطه و کثیره در مسجد الحرام و مسجد النّبی برای عبادت و غیره بدون غسل استحاضه جایز است یا نه؟

ب- و در صورتی که برای نماز واجب خود غسل کرده باشد آیا با همان غسل می تواند طواف و نماز آن را انجام دهد یا نه؟ و بر فرض لزوم غسل مستقلّ برای طواف آیا برای نماز آن نیز باید مستقلا غسل نماید یا همان غسل طواف کفایت می کند؟

ج- و در هر صورت اگر وقت برای طواف واجب وسعت داشته باشد آیا می تواند در حال استحاضه قلیله یا کثیره و متوسطه با انجام وضو و غسل و سایر کارهای زن مستحاضه طواف واجب را بجا آورد یا باید صبر کند تا پاک شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۱

جواب:: الف- مانعی ندارد.

ب- هر عملی که برای

نماز یومیّه واجب است اعم از غسل و وضو و تطهیر محل و تعویض نوار و پنبه برای هر یک از طواف واجب و نماز آن جداگانه واجب است.

ج- صبر کردن واجب نیست هر چند خوب است.

(سؤال ۵۲) آیا دوشیزگان نابالغ خون استحاضه می بینند و آیا آثار محدث شدن در اقسام سه گانه آن هر چند غیر الزامی بر آن مترتّب می شود یعنی استحاضه آنان ناقض وضو آنها می باشد یا نه؟

جواب: مستبعد است ولی امکان دارد و در صورت تحقّق آن، احکام استحاضه بر آن مترتب می شود.

وضو

(سؤال ۵۳) اگر هنگام مسح سر، دست انسان با رطوبت صورت، متصل شد می تواند با همان وضع پای خود را مسح کند یا نه؟ و اگر نمی تواند وظیفه اش چیست؟

جواب: هنگام شستن صورت معمولا آب به جلو سر، اصابت می کند اگر هنگام مسح سر، دست به آن آب برسد مسح پا با آن آب، صحیح نیست پس اگر با جای دیگر کف دست که آب خارج به آن نرسیده است مسح پا ممکن باشد باید با آن، مسح بکشد و اگر ممکن نباشد باید دوباره وضو بگیرد.

(سؤال ۵۴) با بودن رطوبت در دست آیا می تواند به اعضای وضو، دست بزند یا نه؟

جواب: خلاف احتیاط است.

(سؤال ۵۵) مردها یا زنهایی که موی زیادی جلو سرشان به عنوان زینت و غیره جمع نموده اند چگونه سرشان را مسح نمایند؟

جواب: موهای اضافی را کنار بزنند و به بیخ موها مسح بکشند.

(سؤال ۵۶) در جایی که معمولاـ زن نامحرم می باشد و نظر می کند آیا وضو گرفتن مردها جایز است یا نه و وضوی آنها درست است؟

جواب: وضو گرفتن مردها اشکال ندارد ولی نگاه کردن زنها

جایز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۲

(سؤال ۵۷) در مسح پای راست و چپ، ترتیب شرط است یا می توان با دو دست در یک زمان هر دو پا را مسح نمود؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید اوّل به پای راست مسح کشیده شود و با هم کشیدن هر دو پا خلاف احتیاط است.

(سؤال ۵۸) کسی یک دستش یا بعضی از آن، جبیره است و مدتی کیسه پلاستیک به دست کرده و وضوی ارتماسی گرفته، یعنی محل جبیره را به این نحو وضو داده است، حکمش چیست؟

جواب: نمازهایی که با آن وضو خوانده، احتیاطا قضاء کند.

(سؤال ۵۹) کسانی که قبل از وقت نماز، وضو می گیرند اگر قصد جدّی آنها با طهارت بودن که خود مستقلّا یکی از غایات و اهداف وضو است نباشد بلکه برای نماز واجب که هنوز وقتش نیامده وضو می گیرند آیا چنین وضویی صحیح است؟ و آیا فرقی بین فاصله خیلی کم یا زیاد با وقت وجود دارد که اگر نزدیک وقت باشد از نظر تهیّؤ و آماده شدن برای نماز اشکال نداشته باشد؟

جواب: در نزدیکی دخول وقت اشکال ندارد بلکه جلوتر به نیّت نمازی که هنوز وقت آن نزدیک نشده است نیز ظاهرا اشکال ندارد.

غسل جنابت

(سؤال ۶۰) در جنب شدن زنها توسط خروج منی آیا همان شرائطی که برای مردها گفته شده لازم است یا نه؟

جواب: اگر یقین کنند منی است باید غسل کنند و اگر شک داشته باشند در صورتی که با شهوت مخصوص انزال، خارج شود اگر چه همراه با سستی بدن و جستن نباشد باید احتیاط کنند یعنی هم غسل کنند و هم وضو بگیرند.

(سؤال ۶۱) و به هر

تقدیر، آبی که از زنها هنگام ملاعبه خارج می شود و همراه با سستی بدن نیز می باشد چه حکمی دارد؟

جواب: حکم سؤال سابق را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۳

(سؤال ۶۲) بیرون آمدن منی از زن صحیح است یا نه؟ و چه حکمی دارد و شرائط آن چیست و چه نشانی دارد؟ چون که مطابق علم طب و گفته چند عالم دینی این صحیح نیست؟

جواب: امکان دارد ولی نادر است و در صورتی که رطوبتی با شهوت مخصوص به حال انزال از او خارج شود بنا بر احتیاط هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

(سؤال ۶۳) الف: آیا زن هم مانند مرد محتلم می شود؟

ب: و یا اگر منی به شکل خون از او خارج شد آیا حکم منی را دارد؟

جواب: الف- بعضی از زنها محتلم می شوند ولی زنها کمتر از مردها محتلم می شوند.

ب- اگر منی بودن آن احراز شود حکم منی را دارد لکن احراز آن مستبعد است.

(سؤال ۶۴) زن و شوهری که می دانند برای نماز صبح به غسل کردن نمی رسند و یا مانعی وجود دارد و یا بوجود می آید و یا اصلا آب و یا آب گرم قبلا نمی توانند برای غسل پیدا کنند آیا شب، می توانند نزدیکی کنند یا نه؟ و در همین فرض، اگر بعد از اذان صبح و دخول وقت نماز باشد چطور؟

جواب: در هر صورت اگر امکان تیمم باشد اشکال ندارد.

(سؤال ۶۵) آیا زن، پس از نزدیکی شوهر با او باید مدتی قبل از غسل صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود یا نه و اگر فورا غسل کرد و آبی یا رطوبتی مشکوک، خارج شد تکلیفش چیست؟

جواب: خروج

منی مرد از زن، موجب غسل نمی باشد بنا بر این صبر کردن لازم نیست و اگر قبل از غسل یا بعد از غسل رطوبتی خارج شود در صورتی که بداند منی است باید آن را نجس بداند و اگر مشکوک باشد محکوم به طهارت است.

غسل حیض، استحاضه و نفاس

(سؤال ۶۶) در حدّ اقل حیض که سه شبانه روز یعنی ۷۲ ساعت را معتبر می دانید آیا شب و روز اول ملاک است یا شب روز سوم و در حدّ اکثر حیض و نفاس و نیز مدت زمان

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۴

فاصله بین دو حیض که ده روز است آیا مراد ده شبانه روز است و اگر این مراد باشد ملاک آیا شب روز اول است یا شب روز آخر و یا اصولا ده روز و نه شب کافی است؟

جواب: بنابراین قول مطرح کردن شب اول و آخر وجهی ندارد بلکه از حین شروع تا پایان ۷۲ ساعت، مقصود است و همچنین منظور از ده روز ۲۴۰ ساعت از اول طهر و پاکی است.

(سؤال ۶۷) زنی آبستن مدت سی الی چهل روز متوالی خون می بیند، و طبق گفته پزشک معالج احتمال دارد خوف و وحشت دلیل این امر باشد. حال آیا این زن حائض است یا مستحاضه، و اگر هیچ کدام، وظیفه او در قبال تکالیف شرعی اش چیست؟

جواب: به مقدار عادت خود حیض قرار داده، و بقیه حکم استحاضه را دارد؛ و اگر در حیض عادت نداشته باشد، به تفصیلی که در رسالۀ توضیح المسائل بیان شده است عمل نماید.

(سؤال ۶۸) نظر بعضی از مراجع اینست که اگر زن حامله یک لحظه هم خون دید آن را حیض

قرار دهد تا خلافش معلوم گردد نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در این مسأله زن حامله با غیر حامله فرق نـدارد پس اگر یک لحظه خون ببینـد و خون قطع شود معلوم است که حیض نیست و اگر قطع نشـده باشد و نداند که سه روز ادامه خواهد داشت یا خیر، همان تفصـیلی که در رسالۀ توضـیح المسائل ذکر شده درباره او جاری است.

(سؤال ۶۹) استفاده از قرص و آمپول ضدّ قاعدگی برای خانمها در ایام حج و یا ماه رمضان با فرض ضرر نداشتن جایز است یا نه؟

جواب: اشکال ندارد.

(سؤال ۷۰) زن مستحاضه کثیره و متوسطه هنگام غسل کردن آیا لازم است قصد نوع استحاضه که از کدام قسم است را بنماید یا نه؟

جواب: لازم نیست.

(سؤال ۷۱) آیا زنان پس از رسیدن به سنّ یائسگی ممکن است شرعا خون استحاضه ببینند یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۵

جواب:: بلی ممکن است و اگر خون ببینند اگر چه دارای صفات خون حیض باشد در حکم استحاضه است.

(سؤال ۷۲) در نفاس آیا شرط است که بچه از مجرای طبیعی به دنیا بیاید یا اگر به وسیله جرّاحی از رحم بیرونش آوردند ولی از مسیر طبیعی خون بیاید همان، نفاس می باشد؟

جواب: تولّد از مسیر طبیعی شرط نیست و خون مورد سؤال، خون نفاس می باشد.

(سؤال ۷۳) در غسـل ترتیبی دادن هر کـدام از سـر و گردن و طرف راست و چپ بـدن، آیـا نظیر شسـتن اعضای وضو، ترتیب یعنی از سمت بالا به پایین شستن، شرط است یا نه؟

جواب: شرط نیست.

غسل میّت و مسّ میّت

(سؤال ۷۴) برای غسل دادن زن میّت شیعه اگر امر دائر شد بین زن سنّی و مرد شیعه

ولی نامحرم یا بین زن کافر و مرد شیعه و نامحرم کدام یک مقدم است؟

جواب: زن سنّی مقدم است و در صورت عدم امکان آن، زن کافر مقدم بر مرد نامحرم است.

(سؤال ۷۵) آیا تماس پیدا کردن با اعضای داخل شکم که از بدن شخص زنده جدا می شود مثل مقداری از معده یا روده که استخوان ندارد آیا غسل واجب است؟ و آیا دست زدن به آن موجب نجس شدن دست می شود؟

جواب: در مفروض سؤال، غسل مسّ میّت واجب نمی شود ولی آن عضو جدا شده نجس است و هر چیزی با آن با رطوبت ملاقات کند نجس می شود.

(سؤال ۷۶) اگر هنگام جرّاحی، قسمتی از بدن شخص زنده که استخوان و گوشت دارد قطع شد تماسّ دست با آن موجب غسل مسّ میّت می شود؟

جواب: در فرض مسأله، غسل مسّ میّت واجب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۶

(سؤال ۷۷) اگر بچه چهار ماه به بالا- در رحم مادر بمیرد یا بچه هنگام زایمان بمیرد و بدن دکتر هنگام بیرون آوردن بچه از شکم مادر با آن تماس پیدا کرد غسل واجب می شود؟

جواب: در این فرض نیز غسل مسّ میّت واجب می شود.

(سؤال ۷۸) مسّ میّت مطلقا غسل دارد و لو اهل کتاب یا مشرک؟

جواب: بعد از سرد شدن بدن میّت اگر چه کافر باشد غسل دارد ولی مسّ بدن مسلمان بعد از تمام شدن غسلهایش غسل ندارد.

(سؤال ۷۹) زنی که بچه در رحم او مرده علی القاعده بر او غسل مسّ میّت واجب می شود حال اگر نمی دانست و مدّتی با این حال نماز خواند یا روزه گرفت ولی در طول این مدّت غسل جنابت نموده آیا کفایت

از غسل مسّ میّت می کند یا نه؟

جواب: غسل جنابت از آن کفایت می کند ولی نمازهایی که بعد از ایّام نفاس و قبل از انجام غسل جنابت خوانده قضا دارد لکن روزه هایی که در آن ایّام گرفته قضا ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۷

مسائل مسجد و اماکن مقدسه

(سؤال ۸۰) زدن عکسهایی از رجال و شهداء انقلاب در مسجد که گهگاهی موجب خرابی مسجد هم می شود و کلا وجود عکس در مسجد چه صورت دارد؟ (کمیته پاسخ به سؤالات سازمان تبلیغات اسلامی)

جواب: زدن عکسهای رجال و شهدای انقلاب به منظور تعظیم شعائر و تبلیغات انقلابی در مساجد اگر موجب تخریب و ضرر به مسجد نشود حرام نیست گرچه وجود آنها در موقع نماز مکروه است.

(سؤال ۸۱) به جهت تبلیغ اسلام در مسجد بندر امام خمینی برنامه سخنرانی برای هدایت کفاری که از طریق بنادر کشتیرانی به ایران می آیند برگزار می کنیم آیا از جهت ورود کافر به مسجد اشکالی دارد یا خیر؟

جواب: اشکال دارد و اگر در جنب مسجد جایی را بدون وقف به عنوان مسجد برای این گونه موارد تعیین نمایند حل اشکال می شود.

(سؤال ۸۲) آیا داخل شدن کفار در مسجد برای شنیدن مطالب اسلامی اشکال دارد یا نه؟

جواب: اشکال دارد.

(سؤال ۸۳) رحل گذاشتن در مسجد و مانند آن آیا موجب حق اولویّت برای صاحبان آن می شود یا نه؟

جواب: اگر بعد از گرفتن جا و گذاشتن رحل، مراجعتش طول نکشد به نحوی که اگر کس دیگر در آنجا بنشیند عرفا غصب جای صدق بکند جائز نیست و در غیر این فرض، اولویّت ثابت نیست اگر چه احوط اینست که تا شب، جای او را نگیرند.

(سؤال ۸۴) ضابطه رحل گذاشتن

چیست؟ مثلا اگر شب، چیزی را رحل گذاشت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۸

برای نماز فردا موجب اولویّت می شود یا نه؟. و آیا گذاشتن امثال کتاب، روزنامه، دستمال و لباس کافی است یا باید مهر و تسبیح مثلا باشد؟

جواب: ضابطه آن صدق گرفتن جا است و اختصاص به مهر و تسبیح و سجّاده ندارد بلکه رحل هر قدر بزرگتر باشد گرفتن جا بهتر صدق می کند و گرفتن جا برای فردا موجب اولویّت نمی باشد.

(سؤال ۸۵) اگر جهت ولیمه دادن عقد و یا ازدواج، در مسجد دعوت نمایند و مراسم عروسی در مسجد و حیاط آن برگزار شود چه صورتی دارد؟ اگر تکیه باشد چطور؟ ضمنا احتمال خنده قهقهه و یا شوخی ها و بازی ها در مراسم باشد یا نباشد؟

جواب: اگر با نماز و مراسم مسجد و تکیه مزاحمت نداشته باشد و کارهایی که مستلزم هتک احترام است انجام نگیرد اشکال ندارد و در غیر این فرض جائز نیست.

(سؤال ۸۶) بعضی اعضای هیئت امناء حسینیه ها از تشکیل کلاس سوادآموزی در آنها به این عذر که مادران با آوردن بچه های خود موجب نجس شدن حسینیه ها را فراهم می کنند از آن ممانعت می کنند آیا حق دارند شرعا؟

جواب: در مواقعی که مزاحمت با مراسم حسینیه ندارد حق ممانعت ندارند و اگر به حسب اتفاق، نجس شود تطهیر نمایند.

(سؤال ۸۷) شخص جنب و حائض داخل حرم امام زادگانی که قطعی است و اختلافی نیست جایز است برای زیارت برود؟

جواب: مانعی ندارد و اگر به منظور حفظ احترام، از صحن زیارت کنند بهتر است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۳۹

مسائل قرآن

(سؤال ۸۸) نوشتن آیات قرآنی و یا اسماء اللّه بدون طهارت جائز است یا

نه؟

آیات قرآنی که بر روی تخته سیاه نوشته می شود و بعدا پاک می گردد و معمولا گردها و خاکریزه هایی هنگام نوشتن روی زمین ریخته می شود جائز است بدون وضو به آنها (گردها) دست برسد؟

جواب: حرام نیست.

(سؤال ۸۹) نوارهایی که قرآن روی آنها ضبط شده است از نظر وجوب احترام، لمس آن بدون وضو حکم خط قرآن را دارد؟

جواب: همه احکام خط قرآن را ندارد ولی هتك آن جائز نیست.

(سؤال ۹۰) بعضی افراد از خواندن قرآن به این عذر که ما غلط می خوانیم خودداری می کنند آیا به خاطر غلط بودن قرائت باید آن را ترک کرد؟

جواب: اگر غلط بخواند و کوشش داشته باشد که کلمات را صحیح بخواند غلط خواندن اشتباهی حرام نیست.

(سؤال ۹۱) بر اذان و قرآن ضبط صوت که از بلندگو یا رادیو پخش می شود احکام خاصّ خود نظیر اکتفاء به اذان پخش شده یا وجوب سجده هرگاه آیه سجده پخش شد جریان دارد یا نه؟

جواب: در مفروض سؤال، اذان را رجاء بگوید و بنابر احتیاط واجب خصوصا اگر گوش بدهد سجده هم بجا آورد.

(سؤال ۹۲) رد و بدل کردن قرآن با کفار و اهل کتاب که به منظور خواندن و مطالعه و بررسی روی آیات آن صورت می گیرد آیا جائز است؟

جواب: اگر کافر واقعا می خواهد از آن استفاده کند و قصد اهانت ندارد مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۰

(سؤال ۹۳) آیا جائز است برای شخص جنب گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» یا خیر؟ چون قاعدتا این آیه شریفه هم از چهار سوره ای محسوب می شود که سجده واجبه دارند؟

جواب: اگر به قصد سوره های سجده نگوید اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۱

مسائل میّت

غسل میّت

(سؤال ۹۴) راجع به مسائلی که در مناطق زلزله زده مورد احتیاج می باشد نظر مبارک را بیان فرمایید. ادام اللّه تأییداتکم. (جمعی از طلاب حوزه علمیه قم)

۱- در صورت نبودن آب، تکلیف نسبت به غسل میّت چیست؟

ج- اگر تأخیر غسل تا زمان تهیه آب مستلزم اهانت بر میّت باشد، باید با تیمّم دفن شود، و بنابر احتیاط واجب، عوض هر غسل، تیمّم جداگانه داده شود و یک تیمّم هم به نیّت مجموع اغسال داده شود؛ یا اینکه در یکی از تیمّم های سه گانه قصد ما فی الذّمه «۱» شود.

۲- در صورت کثرت اموات و عدم امکان غسل از جهت اضطرار و ضیق وقت، چه باید کرد؟

ج- حکم اول را دارد.

۳- در صورت عدم امکان غسل با سدر و کافور چه باید کرد؟

ج- در فرض مسأله باید هر سه غسل با آب خالص داده شود.

۴- در صورت نبودن محرم و مماثل «۲» برای غسل تکلیف چیست؟

ج- غسل و تیمّم هر دو ساقط است.

۵- در صورتی که اجزاء به نحوی بودند که معلوم نیست واجب الغسل هستند یا نه تکلیف چیست؟

ج- در صورت عدم امکان تشخیص و تحقّق چنین فرضی، غسل واجب نیست.

---

(۱)- قصد ما فی الذّمه: نیّت کردن آنچه واقعا بر ذمه انسان است.

(۲)- مماثل: هم جنس.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۲

۶- در صورتی که بعضی از اعضای رئیسه بدن مفقود شده باشد، تعجیل در تجهیز با شرایط موجود لازم است یا نه؟

ج- هر چه از اجزای بدن موجود است باید به احکام آن عمل شود.

۷- اگر معلوم نباشد که عضوی مربوط به زن است یا مرد تکلیف چیست؟

ج- اگر مشتمل بر استخوان باشد بنابر احتیاط

و در صورت امکان هر سه غسل را از روی لباس یک بار مرد انجام بدهد، و یک بار هم زن.

(سؤال ۹۵) در صورتی که آب نبود و مواضع تیمّم نیز از بین رفته باشد تکلیف چیست؟

جواب: اگر تأخیر غسل تا زمان تهیه آب مستلزم اهانت بر میّت باشد باید بدون غسل و تیمّم دفن شود.

(سؤال ۹۶) اگر بخشی از بدن که قابل تشخیص نیست پیدا شود جهت انجام مراسم وظیفه چیست؟

جواب: بیشتر از قدر متیقّن واجب نیست مثلا اگر نمی توانند تشخیص بدهند که مشتمل بر استخوان است یا خیر، غسل واجب نیست و اگر نمی توانند تشخیص بدهند که مشتمل بر استخوان سینه است یا خیر، نماز واجب نیست.

(سؤال ۹۷) در صورت عدم امکان تطهیر بدن جهت تیمّم چه باید کرد؟

جواب: با همان حال، تیمّم داده شود و در صورت امکان اگر عین نجاست موجود است، ازاله شود.

کفن میّت

(سؤال ۹۸) در صورتی که پارچه برای کفن پیدا نشود تکلیف چیست؟

جواب: تکلیف تکفین ساقط است.

(سؤال ۹۹) در صورتی که پارچه باشد ولی مجهول المالک است کفن با آن چه صورتی دارد؟

جواب: جائز نیست بلی در صورت یأس از پیدا شدن مالک آن، مجاز هستند که آن را به عنوان صدقه به یک فرد مستحقّ تملیک نمایند؛ و اگر آن فرد خواست تبرّعا جهت کفن واگذار نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۳

(سؤال ۱۰۰) اگر مثلا ۱۰۰ جنازه داشتیم و کفن به اندازه ۲۰ جنازه داشتیم. به کفن ناقص امّا برای همه اکتفا کنیم؟ یا کفن کامل برای ۲۰ جنازه باید باشد؟

جواب: اگر کفن از ترکه آنها نباشد اختیار با مالک کفن است و اگر برای مطلق

آنها ارسال شده و افرادی که متصدی دفن جنائز هستند متمکن از فهمیدن منظور ارسال کننده نیستند بنابر احتیاط تقسیط «۱» نمایند.

(سؤال ۱۰۱) آیا تکفین میّت با کفنهایی که آیات قرآن و اسم جلاله و اسامی انبیاء (ص) و معصومین (ع) بر آنها نوشته شده جایز است یا نه؟

جواب: در هر جای کفن که در معرض آلوده شدن و موجب هتک حرمت نیست علاوه بر جواز اگر به رجاء مطلوبیّت نوشته شود ثواب هم دارد.

نماز میّت

(سؤال ۱۰۲) انجام فریضه نماز میّت بر اموات مختلف به چه صورت است؟

جواب: تشریک در نماز میّت مانع ندارد به این معنی که چند میّت در مقابل نمازگزار قرار دهند و یک نماز به نیّت همه آنها خوانده شود و ضمیرهایی که راجع به میّت است به صیغه جمع گفته شود.

(سؤال ۱۰۳) اگر هنگام نماز بر میّت، پدر او و اولی به میراث او حاضر نباشند چه باید کرد؟

جواب: در صورت امکان از حاکم شرع استیذان «۲» نمایند و در صورت عدم امکان، اجازه ساقط است.

دفن میّت

(سؤال ۱۰۴) اگر فردی را با لباس و بدون مراسم دفن نموده اند تکلیف چیست؟

جواب: اگر به قدری طول نکشیده که جسد میّت عفونت برداشته و نبش قبر مستلزم هتک باشد در صورت امکان باید جنازه را بیرون آورده و پس از انجام مراسم دوباره دفن نمایند.

---

(۱)- تقسیط: تقسیم مساوی بر همه.

(۲)- استیذان: اجازه خواستن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۴

(سؤال ۱۰۵) اینکه در رساله مرقوم فرموده اید برای اثبات حقی می توان قبر میّت را شکافت آیا اگر میّت، زن باشد و کسی متّهم به ایراد ضرب بر او و یا مسموم نمودن او و یا تجاوز به عنف به او شد و دادگاه صالحی نیاز به معاینه پزشکی یا کالبد شکافی زن پیدا کرد نبش قبر او و انجام کارهای فوق توسط مرد نامحرم جایز است یا نه؟

جواب: اگر اثبات حق متوقّف بر آن باشد و حاکم شرع جامع الشرائط لزوم آن را احراز کرده باشد مانع ندارد.

(سؤال ۱۰۶) بعد از دفن اگر نماز بر میّت خوانده نشده باشد تکلیف چیست؟

جواب: باید بر قبر خوانده شود.

(سؤال ۱۰۷) دفن میّت بدون

اجازه ولیّ در چنین موقعی چه صورتی دارد؟

جواب: استیذان از ولیّ در صورت عدم امکان، ساقط است.

(سؤال ۱۰۸) محل دفن اگر ملکیتش مجهول است تکلیف چیست؟

جواب: اگر از اراضی مباحه نباشد و مالک مجهول داشته باشد باید در مکان دیگر بلا مانع دفن شود.

(سؤال ۱۰۹) در گورهای دسته جمعی مراعات تکلیف زن و مرد در صورت عدم امکان لازم است یا نه؟

جواب: لازم نیست.

(سؤال ۱۱۰) در صورتی که افراد، زیر آوار مانده اند و اطمینان به موت آنها باشد و خارج کردن آنها احتمال متلاشی شدن عضو را دارد آیا خارج کردن آنها برای انجام مراسم واجب است یا نه؟

جواب: اگر یقین داشته باشند که هیچ یک از آنها زنده نیستند وجوب بیرون آوردن آنها جهت انجام تجهیزات و مراسم، دائر مدار امکان بدون هتک است.

(سؤال ۱۱۱) بچه در شکم مادر هر دو فوت کرده اند آیا باید بچه را بیرون آورد و جدا دفن کرد؟ چطور؟

جواب: نباید بچه را بیرون آورد بلکه باید مادر را با همان حال بعد از تغسیل و تکفین مانند زنهای غیر حامله دفن نمایند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۵

مسائل نماز

وقت نماز

(سؤال ۱۱۲) اوقات نماز با اینکه پنج گانه است چرا شیعیان مراعات نمی کنند؟

(تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: خواندن نمازها را در پنج وقت به نحوی که در رساله های عملیه بیان شده است ثواب آن زیادتر است ولی روایات کثیره از ابن عباس و غیر او وارد شده است که برای اینکه امت در مضیقه نباشند رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشاء را پشت سر هم خواندند.

(سؤال ۱۱۳) کسانی که در قطبین (علی الفرض) ساکن می باشند تکلیف

آنها نسبت به نمازهای یومیه و روزه ماه رمضان «با فرض اینکه آنجا شش ماه شب و شش ماه روز است» چیست؟ و آیا سکونت در چنین مناطقی اختیارا جائز است یا نه؟ مستدعی است علاوه بر بیان نظر مبارک، نظر مرحوم امام را هم در این مسأله بیان فرمایید، گویا بیان ایشان در تحریر الوسیله ظهور در این دارد که در تمام سال که در قطب، یک شبانه روز است پنج نماز (۱۷ رکعت) بیشتر واجب نیست، روزه هم در ماه رمضان در آنجا ساقط است و این بعید به نظر می رسد.

جواب: ظاهر ادلّه همان است که جنابعالی از عبارت تحریر الوسیله استظهار کرده اید و بعدی هم ندارد کما اینکه دلیلی بر منع از سکونت در آن مناطق وجود ندارد اگر چه احتیاط در اینست که علاوه بر ۱۷ رکعت نماز مذکور نسبت به نماز و روزه طبق مناطق معتدله نیز عمل نماید و این احتیاط حتی الامکان ترک نشود و احوط از آن اینست که قضای روزه ها را نیز در مناطق دیگر بگیرد کما اینکه در تحریر الوسیله نیز در اواخر مسألهٔ ۵ فرموده اند:

«و کذا من کان فی القطب وفات منه شهر رمضان علی اشکال.»

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۶

(سؤال ۱۱۴) آیا در ماه رمضان برای خواندن نماز صبح باید صبر کنیم تا نور سپیده بر نور ماه غلبه کند یا خیر؟

جواب: اگر یقین به طلوع فجر حاصل شود صبر کردن واجب نیست ولی مطابق احتیاط است.

(سؤال ۱۱۵) در روایت تحویل قبله که البته در نظر دارید مشتمل بر این جمله است: حتی قام الرجال مقام النساء و النساء مقام الرجال،

ظاهر روایت نماز جماعت است، و این مستلزم آن است که پیغمبر (ص) در حال نماز با مردها راه روند تا در مقام زنها مستقر شوند و همچنین زنان بروند در جایگاه مردان قرار گیرند تا تقدم مردان بر زنان محفوظ بماند و اگر از روایت معنی دیگری استفاده می شود بیان فرمایید.

جواب: راه رفتن در حال نماز در بعض موارد تجویز شده و مورد سؤال نیز از آن جمله می باشد.

پوشش زن در نماز

(سؤال ۱۱۶) زن در حمّام است و وقت برای نماز، تنگ است اگر بخواهد بیاید بیرون و با پوشش نماز بخواند نمی رسد آیا می تواند بدون پوشش لازم نماز بخواند یا نه؟

جواب: در فرض مسأله باید با مقدار پوشش ممکن نماز بخواند و در صورت داشتن پوشش غیر کافی برای تمام بدن پوشاندن عورت مقدم است.

(سؤال ۱۱۷) زن ناشزه که حق نفقه و مخارج و مسکن ندارد اگر در خانه شوهر و با لباسی که شوهر به او داده نماز بخواند درست است یا نه؟

جواب: اگر شوهرش راضی نباشد حکم غصب را دارد.

(سؤال ۱۱۸) اگر زن در حین نماز چادرش سهوا یا توسط باد افتاد و یا در جایی نماز بخواند که احتمال می دهد باد، چادرش را بیندازد چه تکلیفی دارد؟

جواب: اگر در اثنای نماز، ستر زائل شود در بقیه نماز، ستر خود را حفظ کند و نماز را تمام کند و بنابر احتیاط نماز را اعاده نماید و اگر قبل از شروع، احتمال عقلایی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۷

بدهد که تا آخر نماز نمی تواند ستر خود را حفظ کند باید در جای امن نماز بخواند مگر جای امن وجود نداشته باشد.

(سؤال ۱۱۹) ستر

زن بدن خود را در نماز با پوشش بدن نما و یا با لباسی که برجستگی های بدن را نمایان می کند چه حکمی دارد؟

جواب: با پوشش بدن نما نماز صحیح نمی باشد ولی معلوم بودن شکل اعضای بدن موجب بطلان نماز نیست.

(سؤال ۱۲۰) اگر چیزهای کوچک غصبی مانند دستمال و ... عمدا همراه نمازگزار باشد نماز باطل است؟

جواب: باطل است.

مکان نمازگزار

(سؤال ۱۲۱) زمینهایی از طرف سازمان عمران اراضی شهری به کارمندان و غیره در مقابل هر قطعه به مبلغ معینی واگذار شده است و افراد، هر کدام با صرف هزینه معینی برای خود، خانه مسکونی تهیه نموده اند آیا انجام فرائض دینی در این خانه ها چه صورت دارد؟ (سازمان تأمین اجتماعی ارومیه)

جواب: اگر زمین موات بوده یا از طرف حاکم شرع مصادره شده مانعی ندارد.

اذان و اقامه

(سؤال ۱۲۲) آیا مشروعیت گفتن اقامه مقیّد به گفتن اذان است یا می توان آن را بدون اذان در نمازهای یومیه گفت؟

جواب: مشروعیت و استحباب اقامه مقیّد به گفتن اذان نیست.

(سؤال ۱۲۳) آیا شهادت به امامت ائمۀ طاهرین (علیهم السلام) در اذان و اقامه مستحب است یا خیر؟

جواب: شهادت به ولایت و امامت ائمه معصومین (علیهم السلام) جزء مذهب است ولی جزء اذان و اقامه نیست لکن اگر به قصد جزئیت گفته نشود ثواب دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۸

نیّت

(سؤال ۱۲۴) در بعضی عبادات و اجزاء آنها گاه در رساله ها دیده شده رجاء بخوانند رجاء یعنی به امید ثواب یا رجاء یعنی به امید پذیرش الهی؟

جواب: یعنی به امید مطلوبیت انجام دهد نه به قصد ورود تا اینکه مستلزم نسبت دادن حکم غیر معلوم به خداوند متعال گردد.

قیام

(سؤال ۱۲۵) چرا بستن دستها در موقع نماز، نماز را باطل می کند؟ (تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: چون مطابق دستور شارع مقدس نیست و بدعت است.

قرائت

(سؤال ۱۲۶) اگر کلمه ای در نماز غلط گفته شد آیا تکرار همان لفظ کافی است یا باید از اول جمله خوانده شود. مثلا «نستعین» را غلط گفت یا در حال حرکت بدن اداء کرد آیا باید از «ایّاك» تکرار نماید؟

جواب: تکرار آن از اول آیه لازم نیست ولی در بعضی موارد مانند مضاف و مضاف الیه و جار و مجرور «۱» و کلمه ای که الف و لام دارد اگر وصل به ما قبل کرده باشد مثل «المستقیم» طبق احتیاط در این گونه موارد مضاف و جار و کلمه قبل از الف و لام را نیز تکرار کند.

(سؤال ۱۲۷) در قرائت، باء «غیر المغضوب» بی اشباع خوانده شود بهتر است یا با اشباع. آیا به هر یک از آنها بخوانیم جائز است؟

جواب: اشباع «۲» ندارد ولی اشباع مختصر موجب بطلان نماز نمی شود.

---

(۱)- مضاف و مضاف الیه، نظیر «غیر المغضوب» و جارّ و مجرور نظیر «للّه» و «علی اللّه».

(۲)- اشباع: غلیظ نمودن حرکت آخر کلمه به حدّی که مثلا از کسره «مغضوب» حرف یاء به گوش بخورد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۴۹

رکوع و سجده و تشهد

(سؤال ۱۲۸) زنان حامله که احیانا رکوع یا سجده بر ایشان مشقّت غیر معمولی داشته باشد چگونه باید آنها را بجا آورند؟

جواب: حکم مریض را دارند که نمی تواند سجده یا رکوع کامل انجام دهد که اگر می توانند مقداری خم شوند باید همان مقدار، خم شوند و اگر نمی توانند با ایماء و اشاره رکوع و سجده نمایند.

(سؤال ۱۲۹) مهر نماز به وسعت یک اشرفی متّصلا شرط است یا اگر پراکنده هم باشد مثلا خطهای برآمده داشته باشد جائز است؟

جواب: آنچه از پیشانی به طور پراکنده به

مهر می رسد اگر مجموع آن به مقدار لازم باشد کفایت می کند.

(سؤال ۱۳۰) چرا و به چه دلیل بر اشیای پوشیدنی و فرش، سجده جائز نیست؟

(تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: نظر به اینکه مأکولات و ملبوسات و معادن مورد علاقه نوع بشر است و سجده بر آنها از خلوص و خضوع می کاهد لذا طبق روایت معتبره سجده بر آنها ممنوع شده است.

(سؤال ۱۳۱) در مورد قضای تشهد فراموش شده آیا بعد از قضای تشهد، سلام نماز هم می خواهد یا نه؟

جواب: اگر فراموش شده تشهد اوّل باشد، قضای آن سلام ندارد و اگر تشهد دوم را فراموش کرده و سلام داده باشد طبق احتیاط بدون نیّت اداء و قضاء به نیّت ما فی الذّمه تشهد را بخواند و سلام را هم بگوید و دو سجده سهو نیز بجا آورد.

تسبیحات اربعه

(سؤال ۱۳۲) اگر مرجع تقلید یک بار تسبیحات اربعه را کافی می داند آیا می توان دو بار گفت؟

جواب: به قصد مطلق ذکر مانع ندارد ولی به قصد ورود نمی تواند بگوید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۰

شکیّات

(سؤال ۱۳۳) اگر کسی مثلا بین ۱ و ۲ کثیر الشّک باشد به بقیه شکهای رکعات مانند ۳ و ۴ و یا ۲ و ۳ نیز باید به دستور کثیر الشّک عمل نماید یا نه؟

جواب: در فرض مسأله در غیر صورت شک بین یک و دو حکم کثیر الشّک را ندارد.

(سؤال ۱۳۴) آیا این گفته صحیح است که اگر کسی یک بار و در یک نماز بین ۱ و ۲ شک کند بلا فاصله در نماز بعدی بین ۳ و ۴ شک کند و بار دیگر در نماز بعدی بین ۲ و ۳ شک کند کثیر الشّک است؟

جواب: شخص مذکور کثیر الشّک است.

(سؤال ۱۳۵) اگر کسی بعد از سر برداشتن از رکوع شک کند که آیا به رکوع امام جماعت رسیده است یا نه چه باید بکند؟

جواب: اگر در حال رکوع توجه داشته و یقین به درک رکوع امام داشته به شک خود اعتناء نکند و اگر غافل بوده احتیاط کند یعنی نمازش را تمام کند و دوباره بخواند.

(سؤال ۱۳۶) جماعتی با شرکت دو نفر برپاست امام و مأموم، امام در بین نماز بین رکعات ۱ و ۲ شک می کند مأموم نیز همین شک را کرده است. با توجه به اینکه مأموم بین رکعات ۱ و ۲ کثیر الشّک است وظیفه این دو نفر چیست؟

جواب: نماز امام باطل است، و مأموم بنا را بر ۲ می گذارد و نمازش را فرادی

تمام می کند.

(سؤال ۱۳۷) اگر کسی بین رکعات ۱ و ۲ کثیر الشّک باشد و در نمازی شک کند که آیا یک رکعت خوانده یا دو رکعت و مظنّه پیدا کند (مثلا احتمال نسبتا قوی بدهد که رکعت اول است) باید به دستور کثیر الشّک عمل کند یا به دستور مظنّه؟

جواب: باید طبق مظنّه خود عمل کند.

(سؤال ۱۳۸) آیا حکم کثیر الظنّ و کثیر الیقین نظیر کثیر الشّک است؟ مانند کسی که در یک کلمه یا فعل از نماز اکثرا یا گمان به درست نبودن و یا یقین به آن پیدا می نماید.

آیا نظیر قطع قطّاع یا ظنّ ظنّان حجت نیست؟

جواب: یقین کثیر الیقین حکم یقین دارد و ظنّ کثیر الظنّ حکم ظنّ.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۱

سجده سهو

(سؤال ۱۳۹) آیا در سجده سهو، سلام آخر نماز را بگوید بهتر است؟ و نیز در نافله؟

جواب: در نافله بعد از تشهد، سلام آخر کفایت می کند ولی بهتر نیست، و در سجده سهو احوط اکتفاء به سلام آخر است.

(سؤال ۱۴۰) اگر انسان سجده سهو را عمدا تأخیر بیندازد که به نماز جماعت برسد، جائز است؟

جواب: جائز نیست، ولی نمازش باطل نمی شود.

نماز قضا

(سؤال ۱۴۱) زنی از روی جهل به مسأله مدتی بعد از غسل حیض یا نفاس و استحاضه بدون وضو نماز خوانده آیا قضاء آنها واجب است یا نه؟

جواب: بنابر احتیاط واجب قضا دارد.

(سؤال ۱۴۲) کسی که در زمان کفرش نماز و روزه بجا نیاورده آیا قضا دارد یا نه با توجه به اینکه پدر و مادرش هم مسلمان بوده اند که مرتد فطری می شود و اگر کافر ملی باشد چطور؟

جواب: قضای نماز و روزه بر مرتد واجب است ولی بر کافر اصلی اگر مسلمان شود قضای زمان کفر واجب نیست.

(سؤال ۱۴۳) پدر با وجود پسر بزرگ وصیّت می کند که نماز و روزه قضاشده اش را پسر کوچکترش که طلبه می باشد انجام

دهد آیا این وصیّت نافذ و عهده دار این وظیفه کدام یک از پسران او می باشد؟

جواب: اگر او وصیّت کرده باشد که اجرت نماز و روزه را از ثلث «۱» او بردارند در فرض سؤال باید پسر کوچکتر در صورت امکان، خودش انجام دهد و در صورت

---

(۱)- ثلث یعنی ۳/ ۱ چیزی.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۲

عدم امکان، استیجار نماید و اگر وصیّت کرده باشد که پسر کوچکتر تبرّعا انجام دهد در این فرض وصیّت نافذ نیست و به عهده پسر بزرگتر است.

(سؤال ۱۴۴)

اگر زن و شوهری به گمان اینکه دخول بدون انزال شخص را جنب نمی کند مدّت هفت سال تقریبا پس از مراجعت از حمام و غسل جنابت، برای عمل مذکور غسل نکرده اند به خیال اینکه جنب نیستند و روزه گرفته اند و نماز یومیه را خوانده اند حالا متوجه شده اند، باید چه کار کنند؟

جواب: نمازهایی که بین آن عمل و غسل جنابت خوانده اند باطل است و آنها را قطعا باید قضا کنند و اگر مقدار آن را ندانند می توانند به مقدار تخمین خودشان قضا نمایند و روزه های آنها ظاهرا صحیح است.

(سؤال ۱۴۵) اگر کسی در اول ماه رمضان غسل جنابت کند و در پانزدهم و بیست و پنجم رمضان نیز غسل جنابت کند و در آخر ماه رمضان یقین کند که یکی از آن سه غسلهای وی باطل بوده است وظیفه این شخص چیست؟

جواب: در مفروض سؤال روزه های او قضاء ندارد و احتیاطا غسل کند و به مقداری که می داند در حال جنابت نماز خوانده است قضاء نماید.

(سؤال ۱۴۶) این جانب پسر بزرگ متوفی هستم، پدرم در حدود هشت سال مریض بود و با همین مرض از دنیا رفت، وصیّت هم نکرده اند ولی این جانب یقین دارم اعمال واجبه خود را در مدت مریضی انجام نداده اند، و قابل تذکر است که مرض ایشان به حدّی بود که خوب و بد را تشخیص نمی دادند، حتی گاهی نظافت را رعایت نمی کردند، آیا مسئولیت این را دارم که نماز و روزه های فوت شده ایشان را در این مدت مریضی اداء نمایم یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، قضای روزه های او بر شما واجب نیست و هر چه از نمازهای او در حال طبیعی

فوت شده باشد باید شما قضای آن را انجام دهید و هر چه از اول وقت نماز تا آخر آن در غیر حال طبیعی بوده، قضای آن واجب نمی باشد؛ و اگر نتوانید مقدار واجب را مشخص کنید می توانید به مقدار معلوم اکتفا کنید.

(سؤال ۱۴۷) الف: قضاء نماز و روزه آیا واجب فوری است یا تا آخر عمر وقت آن باقی است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۳

ب: اگر نماز و روزه استیجاری بر عهده پدر انسان باشد و از دنیا برود آیا قضای آنها بر فرزند بزرگتر واجب است یا نه؟ و اگر پولی بابت آنها در اموال او باشد و صاحبان آن را نشناسیم تکلیف چیست؟

جواب: الف: لازم نیست فورا بجا آورند ولی تأخیر به نحوی که مسامحه و بی اعتنایی صدق کند جائز نیست.

ب: بر فرزند بزرگتر نماز و روزه خود پدر واجب است نه نماز و روزه استیجاری که بر عهده او است ولی از ترکه پدر باید بدهکاریهای او و از جمله پول نماز و روزه های استیجاری باید اداء شود و اگر نماز و روزه ها مقید به انجام خود او نبوده ورثه کسی را برای انجام آنها استیجار کنند و اگر مقید بوده پول آنها را به وصی میت برسانند و اگر مجهول باشد بنابر احتیاط جمع کنند بین صدقه دادن پول آنها و بجا آوردن آنها هر چند یک فقیر پول را به عنوان صدقه قبول کند و نمازها را نیز بخواند.

(سؤال ۱۴۸) چرا نماز زن حائض تخفیف دارد ولی روزه او تخفیف ندارد فلسفه اش چیست؟

جواب: نماز و روزه هر دو از حائض ساقط است ولی نمازهایش قضا ندارد و شاید

حکمت آن این باشد که هر روز، خودش نماز واجب دارد و نمازهایی که اداء آن را خدا واجب نکرده است قضاء آن را هم واجب نکرده است ولی روزه هر روز واجب نبوده لذا قضاء آن را واجب کرده است. «۱»

نماز جماعت

(سؤال ۱۴۹) آیا امام جماعت می تواند اکتفا کند به اذان نماز جماعت که مأموم گفته با توجه به آنکه در حال اذان مشغول نافله بوده و قهرا فصول اذان را کاملا نشنیده؟

جواب: بلی، می تواند اکتفا کند.

(سؤال ۱۵۰) برای امام جماعت بعد از قرائت حمد، گفتن «الحمد للّه ربّ العالمین» مستحب است یا نه؟

---

(۱)- و به عبارت واضح تر: روزه واجب در هر سال فقط یک ماه است ولی نماز در هر روز از سال واجب است لذا قضاء روزه ها بر زنان مشکل نیست به خلاف نمازها.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۴

جواب:: به قصد ذکر مطلق «۱» مانع ندارد ولی به قصد ورود، استحبابش برای امام خالی از اشکال نیست لکن برای مأموم و منفرد مستحب است.

(سؤال ۱۵۱) اگر امام جماعت وسط نماز فهمید نمازش باطل است وظیفه اش چیست؟

جواب: نماز را قطع می کند، ولی مأمومین نمازشان را ادامه می دهند.

(سؤال ۱۵۲) مأموم فهمید که نمازش باطل است مثلا وضو ندارد و خجالت می کشد که برود و بدون نیّت نماز، متابعت می کند، آیا چه صورت دارد؟

جواب: اگر قصد ادامه نماز نکند مانع ندارد.

(سؤال ۱۵۳) کسی که خود را عادل نمی داند می تواند برای کسانی که او را عادل می دانند امام جماعت بشود یا نه؟ و آیا گناه کرده است؟ و بر فرض گناه نماز او مجزی و صحیح است؟ و آیا نفس این کار، مضرّ به عدالت

بر فرض که در او بوده است نمی باشد؟

جواب: عادل شدن واجب است و امام جماعت شدن مستحبّ بنابراین باید اول، عادل شود سپس امامت کند و اگر بدون توبه امامت کند نمازش باطل نیست و اگر مستلزم اغواء مردم نباشد معصیت هم ندارد.

(سؤال ۱۵۴) تجافی چیست و آیا انجام آن لازم است یا خیر؟

جواب: منظور از تجافی در نماز جماعت نیم خیز بودن است که اگر امام جماعت تشهد بخواند و مأموم به واسطه یک رکعت یا سه رکعت عقب تر بودنش وظیفه خواندن تشهد نداشته باشد در این فرض بنابر احتیاط، تجافی می کند و تشهّد را به قصد متابعت می خواند.

نماز جمعه

(سؤال ۱۵۵) آیا در نماز جمعه بعد از قنوت دوم، «سمع اللّه» مستحب است؟

و همچنین در نماز نشسته؟

جواب: در شرع بعد از رکوع وارد شده، ولی بعد از قنوت وارد نشده است.

---

(۱)- ذکر مطلق و مطلق ذکر: گفتن ذکر بدون قصد وجوب و استحباب.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۵

(سؤال ۱۵۶) اگر بر فرض، این جانب امام جمعه را عادل ندانم آیا در این صورت نیز شرکت در نماز جمعه واجب است یا خیر؟

جواب: اگر عادل ندانستن آن ناشی از وسوسه نباشد نمی توانید اقتداء کنید و اگر اقتداء کنید باید نماز ظهر را هم بخوانید.

نماز عیدین

(سؤال ۱۵۷) در نماز عیدین «۱» اگر در رکعت اول به قنوت سوم امام جماعت برسیم وظیفه چیست؟

جواب: هر چه از تکبیرات و قنوتها را درک کرده متابعت می کند و بعد از قنوت پنجم امام بقیه تکبیرات را با قنوتهای بسیار مختصر انجام می دهد و در رکوع، ملحق به امام می شود و اگر مهلت نباشد طبق احتیاط فرادی می کند.

(سؤال ۱۵۸) اگر به رکعت دوم نماز عیدین برسیم وظیفه چیست؟

جواب: بعد از قنوت چهارم امام تکبیر پنجم را با قنوت مختصر و کوتاه انجام می دهد و در رکوع به امام ملحق می شود و بعد از سجدتین رکعت باقیمانده را فرادی می خواند و حکم متابعت در تشهد حکم متابعت در نماز یومیه را دارد.

نماز خوف

(سؤال ۱۵۹) نماز خوف آیا منحصر به صحنه جنگ است یا شامل مواردی که شخص در مسیر حقّی گرفتار ظالمی شده و اگر نمازش را تمام بخواند احتمال خطر دستگیری و گرفتار ظلم شدن می رود نیز می شود؟

جواب: اختصاص به حال جنگ ندارد، و تفصیل آن در رسالهٔ توضیح المسائل ذکر شده است.

---

(۱)- عیدین: عید فطر و قربان.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۶

مسائل روزه

مبطلات روزه

(سؤال ۱۶۰) اگر زنی برای جلوگیری از عادت ماهانه در ماه رمضان قرص مصرف کند تا تمام ماه را روزه بگیرد اشکال شرعی برای خود و روزه ها دارد یا خیر؟

جواب: اگر ضرر نداشته باشد مصرف آن اشکال ندارد و اگر ضرر داشته باشد باید مصرف نکند ولی در صورت مصرف کردن آن مادامی که حائض «۱» نشده باید روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

(سؤال ۱۶۱) هرگاه شخصی در ماه رمضان در سفر روز محتلم شود و قبل از ظهر به وطن (شهر خود) یا محل اقامه برسد آیا می تواند قصد روزه کند یا نه؟

جواب: محتلم «۲» شدن در روز نسبت به روزه آن روز از مبطلات روزه نیست.

(سؤال ۱۶۲) شخص روزه دار اگر در روزه ماه رمضان بدون قصد دخول و یا انزال منی با همسر خود ملاعبه نمود و اطمینان داشت که منی خارج نمی شود یا دخول صورت نمی گیرد ولی تصادفا یا منی خارج و یا دخول محقق شد آیا روزه او باطل است و کفّاره دارد یا نه؟

جواب: در مفروض سؤال کفاره واجب نیست ولی بنابر احتیاط قضا نماید.

(سؤال ۱۶۳) روزه غوّاصان با توجه به عدم اتّصال آب با بدن و سر و صورت آنان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر لباس غوّاصی

به سر و صورت نچسبیده باشد روزه باطل نمی شود و اگر چسبیده باشد اشکال دارد.

(سؤال ۱۶۴) دختری اول بلوغش شده ولی در اثر عدم آگاهی و عدم اهمیّت و

---

(۱)- حائض: زنی که خون حیض می بیند.

(۲)- محتلم: کسی که در خواب از او منی خارج می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۷

اینکه عقلش نیز نسبت به امثال خود کمتر است روزه خود را می خورد به گمان اینکه فقط قضاء دارد آیا کفّاره بر او واجب است؟ و نیز زن شوهردار کفّاره او از مال خودش باید باشد یا از شوهر؟

جواب: اگر جاهل قاصر نبوده و می توانسته بگیرد و عمدا نگرفته کفّاره دارد و کفّاره زن به عهده خود اوست.

(سؤال ۱۶۵) آیا در ماه رمضان استعمال عطر برای روزه دار جایز است؟

جواب: جایز است.

(سؤال ۱۶۶) اشخاصی که به تنگی نفس مبتلا می باشند به دستور پزشک هنگام تنگی شدید نفس توسط وسیله ای که حاوی موادّ گازی یا بخار است از راه دهان موادّی به ریه خودشان می رسانند آیا برای روزه اشکال دارد؟

جواب: اگر بدون استفاده از آن نتوانند روزه بگیرند باید با استفاده از آن روزه بگیرند.

قضا و کفاره روزه

(سؤال ۱۶۷) کسی که روزه ماه رمضان او به علت عذری قضاء شده است و قادر به قضاء نمی باشد می تواند کسی را برای گرفتن روزه خود اجیر نماید؟

جواب: قضاء روزه زنده را کس دیگر نمی تواند بگیرد و اگر برای خودش ضرر داشته باشد و از ماه رمضانی که خورده تا ماه رمضان آینده به واسطه ادامه مرض نتواند قضای آن را بگیرد، قضاء آن ساقط است و باید عوض هر روز یک مدّ، که تقریبا ۱۰ سیر است طعام یعنی گندم یا

جو یا نان و مانند آنها به مستحق بپردازد.

(سؤال ۱۶۸) کسی که روزه قضاء و یا کفاره روزه بر او واجب است آیا می تواند برای دیگری در روزه گرفتن نائب شود؟

جواب: اشکال ندارد ولی خلاف احتیاط است.

(سؤال ۱۶۹) فردی می گوید در منطقه ای ساکنم که سه ساعت شب و بیست و یک ساعت روز است، در ماه رمضان طاقت روزه بیست و یک ساعته را ندارم آیا روزه از من اداء و قضاء ساقط است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۸

جواب:: حکم کسی را دارد که در مناطق دیگر طاقت گرفتن روزه را ندارد که بنابر احتیاط علاوه بر قضاء باید برای هر روز یک مدّ طعام فدیه بدهد. (فدیه یعنی کفاره)

(سؤال ۱۷۰) دستگاه ادرارم نامرتب است و همچنین مدفوعم، به طوری که گاهی به لینت و گاهی به اسهال مزاج مبتلا می شوم و ماه رمضان به واسطه عدم مصرف مایعات و کم شدن آب بدنم خونم غلیظ تر و هر روز دستگاهم نامرتب تر می شود و ممکن است بعد از ماه رمضان این ناراحتی ها تشدید گردد وظیفه روزه ام چیست؟

جواب: در صورت ضرر داشتن روزه، نباید روزه بگیرید.

راه ثابت شدن اول ماه

(سؤال ۱۷۱) در رساله های عملیه می نویسند اگر در یک شهر ماه دیده شود برای شهر دیگر فایده ندارد مگر اینکه هر دو شهر نزدیک باشند یا اینکه در افق با هم متّحد باشند اگر معنی اتّحاد افق اتّحاد در طلوع و غروب باشد شهری که با شهر دیگر نیم ساعت یا یک ساعت فرق دارد مثل ایران و افغانستان آیا هلال که در ایران دیده می شود برای افغانستان کفایت می کند یا نه و اگر کفایت نکند چرا مردم

افغانستان پس از انقلاب ایران به محض اعلان رادیو ایران افطار می کنند؟

جواب: اگر در ایران رؤیت هلال شود برای افغانستان ثابت نمی شود مگر اینکه در طرف شرق ایران رؤیت شود که در این فرض برای افرادی که در طرف غرب افغانستان هستند و با شرق ایران هم افقند ثابت می شود و هر کس بر خلاف وظیفه خود افطار کرده باشد باید قضای روزه را بگیرد و اگر در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد بنابر احتیاط کفّاره هم دارد.

(سؤال ۱۷۲) مراد از افق چیست؟ آیا افق افغانستان با ایران یکی است یا نه و اگر نیست چرا؟ و توافق دو افق تا چه مقدار فاصله است؟

جواب: مراد از اختلاف افق نسبت به رؤیت هلال، آن است که با قطع نظر از موانع خارجی رؤیت هلال در محلی امکان داشته باشد و در محل دوم امکان رویت نباشد و بعضی نقاط دو کشور مورد سؤال هم افق هستند و بعضی نقاط دیگر که از جهت شرق و غرب از هم دور هستند هم افق نیستند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۵۹

مسائل نماز و روزه مسافر

(سؤال ۱۷۳) کسی که در جبهه راننده است نمازش را باید تمام بخواند و در مورد وی سفر اول برگشتن به وطن (شهر خود) است یا رفتن یک مسیر ۸ فرسخی کفایت می کند؟

جواب: اگر از قرارگاه به مقصدی که فاصله آن از قرارگاه بیشتر از چهار فرسخ است برود و به قرارگاه برگردد و پس از آن به سفر برود سفر دوم محسوب می شود.

(سؤال ۱۷۴) اگر کسی به شهری مسافرت نموده و در آنجا قصد اقامه کند و سپس همسر و فرزند او به وی

ملحق شونـد آیـا به عنوان تبعیت جـایز است که عیال و خانواده وی روزه گرفته و نمازشان را تمام بخواننـد اگر چه قصـد اقامه نکرده باشند یا باید علی حدّه قصد کنند؟

جواب: اگر بنـا داشـته باشـند که ده روز یا بیشتر در آنجا بماننـد اگر چه مانـدن آنها به تبع مرد باشـد نماز و روزه آنها درسـت است و الّا حکم مسافر را دارند.

(سؤال ۱۷۵) ما عشایر از زمان قدیم تا کنون در سال، نه ماه در روسـتا و سه ماه تابسـتان را در ییلاق که چراگاه حیوانات است زنـدگی می کنیم که هر کـدام جای معین در آن مرتع داریم. حتی بعضـی افراد عشـیره در همان محل به دنیا آمـده و یا از دنیا رفته که قبرسـتان هم داریم. آیـا این محـل که سه مـاه زنـدگی می کنیم وطن محسوب می شود یـا بایـد هر وقت به آنجا رفتیم قصد ده روز را بنماییم؟

جواب: در فرض سؤال، وطن محسوب می شود.

(سؤال ۱۷۶) مأموری که برای تحقیق در رابطه با انجام وظیفه خود مسافرت می کند در حکم مسافر است یا نه؟

جواب: اگر در مسـیر بیشتر از چهار فرسخی، شغل گشتی و دوره گردی داشته باشد، نماز و روزه او در غیر سفر اول تمام است وگرنه حکم سایر مسافرین را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۰

(سؤال ۱۷۷) نسـبت به حکم نماز و روزه کسانی مانند کارمندان، سـربازان، دانشـجویان و طلّاب علوم دینیه که هر روز بیش از حدّ شـرعی را طی می نمایند و هر یک از اینها برای اداء وظیفه شـغلی خود در سـفر می باشـند کما اینکه بعضـی از این شـغلها مقدمه شغل دیگری است چه صورت دارد آیا

می توان برای امثال دانشجویان و غیره احکام دائم السّفر جاری نمود؟

جواب: حکم دائم السّفر را دارند.

(سؤال ۱۷۸) آیا حضرتعالی تهران را بلد کبیره می دانید؟ آیا اگر مقلدین شما در هر هفته یک یا چند روز از خانه تا محل کارشان که رفت و برگشتش حدود ۵۲ کیلومتر می شود می روند و ساعت نیم یا یک بعد از ظهر برمی گردند، وظیفه شان درباره نماز و روزه چیست؟

جواب: بلاد کبیره با غیر کبیره در احکام سفر به نظر این جانب فرق ندارد مگر اینکه محلّه های آن از همدیگر فاصله داشته باشد به نحوی که بر رفتن از یک محلّه به محلّه دیگر، مسافرت صدق کند بنابراین شخص مذکور حکم مسافر ندارد.

(سؤال ۱۷۹) تابعیت زن نسبت به شوهر و فرزند نسبت به پدر در توطن و اعراض از وطن آیا غیر اختیاری و قهری است یا مربوط به تصمیم خود زن و اولاد می باشد یعنی می توانند خودشان مستقلا و بدون تابعیّت شوهر و پدر تصمیم توطّن و یا اعراض بگیرند؟

جواب: زوجه به طور اطلاق در توطّن تابعیت زوج را ندارد بلکه در صورتی که بنا داشته باشد با هم زندگی کنند محل زندگی زوج برای او هم وطن محسوب می شود و اگر از باب نشوز یا با توافق زوج نخواهد در وطن زوج زندگی کند هر جا را برای خودش وطن قرار دهد وطن او می باشد و اولاد مادامی که زندگی مستقل ندارند در وطن تابع سرپرست خود می باشند و در صورت زندگی مستقل از تابعیت خارج می شوند. (وطن یعنی شهر محل سکونت)

(سؤال ۱۸۰) در احکام نماز و روزه آیا به نظر حضرتعالی بلاد کبیره با غیر کبیره تفاوت می کنند یا

نه و اگر تفاوت می کنند ملاک خارق العاده بودن کبیره چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۱

جواب:: بلاد کبیره در حکم سفر با بلاد دیگر فرق ندارد مگر اینکه محله های آن از یکدیگر جدا باشد به نحوی که بر رفتن از یک محله به محله های دیگر صدق مسافرت کند.

(سؤال ۱۸۱) ملاک در تشخیص بلاد کبیره چیست و آیا اصفهان از بلاد کبیره می باشد؟

جواب: ملاک در کبیره بودن شهر آنست که در بزرگی، خارق العاده باشد و اصفهان و سائر شهرهای ایران غیر از تهران حکم بلاد کبیره ندارد و بلاد کبیره هم به نظر این جانب در احکام سفر با غیر کبیره فرق ندارد مگر اینکه محلّه های آن از همدیگر جدا باشد به نحوی که بر رفتن از محلّه ای به محلّه دیگر صدق مسافرت کند.

(سؤال ۱۸۲) اگر انسان از شهر دیگر زن بگیرد وطن زن کجاست؟ شهر خودش یا تابع شوهر است و اگر تابع شوهر است با چه شرائطی؟

جواب: اگر تصمیم داشته باشد که به عنوان وطن «۱» در وطن اصلی زندگی نکند و در وطن شوهرش زندگی کند وطن اصلی از حکم وطن خارج می شود و وطن شوهرش برای او وطن محسوب می شود.

(سؤال ۱۸۳) در چه مکانهایی انسان مختار است بین قصر و اتمام نماز؟

جواب: در چهار مکان: ۱- مسجد الحرام ۲- مسجد النبیّ (ص) ۳- مسجد کوفه ۴- نزد قبر مطهر حضرت سیّد الشّهداء (ع) و تفصیل آن در رسالۀ توضیح المسائل مذکور است.

(سؤال ۱۸۴) این جانب به شغل زرگری اشتغال دارم و جهت امورات شغلی در هر هفته به طور معمول یک روز به مسافرت می روم و احیانا دو روز در

هفته و یا در دو هفته، خواهشمندم تکلیف نماز و روزه های این جانب را در مسافرت بیان فرمایید.

جواب: در فرض مسأله، نماز و روزه های شما درست است، ولی اگر ده روز یا بیشتر در یک جا بمانید، بعد از آن در سفر اول حکم مسافر را دارید.

---

(۱)- وطن: یعنی شهر محلّ سکونت.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۲

(سؤال ۱۸۵) اگر برای مسافرت (جهت امورات شغلی) با هواپیما از بلیط دیگران استفاده کنم آیا هواپیما مرکب غصبی تلقی می شود و در این صورت وضعیت نماز و روزه ام چه صورتی است؟

جواب: در صورت استفاده غیر مجاز، حکم مرکب غصبی را دارد، که بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم تمام و هم شکسته بخوانید و روزه هم بگیرید و قضای آن را هم بعد از ماه رمضان بگیرید.

(سؤال ۱۸۶) اگر دائم السّفر پس از یک سفر غیر شغلی به محل شغل خود برگردد تا وقتی که به وطن خود مراجعت نکرده نمازش را شکسته بخواند یا تمام؟ مثلا پاسدار است و محل خدمتش قم می باشد و جهت زیارت حضرت عبد العظیم سفری رفته و به قم محل کار و شغل خود برگشته و چند روزی را در قم می ماند و سپس به اصفهان (وطن خود) سفر می کند تکلیف نماز این چند روزه اش چیست؟

جواب: اگر برای ادامه شغل خود به محل شغل آمده باشد سفر غیر شغلی او پایان یافته است و اگر به عنوان عبور به محل شغل آمده باشد مادامی که به وطنش نرسیده حکم مسافر را دارد.

(سؤال ۱۸۷) دائم السّفر که پس از اقامه ده روز باید در سفر اول نمازش را شکسته بخواند اگر سفر

اول او یک مسیر طولانی باشد مثل اینکه از اصفهان به مشهد سفر کند پایان سفر اول او کجاست مشهد و یا اصفهان که مبدأ سفر او بوده؟

جواب: در مفروض سؤال مادامی که به وطنش مراجعت نکرده است حکم مسافر دارد بلی اگر به قصد مقصدی حرکت کرده و پس از رسیدن به مقصد به قصد مقصد دیگر سفر کند سفر دوم محسوب می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۳

مسائل خمس

خمس سرمایه ها و درآمدها

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۱، ص: ۶۳

(سؤال ۱۸۸) این جانب تا کنون خمس نداده ام و مقداری پول نقد دارم که در بانك جهت گرفتن وام برای خرید خانه ذخیره نموده ام آیا خمس، فقط به پول موجودی یا به کلیه اموال تعلق می گیرد؟

جواب: پولهای ذخیره شده بعد از گذشتن یک سال از تحصیلش دادن خمس آن واجب می شود و دارابیهای دیگر اگر جزء مایحتاج باشد و با پولی که خمس نداشته خریده باشد خمس ندارد وگرنه خمس آنها را باید بدهد.

(سؤال ۱۸۹) شخص، خانه یا وسیله نقلیه خود را می فروشد آیا به اصل پولی که برای خرید خانه یا وسیله نقلیه داده بوده است خمس تعلق می گیرد یا نه؟ و اگر اصل پول مخمّس «۱» بوده چطور؟ و در هر صورت آیا نظر حضر تعالی در این مورد احتیاط است یا فتوی؟

جواب: اگر با درآمد خود بدون پرداخت خمس آن، خریده بوده و در غیر سال درآمد بفروشد، اگر در همان سال صرف مؤونه کند بنابر اقوی خمس لازم نیست، و اگر تا آخر سال، صرف مؤونه نکند باید سر سال خمس آن

را بپردازد و اگر با پول مخمّس خریده بوده اصل آن خمس ندارد و استفاده آن حکم درآمد سال فروش را دارد.

(سؤال ۱۹۰) موجودی من صد هزار تومان و دو برابر آن به بانک بدهکاری دارم که در طول سالیان متمادی باید بپردازم آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر در سالی که قرض کرده اید اکتساب کرده باشید خمس ندارد و اگر پس انداز سالهای سابق بر قرض باشد خمس دارد، و همچنین است اگر از درآمد سالهای پس از قرض باشد ولی آن را به مصرف اداء قرض نرسانده اید.

---

(۱)- مخمّس: مالی که خمس آن پرداخت شده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۴

(سؤال ۱۹۱) کتابفروشی که کلیه خریدوفروش آن به صورت نسیه می باشد حکم خمس آن چگونه است؟

جواب: باید سر سال، حساب کند و خمس ربح موجود را بپردازد و خمس مطالبات را می تواند تا وقت وصول تأخیر بیندازد.

(سؤال ۱۹۲) آیا خمس اجناس کوپنی را به همان نرخ دولتی باید داد؟

جواب: به هر قیمتی که اگر بخواهید بفروشید از شما می خرند باید از روی آن قیمت، خمس آن را بپردازید.

(سؤال ۱۹۳) گوسفند یا بز در چه صورتی خمس دارند؟

جواب: هر چه با درآمد خود، بدون پرداخت خمس آن تهیه کرده، و همچنین آنچه از گوسفندان نتیجه و بهره به دست آمده خمس دارند.

(سؤال ۱۹۴) اگر کسی شش رأس یا زیادتر گوسفند داشته باشد و تا آخر سال دو رأس از آنها بمیرند یا بفروشد و در مخارج آنها مصرف کند آیا می تواند از بچّه هایش به جای آنها بگذارد یا نه؟

جواب: در مسأله خمس نمی تواند زاد و ولد را به جای مادرها بگذارد، مگر اینکه کارش

تجارت گوسفند باشد.

(سؤال ۱۹۵) کلا چه زمینهایی خمس دارند؟

جواب: هر چه خودش احیاء «۱» کرده یا اینکه با درآمد خودش بدون پرداخت خمس آن خریده باشد خمس دارد.

(سؤال ۱۹۶) زمین ارثی خمس دارد یا خیر؟

جواب: خمس ندارد، مگر اینکه به آن خمس تعلق گرفته بوده و مورّثش «۲» خمس آن را اداء نکرده باشد.

(سؤال ۱۹۷) اگر شخصی زمینی را آباد کند و با صاحب زمین قرار داد کند که به عنوان حقّ الزحمه نصف یا ثلث آن زمین را مالك شود، آیا آن زمین هم خمس دارد یا خیر؟

جواب: خمس دارد.

---

(۱)- احیاء: آباد کردن زمین مرده.

(۲)- مورّث: میتی که از خود ارثی به جای می گذارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۵

(سؤال ۱۹۸) زمینی که مثلا انسان می داند که قطعا خمس دارد، ولی آن شخص، جاهل به مسأله باشد و از ابتداء خمس زمین را رد نکند تا اینکه تمام آن را زیر کشت ببرد و بعد متوجه شود، آیا همان زمین خالی را حساب کند و خمسش را بدهد، یا با تمام کشتی که روی آن صورت گرفته است؟

جواب: باید خمس زمین را با کشت اداء کند.

(سؤال ۱۹۹) حقوقی که به عنوان بورسیه به دانشجویان می دهند خمس دارد یا نه؟

جواب: اگر در برابر تعهّد کار، بپردازند حکم سائر درآمد انسان را دارد که اگر کاری را که متعهّد شده انجام بدهد و پولی که در برابر آن قبلا گرفته بوده خرج نکرده باشد باید خمس آن را سر سال بپردازد و اگر اهدایی باشد به نظر این جانب زائد بر مؤونه آن خمس دارد.

(سؤال ۲۰۰) آیا به دیه مقتول خمس تعلق می گیرد یا نه؟

جواب: دیه

«۱» خمس ندارد.

(سؤال ۲۰۱) اگر از سـهم الارث بچه صغیر یتیم یا مال هبه شده به بچه صغیر غیر یتیمی در امر تجارت سرمایه گذاری شود آیا تا رسیدن به حدّ بلوغ ایشان:

الف: سودهای متعلقه به این سـرمایه گذاری خمس دارد؟ ب: اضافه قیمت حاصله به اصل سرمایه خمس دارد؟ ج: در صورت تعلق خمس به موارد فوق آیا از طرف ولیّ یا قیّم باید پرداخت شود؟ یا خود شخص پس از سنّ بلوغ؟

جواب: الف و ب و ج: بنابر اقوی ولیّ او خمس آنها را بپردازد.

(سؤال ۲۰۲) در چنـد سال قبل مقداری وسائل از سوریه و مکّه با ارز دولتی که به همه می دهند خریده ام مورد نیاز بوده اند و الان هم هستند ولی بنا به عللی در این چند سال از آنها استفاده نشده آیا خمس دارند؟

جواب: در مفروض سؤال خمس ندارد.

(سؤال ۲۰۳) راجع به پولی که انسان جهت ثبت نام حج مستحبی یا سفر سوریه به

---

(۱)- دیه: مالی است که برای خون مسلمان یا نقص بدنی بر او داده می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۶

بانک واریز می کند و چند سال بعد، انسان مشـرّف می شود در پایان سال به این پول خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ به هر حال چنین پولی امانت است در بانک یا هزینه سفر شده و جزء موجودی انسان دیگر نیست؟

جواب: اگر از پول تخمیس «۱» شـده واریز کرده باشد هر چند سال بماند دوباره به آن خمس تعلق نمی گیرد و اگر از درآمد سال واریز کرده باشـد در صورتی که از رفتن منصـرف شود، یا نتواند برود و پول را پس بگیرد، خمس دارد. و همچنین است بنابر احتیاط اگر

در سالهای بعد مشرف می شود.

(سؤال ۲۰۴) ۱- در صورتی که مرد خانه، خمس پولش را ندهد حکم زن در زندگی با او چیست و حکم فرزندانش که شاغل هستند لیکن زندگی مشترک دارند چیست؟

۲- در صورتی که مردی از راه تقلب و حرام امرار معاش می کند خوردن و پوشیدن و خلاصه استفاده از اموال او برای زن و فرزندان شاغل که پدر، خرج آنها را می دهد چگونه است؟ (کمیته پاسخ به سؤالات سازمان تبلیغات اسلامی)

جواب: ۱ و ۲- چیزهایی که آنها تصرف می نمایند اگر یقین به حرمت عین آنها ندارند برای آنها اشکال ندارد و اگر فرضا یقین به حرمت عین آنها داشته باشند اگر تملیک به آنها شده باشد باید به مقداری که علم به حرمت آن دارند اخراج نموده و در بقیه تصرف نمایند و اگر بدون تملیک در اختیار آنها قرار داده شده باشد و قرار دهنده امتناع از اخراج مقدار حرام نماید، در این فرض باید با اجازه حاکم شرع مقدار حرام را اخراج و در بقیه تصرف نمایند.

(سؤال ۲۰۵) شخصی طلبی داشته که نمی دانسته و بعد از چند سال دریافت می کند اگر وسط سال خمس است، جایز است صرف مؤونه شود یا فورا تخمیس کند؟

جواب: فورا خمس آن را بدهد.

(سؤال ۲۰۶) اگر با شرکایی در یک امر تجارتی به عنوان شرکت، سرمایه گذاری شود:

الف: آیا لازم است انسان پی جویی کند که شرکاء او سرمایه هایشان مخمّس باشد؟

---

(۱)- تخمیس: خارج نمودن خمس چیزی، و مخمّس: چیزی که خمس آن داده شده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۷

ب: اگر انسان اطلاع دارد که شرکاء، معتقد به امر وجوهات هستند ولی در این مورد بی توجّه اند،

آیا لازم است به آنها تذکر دهد؟

ج: اگر انسان می داند که شرکاء وجوهات متعلقه به سرمایه گذاریشان حتی سود مربوط به سرمایه ها را نمی دهند (بنابر بدبینی هایی که نسبت به جوّ اجتماعی حاکم و محل مصرف خمس و زکات دارند) تکلیف چیست؟ ۱- نفس ادامه شراکت با این افراد ۲- اصل سرمایه و سود متعلقه به ما.

جواب: الف- لازم نیست.

ب- امر به معروف با شرائطی که در توضیح المسائل بیان شده است واجب است.

ج- مالی که به آن خمس تعلق گرفته است تصرف در آن قبل از اداء خمس آن بدون اجازه مرجع تقلید جائز نیست.

(سؤال ۲۰۷) اگر اموال و املاک کسی را توقیف نمودند و پس از بررسی، حاکم شرع حکم به خمس آن داد آیا پس از اینکه یک خمس آن در اختیار بنیاد قرار گرفت باید عوائد زمان توقیف را به صاحبش برگرداند یا خیر؟ (بنیاد مستضعفان)

جواب: باید برگردد.

(سؤال ۲۰۸) اگر به حکم دادگاه انقلاب از املاک توقیفی، خمسی گرفته شود آیا مصرف این خمس که مصادره می باشد با سایر املاک مصادره ای فرق دارد یا خیر؟ و اگر فرق دارد چگونه باید مصرف شود؟ (بنیاد مستضعفان)

جواب: اگر به عنوان خمس گرفته شده باید به مصرف خمس برسد با اذن مرجع تقلید و یا نوّاب او.

(سؤال ۲۰۹) بعضی از زنان کارمند و حقوق بگیر هستند که همه یا مقداری از حقوق خود را با رضایت، صرف مخارج منزل می کنند با توجه به اینکه مخارج منزل و زن و بچه بر شوهر واجب است در دو صورت قدرت شوهر بر تأمین مخارج و یا عدم قدرت او، آنچه خرج شده آیا مشمول خمس می باشد یا جزء

مؤونه حساب می شود هر چند واجب نبوده؟

جواب: اگر بیشتر از مقدار شأن خودشان خرج نکنند خمس خرج کرده ها واجب نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۸

(سؤال ۲۱۰) یکی از بستگان، چندی پیش فوت نمود و این جانب از طرف بازماندگان، مسئول مراسم آن مرحوم شدم و مبلغی جهت مخارج، تحویل من دادند ولی بعدا شنیدم شخص متوفّی حساب و کتاب مشخص، نسبت به وجوهات شرعی نداشته حال، وظیفه من چیست؟ بعضی می گویند باید خمس آن مبلغ را بدهم و اگر تمام آن را خرج کرده ام باید از مال خود بدهم؟

جواب: اگر شما شک دارید که آن پولی که در اختیار شما قرار داده اند خمس داشته یا خیر بر شما چیزی واجب نیست و اگر یقین کنید که آن پول خمس داشته در درجه اول باید ورثه او خمس آن را بپردازند و اگر نپردازند شما هم ضامن هستید که باید بپردازید و بعد از پرداخت آن، حق مطالبه از ورثه او را دارید.

(سؤال ۲۱۱) کارخانه گچی در محلی به نام ... ساخته شده و از معدن گچ استفاده می کنند یکی از چیزهایی که خمس در آن واجب است معدن گچ است و ما یقین داریم که صاحبان کارخانه خمس نمی دهند حالا اگر به عنوان خسارت و لرزش و انفجار، مردم این منطقه چیزی از آنان بگیرند خمس دارد یا نه؟

جواب: اگر از درآمد معدن به شما می دهند و می دانید خمس آن را نداده اند خمس آن را بدهید.

(سؤال ۲۱۲) کارمندی که مثلا- اول فروردین را برای خود، اول سال قرار داده چنانچه حقوق اسفند ماه او را با تأخیر در فروردین بدهند و یا پس از چند

سال تأخیر، حقوق او را بدهند، حقوق دریافتی را جزء کدام سال، حساب نماید؟

جواب: جزء در آمد سال امکان وصول، محسوب می شود.

خمس ترقی قیمت

(سؤال ۲۱۳) کسی زمینی به او به ارث رسیده و از طریق قرض گرفتن و مقداری موجودی و شکلهای مختلف آن را ساخته است و نیازی به آن ندارد و در اجاره است و از محل درآمد اجاره ها بدهی خود را به تدریج می پردازد آیا بر این شخص چیزی هست؟ آیا باید هر سال خانه را قیمت گذاری و خمس افزایش قیمت آن را بدهد یا در موقع فروش، مشمول خمس می شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۶۹

جواب:: در فرض مسأله، زمین آن خمس ندارد مگر اینکه در نزد مورّث به آن خمس تعلق گرفته و بدون پرداخت خمس آن فوت کرده باشد و قرض هم خمس ندارد و پول موجودی اگر ارث و یا مخمّس نبوده و بدون پرداخت خمس آن، خرج کرده باشد باید خانه قیمت شود و به نسبت آن، خمس آن داده شود و حکم شکلهای مختلف، مختلف است و اما وجه اجاره ای که می گیرد جزء درآمد سال است که هر مقدار از آن را به قرض بابت خانه مذکور بپردازد صرف در مؤونه محسوب نمی شود و باید خمس آن را بپردازد و اگر به طریق مذکور عمل کند مادامی که خانه را نفروخته است ترقی آن خمس ندارد و اگر بفروشد زمین آن که ارث بوده ترقی قیمت آن هم خمس ندارد و ترقی هوایی آن حکم درآمد سال فروش را دارد که اگر در عرض سال صرف در مؤونه نکند باید خمس آن را بپردازد.

(سؤال ۲۱۴) این جانب سالهای

متمادی حساب داشته و همیشه پس از کسر سرمایه مخمّس و بدهکاریها آنچه موجود در بانک یا غیره بوده خمس آن را داده ام ولی از سال ۶۳ به علت گرفتاری یا تنبلی حساب نکرده ام ولی می دانم در هر سالی مقداری درآمد داشته ام و این درآمد در مطالبات بوده و مطالبات بالا رفته و خلاصه در طول هفته و ماه مبلغی وصول وصول شده این وصولها را جنس خریده ام و دو مرتبه نسیه فروخته ام و اخیرا کار را تعطیل و به جمع آوری مطالبات پرداخته ام و اینک با توجه به کارکرد و زحمت کشیده شده و تورّم، مقدار سرمایه بالا رفته و معمولا مقداری از سرمایه به صورت مطالبات بوده ولی به هر حال اگر هم ترقّی قیمت داشته در اختیار خودم نبوده، به هر حال تکلیف من چیست؟

جواب: خمس زائد بر مقدار مخمّس را باید بپردازید.

(سؤال ۲۱۵) شخصی چند سال قبل در حدود ۱۰ هکتار زمین به قیمت ۳۵ هزار تومان جهت کشت و زرع خریده و خمس آن را نداده اکنون چون مقروض شده ۲ هکتار زمین فوق را فروخته است. اگر بخواهد خمس دهد قیمت روز زمین را باید حساب کند، یا قیمت خرید آن را؟

جواب: اگر به نقد خریده و یا به ذمه خریده ولی از درآمد سال خرید پول آن را داده است، خمس قیمت فعلی را حساب کند و اگر به ذمّه و اقساط خریده و پول آن را

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۰

سالهای بعد داده است قیمت خرید را حساب کند، منتهی اگر زمین را فروخت ترقی قیمت، جزء درآمد سال فعلی می شود و پس از مخارج سال، خمس

مابقی را بدهد.

(سؤال ۲۱۶) اگر کسی زمینی را برای امرار معاش خود، نه به قصد ترقی خریده باشد و هدفش این است که از محصولش مخارج سال خود و عائله اش را تأمین نماید آیا خمس دارد یا نه؟ و در صورت داشتن خمس قیمت خرید را باید حساب کند و یا اینکه موقع حساب را باید در نظر بگیرد؟

جواب: خمس دارد، و اگر با درآمد خود بدون پرداخت خمس آن خریده باشد، خمس آن را به قیمت فعلی بپردازد و اگر با قرض یا اینکه نسیه خریده و بعدا در سالهای بعد بدهی خود را از درآمد خود پرداخت کرده باشد تا نفروخته خمس اصل آن را باید بدهد و وقتی فروخت مازاد بر قیمت خرید جزء درآمد سال فروش است.

(سؤال ۲۱۷) زن به شوهر خود و اولاد به پدر خود اجازه کلّی می دهند که اگر اموال و درآمد ما مشمول خمس است بپردازند ولی هنگام پرداخت، زن و فرزند حاضر نیستند یا اصلا اطّلاعی ندارند. آیا پرداخت خمس توسط شوهر یا پدر جایز است؟

جواب: اشکال ندارد، و حضور موکّل شرط نیست.

(سؤال ۲۱۸) اگر انسان در موطن اصلی خود که فعلا نیز ساکن است دارای مسکن شخصی (از سهم الارث یا مهریه همسر یا سرمایه گذاری شخص خود) هست و از طرفی بنا به ضرورت محل کار تصمیم به مهاجرت به شهری دیگر (محل کار) دارد و در صدد تهیه مسکن در شهر مقصد می باشد آیا سرمایه گذاری مزبور فی نفسه و بدون فروش منزل فعلی چه حالتی پیدا می کند؟ هر چند که رعایت گردش سال مالی در این سرمایه گذاری بشود؟

جواب: هر چیزی که به آن خمس

تعلق نمی گرفته یا اینکه خمس آن را پرداخت کرده اید اصل آن خمس ندارد و اگر به قصد فروش نخریده باشید مادامی که نفروخته اید ترقّی آن هم خمس ندارد. ولی منزل و لوازم منزل که از درآمد غیر مخمس خریده اگر به طور کلی از احتیاج او خارج شدند باید خمس آنها را بدهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۱

(سؤال ۲۱۹) وسائل مغازه که ترقی قیمت دارند ولی برای فروش نیستند چه می شود مثلا ما تلفن را به ۳ هزار تومان خریده ایم حالا ۹۰ هزار تومان شده است؟

جواب: اگر با پول غیر مخمّس خریده شده باشد باید خمس آن به قیمت فعلی پرداخت شود و اگر با پول تخمیس شده خریده شده باشد مادامی که فروخته نشده است ترقی آن خمس ندارد و اگر فروخته شود استفاده آن حکم درآمد سال فروش را دارد.

(سؤال ۲۲۰) خانه ارثی مازاد بر خانه مسکونی داریم که در زمان فوت، سیصد هزار تومان و امروز ۷۰۰ هزار تومان ارزش دارد در هر حال اعم از فروش یا عدم فروش، مازاد قیمت خمس دارد یا نه؟

جواب: اگر آن خانه به شما به ارث رسیده باشد بفروشید یا نفروشید، اصل آن و ترقّی قیمت آن هیچ کدام خمس ندارد مگر اینکه در نزد مورّث به آن خمس تعلق گرفته و بدون پرداخت خمس فوت کرده باشد که در این فرض باید خمس آن را به قیمت فعلی بپردازید.

(سؤال ۲۲۱) خانه خریداری مسکونی را که زمانی با مقداری کم خریده ام اکنون قیمت آن زیاد شده است آیا مازاد قیمت خمس دارد؟ در چه صورت و شرائطی؟

جواب: اگر با پولی که به آن خمس تعلق گرفته

بوده خریـده باشـید، به قیمت فعلی خمس دارد و اگر با درآمد خود در عرض سال خریده باشـید، مادامی که مورد نیاز است و نفروخته اید خمس ندارد و اگر بفروشـید و در همان سال در مؤونه صـرف نمایید بنابر اقوی خمس واجب نیست و اگر تا آخر سال باقی ماند خمس آن را بپردازید و اگر با پول ارث خریده باشید اصل آن و ترقّی آن هیچ کدام خمس ندارد و اگر با پول تخمیس شده خریده باشید در صورت فروش اصل آن خمس ندارد و استفاده آن، حکم درآمد سال فروش را دارد.

(سؤال ۲۲۲) مخارج تعمیر و رنگ آمیزی که باعث افزایش قیمت خانه مسـکونی می شود مشـمول خمس است یا مازاد قیمت خانه؟ یا کلّا تعمیر، جزء مؤونه سال بوده و خمس ندارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۲

جواب:: به مقدار متعارف، جزء مؤونه محسوب می شود که اگر از درآمد سال خرج آن شود خمس ندارد.

(سؤال ۲۲۳) نحوه پرداخت خمس کارخـانه ای که ساختمان و وسائل و ماشـین آلات آن میلیونها تومان ارزش دارد با توجه به ترقی قیمت روز به روز آن چه گونه است؟

جواب: اگر خرید زمین و وسائل و ماشین آلات و تعمیرات و اضافات با پول خمس داده یا غیر متعلق خمس باشد تا موقعی که نفروخته فقط به درآمـد مازاد بر مئونه اش خمس تعلق می گیرد ولی اگر فروخت ترقی قیمت جزء درآمد سال فروش است که بایـد آخر سال خمس مازاد بر مئونه آن داده شود و اما اگر پول اصل خریـد آنها از درآمـد باشد و سال اول خرید، خمس آن پرداخت نشده باشد به کل زمین و تأسیسات به قیمت

فعلی خمس تعلق می گیرد.

(سؤال ۲۲۴) کسی که وسیله ای را بر اساس نیاز خریده و الان به آن نیاز ندارد تکلیفش در حالات مختلف زیر چیست؟ از مؤونه حساب کرده باشد یا نه؟ از پول مخمّس تهیه کرده باشد یا نه؟ در هر حال قیمت خرید باید در نظر گرفته شود یا قیمت روز؟

جواب: اگر با درآمد خود بدون پرداخت خمس آن تهیه کرده باشد باید خمس آن را به قیمت فعلی بپردازد و اگر با پول مخمّس تهیه کرده باشد، مادامی که نفروخته خمس ندارد و اگر بفروشد بازهم اصل آن خمس ندارد ولی سود آن جزء درآمد سال فروش محسوب می شود که اگر تا آخر سال صرف در مؤونه نکند باید خمس آن را بپردازد.

حکم ترقی های کاذب

(سؤال ۲۲۵) نظرتان در مورد ترقی های کاذب که بر اثر بی ارزشی پول و تورّم می باشد چیست؟ مثلا کسی با پول خمس داده شده زمین می خرد به قیمت صد هزار تومان و حالا شده پانصد هزار تومان بدون هیچ گونه عملی مثل اینکه پس کوچه بوده و بعدا مسیر خیابان شده باشد یا زمین دیم بوده و بعد آبی شده. به هر حال آیا این ترقی قیمتهای ظاهری و کاذب مشمول خمس است؟ در صورتی که اگر با طلا قیمت بشود

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۳

قیمت طلا طی این مدت که ارزش اسکناس در نوسان بوده ثابت می باشد. یا فرضا با پول مخمّس مقداری کالا خریده که در مغازه مانده و بعدا قیمت آن دو یا سه برابر شده.

جواب: اصل اعتبار پولهای کاغذی اعم از اسکناس و نوت و دلار و غیر آنها به ملاحظه پشتوانه آنها است ولی بعد

از آنکه حکومت هر کشوری پولی را در کشور خود رائج کرد خود آن پول در آن کشور معتبر می شود و پشتوانه آن ملحوظ نمی شود و به لحاظ این دو اعتبار مقابل هم، در موارد سؤال باید احتیاط شود و خمس ارباح به لحاظ اعتبار دوم پرداخت شود کما اینکه درباره دیون و مهریّه ها نیز در صورت حصول تفاوت معتدّ به بنابر احتیاط واجب باید طرفین، نسبت به مقدار تفاوت با مصالحه، رضایت همدیگر را تحصیل نمایند.

(سؤال ۲۲۶) نظیر سؤال فوق کسر نمودن سرمایه سال قبل از موجودی سال فعلی است که می گویند مثلا اگر در سال گذشته صد هزار تومان سرمایه بوده و خمس آن را داده باید همان صد هزار تومان را از مجموع موجودی سال بعد کسر کند و بعد یک پنجم موجودی را در پایان سال بعد به عنوان خمس بدهد در صورتی که ارزش صد هزار تومان امسال از صد هزار تومان سال گذشته کمتر شده ولی اگر با طلا حساب کنیم تفاوتی پیدا نکرده یعنی معادل موجودی را شخص اگر با طلا حساب بکند فرقی نکرده؟

جواب: جواب این سؤال از جواب سؤال قبلی روشن می شود.

محاسبه خمس

(سؤال ۲۲۷) در رابطه با مسائل مالی که مربوط به زمان مرجع متوفّی می باشد برای تصفیه حساب باید طبق فتوای مرجع متوفّی عمل نمود یا مرجع فعلی یا مخیّر است؟

جواب: اگر مرجع تقلید فعلی اجازه باقی ماندن بدهد می توانید طبق فتوای مرجع سابق حساب کنید و الّا باید طبق فتوای مرجع تقلید فعلی حساب نمایید.

(سؤال ۲۲۸) در رساله های عملیه ملاحظه می شود که انسان در موقع حساب سال، مطالبات وصول نشده و همچنین بدهکاریهای موعد

نرسیده را نباید حساب کند حال از نظر محاسبه بدهکاری و بستانکاری کاسب یا تاجر که همیشه اوقات هم مطالبات دارد و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۴

هم بـدهی و مرتبـا در حـال کم و زیاد شـدن هسـتند و درآمـد او گاهی بر مطالبات افزوده می شود و گاهی باعث می شود که بدهی او کمتر شود و مقدار موجودی جنس و نقد او تقریبا معادل سال گذشته است این چنین افراد چگونه باید در رأس سال، حساب کننـد آیا عمل به صورت زیر صـحیح است: جمع اجناس موجودی و وجوهات نقد و مطالبات محتمل الوصول را با هم جمع کرده و از این جمع مجموع بـدهی و سـرمایه مخمّس شـده سـال قبل را کسـر نموده آنچه بمانـد به عنوان درآمـد حساب شود؟

جواب: در فرض مسأله بـدهی های خود را کسـر می کند و پس از کسـر آن اگر ربحی داشـته باشد خمس آن را می پردازد و نسـبت به مطالبات مخیّر است که خمس آنها را سـر سال بپردازد و جزء سـرمایه تخمیس شـده قرار دهـد، یا اینکه صبر کند هر وقت هر مقدار وصول شد همان وقت خمس وصول شده را بپردازد بنابراین، طریقی که در ذیل سؤال ذکر شده صـحیح اسـت ولی متعیّن نیست و راه دیگر نیز دارد که خمس آن را هنگام وصول بپردازد.

(سؤال ۲۲۹) شخصـی که مبالغ زیادی بـدهکار است و تا به حال برای خود سال تعیین نکرده، اگر فعلا بخواهد سال تعیین کند تکلیفش چیست؟

جواب: به یکی از وکلای مرجع خود مراجعه نماید.

(سؤال ۲۳۰) مقداری مال حلال با حرام مخلوط شده و اندازه آن را نمی دانیم آیا تصرف در آن مال جائز

است؟

جواب: اگر مقدار و صاحب آن هیچ کدام معلوم نباشد باید خمس آن را به مرجع تقلید یا وکیل او بپردازید و تصرف قبل از پرداخت آن جائز نیست.

(سؤال ۲۳۱) شخصی ثروت و املاک فراوانی دارد و تا به حال برای خود، سال، معین نکرده، و اگر با تعیین سال، حساب کند در حدود ششصد، هفتصد هزار تومان از بابت خمس بدهکار می شود. اگر نتواند یک دفعه همه آن را بپردازد تکلیفش چیست؟

جواب: از وکیل مرجع تقلیدش اجازه بگیرد تا اینکه به اقساط بپردازد.

(سؤال ۲۳۲) شخصی هنگام عزیمت به حج، مال خود را حساب و مقدار زیادی وجوه بدهکار شده، اندکی از آن را پرداخته و مابقی را موکول به بعد نموده؛ حال پس از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۵

گذشت چند سال مجدّدا می خواهد حساب کند. آیا آن مابقی را مثل سابق باید بپردازد، یا دوباره باید کلّ مال را حساب کند؛ با توجه به اینکه در این مدت با آن پول کاسبی می کرده؟

جواب: اموالی که به آن خمس تعلّق گرفته، به مجرد حساب کردن بدون پرداخت خمس حکم مخمّس بر آن جاری نمی شود، بلی، اگر مرجع تقلید یا وکیل او مقدار خمس را به ذمّه او منتقل کرده باشد، اموال حساب شده حکم مخمّس را دارد و هر چه بدهکار شده باید بپردازد.

(سؤال ۲۳۳) کسی که مالش مورد تعلق خمس است و الآن قصد دادن خمس آن را ندارد آیا می تواند فقط خمس مقدار مخارج حج را پرداخت کند و با چنین مال مخمّس حج جائز است؟

جواب: آن مقداری که می خواهد خمس آن را پرداخت کند اگر مجزّی باشد تخمیس می شود و اگر مخلوط

باشد تخمیس کردن مقداری از آن با نیّت مشکل است.

(سؤال ۲۳۴) اگر کسی به عنوان خمس، زمین و آبی را بدهد آیا باید عین آن آب و زمین را به سادات واجد شرایط بدهد یا عوائد آن را بین سادات باید قسمت نمود چگونه است؟

جواب: خمس به طور کلی باید با نظر مرجع تقلید پرداخت شود هر چه ایشان اجازه دادند عمل شود.

جهیزیه و خمس

(سؤال ۲۳۵) جهیزیّه ای که به مرور ایام برای دختر تهیه می شود و سال، هم بر آن می گذرد آیا خمس دارد؟

جواب: اگر در زمانی که تهیه آن متعارف است تهیه شده باشد خمس ندارد.

(سؤال ۲۳۶) در شهری که به طور همگانی و رسمی و عمومی نیست ولی بعضی ها از قبل، کم کم جهیزیه دختر را آماده می کنند خمس تعلق می گیرد یا نه؟

جواب: اگر متعارف باشد و نادر نباشد اگر چه عمومی هم نباشد خمس ندارد.

(سؤال ۲۳۷) آیا خانم هایی که شاغلند باید سال خمس داشته باشند؟

جواب: آنها در احکام خمس با مردها فرق ندارند لکن آنهایی که مزوّجه هستند غالبا یا مؤونه (مخارج) ندارند و یا مؤونه کم دارند و این جهت تأثیری در مورد سؤال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۶

(سؤال ۲۳۸) اگر خانمها از درآمدشان جهیزیه تهیّه کنند آیا متعلق خمس هست؟

جواب: به مقدار متعارف از حیث کمّ و کیف و زمان تهیّه، خمس ندارد.

(سؤال ۲۳۹) آیا به جهیزیّه ای که زن با خود به خانه شوهر آورده و از مال پدرش که خمس نمی داده تهیّه شده است خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر یقین داشته باشد با پولی که متعلّق خمس بوده تهیّه شده است باید خمس آن را بپردازد و اگر شک داشته

باشد بر او واجب نیست بلی وسائلی که از مورد نیاز او خارج است به آنها خمس تعلق می گیرد.

(سؤال ۲۴۰) آیا به جهیزیّه ای که دختر یا پدر او در طول سال می خرند در صورتی که بالاتر از شأن و در حد زیاده روی باشد خمس تعلق می گیرد؟ شأن هر صنف و قشری چگونه معین می شود؟

جواب: در فرض مسأله به آن، خمس تعلق می گیرد و تشخیص مطابق شأن و زیاده روی موکول به عرف است.

(سؤال ۲۴۱) آیا جهیزیه و یا قباله را اگر فروخت مازاد بر قیمت اول را سر سال خود چه کند؟ ترقی قیمت جهیزیه و قباله که روزی صد تومان و اکنون صد هزار تومان گردیده خمس دارد یا نه؟

جواب: اصل خرید اگر از درآمد سالهای قبل یا هبه بوده بنابر احتیاط فورا خمس آن داده شود ولی ترقی قیمت آنچه فروخته جزء درآمد سال فروش است که اگر تا آخر سال صرف مخارج نشود متعلق خمس است.

بخشش و خمس

(سؤال ۲۴۲) هبه ها و بخششها و عیدی ها که از نفر اول به نفر دوم منتقل می شوند خمس دارند یا خیر اگر دارند به عهدهٔ دهنده است یا گیرنده یا هر دو؟ به قیمت خرید یا قیمت روز؟

جواب: اگر قبل از هبه به آن خمس تعلق نگرفته بود به عهدهٔ هبه کننده نیست بلکه به هر کسی منتقل شده حکم درآمد او را دارد که اگر در عرض سال، صرف مؤونه نکند باید خمس آن را به قیمت فعلی بپردازد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۷

(سؤال ۲۴۳) طلا یا وسائلی را که مرد برای زن یا دختر خود تهیه می کند و جزء مخارج همین سال حساب می نماید

و از آن طلا ـ استفاده می شود، اگر به علت فرسوده و یا شکسته شدن به منظور تعویض، آنها را بفروشد تا مدل یا نوع دیگر تهیه کند و ممکن است این خریدوفروش با فاصله یا در یک جلسه باشد و همزمان، به هر صورت فروش، به منظور تعویض است نه عدم نیاز در این فرض پس از فروش، مشمول خمس است یا نه؟ و اگر آنها را به منظور خرید کالای مورد نیاز دیگری فروخت چطور؟

جواب: اگر در همان سال صرف مؤونه کند بنابر اقوی خمس واجب نیست و اگر در عرض سال، صرف مؤونه نکرد تخمیس نماید.

(سؤال ۲۴۴) از طرف بنیاد شهید حقوقی به معلولین جنگ پرداخت می شود حال، معلولی که هزینه زندگی اش از سوی والدین تأمین می شود آیا به حقوقی که از بنیاد می گیرد خمس تعلق می گیرد؟

جواب: ظاهرا حکم هبه و بخشش را دارد و به نظر این جانب متعلق خمس است.

(سؤال ۲۴۵) حقوقی که خانواده های شهداء از ادارات دولتی دریافت می کنند آیا مانند حقوقی است که از بنیاد شهید می گیرند و خمس به آن تعلق نمی گیرد و یا درآمد محسوب می شود و زائد بر مئونه مورد خمس خواهد بود؟

جواب: اگر مورّث آنها از دولت طلب نداشته حکم کمکهای بنیاد را دارد (که اگر بخشش باشد متعلق خمس است).

(سؤال ۲۴۶) سکّه های بهار آزادی که دولت به کارمندان خود به عنوان عیدی داده مشمول خمس است یا نه؟ و سکه های خریداری از بانک که قصد استفاده از آنها بوده ولی چند سال بدون استفاده مانده اند مشمول خمس هستند یا خیر؟ به قیمت خرید یا قیمت امروز؟

جواب: سکّه هایی که به عنوان عیدی داده می شود حکم

درآمد سال اهداء را دارد که اگر در عرض سال، صرف مؤونه نشود باید خمس آن اداء شود. و اما سکّه های خریده شده از بانک، منظور از قصد استفاده معلوم نیست، اگر منظور این باشد که بنا داشته از آنها زیور آلات بسازد و نساخته در صورتی که با درآمد خود بدون پرداخت خمس آن خریده باشد، باید به قیمت فعلی خمس آن را بپردازد، مگر اینکه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۸

زیور آلات مورد نیاز بوده و به واسطه نداشتن پول ساخت تأخیر افتاده باشد که در این صورت اگر زیور آلات بسازد خمس ندارد و اگر منصرف شود، بفروشد یا نفروشد، باید به قیمت فعلی خمس آن را بپردازد.

(سؤال ۲۴۷) الف- با پولی که قرض گرفتم خانه خریدم بعد از چند سال برای تبدیل به احسن آماده فروش خانه شدم در همان وقت قطعه ملکی که پدرم از طرف مادرش به ارث برده بود به من هبه کرد، من آن را فروختم نصف پولش را نقد گرفتم و در بانک مسکن برای وام گرفتن گذاشتم یک سال و اندی طول کشید آیا این پول خمس دارد؟

ب- نصف دیگرش را سال بعد از سال مالیم دریافت کردم (از خریدار ملک) و از مجموع پول قرضی و فروش خانه و تمام پول هبه و وامی که از بانک گرفتم خانه جدیدی خریدم و تدریجا خانه و وام بانک را پرداختم و فعلا مالک طلق خانه می باشم آیا خمسی بدهکارم؟

جواب: الف- بلی خمس دارد.

ب- پول ملک هبه شده خمس دارد و بقیه خمس ندارد.

(سؤال ۲۴۸) پولی که پدر به نام فرزند در بانک و غیره

پس انداز می کند از نظر بالغ نبوده فرزند و یا بخشش و هبه بودن پول، مشمول خمس می شود یا نه؟

جواب: اگر در اثناء سال در مؤونه طفل به مصرف نرساند بنابر اقوی در آخر سال خمس آن را بدهد و اگر ندهد باید خود طفل بعد از بلوغ، خمس آن را بپردازد.

(سؤال ۲۴۹) چیزی را به عنوان بخشش جدا کنار می گذارد ولی شخص مورد نظر، حاضر نیست که تحویل بگیرد و سال خمسی او می رسد آیا چنین چیزی اگر از درآمد باشد مشمول خمس است؟

جواب: باید خمس آن را بپردازد.

(سؤال ۲۵۰) آیا به پولی که بانکها و قرض الحسنه ها به عنوان جائزه می دهند خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به نظر این جانب حکم سائر درآمدها را دارد که اگر در عرض سال مصرف نشود باید سر سال خمس آن داده شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۷۹

مسائل زکات

زکات مال

(سؤال ۲۵۱) شخصی محصول خود را بعد از انعقاد دانه به کسی می فروشد در حالی که گندم هنوز درو نشده آیا زکات آن به عهده فروشنده و زارع است یا به عهده مشتری که گندم را در حال انعقاد دانه خریده؟

جواب: به عهدۀ بایع است.

زکات فطره

(سؤال ۲۵۲) مبلغ ده هزار تومان چند نفری بابت زکاه روزه به صندوق ستاد امداد جنگ مسجد جامع کرمان تحویل نموده اند که گندم خریداری شود و به مصرف جبهه های جنگ برسد و اقدام شده و پس از آرد نمودن، نان خشک شد و به جبهه ها ارسال شد.

حال بعضی در صحت آن شبهه نموده اند تکلیف چیست؟ (ستاد امداد جنگ مسجد جامع کرمان) جواب: اگر منظور از زکات روزه، زکات فطره است و فطره دهنده ها مقلّد کسی هستند که صرف آن را مانند زکات مال در سبیل اللّه تجویز می کند اشکال ندارد و اگر منظور، کفّاره روزه است کفایت نمی کند.

(سؤال ۲۵۳) حکم فطریه زندانیان به چه شکل است آیا بر ذمه دولت است یا به ذمه خود متهمین یا ساقط است؟

جواب: اگر زندانیان متمکن هستند و می توانند، بنابر احتیاط خودشان اداء نمایند و در غیر این فرض ساقط است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۰

(سؤال ۲۵۴) آیـا مقصود از مسـکین در باب کفارات همان فقیری است که مخارج سال را نـدارد یا زنـدگی او از فقیر هم باید بدتر باشد؟

جواب: اگر مخـارج سـال را بالفعل «۱» یـا بـالقوه نتوانـد تـأمین کنـد می توان به او کفاره داد و لازم نیست حال او بـدتر باشـد هرچند احوط است.

(سؤال ۲۵۵) اجازه می فرمایید افراد عام، صدقه مستحبه را به سادات مستحق بدهند؟

جواب: اشکال ندارد.

---

(۱)- بالفعل یعنی موجود

و بالقوّه یعنی توانایی و قدرت تحصیل.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۱

مسائل حج

استطاعت

(سؤال ۲۵۶) اگر کسی دارای مخارج حج باشد ولی پسرش ازدواج نکرده و یا فرزندش مریض و محتاج به معالجه و درمان باشد در این صورت حج مقدّم است یا معالجه و ازدواج فرزندش؟

جواب: معالجه ضروری فرزند در صورتی که خودش متمکن نباشد مقدم بر حج است و ازدواج فرزند هم اگر ضرورت داشته باشد و متمکن نباشد و ترک آن برای پدرش نقص باشد مخارج ضروری آن مقدم بر حج است. ولی اگر از سابق مستطیع بوده نمی تواند مخارج حج را به مصرف معالجه یا ازدواج فرزندش برساند.

(سؤال ۲۵۷) شخصی با یقین به استطاعت آماده سفر حج می شود، در حالی که حدود پانزده سال نماز نخوانده و روزه هم عمدا نگرفته است. اگر بخواهد کفاره افطار عمدی روزه رمضان را بدهد از استطاعت که می افتد سهل است مسکین هم می شود و اگر کفاره افطار عمدی را روزه بگیرد ۹۰۰ ماه روزه کفاره باید بگیرد تکلیف او چیست؟

جواب: با قدرت بر روزه به واسطه کفاره از استطاعت نمی افتد و اگر قدرت روزه ندارد کفاره بدهد و حج لازم نیست.

(سؤال ۲۵۸) مؤمنی ماشین خود را که وسیله کسب و کارش بوده فروخته که ماشین بهتری بخرد و مدتی طول می کشد آیا فعلا با پول آن که در دست دارد مستطیع می باشد؟ جواب: اگر پس از مراجعت از حج بتواند معاش متعارف و مناسب شأن خود را تأمین کند حج واجب است و الا واجب نیست.

(سؤال ۲۵۹) شخصی استطاعت مالی ندارد و از بیت المال ارتزاق می نماید ولی به خاطر علاقه به زیارت خانه

خدا با گرفتن قرض و با تحمّل مشقت و سختی حج را بجا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۲

می آورد آیا از حجّه الاسلام «۱» کفایت می کند؟

جواب: کفایت نمی کند.

(سؤال ۲۶۰) زنی مقداری زیور آلات از طلا و غیره دارد و مال دیگری ندارد و اگر آنها را بفروشد می تواند به زیارت خانه خدا مشرّف شود آیا او مستطیع است یا اینکه زیور آلات مورد استثناء می باشد؟

جواب: زیور آلات به مقدار متعارف و مطابق شأن، موجب استطاعت نیست و اگر زائد بر آن به مقدار مخارج حج داشته باشد موجب استطاعت می باشد.

(سؤال ۲۶۱) زنی بدون شوهر مقداری پول به بچه خود یا دیگری قرض داده و آنها می توانند به اندازه مخارج سفر حج را به او بدهند آیا زن، مستطیع است و باید آن مقدار را بگیرد و به حجّ برود یا نه؟

جواب: در صورت امکان وصول، مستطیع است و باید آن را بگیرد و به حج برود.

(سؤال ۲۶۲) آیا کسی که معاش او یا قسمتی از آن از وجوه شرعیه تأمین می گردد اگر با پس انداز از وجوه شرعیه بتواند به حج برود مستطیع است و حجّ او از حجّه الاسلام کفایت می کند یا نه؟ و همچنین کسانی که مازاد بر مؤونه را ندارند ولی می توانند با استخدام برای امور حج و حجّاج مخارج حج را بدون این که در زندگی بعد از مراجعت دچار اختلالی بشوند تأمین نمایند مستطیعند یا نه؟ لطفا جواب مرحمت بفرمایید.

جواب: استفاده از وجوه شرعیه در غیر مؤونه زندگی خالی از اشکال نیست ولی اگر کسی که مؤونه زندگیش یا قسمتی از آن از وجوه شرعیه تأمین می شود و همچنین کسانی که

مازاد بر مؤونه برای مخارج حج را ندارند بتوانند با استخدام برای امور حج و حجاج حج بجا آورند نظیر روحانی کاروان یا دکتر یا آشپز و غیره، بدون اینکه کسر شأن آنان باشد یا از این جهت دچار اختلالی در زندگی بعد از مراجعت بشوند با قبول خدمات نامبرده قطعا مستطیع هستند و باید حج بجا آورند و حج آنان از حجه الاسلام کفایت می کند.

---

(۱)- حجّه الاسلام: حجّی است که در طول عمر، یک مرتبه بر شخص مستطیع واجب می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۳

(سؤال ۲۶۳) آیا استطاعت مالی برای حج به مجرد اینکه ارثی به انسان برسد حاصل می شود و لو هنوز ما ترک میّت تقسیم نشده باشد، با وجود فرزندان صغار؟

جواب: اگر می تواند سهم مشاع خود را و لو به نحو اشاعه بفروشد و مقدار آن به قدر استطاعت باشد مستطیع است.

(سؤال ۲۶۴) بر فرض که بدون تقسیم مال، استطاعت حاصل شود آیا فرد مجرّدی که مثلا طلبه است و در آینده نیاز به زن و خانه دارد، نیاز به خانه برای انسان در آینده و لوازم ضروری زندگی مانع از حصول استطاعت نمی شود؟

جواب: اگر فعلا- نیاز مبرم به خانه و زن دارد و با خانه استیجاری نیاز او رفع نمی شود باید زائد بر پول خانه و مخارج ازدواج به مقدار استطاعت، مال داشته باشد.

(سؤال ۲۶۵) مادرم یک مقدار زمین داشته که اگر مکه می رفت مخارج رفت و برگشت او را کفایت می کرد آن وقت زمین خود را تملیک بنده نمود در حالی که طریق مکه مسدود بود و بعد در هنگام فوت وصیّت کرد که پسرم عوض من مکه برود.

حالا بنـده برای مکّه اسم نویسـی نمودم و اسـمم درآمده ولی یکصد و پنجاه هزار تومان قرض دارم لطفا وظیفه شـرعی را بیان فرمایید؟

جواب: اگر حـج در ذمّه او مسـتقر شده بوده باید مخارج حج از اصل ترکه «۱» او برداشـته شود و اگر مستقر نبوده باید از ثلث برکه برداشـته شود و بر ورثه واجب نیست از خودشان متحمل ضرر بشوند و اگر حج بر خود شما واجب نباشد نیابت شما مانع ندارد.

(سؤال ۲۶۶) در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حـج می فرسـتد، بـدون اینکه ملزم باشـد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

جواب: با فرض مشروعیت آن بدون تعهد هیچ کاری حکم حج بذلی «۲» را خواهد داشت.

---

(۱)- اصل ترکه: مجموعهٔ دارایی میّت.

(۲)- حج بذلی: حجّی است که مخارج آن را کسی به انسان می بخشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۴

(سؤال ۲۶۷) شخصی به منظور ایجاد استطاعت، پولی را به کسی بذل می کند ولی پس از بازگشت از سفر حج آن را پس می گیرد آیا کفایت از حجّه الاسلام می کند؟

جواب: در فرض مسأله کفایت می کند و بذل کننده حق پس گرفتن آن را ندارد.

و اگر قرار بر پس گرفتن باشد حج بذلی صدق نمی کند و استطاعت به این طریق حاصل نمی شود.

(سؤال ۲۶۸) اگر فرزنـد به پـدر بگویـد پول حج را به تو می دهم به شـرط اینکه پس از مراجعت از مکه اگر قدرت مالی پیدا کردی پولم را بدهی و اگر نتوانستی آن را از تو نمی خواهم آیا مستطیع می شود یا نه؟

جواب: شرط مذکور مخلّ به استطاعت «۱» بذلی می باشد.

(سؤال ۲۶۹) اینکه فرموده اند با

مال حرام جائز نیست به حج بروند آیا مراد بطلان حج است؟

جواب: اگر کرایه را از مال حرام بدهد ضامن است ولی حجّش باطل نمی شود و اما لباس احرام، هر چه در لباس نمازگزار شرط است در آن نیز شرط است.

(سؤال ۲۷۰) شخصی به پسرش وصیت کرده که فلان باغ را بفروشد و برای او حج استیجاری بخرد، پسرش علاوه بر اینکه وصیت پدرش را عمل نکرده است خودش هم استطاعت داشته و به مکه نرفته و فوت شده است. آیا ورثه وی می توانند باغ مورد وصیّت را تصاحب نمایند و برای او حج، استیجار نکنند؟ مستدعی است وظیفه شرعی ورثه او را در مورد باغ و ورثه پسر وصی وی که مستطیع بوده و به حج نرفته است بیان بفرمایید.

جواب: در فرض سؤال ورثه حق تصرف در باغ را ندارند و باید به حاکم شرع مراجعه نمایند تا اینکه فرد مورد اعتمادی را تعیین کرده و باغ را بفروشد و برای موصی «۲» استیجار حج نماید، و اگر خود وصی هم مستطیع بوده و قبل از انجام حج فوت کرده باشد ورثه او قبل از اخراج اجرت حج حق تصرف در ترکه او را ندارند.

---

(۱)- استطاعت بذلی: استطاعتی است که در اثر بخشش مخارج سفر حج از طرف کسی، به دست می آید.

(۲)- موصی: وصیت کننده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۵

نیابت

(سؤال ۲۷۱) در نیابت عبادت یا بعضی ارکان و اجزاء آن نظیر نیابت در حج یا بعضی اعمال آن اگر فتوای نائب یا مقلّد او با فتوای منوب عنه یا مقلّد او تفاوت داشته باشد و فرضا عملی که به نظر نایب از روی

اجتهاد یا تقلید، صحیح است به نظر منوب عنه از روی اجتهاد یا تقلید، باطل باشد، آیا صحیح بودن نزد کدام باید ملاک باشد؟

جواب: اگر هنگام اجیر شدن، خصوصیات عمل تعیین نشده باشد و منصرف به نحو خاصی نباشد باید نائب، عمل را طبق فتوای خود یا مرجع تقلید خود انجام دهد. هر چند احوط مراعات صحّت نزد هر دو است.

(سؤال ۲۷۲) و بر فرض کفایت صحیح بودن عمل به نظر نایب، آیا ذابح غیر شیعه که از نواصب نباشد می تواند در ذبح، نایب برای شیعه بشود- چون عمل او به نظر فقهی مذهب خود صحیح است- یا نمی تواند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، ذابح باید مؤمن باشد.

(سؤال ۲۷۳) شخصی جهت اعمال حج نائب می شود و پس از نایب شدن خودش استطاعت پیدا می کند در این صورت اجاره باطل می شود یا نه؟

جواب: احتیاط در این است که اجاره با توافق مستأجر و نایب فسخ شود و نایب بعد از فسخ اجاره حجّه الاسلام خود را انجام دهد.

(سؤال ۲۷۴) شخصی را برای حج پدرم نایب گرفته و مبلغ ۲۴ هزار افغانی به وی داده بودم که در آن زمان با پول کمتر از این هم می توانست به حج برود و مبلغ مذکور را صرف خانه سازی و سایر امور زندگی شخصی خود نموده و حج را به تعویق انداخته است بعد از چند سال تأخیر پول بیشتر می خواست و می گفت مبلغ مذکور حالا کافی نیست و وجه فوق را از او پس گرفتم که خودم به حج بروم، سؤال اینست آیا می توانم بیشتر از مبلغ مذکور (۲۴ هزار افغانی) را به جهت تأخیر حج و بالا رفتن هزینه حج

از وی مطالبه نمایم یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال، نایب حق مطالبه پول بیشتر نداشته است، و واجب

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۶

بوده است حج را بجا آورده، ولی گرفتن پول به معنی فسخ اجاره است و در فرض فسخ اجاره، همان پولی را که داده اید می توانید پس بگیرید نه بیشتر، بلی اگر ارزش پول به مقدار قابل توجه پایین آمده باشد نسبت به مقدار تفاوت بنابر احتیاط باید با مصالحه رضایت همدیگر تحصیل شود.

(سؤال ۲۷۵) زنی مستطیعه بوده در سال ۶۰ به حساب مکه پول ریخته، اخیرا استطاعت بدنی ایجاب نکرده، پس از تشکیل شورای پزشکی دکترها او را منع از مسافرت مکه نموده، شوهرش را به عنوان نایب معرفی کرده و قبل از مراسم حج فوت نموده و شوهرش اعمال مکه را بجا آورده آیا مخارج مکه به عهده نایب است و یا منوب عنها.

جواب: در مفروض سؤال، اگر حج در ذمّه او مستقر بوده، یعنی خودش سابقا می توانسته مشرف شود و مسامحه کرده تا اینکه از استطاعت خارج شده است مخارج حج از اصل ترکه او اخراج می شود، و اگر مستقر نبوده و وصیت هم نکرده بوده، بر ورثه واجب نیست، و در این صورت اگر شوهر بدون اجازه ورّاث دیگر، خرج کرده به عهده خودش می باشد.

(سؤال ۲۷۶) اینکه می گویند معذور نمی تواند نائب شود حدودش را بیان فرمایید.

جواب: هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نائب شود ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند می تواند برای حج نائب شود و برای ذبح نائب بگیرد.

(سؤال

۲۷۷) کسی حج نیابتی انجام می دهد در انجام مناسک حج باید طبق فتاوای مرجع تقلید خود عمل کند؟ یا منوب عنه؟ و اگر طواف نساء و نماز آن را باطل انجام داد حرمت زن نسبت به کدام یک از نائب و منوب عنه صادق است؟

جواب: اگر هنگام اجاره خصوصیات عمل، تعیین نشده باشد و منصرف به نحو خاصّی نباشد باید نائب، عمل را به نحوی انجام دهد که طبق فتاوای مرجع تقلید خودش صحیح باشد هر چند احوط مراعات صحّت نزد هر دو است و اگر به نحوی انجام دهد که به فتوای مرجع تقلیدش از احرام خارج نشود، یا اینکه طواف نساء و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۷

نماز آن را انجام ندهد، یا اینکه باطل انجام دهد، خود نائب از احرام خارج نمی شود.

بلی در مواردی که منوب عنه خودش محرم بوده و محلّ شدن آن موقوف به عمل نائب است مادامی که نائب، عمل را صحیح به نظر منوب عنه انجام نداده منوب عنه از احرام خارج نمی شود.

(سؤال ۲۷۸) آیا کسی که حج برایش واجب است ولی مثلا چندین سال دیگر نوبت او می شود که حجه الاسلام را انجام دهد قبل از ادای حج خودش می تواند در سالهای قبل، حج نیابتی انجام دهد مثلا از طرف پدرش که قبلا مستطیع بوده ولی فوت کرده و حصول استطاعت برای پدر، سابق بر حصول استطاعت برای فرزند باشد و استطاعت فرزند از ما ترک پدر باشد؟

جواب: اگر مستطیع باشد و می تواند و لو از راه کشورهای اسلامی دیگر به حج برود نمی تواند برای غیر، اجیر شود هر چند تاریخ استطاعت غیر، مقدم باشد.

(سؤال ۲۷۹) نائب،

طواف نساء را به جهت منوب عنه انجام دهد یا به قصد ما فی الذمه؟

جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذمه کند گرچه می تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

(سؤال ۲۸۰) کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتداء می دانسته که نمی تواند رمی کند یا نمی تواند در روز رمی کند و یا در رمی در روز مسامحه و اهمال کند حکمش چیست؟

جواب: نائب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد و اگر معذور باشد نمی تواند نائب باشد.

(سؤال ۲۸۱) آیا کسی که مانند زن معفو از وقوف بین الطلوعین در مشعر می باشد می تواند از مردی که معفو نیست نیابت کند و بین الطلوعین وقوف نکند؟

جواب: خلاف احتیاط است.

(سؤال ۲۸۲) کسی که احتمال قوی عقلایی می دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند می تواند از حج واجب نیابت کند؟

جواب: نباید نیابت کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۸

(سؤال ۲۸۳) زنی که احتمال قوی می دهد در اعمال واجب حج عادت ماهانه بشود و نتواند طبق معمول اعمال را بجا آورد آیا می تواند حج نیابتی قبول کند؟

جواب: نباید قبول کند.

احرام

(سؤال ۲۸۴) خدمه کاروانها که می بایست قبل از اعمال حج از مکه به جده یا مدینه بروند و می بایست نیّت احرام عمره مفرده بکنند اگر جهلا یا نسیانا نیّت احرام عمره تمتع کردند و قبل از انجام اعمال متوجه شدند، وظیفه شان چیست؟ و اگر بعد از اعمال عمره متوجه شدند، چه باید بکنند؟

جواب: در بین عمره تمتع و حج آن، عمره دیگر جائز نیست ولی عمره تمتع و حج را باطل نمی کند.

(سؤال ۲۸۵)

آیا در جحفه لازم است که از مسجد محرم شود یا نه و در صورتی که میقات منحصر به مسجد نباشد خواهشمند است حدود آن را بیان فرمایید؟

جواب: میقات «۱» حجفه، اختصاص به مسجد ندارد و محرم شدن در حوالی نزدیک مسجد مانع ندارد ولی حدود دقیق آن مشخص نیست.

(سؤال ۲۸۶) آیا در وضع فعلی مسجد شجره که نمی توان از یک طرف داخل شد و از طرف دیگر خارج شد، چون درها همه در یک طرف و در کنار هم قرار دارند حائض می تواند از یک درب داخل شود و در مسجد دور بزند و محرم شود و بدون توقف از در دیگر که از کنار همان در اولی است خارج شود؟

جواب: اگر از یک در وارد شود و از در دیگر خارج شود اشکال ندارد و دور زدن لازم نیست، بلکه خلاف احتیاط است.

(سؤال ۲۸۷) خانمی قبل از احرام از میقات حیض شده و می داند تا روز نهم و موقع احرام حج پاک نمی شود وظیفه اش چیست؟

---

(۱)- میقات: جایی است که باید از آنجا محرم شوند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۸۹

جواب:: در فرض مسأله بنابر احتیاط به نیّت ما فی الذمه محرم شود و اگر تا آخر وقت احرام حج، پاک نشود به طور جزم، نیّت خود را به حج افراد عدول نماید.

محرمات احرام

(سؤال ۲۸۸) موارد ذیل در محرمات احرام در مناسک حضرتعالی تصریح نشده بجا است نظر و فتوای خود را مرقوم فرمایید:

الف: بعضی محرمات که مختص زنان می باشد نظیر پوشاندن تمام صورت و امثال آن آیا بر مردان نیز حرام و مضرّ با حرام است یا نه؟

ب: بوسیدن زن، شوهر خود را

در حال احرام چه با شهوت باشد یا نه، چه حکمی دارد؟

ج: زن، شوهر خود را یا زن دیگری را با شهوت یا بدون آن لمس نماید یا با او ملاعبه کند در حال احرام چه صورت دارد؟

د: نظر زن، به شوهر خود یا زن دیگر با شهوت آیا حرام و مضرّ با حرام است یا نه؟

جواب: الف- پوشاندن صورت بر مرد حرام نیست.

ب- بنابر احتیاط، حکم بوسیدن مرد را دارد.

ج- بدون شهوت، اشکال ندارد و با شهوت بنابر احتیاط حکم لمس مرد را دارد.

د- مضرّ به احرام نیست ولی بنابر احتیاط، حکم نگاه کردن مرد را دارد.

طواف

(سؤال ۲۸۹) اگر پسر بچه نابالغ ختنه نشده را بخواهند جهت عمره به بیت اللّه الحرام ببرند و طواف دهند چه صورت دارد؟ مستدعی است حکم شرعی آن را مرقوم فرمایید.

جواب: بنابر احتیاط واجب بدون ختنه طواف او صحیح نیست و اگر او را محرم کنند از احرام خارج نمی شود تا اینکه طواف عمره و طواف نساء را بعد از ختنه شدن انجام دهد و اگر خودش نتواند باید نائب بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۰

(سؤال ۲۹۰) شخصی بین الاحرامین (یعنی بین احرام عمره و حج) جنب شده و فراموش کرده که غسل کند و همه اعمال حج را با حالت جنابت انجام داده اکنون با توجه به اینکه جز طواف و نماز آن بقیه اعمال حج مشروط به طهارت نیست و ترک طواف در صورتی مبطل است که از روی عمد و جهل باشد نه از روی نسیان و ضمنا می فرمایند غیر متمکّن از طهورین در حکم غیر متمکن از طواف است، مستدعی است حکم

شرعی را بیان فرمایید.

جواب: در فرض سؤال، حج او صحیح است ولی طواف حج و طواف نساء و نماز طوافها مانند نمازهای دیگر او باطل است و باید برگردد و آنها را انجام دهد و احتیاطا بعد از طواف حج و نماز آن سعی را نیز اعاده نماید و اگر مشقت داشته باشد نائب بگیرد و مادامی که خودش یا نائبش آنها را انجام نداده است از احرام خارج نمی شود مگر نسبت به چیزهایی که حلق «۱» موجب محلّ شدن «۲» از آنها می شود.

(سؤال ۲۹۱) شخصی سهوا غسل مسّ میت را انجام نداده و بعد از انجام اعمال حج در وطن به یادش آمده که غسل مسّ میّت را انجام نداده آیا تکلیف این شخص، حج مجدد است یا نه لطفا حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: اگر بعد از مسّ میت و قبل از طوافهای واجب غسل جنابت نکرده باشد حکم مسأله فوق را دارد.

(سؤال ۲۹۲) ختنه کردن واجب است یا نه؟ اگر واجب باشد حدّ شرعی آن چقدر است با فرض وجوب اگر کسی انجام نداده باشد و یا ناقص انجام داده شده باشد در عبادات تأثیر دارد یا نه و اگر حج بجا آورد زنش حرام می شود یا نه و اگر حرام باشد حکم فرزند انسان چه طور می شود حلال زاده است یا نه؟

جواب: ختنه به نحوی که تمام حشفه «۳» ظاهر شود واجب است و هر کس ناقص ختنه شده باشد باید دوباره ختنه شود ولی اعمال گذشته او به استثنای طواف، صحیح

---

(۱)- حلق: تراشیدن سر.

(۲)- محلّ شدن: از احرام خارج شدن.

(۳)- حشفه: مقدار ختنه گاه.

است و

اما طوافها را بنابر احتیاط واجب باید دوباره انجام دهد و اگر برایش، مشقت داشته باشد نایب بگیرد و مادامی که خود یا نائبش هر سه طواف را انجام نداده اند از مباشرت زن خودداری نماید، ولی اولادش حکم حلال زاده را دارند.

(سؤال ۲۹۳) شخصی که طواف را بیشتر از هفت شوط انجام داده و وظیفه او اعاده طواف است بین دو طواف چه مدت باید فاصله بیندازد؟

جواب: اگر از مسجد الحرام خارج شود و برگردد کفایت می کند.

(سؤال ۲۹۴) شخص بعد از طواف متوجه می شود که چند قدم از هفت شوط را بدون اراده انجام داده؛ آیا وظیفه اش اعاده است و یا تکمیل طواف و اگر وظیفه اش تکمیل است از کجا باید شروع کند؟

جواب: اگر نمی داند از کدام شوط بوده احتیاطا همان مقدار را تا حجر الاسود اعاده کند و بعد از نماز طواف دوباره طواف و نماز را اعاده کند.

(سؤال ۲۹۵) اشخاصی که مانند مریض و معلول و پیر، حتی در وقت خلوت قادر به طواف نباشند، با توجه به اینکه متصدیان تخت روان هم در مطاف «۱»، طواف نمی دهند آیا باید نایب بگیرند که در مطاف طواف کند یا خودشان در خارج از مطاف طواف کنند جایز است؟

جواب: طواف در خارج از مطاف در صورت اتصال عرفی به طواف کننده ها کفایت می کند.

(سؤال ۲۹۶) اگر کسی خارج از مطاف هم نتواند خودش طواف کند طواف نایب کافی است یا خیر؟

جواب: در صورتی که بدوش گرفتن و تخت روان هم ممکن نباشد کافی است.

(سؤال ۲۹۷) در نماز طواف خلف مقام با توجه به لزوم الاقرب فالاقرب گاهی شخص می داند که یک رکعت از نماز را می تواند نزدیک

مقام بخواند ولی در رکعت دوم هجوم جمعیت مانع از اتمام نماز است آیا از اول می تواند نماز را با فاصله گرفتن از مقام بجا آورد؟

جواب: اگر با صبر کردن هم نمی تواند نماز کامل در نزد مقام بخواند مانعی ندارد.

---

(۱)- مطاف: محدوده ای از اطراف کعبه است که باید طواف در آن واقع شود. به مناسک معظم له مراجعه شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۲

سعی

(سؤال ۲۹۸) سعی از طبقه دوم جائز است یا خیر؟

جواب: اشکال دارد. «۱»

تقصیر

(سؤال ۲۹۹) متعارف است که افراد به عنوان تقصیر در عمره موی همدیگر را کوتاه می کنند، با اینکه خود قدرت بر انجام آن را دارند، اشکال ندارد؟ آیا در این صورت باید هر دو نیت کنند؟

جواب: در حلق و تقصیر «۲» مباشرت شرط نیست ولی باید خودش نیّت کند و بهتر آنست که مباشر عمل نیز نیّت کند. ولی مادامی که خودش در حال احرام است جائز نیست سر دیگری را بتراشد یا موی او را کوتاه نماید.

رمی

(سؤال ۳۰۰) کسی که نمی دانسته روز باید رمی جمرات کند و شب رمی کرده حکمش چیست؟

جواب: اعاده لازم است.

(سؤال ۳۰۱) کسی که می دانسته روز باید رمی کند ولی به خیال اینکه از طلوع سفیده صبح جزء روز حساب می شود قبل از طلوع آفتاب رمی کرده حکمش چیست؟

و آیا اگر در ایام تشریق یا بعد از آن در مکه یا خارج مکه فهمید، حکمش فرق می کند یا خیر؟

جواب: اعاده لازم است.

---

(۱)- طبق آخرین فتوای معظم له در مناسک، سعی اگر بین دو کوه صفا و مروه نه بالاتر از آنها انجام شود اشکال ندارد.

(۲)- تقصیر: کوتاه کردن ناخن یا مو.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۳

(سؤال ۳۰۲) به نظر حضرتعالی آیا رمی جمرات و سعی بین صفا و مروه از طبقات دوم و سوم جائز است؟

جواب: در رمی جمرات ملاک صدق رمی جمره است و ظاهرا بر رمی از طبق دوم صدق رمی جمره می کند و در سعی، ملاک سعی در بین دو کوه است و چون بر حسب نقل بعضیها کوه مروه کوتاه بوده و طبقه دوم بالاتر از کوه بناء شده است سعی از طبقه دوم محل

اشکال است تا چه رسد به طبقه سوم.

قربانی

(سؤال ۳۰۳) با توجه به وجوب انجام قربانی در منی و تردید در اینکه آیا قربانگاه های جدید التأسیس جزء منی هستند یا نه. وظیفه حاجی در این مورد چیست؟

جواب: اگر با صبر کردن هم ذبح در منای قطعی مقدور نباشد ذبح در همان قربانگاه اشکال ندارد.

(سؤال ۳۰۴) آیا حکم گوسفندی که تخم های آن را تابیده باشند مثل گوسفندی است که تخمهایش را کوبیده باشند که نتوان قربانی نمود.

جواب: بنابر احتیاط واجب باید تابیده هم نشده باشد.

(سؤال ۳۰۵) در شرائط کنونی که از گوشت قربانی استفاده نمی شود و دولت سعودی آن را در کوره های آتش می سوزاند وظیفه حاجی چیست و آیا می تواند به جای آن در وطن خود قربانی کند که فقراء از گوشت آن بهره مند گردند؟

جواب: جای قربانی حج، منی است و تأخیر و قربانی در وطن جائز نیست، بلی قربانیهایی که از جهت کفاره واجب می شود تأخیر آنها و ذبح در وطن به استثناء کفاره صید مانع ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۴

مسائل دفاع و امر بمعروف و نهی از منکر

(سؤال ۳۰۶) اگر بر فرض شخصی یا گروهی به واسطه بیانات (سخنرانی) یا انتشار کتاب و جزوه ای بخواهند حقی را (مثلا عده ای از علماء صالح و متقی را) به لطائف الحیل و من جمله تهمت و افتراء ... از بین ببرند و از ناحیه این گونه تهمت ها و افتراها و حتی تحریفات ... ضربات و خسارات زیادی به جامعه اسلامی وارد گردد مثل ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی و همچنین سوء ظن و ... آیا اگر برای دفع این گناهان در جامعه اسلامی بخواهیم آثار آنان (سخنرانی یا جزوه ...) را بررسی کنیم و موارد ضد و نقیض و خلاف

حق و تحریفات آنان را برای روشن نمودن اذهان عده ای که طالب حق هستند (بدون اینکه وارد مسائل دیگری شویم و صرفا برای رفع تفرقه و روشن نمودن حق باشد) چه حکمی دارد؟

جواب: برای کسی که اهل تشخیص است و به نحوی بیان نمی کند که مفسده اش بیشتر از مصلحتش باشد اشکال ندارد بلکه در بعضی موارد لازم است.

(سؤال ۳۰۷) اگر در محیط کار اداری خلاف شرعی دیده شد و تذکر لازم یا امکان ندارد و یا مؤثر واقع نمی شود تکلیف چیست؟

جواب: در تخلّفات اداری باید به مقامات مربوطه گزارش شود و در خلاف شرعهای دیگر، شرائط امر بمعروف و نهی از منکر ملحوظ گردد و اطاعت در اموری که خلاف شرع است جائز نیست.

(سؤال ۳۰۸) در مواردی که دفاع از مملکت اسلامی ضروری تشخیص داده شد اگر زن انسان، تهدید کند که اگر شوهرش به جبهه برود دست به فساد خواهد زد در این صورت تکلیف شوهر چیست؟

جواب: با فرض نیاز جبهه تهدید زوجه بی اثر است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۵

(سؤال ۳۰۹) فتوای حضرتعالی در مورد جنگ خلیج فارس و تجاوز کفار و اجانب به ممالک اسلامی و استقرار در کشور حجاز و کشتار مردم مسلمان عراق و کویت چه می باشد و امروز تکلیف مردم مسلمان عراق در دفاع از عتبات عالیات و استقرار حکومت اسلامی و مبارزه با رژیم بعثی عراق چیست؟

جواب: دفاع از حریم اسلام بر هر کس که متمکن باشد واجب است.

(سؤال ۳۱۰) اگر گزارشاتی رسید که در فلان منزل وسائل مشروب خواری و قمار و امثال آن تهیه شده و یا رفت و آمدهای زنان و دختران به شکلی بود که

حدس زده می شود برای کارهای نامشروع رفت و آمد می شود وظیفه چیست؟

جواب: هر کس موظّف است که طبق شرائطی که در رسالهٔ توضیح المسائل مشروح آن بیان شده است امر بمعروف و نهی از منکر نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۶

مسائل حکومتی

(سؤال ۳۱۱) هل یوجد منکر ولایه الفقیه من الامامیّه؟ (اخوانکم فی الخلیج؟) جواب: لا ینکر احد من الامامیّه ولایه الفقیه فی الجمله و انما الخلاف فی بعض مراتبها.

[س- آیا در بین امامیّه، کسی از فقها هست که منکر ولایت فقیه باشد؟

ج- هیچ یک از فقهای امامیه اجمالا منکر اصل ولایت فقیه نیست آنچه مورد اختلاف است مراتب ولایت و اختیارات فقیه می باشد.]

(سؤال ۳۱۲) آیا رهبریت سیاسی جامعه می تواند به صورت مطلق، حاکم بر اموال و انفس مسلمین باشد؟ (آستانه اشرفیه)

جواب: به طور مطلق نیست و تفصیل آن در کتاب «ولایت فقیه» مذکور است که نامه گنجایش تفصیل را ندارد. (جلد دوم دراسات فی ولایه الفقیه ... ص ۵۹- ۶۰)

(سؤال ۳۱۳) مخالفت از دستور مسئول رسمی و قانونی در حین انجام وظیفه چه حکمی دارد؟

جواب: مخالفت از دستوری که بر خلاف دستور شرع نباشد جائز نیست و اگر دستور به انجام کاری حرام باشد، اطاعت آن جائز نیست. «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق».

(سؤال ۳۱۴) آیا اطاعت والدین هر چند مخالفت آنان موجب اذیّت آنان نشود واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، محدوده آن نسبت به موارد تزاحم دستورات آنان با احکام الزامی شرعی یا با دستورات حکومتی و مقرّرات قانونی را بیان فرمایید.

جواب: اگر مخالفت آنها موجب ناراحتی آنها نباشد و بی احترامی به آنها هم محسوب نباشد وجوب اطاعت معلوم نیست

و در صورت دستور به خلاف شرع (از ناحیه هر کس که باشد) اطاعت آنها حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۷

(سؤال ۳۱۵) آیا مبادلات ارزی و غیر آن، بر خلاف مقررات دولت اسلامی که موجب تضعیف آن می شود شرعا صحیح است؟ یا خیر؟

جواب: به هیچ نحو جائز نیست.

(سؤال ۳۱۶) اجناس دولتی که توسط ارگانها در بازار به صورت آزاد به مردم فروخته می شود از نظر شرع چه صورت دارد؟

جواب: در اجناس مربوط به دولت اسلامی رعایت مقررات لازم است.

(سؤال ۳۱۷) عهود و قراردادهای بین دولت اسلامی با دول کفر بر فرض اینکه نقض آنها به حیثیت و اعتبار بین المللی دولت اسلامی صدمه ای نزند آیا شرعا عمل به آنها واجب است یا نه؟ و آیا تخلّف سفیر و مأمورین سیاسی و غیر سیاسی دولت اسلامی مقیم کشورهای کفر، جزء تخلّف از عهدنامه می باشد؟ حکم مسأله در دو صورت صدمه زدن و یا نزدن به وجهه و اعتبار بین المللی دولت اسلامی را بیان فرمایید.

جواب: وفای بعهد در صورتی که از طرف مقابل، نقض نشود و مزاحم با امری که شرعا اهمیّت آن بیشتر است نباشد لازم است.

(سؤال ۳۱۸) آیا با پرداخت مالیات به دولت اسلامی، تکلیف اداء خمس و زکات ساقط می شود؟

جواب: خیر ساقط نمی شود.

(سؤال ۳۱۹) تخلف از مقررات عمومی از قبیل مقررات راهنمایی و شهرداری آثار حقوق اللّه را دارد و یا آثار حقوق الناس؟

جواب: مربوط به نوع تخلف و تشخیص حاکم شرع صالح است.

(سؤال ۳۲۰) در هنگام آموزشهای سخت نظامی احیانا جرحها و یا قتلهای غیر عمدی رخ می دهد که هیچ کدام از روی عمد و یا تقصیر نمی باشد و اکثرا

لازمه این گونه آموزشها می باشد با این فرض دیه این جرحها و قتلها به عهدهٔ مباشر است یا آمر یا بیت المال؟

جواب: اگر مباشر از دستوری که شرعا لازم الاجراء است به هیچ وجه تخطّی نکرده باشد از بیت المال پرداخت شود و در غیر این فرض به عهده خود مباشر است،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۸

بلی در صورت خطاء محض اگر قتل یا جرحی که دیه آن به مقدار یک بیستم دیه قتل یا بیشتر است با بینه ثابت شود نه با اقرار قاتل و جارح، دیه آن به عهده عاقله قاتل و جارح است.

(سؤال ۳۲۱) ما هو الحکم الشرعی فی الانضمام الی مخابرات الحکومات الظالمه؟

و هل المال الماخوذ منها یکون حلالا؟ کیف یتصرّف المؤمنون مع هؤلاء الجواسیس؟

(اخوانکم من القطیف)

جواب: لا یجوز العمل فی الاجهزه و المؤسّسات الظالمه و یحرم اخذ الاجره علیه إلّا لمن یرید الدفاع عن الاسلام و الحق بشرائطه المعیّنه.

[س- آیا استخدام در دستگاههای امنیتی حکومتهای ظالمه جایز است؟ و اجرتی که در مقابل، دریافت می شود حلال می باشد؟ وظیفه مؤمنین در برخورد با جواسیس ذکر شده چیست؟

ج- به طور کلی کار کردن در هر سازمان و دستگاه حکومت های جائر و ظالم جائز نیست دریافت پول بابت آن نیز حرام است مگر برای کسانی که در شرائط خاصّی به منظور حمایت از اسلام و حق، بخواهند در مؤسّسات ذکر شده کار کنند.]

(سؤال ۳۲۲) مقصود از کافر حربی که در ابواب مختلفه فقه، احکامی دارد چیست؟

آیا شخص کافر است یا دولت کفر؟ و اگر دولت باشد مقصود دولت کافری است که در حال جنگ با دولت اسلامی است یا اگر امکان و

زمینه های جنگ را از نظر قدرت و سلاح جمع کرده است حربی می باشد؟ و اگر دولت کافری جزء دول غیر متعهدها باشد حربی به حساب می آید یا نه؟ مراد از آن را توضیح فرمایید.

جواب: هر کافری که در پناه اسلام و مسلمین نباشد اصطلاحا حربی است و با کفار حربی هم اگر بر حسب مصالح اسلام و مسلمین قراردادها و تعهداتی داشته باشیم باید رعایت شود.

(سؤال ۳۲۳) حکومه او دوله تقوم بتقویه شوکه الکفار ضد المسلمین بالمال و السلاح فهل تعتبر محاربه للاسلام؟ (جماعه الاخوه المؤمنین فی الکویت)

جواب: المعین للمحارب فی جهه الحرب محارب.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۹۹

[س- هر حکومت و دولتی که با سلاح و قدرت اقتصادی در جهت مبارزه با اسلام در صدد تقویت و شوکت کفار بر آمد آیا دولت محارب با اسلام حساب می شود؟

(عده ای از برادران مؤمن کویتی)

ج- بلی هر کمک کننده به محارب، محارب می باشد.]

(سؤال ۳۲۴) احیانا مشاهده می گردد بعضی از کفّاری که اهل کشور دیگرند در حال عبور از مملکت اسلامی مشروبات الکلی و مسکر همراه دارند وظیفه شرعی نسبت به آنان چه خواهد بود؟

جواب: باید از حمل و نقل علنی ممانعت شود و اما مجازات آنها تابع مقررات است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۰

مسائل مشاغل و درآمدها

مشاغل

(سؤال ۳۲۵) کهانت حرام با تنجیم چه فرقی دارد؟ و تفاوت اصولی آنها با پیشگوییهای رائج در تقویم ها و در علوم ستاره شناسی و هواشناسی از نظر موضوع و حکم شرعی چیست؟ محدوده و حکم هر سه را بیان فرمایید. اعانکم اللّه.

جواب: کاهن ادّعا می کند که وقایع را به واسطه خبر دادن اجنّه و شیاطین یا به واسطه اسباب خفیّه دیگر می فهمد و

منجّم، اگر حرکات افلاك و اتصالات کواکب را به طور استقلال و یا اشتراك با خداوند متعال، مؤثر در عالم خاك بداند، حرام بلکه شرك است، و اگر مشیّت خالق را مؤثر مطلق بداند و پیش بینی هایش مبنی بر این باشد که پروردگار عالم بعضی امور را سبب یا مقارن و هم آهنگ بعض امور دیگر قرار داده و ابقاء سببیّت یا تقارن و سلب آن در قبضه قدرت مطلقه او می باشد، اشکال ندارد.

[در هواشناسی و ستاره شناسی نیز همین دو نظر جریان دارد که یکی حرام و شرك و دیگری بدون اشکال می باشد.]

(سؤال ۳۲۶) یاد گرفتن علم احضار ارواح و عمل به آن و نیز خواب کردن مصنوعی و به اصطلاح «هیپنوتیزم» از نظر یاد گرفتن و عمل به آن حرام است یا نه؟

جواب: حرام است مگر در موارد ضرورت مثل معالجه مریض به وسیله خواب مصنوعی.

(سؤال ۳۲۷) یکی از کارهای رائج در دنیا، به خواب مصنوعی بردن افراد و به اصطلاح، هیپنوتیزم است و برای مقاصد زیادی از آن استفاده می شود مستدعی است ضمن اشاره به اینکه خواب مصنوعی از قبیل سحر و جادو می باشد یا نه، حکم مورد زیر را بیان فرمایید:

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۱

از قبیل سحر باشد یا نباشد، آیا برای معالجات امراض بخصوص بعضی امراض روحی صعب العلاج استفاده از آن جایز است یا نه؟

جواب: معلوم نیست خواب مصنوعی از قبیل سحر و جادو باشد بلکه نوعی تأثیر و سلطه روحی بر روح دیگری است ولی به کار گرفتن این قبیل امور خارق العاده که نظم طبیعی انسانها را بر هم می زند خالی از اشکال نیست مگر اینکه حفظ

جان مسلمانی بر آن متوقّف باشد و اثر سویی بر آن مترتّب نشود.

(سؤال ۳۲۸) خواهشمندم جواب سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

۱- به نظر حضرتعالی ملاک تمیز سحر و غیر سحر چیست؟ آیا ضرر و اضرار است یا فریب یا چیز دیگر؟

۲- حکم احضار جن و احضار ارواح و ملائکه چه می باشد ایا برای همه افراد و اقشار یکسان است یا اینکه برای اشخاص مختلف بر حسب ظرفیّت و فکر آنها فرق می کند؟

جواب: ۱- سحر به معنای جادو است و ضرر و اضرار و فریب جزء مفهوم آن نیست و شرط حرمت آن هم نیست.

۲- اگر احضار آنها به وسیله دعا از درگاه خدا باشد که اگر صلاح بداند دعای او را مستجاب کند اشکال ندارد و اگر با وسائل سحرآمیز باشد برای هیچ کس جائز نیست.

(سؤال ۳۲۹) افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر و یا لمس بدن دیگری است، مثل دندان پزشکی، زایمان، جرّاحی، ارتوپدی، پرستاری، معاینات پزشکی، تزریق آمپول، خیّاطی، گریم نمودن، انگشت نگاری، و تشخیص هویّت و برخی از رشته های ورزشی و غیر اینها در این گونه موارد تکلیف چیست؟ و آیا فرضی بین حال ضرورت و غیر آن هست؟ و ملاک ضرورت چیست؟

جواب: در غیر حال ضرورت جایز نیست، و حال ضرورت یعنی حالت ناچاری.

(سؤال ۳۳۰) محدوده جواز فعالیتهای اجتماعی زنان نسبت به امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و بهداشتی و درمانی چه بخشهایی که جنبه مدیریت و ریاست و رهبری دارد و چه غیر آنها، چقدر است؟ و بر فرض جواز شرکت در تمام امور ذکر

شده آیا با توجه به ویژگی

خلقت زنـان و حساسیّت شـرائط موجـود در جـامعه از نظر زمینه اختلاـط زن و مرد و احتمـال ظهـور عـوارض منفی و مفاسـد اجتمـاعی و اخلاـقی، تکلیف زنـان چیست؟ و کـدام یـک از امور ذکر شـده برای زنـان مناسب تر است؟ و بر فرض تخلّف در انتخاب آن آیا در حدّ گناه و عصیان است که مثلا سفر شغلی آنها حرام و نمازشان تمام باشد یا نه؟

جـواب: هر امری که رجـولیّت بـالخصوص در آن شـرط نشـده است در صـورتی که زن بتوانـد موازین شـرعیّه را رعـایت کند تصـدّی او اشـکال نـدارد و نسـبت به راجح بودن و مرجوح بودن تصدّی، موارد مختلف است، مثلا در تعلیم دختران و مداوای زنـان تصـدّی زنها با حفظ موازین شـرعیّه رجحان دارد و تصـدّی آنها نسـبت به اموری که مسـتلزم مخالطه و مکالمه با نامحرم است در غیر حال ضرورت مرجوح است.

(سؤال ۳۳۱) بـا توجه به ویژگی جسـمی و روحی که خداونـد متعـال در خلقت زنـان قرار داده است که کارهـا و مسـئولیتهای طاقت فرسا و سخت اجتماعی نظیر ولایت، جهاد ابتدایی، قضاوت و افتاء را از آنان برداشته است چند سؤال مطرح است:

آیـا اسـلام، لزوم و وجوب آنهـا را از زنـان برداشـته است یـا اصل مشـروعیت و جواز را به شـکلی که ولایت، جهاد ابتـدایی و قضاوت و فتوا دادن بر زنان حرام باشد و به اصطلاح آیا رخصت است یا عزیمت؟ و آیا ولایت زن بر زن نیز جایز نیست؟

جواب: به عنوان عزیمت است (یعنی مشـروعیّت آنها برای زنان برداشـته شـده است) و زن بر زن هم ولایت نـدارد. بلی افتاء او حرام نیست ولی دیگران حق تقلید

از او را ندارند.

(سؤال ۳۳۲) در مواردی که نظر کارشناس و اهل خبره شرعا برای مکلّف معتبر و حجت است مانند پزشک متخصّص و غیر آن آیا فرقی بین کارشناس زن و مرد می باشد؟

جواب: در جهت مورد سؤال، فرقی بین کارشناس زن و مرد نیست.

(سؤال ۳۳۳) حکم استخدام و مشاغل زنان و در آمد آنها در بعضی مراکز و مؤسّسات و سازمانها نسبت به موارد و جهات زیر چیست؟

یک: اگر استخدام زنان که نوعا با حقوق کمتر و شرائط بدتر حاضر به کار می شوند موجب بیکار ماندن بیشتر نیروی فعال و واجد شرائط مردها شد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۳

دو: اگر صورت فوق الذکر که مردها بیکار ماندند مستلزم عوارض منفی در جامعه نظیر پایین آمدن آمار ازدواج، بالا رفتن آمار اطلاق و بعضی مفاسد دیگر مثل دزدی، زنا و غیره شد؟

سه: اگر استخدام آنها موجب سوء استفاده بعضی صاحبان مشاغل و مؤسّسات از جاذبه های جنسی و احیانا وجاهت زنان و ابزار گونه شدن آنان شد، مثل بسیاری از هنرپیشه های سینماها و تآترها و غیره که قهرا با کرامت انسانی و حیثیت و خصوصیات زنانگی منافات دارد و زنان در صورت پاسخ منفی به خواسته های فوق اخراج می گردند؟

چهار: اگر استخدام و به کار گرفتن زنان فقط جنبه تبلیغاتی و تشریفاتی و دکوری بودن داشت بدون دادن هیچ نقش جدّی به آنان؟

جواب: در تمام موارد فوق الذکر، استخدام و مشاغل زنان اگر مستلزم مفسده یا ارتکاب خلاف شرع باشد جائز نیست و حقوقی که دریافت می کنند حرام است.

(سؤال ۳۳۴) اگر کار و فعالیت زن، موجب شود عواطف و احساسات و خصوصیات زنانه او از بین

برود مثلا تمایلی به ازدواج و تشکیل خانواده نداشته باشد و یا به ضدّ آن مبدّل شود و مردانه شود، کار و فعالیت او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد حرام است و اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع نباشد حرام نیست.

(سؤال ۳۳۵) آیا ولایت زن بر مرد جایز است؟ در چه مواردی؟

جواب: زن بر مرد، ولایت ندارد.

(سؤال ۳۳۶) اگر ولایت زن بر مرد جایز نباشد در صورتی که ولایت و مدیریت اجرایی نهاد یا ارگانی به زن سپرده شود، اطاعت مردانی که در آن اداره به کار مشغولند از آن زن چه حکمی دارد؟

جواب: مورد سؤال از موارد ولایت زن بر مرد نیست.

(سؤال ۳۳۷) بعضی از فقها و مراجع، تصویر ذوات الارواح را حرام می دانند نظر حضرتعالی چیست؟ و بر فرض حرمت، تصویر با دست چه فرقی با عکس گرفتن به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۴

وسیله دوربین دارد؟ هر دو از مقوله تصویر می باشد، یکی تدریجی و دیگری دفعی و فوری است؟

جواب: احتیاط در ترک تصویر ذی روح است هر چند حرمت غیر مجسّم آن معلوم نیست و فرق آن با عکس برداری در اینست که عکس برداری انطباع است و تصویر نیست مثلا اگر کسی در مقابل آینه قرار بگیرد و صورت او منعکس در آینه شود به آن مسلّما تصویر گفته نمی شود و اگر کسی همان صورت منعکس شده را به وسیله ای ثابت نگه دارد به آن هم تصویر، صدق نمی کند.

(سؤال ۳۳۸) در دانشگاه علوم پزشکی که تعداد دانشجو زیاد است و برای هماهنگی کارهای درسی و غیره معمولا نمایندگانی از بین آنان انتخاب می شوند آیا با وجود افراد متأهّل، دختران

و پسران مجرّد می توانند برای نمایندگی کاندیدا شوند یا نه؟

(تعدادی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی)

جواب: بایـد افراد متعهّد و باتقوا انتخاب شونـد و اگر انتخاب مجرّدین در معرض مفسـده باشـد بایـد از متأهّلین متعهّد و باتقوا انتخاب نمایند.

(سؤال ۳۳۹) صدای بعضی مجریان زن در رادیو و تلویزیون ذاتا نازک و بسا محرّک است اجراء برنامه و همچنین شنیدن چنین صدایی برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای اکثر افراد یا همه، تحریک آمیز باشد اجراء و استماع در فرض مذکور در سؤال خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۳۴۰) آیـا مـأمور دولت می توانـد زودتر از وقت اداری به منزل برود و مرخّصـی یـا اضـافه حقوق نگیرد و یـا بعـدا چند ساعت اضافه کار بکند؟

جواب: جائز نیست.

(سؤال ۳۴۱) در اسـتخدام ها آیا اشـخاص، حق دارنـد مـدت بازنشسـتگی خود را کمتر از مدت مقرّر در قانون اسـتخدام تعیین نمایند یا نه؟

جواب: اگر مدت اسـتخدام را معیّن کنند با توافق طرفین هر قدر باشد اشـکالی ندارد ولی اگر مدّت را معین نکنند و به دلخواه یک طرف محوّل نمایند خالی از اشکال نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۵

تقلّب در مشاغل

(سؤال ۳۴۲) آیا اگر محصّل یا دانشـجویی در بعضـی از امتحانات خود تقلّب کنـد و به مـدارک بالایی (مثل دیپلم- لیسانس- دکترا) دست پیدا کند و متعاقبا حقوق بالاتری دریافت کند این حقوق برای او حلال است یا حرام اگر توبه کند چطور؟

جواب: تقلّب در امتحانـات جایز نیست و اگر کسـی تقلب کرده باشـد بایـد توبه کنـد و آن مقـدار سواد یا مـدرکی که از نظر قانون برای شغل او لازم است اگر آن را تحصیل کرده باشد حقوقی که می گیرد اشکال ندارد

و الّا جایز نیست.

(سؤال ۳۴۳) نظام اداری و استخدامی و حتی مزایای حقوقی بر اساس مدرک تحصیلی استوار است، حال اگر کسی در دوران تحصیلاتش احیانا مرتکب تقلب شده باشد و با تقلب در بعضی امتحانات به مدرک تحصیلی نائل شده باشد تکلیف استخدام و حقوق و یا مزایای آن چیست؟

جواب: اگر چه به واسطه تقلب، مرتکب فعل حرام شده است ولی فعلاـ اگر از جهت سواد و سائر شرائط، صلاحیت انجام وظائف محوّله را داشته باشد استخدام او اشکال ندارد.

(سؤال ۳۴۴) کسی که برای کاری علاقه و یا کارایی و توان لازم را ندارد، اگر به این کار گمارده شود آیا درست است و حقوقی که دریافت می کند مشروع است یا نه؟

جواب: اگر از عهده کار بر نیاید باید تقبّل نکند و اگر توانایی داشته باشد باید طبق وظائف مقرره عمل کند.

درآمدها

(سؤال ۳۴۵) کسانی که کار فکری می کنند بعد از مدتی ذهنشان خسته می شود و لازم است مقداری استراحت کنند تا بتوانند مجددا کار را ادامه دهند، وضعیت استراحت و حقوقشان در این مدت چه حکمی دارد؟

جواب: باید به مقدار وظیفه مقرره خود، کار کند و اگر نتواند به نسبت کم کاری از حقوقش کاسته می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۶

(سؤال ۳۴۶) این جانب کارگر حمام بودم و در زمان طاغوت یک بلیط بخت آزمایی به قیمت پنج تومان خریدم و مبلغ صد هزار تومان برنده شدم و با آن پول، خانه خریدم اکنون از نظر شرعی نماز و روزه من در آن خانه چه صورت دارد؟

جواب: مصرف پول نامبرده صدقه به فقیر است اگر خود شما احتیاج دارید به عنوان صدقه قبول

کنید و در عین حال از صاحب خانه که از او خریده اید نیز حلّیت بخواهید اگر او را می شناسید.

(سؤال ۳۴۷) در مورد طرح شهید رجایی- طاب ثراه- که بافراد شصت سال به بالا مبلغی از طرف دولت ماهانه داده می شود، چنانچه فرد یا افرادی اموراتشان اصلاح می شود آیا شرعا می توانند باز این پول و یا هر کمک دیگری را دریافت کنند؟

جواب: اگر به عنوان فقیر می پردازند نگیرید و اگر به عنوان اعانه و توسعه زندگی و حفظ شخصیت پیرمردان پرداخت می شود مانعی ندارد.

(سؤال ۳۴۸) زن زانیه توبه کرده ولی از این راه مبلغی پول به دست آورده برایش مباح است؟

جواب: حلال نیست.

رشوه و اعمال نفوذ

(سؤال ۳۴۹) گاهی مسئول خرید یا عقد پیمان یک ارگان دولتی، از شرکتها و مؤسّسات آشنا خرید می کند که بعضا ارزان تر از جاهای دیگر است و برای این معامله مبلغی پول از آن شرکت آشنا می گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر خریدار به نفع بیت المال دقت در خرید داشته و بدون قرار داد قبلی با فروشنده به عنوان انعام چیزی به او بدهند گرفتن آن اشکال ندارد.

(سؤال ۳۵۰) اگر مأمور دولت در مأموریت خود احیانا جهت صرف غذا و سکنی مثلا از منزل اقوام و دوستان خود استفاده نمود آیا می تواند وجوهی که بابت آنها می دهند را دریافت نماید؟

جواب: اگر طبق مقررات آن را به مأمور، تملیک کرده باشند اختیار آن را دارد و الّا تابع مقررات است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۷

(سؤال ۳۵۱) اگر انسان برای رسیدن به حق مشروع خود چیزی اعم از پول و غیره به مسئول کار خود، در ارگان مربوطه داد آیا رشوه و حرام است یا

نه؟

جواب: اگر پول گیرنده موظّف به انجام آن بدون پول نباشد اشکال ندارد و اگر موظّف باشد که بدون گرفتن پول، انجام دهد، گرفتن پول بر او جائز نیست ولی برای پول دهنده در صورتی که رسیدن به حق مشروع، متوقّف بر آن باشد اشکال ندارد.

(سؤال ۳۵۲) اگر برای رفع ظلمی از یک مظلومی یا پیشگیری از چنین ظلمی به شخص ظالم چیزی داد، رشوه حساب می شود و حرام است؟

جواب: اگر رفع ظلم، متوقف بر آن باشد برای پول دهنده اشکال ندارد ولی گرفتن آن بر ظالم، حرام است.

(سؤال ۳۵۳) اگر کسی با رشوه یا پارتی به سفر حج مشرّف شد با اینکه می داند بدون رشوه و پارتی، نوبت او هنوز نرسیده یا اصلا نمی رسد و مشمول ضوابط مقرّره نمی باشد، آیا سفر او حرام است یا نه؟ با توجه به اینکه او جای دیگری را گرفته و آیا چنین سفری از حجّه الاسلام یا حجّ نیابت از دیگری مجزی است یا نه؟

جواب: ظاهرا سفر او حرام نمی شود و حج او صحیح است گرچه اصل عمل، خلاف و حرام است.

(سؤال ۳۵۴) اگر فرد فاسدی پول و مایملک انسان را غصب نموده و بدون دادن مقداری پول به او نمی توان آن را از دست او خارج ساخت آیا این از قبیل رشوه حرام است؟

جواب: اگر بدون دادن پول نتواند استرداد کند مانع ندارد، ولی برای گیرنده حرام است.

(سؤال ۳۵۵) آیا اعمال نفوذ در ارگانها از جهت موقعیت شخصی یا شغلی و یا وابستگی به مراکز قدرت یا از جهات دیگر، جزء رشوه و پارتی بازی حرام، شمرده می شود یا نه؟

جواب: اگر رسیدن به حقّ مشروعی یا دفع ظلم از

مظلومی متوقّف بر آن باشد اشکالی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۸

مسائل خریدوفروش

معاملات باطل یا صحیح

(سؤال ۳۵۶) خرید خاویار از شرکت شیلات و صدور و فروش آن در کشورهای خارجی توسط یک فرد مسلمان و یا شرکت ایرانی از لحاظ شرعی و حلال و حرام بودن معامله چه صورتی دارد؟

جواب: بنابر گفته عده ای از اهل فن، ماهی خاویار، فلس داشته و بعدا می ریزد بنابراین معامله اشکال ندارد.

(سؤال ۳۵۷) نظر به اینکه خاویار صادراتی از ماهی بدون فلس به نام اوزون برون تهیه می شود آیا با توجه به حرمت آن صادر کردن این نوع خاویار از نظر شرع اسلام چه صورتی دارد؟

جواب: اگر در خارج کشور غیر از خوردن مصرفی داشته باشد اشکال ندارد ضمنا به نظر بعضی از بزرگان، ماهی نامبرده مختصر فلسی دارد.

(سؤال ۳۵۸) نظر حضرتعالی در مورد خریدوفروش خون، جهت مداوای بیماران و غیر آن چیست؟

جواب: اشکال ندارد اگر چه بهتر این است که خون دهنده، خون را نفروشد و اگر می خواهد پول بگیرد در برابر اینکه خود را در اختیار خون گیرنده قرار می دهد پول بگیرد.

(سؤال ۳۵۹) آیا خریدوفروش کلیه انسان زنده جایز است؟

جواب: اگر فقدان کلیه برای صاحب آن خطر جانی یا ضرر معتنابه نداشته باشد فروش آن ظاهرا مانع ندارد اگر چه بهتر این است که کلیه را نفروشند بلکه در برابر اینکه خود را در اختیار پزشک قرار می دهد تا کلیه او را بیرون آورند پول بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۰۹

(سؤال ۳۶۰) آیا عکس و شمائلی که از ائمه اطهار (ع) در بین مردم رایج است و در بازار می فروشند و در امکنه به دیوار می زنند حرمت یا اشکال شرعی

ندارند اگر دارند راهنمایی فرمایید.

جواب: نظر به اینکه تمثالهای مورد سؤال مطابق با واقع نیست اگر نشر آن موجب اغراء «۱» به جهل مردم گردد خالی از اشکال نمی باشد.

(سؤال ۳۶۱) شخصی زمینی را به فردی به فروش می رساند با قباله عادی و با امضاء خود و خریدار، سپس شخص فروشنده همان زمین را در دفتر خانه رسمی به فرد دیگری می فروشد فعلا حدود ۱۲ سال گذشته و خریدار جریان را تعقیب می کند در دادگاه، بعدا خریدار فوت می کند و ورثه او جریان را تعقیب می کنند، خریدار متوفی بیست هزار تومان بابت زمین در ۱۲ سال پیش داده و اکنون حدود ۵۰۰ هزار تومان ارزش پیدا نموده ولی عملاـ در اختیار مشتری دوم است وظیفه ما چیست؟ (دادگاه کیفری شهرستان قمشه)

جواب: اگر ثابت شود که مالک به بیع صحیح شرعی فروخته بوده اگر چه سند ثبتی نداده باشد مورد معامله متعلق به ورثه خریدار اول می باشد.

(سؤال ۳۶۲) اگر در نوشته قرار داد معامله، ثمن ذکر نشده باشد و پول هم رد و بدل نشده باشد معامله شرعی و قانونی می باشد یا خیر؟

جواب: در صحت و بطلان معامله، نوشته معیار نیست بلکه اگر هنگام معامله و خریدوفروش ثمن ذکر نشده باشد معامله باطل است و اگر هنگام معامله تعیین ثمن شده با رعایت سائر شرائط معامله اگر چه در نوشته ثمن ذکر نشده باشد معامله صحیح است.

شرائط فروشنده و خریدار

(سؤال ۳۶۳) شخصی است که بعضی از اهالی منطقه می گویند سفیه است و بعضی دیگر می گویند سفیه نیست و افعالش از باب نمونه چنین است که: شخصی دارای خواهر

---

(۱)- اغراء به جهل: یعنی موجب گمراهی و افتادن مردم در جهالت

شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۰

مزوّجه است و مـدتی این زن از شوهرش قهر کرده آمده به خانه برادرش، این برادر می آید به نزد آن شـخص مورد سؤال می گویـد زمین خـود را به من بفروش و من طلاـق خواهرم را می گیرم و به ازدواج تو در می آورم او قبول می کنـد و زمینش را می فروشد در حالی که فکر نمی کند که امر طلاق به دست زوج است و او حاضـر به طلاق نیست. آیا این شـخص سفیه است یا خیر؟ و آیا این معامله اش صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر به واسـطه اعمال دیگر، سـفاهت او ثابت نشود عمل مزبور دلیل بر سفاهت او نمی باشد. و اگر طلاق خواهر، مجرد حرف بوده و معامله مشـروط بر آن نبوده معامله صـحیح است و اگر مشـروط بر آن بوده بر فرض اینکه معامله صحیح باشد در صورت تخلّف شرط، فروشنده اختیار فسخ دارد.

(سؤال ۳۶۴) مسلمانی از یک بهایی خانه می خرد، جائز است یا نه؟

جواب: اگر سابقه اسـلام داشـته و خانه و یا پول آن را در زمان اسلام به دست آورده باشد یا اینکه خریدن از او مستلزم ترویج باطل باشد جائز نیست.

(سؤال ۳۶۵) در زمان طاغوت باغ نخلی را برای تأسیس شـرکتی نفتی در محل آن، جبرا از صاحب آن خریـداری نموده اند و مقـداری پول که قیمت کرده انـد را نیز تحویل گرفته ولی گفته می شود راضـی نبوده، حال، تکلیف نماز خواندن کارمندان و کارگران در آن تأسیسات چه صورتی دارد؟

جواب: اگر محرز شود که به زور از مالک گرفته اند و بعدا هم راضـی نشده است رضایت او تحصـیل شود و اگر شک دارید که از اول رضایتش

احراز «۱» شده یا نه برای شما نماز خواندن مانعی ندارد.

شرائط جنس و عوض آن

(سؤال ۳۶۶) این جانب مقدار دو هزار متر مربع از قطعه زمینی که در زمان معامله مساحت قطعی کل آن معلوم نبوده فروخته ام و در قولنامه خارج از سند رسمی قید شده چنان که مساحت زمین کمتر یا زیادتر از مقدار معین باشد در صورت کسر، به نسبت بهاء

---

(۱)- احراز: اطمینان پیدا کردن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۱

مورد معامله، فروشنده به خریدار بپردازد و در صورت زیاده خریدار به همان قیمت بفروشنده بپردازد، مورد سؤال اینست، چون در زمان معامله قطعی میزان کل زمین معین نبوده از این رو نسبت باضافه آیا فروشنده اجبار به معامله ما زاد دارد یا خیر؟

جواب: اگر شما مطمئن بوده اید که مورد معامله کمتر از دو هزار متر نیست و مبنی بر اطمینان خود دو هزار متر از آن را فروخته و در ضمن عقد، شرط کرده اید که اگر بیشتر باشد مقدار زائد را هم از روی همان قیمت بفروشید معامله صحیح است و باید طبق شرط عمل کنید و اگر مقدار زمین برای شما مجهول بوده و احتمال می داده اید کمتر از دو هزار متر باشد و احتمال می داده اید بیشتر باشد و در عین حال اقدام به معامله کرده باشید، معامله باطل است.

(سؤال ۳۶۷) با فرض عدم اضطرار، معامله با مسلمانی که اهل حساب سال و پرداخت وجوه شرعیه نیست چه صورت دارد؟

جواب: اگر خریدار نداند به عین مورد معامله، خمس یا زکات تعلق گرفته است یا خیر، برای او اشکال ندارد و اگر بداند نمی تواند بخرد.

(سؤال ۳۶۸) اگر کسی زمین موات را بفروشد چه صورت دارد معامله

صحیح است یا نه؟

جواب: اگر آن زمین موات بالاصاله بوده یعنی سابقه عمران نداشته باشد و فروشنده قبل از احیاء، آن را فروخته، معامله باطل است و خریدار می تواند پول خود را پس بگیرد و اگر موات بالاصاله نبوده منتقل به خریدار شده است و نمی تواند پول خود را از فروشنده پس بگیرد.

نقد و نسیه

(سؤال ۳۶۹) ما مقداری سکّه طلا داریم که مثلا قیمت روز آن هر عدد ۱۳۰۰۰ تومان می باشد ولی اگر بخواهیم آنها را به صورت اقساط، شش ماهه بفروشیم، هر عدد را مثلا ۱۵۰۰۰ تومان از ما می خرند. آیا این کار از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۲

(سؤال ۳۷۰) شخصی در مشهد مقدس اجناسی به مبلغ یکصد و پنجاه و هشت هزار تومان خریده، چهل هزار تومان آن را نقدا پرداخته و بقیه را بنا شده از قم بفرستد، و در مجلسی که معامله انجام گرفته فروشنده گفته فردا اجناس را بقم می فرستم و شما هم بقیه وجه را از قم بفرستید. خریدار به قم آمده دیده از اجناس خبری نیست و مظنّه هم فرق کرده و تقریبا سی هزار تومان تنزل کرده و به مشهد تلفن کرده که به قدر همان چهل هزار تومان جنس بفرستد فروشنده اعتنایی نکرده و وجه و جنس هر دو را نگه داشته است مرقوم فرمایید آیا خریدار باید تمامی وجه را بپردازد؟ و همه اجناس را تحویل گیرد؟ یا به قدر همان چهل هزار تومان، فروشنده باید بخریدار اجناس تحویل دهد؟

جواب: در فرض مسأله، اگر معامله بر جنس معیّن موجود واقع شده باشد باید طبق معامله عمل شود و همچنین است

اگر با توصیف یا ارائه نمونه بر کلّی واقع شده باشد و معامله نسبت به تحویل جنس، مدت دار نباشد و وعده ارسال فردا از روی ارفاق باشد ولی اگر وعده ارسال فردا و ارسال از قم به عنوان تعیین مدت باشد که طرفین قبل از آن حق مطالبه نداشته باشند، در این فرض نسبت به مقداری که پول آن در مجلس معامله پرداخت شده معامله صحیح است و نسبت به بقیه باطل می باشد.

معامله سلف (پیش فروش)

(سؤال ۳۷۱) احتراما معروض می دارد: سلف سرویس مجتمع آموزش عالی شهرکرد غذای هفتگی مورد استفاده دانشجویان را به وسیله ژتون پیش فروش می نماید و عده ای از دانشجویان، موفق به استفاده از غذای خریداری شده به وسیله ژتون نمی شوند که بعد از موعد مقرر ژتون مزبور باطل و سلف سرویس نیز وجه آن را مسترد نمی کند.

لازم به تذکر است این عمل چندین سال است به این صورت انجام می گیرد. حال با توجه به اینکه سلف سرویس به تعداد ژتون فروخته شده غذا تهیه می کند، لطف فرموده مسأله شرعی آن را بیان فرمایید. (انجمن اسلامی دانشجویان مجتمع آموزش عالی شهرکرد)

جواب: اگر هنگام پیش فروش با دانشجویان شرط کرده باشند که اگر در موعد مقرر غذا را تحویل نگیرند، حق آنان ساقط شود علی الظاهر اشکال ندارد و اگر در موعد مقرر تحویل نگیرند حق آنان ساقط می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۳

(سؤال ۳۷۲) در زمان ما مرسوم است که افراد با تاجر و آهنگر و امثال آنان قرار داد منعقد می نمایند که برای ایشان در و پنجره و امثال آن به قیمت معین در زمان معین بسازند با توجه به اینکه چوب و آهن از

سازنده می باشد و قرارداد روی در ساخته شده منعقد می شود بیان فرمایید این نحوه قراردادها تحت کدام یک از معاملات معروفه مندرج می باشد؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: اگر با رعایت شرائط بیع سلف «۱» که از جمله، قبض ثمن در مجلس معامله است معامله شود از مصادیق سلم می باشد و الا باید هنگام تحویل رضایت همدیگر را تحصیل نمایند.

فروختن جنس به کمتر یا بیشتر از قیمت عادله

(سؤال ۳۷۳) مأمور فروش اموال ادارات دولتی آیا می تواند آنها را به کمتر از قیمت واقعی به افراد حزب اللهی و مستحق بفروشد؟

جواب: جائز نیست مگر اینکه به قیمت عادله مشتری پیدا نشود و مسئول فروش اجازه داشته باشد که به هر قیمت ممکن بفروشد.

(سؤال ۳۷۴) این جانبان کسبه بازار تمبر تهران که سالهای سال است به شغل خریدوفروش تمبر اشتغال داریم از آن حضرت استدعا داریم که فتوای خود را در مورد «تمبر بازی» صادر فرمایید منظور از «تمبر بازی» اینست که ما تمبر را از پستخانه توسط دلال پست به مقدار فراوان خرید نموده و انبار می نماییم و هنگام کمیاب شدن آن در بازار به قیمت بیشتر بفروش می رسانیم با توجه به ضروری بودن کالای تمبر، عمل ما چه صورت دارد؟

جواب: خریدوفروش شرعا حلال است ولی باید بی انصافی نشود و اجحاف در بین نباشد.

(سؤال ۳۷۵) اگر کسی جنسی را به چند برابر خرید بفروشد آیا معامله صحیح است؟

جواب: اگر فروشنده اول ارفاق کرده باشد یا اینکه قیمت عادله بازار ترقی کرده

---

(۱)- بیع سلف: با بیع سلم یکی است و آن عکس معامله نسیه است یعنی پول بدون مدّت و جنس با مدّت باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۴

باشد مانع ندارد، خلاصه اینکه اگر

هنگام خرید یا فروش، مرتکب خلاف مقررات اسلامی نشده باشد، فروش آن طبق قیمت عادله روز اشکال ندارد.

شرائط ضمن بیع

(سؤال ۳۷۶) در قولنامه معاملات، طرفین متذکر می شوند که هر کدام پشیمان شود فلان مبلغ را بدیگری بپردازد آن پول از نظر اسلام چه حکمی دارد؟ و در بعضی مواقع طرفین، آن مبلغ را قید نمی کنند. مستدعی است با توضیح بیشتر حکم آن را مرقوم فرمایید.

جواب: قولنامه ای که در مورد معامله نوشته می شود سه نوع می باشد: ۱- معامله را تمام می کنند و صیغه آن را و لو به زبان، خودشان اجراء می نمایند (و چون تنظیم سند رسمی در حین معامله میسور نیست یادداشتی به نام قولنامه می نویسند) فقط ثبت در دفتر رسمی باقی می ماند در این فرض، معامله درست است و در ضمن این عقد، اگر شرط کرده باشند که نادم باید فلان مبلغ را بپردازد تا بتواند معامله را فسخ نماید این شرط هم صحیح است اگر آن مبلغ را نپردازد حق فسخ ندارد. ۲- معامله را گفتگو می کنند و فروشنده عوض صیغه، مورد معامله را به قصد فروش تحویل مشتری می دهد و مشتری هم به قصد خرید قبول می کند و یا اینکه مشتری عوض صیغه، پول به قصد خرید مورد معامله تحویل فروشنده می دهد و فروشنده به قصد معامله پول را قبول می کند (و یادداشتی حاکی از آنچه انجام گرفته به نام قولنامه می نویسند) در این فرض هم معامله صحیح است و اگر شرط کرده باشند که نادم مبلغی بپردازد اگر بعد از شرط بلافاصله مبنی بر همان شرط تحویل انجام بگیرد باید طبق شرط رفتار نمایند و اگر فاصله بین شرط و تحویل باشد

لزوم شرط معلوم نیست و معامله درست است و نادم حق فسخ ندارد. ۳- در مقام معامله فقط گفتگو می کنند و قولنامه را طبق گفتگو می نویسند اما حقیقتا معامله را انجام نمی دهند و در این صورت هر کدام پشیمان شوند می توانند قولنامه را به هم بزنند ولی بهتر، بلکه احوط است که عمل شود بر طبق قولنامه.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۵

(سؤال ۳۷۷) آیا می توان در عقد لازمی شرط کرد، یکی از دو طرف آنچه به دست آورد طرف دیگر نصف آن را مالک شود؟

جواب: جهل به شرط در عقود مبنی بر تغابن «۱» مثل بیع، مضرّ است ولی در عقود مبنی بر مسامحه مثل صلح بلکه مثل نکاح، ظاهرا مجهول بودن شرط مضرّ نیست.

(سؤال ۳۷۸) معمول است قبل از انجام معامله، مشتری، مبلغی را به عنوان بیعانه به فروشنده می دهد به شرط اینکه او جنس را بدیگری نفروشد و نیز اگر مشتری از خرید آن منصرف شد حقّی در آن مبلغ نداشته باشد. آیا چنین شرطی شرعا صحیح و نافذ می باشد و آیا مالک جنس می تواند آن مبلغ را در صورت انصراف مشتری از خرید آن، تملک نماید یا نه؟

جواب: اگر معامله شرعیه واقع شود و تنظیم سند رسمی موکول به وقت دیگر گردد و در ضمن معامله شرط شود که هر یک از طرفین پشیمان شود با پرداخت مبلغی معیّنی حق فسخ داشته باشد این شرط، لازم الوفاء می باشد و گرفتن آن مبلغ برای طرف دیگر مانعی ندارد ولی اگر معامله انجام نگرفته باشد اشکال دارد و احتیاط در مصالحه است.

(سؤال ۳۷۹) کسی تمام املاک نسق زراعتی و باغات و غیره خود

را به قیمت یکصـد و پنجاه هزار تومان به دیگری فروخته است و طرفین در قولنامه قیـد کرده اند که بعد از سه روز هر کدام از طرفین پشیمان شود باید مبلغ ۲۰ هزار تومان به طرف مقابل پرداخت نماید بنابراین آیا این شرط در معامله نافذ است یا نه؟

جواب: اگر شرط مذکور در ضمن بیع صحیح واقع شده باشد نافذ است.

(سؤال ۳۸۰) شـرکت بازرگـانی به مشتریـان با رعایت قانون و مقررات صادرات و واردات جمهوری اسـلامی و آیین نامه های اجرایی مربوطه معـامله شـرعی انجـام داده و در چهـار چوب عقود شـرعیه برای مشتریان خود با وجوهات اخـذ شـده از آنها از خارج کالا خریداری کرده تا پس از ترخیص از گمرک در اختیار آنان قرار دهد، در صورتی که شرح

---

(۱)- عقود مبنی بر تغابن: تغابن یعنی اقدام طرفین به ضـرر یکدیگر در معاملاتی است که بر اساس دادوستد باشد نظیر بیع ولی در مثل نکاح و صلح دادوستد به آن معنا وجود ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۶

فوق صحیح باشد از محضر مبارک استفتاء می شود آیا مشتریان قبل از ترخیص و تحویل نسبت به کالای مورد خریداری شرعا مالکیت دارند یا نه؟

جواب: اگر شـرکت از طرف مشتریها وکالت داشـته باشـد که اجناس را برای آنها بخرد هر چه طبق وکالت خود خریـده باشـد متعلق به موکلین شـرکت می باشد و اگر شـرکت، اجناسـی را به طور کلی بدون تعیین عین خارجی فروخته باشد در این فرض اگر شـرائط معامله سـلف رعایت شـده باشـد معامله صـحیح است ولی مادامی که اجناس تحویل مشتریها داده نشـده است آنها مالک اجناس نمی باشند و مورد معامله در ذمه فروشنده می باشد و

اگر شرائط سلف رعایت نشده باشد معامله باطل است و باید در موقع تحویل جنس معامله انجام بگیرد.

(سؤال ۳۸۱) آیا صرف قولنامه دلیل بر خریدوفروش می باشد یا نه و اگر خریدار یا فروشنده پشیمان شود می تواند معامله را انجام ندهد یا نه؟

جواب: قولنامه ها دو نوع است: ۱- متعاملین معامله را به طور قطعی انجام می دهند (به اجراء صیغه و یا به نحو معاطات یعنی دادن جنس و گرفتن عوض) و چون تنظیم سند رسمی در حین معامله میسور نیست یادداشتی به نام قولنامه می نویسند در این فرض هر کدام پشیمان شود نمی تواند معامله را به هم بزند ۲- مورد معامله را گفتگو کرده بدون اینکه معامله را انجام دهند گفتگوی خود را به عنوان قولنامه یادداشت می کنند تا اینکه هنگام تنظیم سند معامله را انجام دهند در این فرض هر کدام پشیمان شود می تواند معامله را انجام ندهد هر چند تخلف از آن خلاف احتیاط است.

مواردی که انسان می تواند معامله را به هم بزند: بیع شرط

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۱، ص: ۱۱۶

(سؤال ۳۸۲) شخصی زمین را به عنوان بیع شرط و به شرط خیار فسخ در رأس دو سال، از کسی می خرد، در همین مدت که بایع حق خیار فسخ ندارد آیا مشتری می تواند زمین مذکور را به شخص دیگری به اجازه بدهد؟

جواب: اجاره دادن آن تا زمان فسخ، اشکال ندارد.

(سؤال ۳۸۳) شخصی از شخص دیگر یک قطعه زمین را به نصف قیمت واقعی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۷

خریداری می کند و طرفین در مدت معینی خیار می گذارند سپس خریدار همان زمین را به بایع یا به کسی دیگر اجاره

می دهد آیا این معامله و اجاره صحیح است یا نه و بعضی از طلاب می گویند که این معامله باطل است چون بایع و مشتری حیله نموده و زمین را از قیمت واقعی به کمتر معامله کرده اند؟

جواب: قیمت مورد معامله در بیع شرطی به ملاحظه قرارداد خیار شرط، کمتر از بیع قطعی می باشد و کمتر بودن آن موجب بطلان معامله نمی باشد بلکه اگر حقیقتا قصد معامله نداشته و به ملاحظه فرار از ربا، معامله صوری و ظاهری انجام دهند به هر قیمت باشد معامله باطل است و اگر حقیقتا قصد خریدوفروش داشته باشند به هر قیمت باشد صحیح است.

تخلف شرط

(سؤال ۳۸۴) حسن زمینی به حسین می فروشد با این شرط که حسین تا پنج سال حق فروش به غیر را نداشته باشد ولی او طی این پنج سال زمین موصوف را به دیگری منتقل می کند آیا حسین می تواند به استناد اینکه حق فروش نداشته معامله را فسخ کند؟

و کلا ـ وضعیّت این معامله چگونه است؟ ثانیا آیا حسن می توانـد بعلّت تخلّف از شرط، معامله اولی را فسخ کند و اگر می تواند پس از فسخ، عین زمین به وی بازمی گردد یا قیمت آن؟

جواب: در فرض مسأله، حسین حق فسخ ندارد ولی حسن حق فسخ دارد و چون عین مورد معامله در ملك حسین باقی نمانده است، رجوع به قیمت می نماید.

(سؤال ۳۸۵) دو ماه قبل، از شخصی اتومبیلی را با قولنامه خریده ام و هنگام معامله از سندش جویا شدم اظهار داشت که سندش حاضر است و ظرف یك هفته آن را به نام شما انتقال می دهم. ولی پس از دو ماه مراجعه مکرر با امروز و فردای وی مواجه شدم

و هنوز هم معلوم نیست که اتومبیل ایشان سند دارد یا نه و اگر هم داشته باشد آیا به نام دیگری است یا خودشان؟ بنابراین فروشنده از این جهت به من دروغ گفته است، با حفظ این معنی که کار من خریدوفروش اتومبیل است و اگر سند داشت تا به حال به فروش

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۸

رفته بود، زیرا اتومبیل را دوباره فروختم ولی به علت نداشتن سند مجبور شدم پس بگیرم و بدیهی است از دو ماه قبل که ایشان بنا شده بود سند را انتقال دهد قیمت اتومبیل بسیار تنزل کرده آیا این تنزل قیمت و خسارت به عهده فروشنده است یا خیر؟ و کلا این معامله چه صورتی دارد؟

جواب: اگر تحویل سند تا یک هفته، شرط در ضمن معامله بوده با عدم انجام آن، خریدار حق فسخ معامله را داشته است ولی چون روی آن معامله کرده و ظاهر معامله رضایت به معامله و عدم قصد فسخ است، بقاء خیار فسخ معلوم نیست، و خسارت و تنزل ماشین مربوط به خود مشتری است نه فروشنده ولی بجا است فروشنده رضایت حال مشتری را جلب بکند و با هم مصالحه کنند.

(سؤال ۳۸۶) اگر کسی ملکی را به قیمت دو میلیون تومان با اسقاط تمام خیارات بفروشد ولی در ضمن عقد شرط کرده باشد مشتری یکصد هزار تومان از مبلغ فوق را به مدت سه روز طی یک فقره چک بفروشنده بپردازد و بقیه مبلغ را پس از یک ماه هنگام تنظیم سند بپردازد و لکن چک صادره (مبلغ صد هزار تومان) از مشتری وصول نشود و از طرف بانک، بی محل اعلام

شود، مورد سؤال این است آیا با توجه به عدم وصول صد هزار تومان مذکور فروشنده اختیار فسخ دارد یا خیر؟

جواب: اگر تعیین مدت به ملاحظه نفع مشتری باشد، کما اینکه در اکثر معاملات غیر نقدی چنین است تأخیر آن موجب خیار نمی باشد، و اگر به ملاحظه نفع فروشنده شرط عدم تأخیر شده باشد، تخلّف آن موجب خیار می باشد.

تبعّض صفقه

(سؤال ۳۸۷) بعد از خریدن ملکی (زمین) متوجه می شویم که عقب نشینی دارد آیا عقب نشینی جزء عیب است یا خیر که موجب فسخ شود؟ و اگر نیست بهاء آن مقدار به خریدار بر می گردد؟ ضمنا فروشنده هم متوجه عقب نشینی نبوده.

جواب: اگر حکم عقب نشینی قبل از معامله تصویب شده باشد، اگر چه فروشنده مطّلع نبوده باشد خریدار حق به هم زدن معامله دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۱۹

تخلّف وصف

(سؤال ۳۸۸) اگر کسی گوسفند ماده را به اسم نر بفروشد و خلاف آن پس از ذبح برای مشتری روشن شود و همچنین کسی گوسفند نر نذر کند و گوسفندی را به خیال اینکه نر است ذبح کند و بعد از آن ببیند ماده است تکلیف چیست؟

جواب: مشتری می تواند معامله را فسخ کند و گوسفند مذبوح را بفروشنده بدهد و پول خود را پس بگیرد. و نقص قیمت از جهت ذبح را ضامن است و در فرض دوم سؤال، مجزی نیست.

مواردی که با فرض تخلّف انسان نمی تواند معامله را به هم بزند

(سؤال ۳۸۹) اگر کسی زمینی را با اجراء صیغه فارسی بفروشد و از قیمت آن مقداری را دریافت کند و بقیه آن طبق رضایت طرفین قرار بر این باشد که بعد از دو ماه پرداخت شود اگر در موقع مقرر باقیمانده پول پرداخت نشود معامله چه حکمی دارد آیا زمین مورد معامله متعلق به بایع است یا به مشتری؟

جواب: در فرض مزبور زمین ملک مشتری می باشد و بایع فقط حق مطالبه باقیمانده قیمت را دارد مگر اینکه در ضمن بیع، شرط کرده باشند که اگر مشتری در موعد مقرر بقیه را پرداخت نکرد بایع اختیار فسخ داشته باشد، و اگر تصریح شده که تا فلان وقت باید پرداخت شود و عمل نکرد و اجبار آن هم میسّر نشد فروشنده حق فسخ دارد.

(سؤال ۳۹۰) شخصی زمین خود را به شخص دیگری به قیمت معینی می فروشد و قبل از اینکه قیمت را از مشتری اخذ کند در محضر، حاضر شده و سند می دهد و بعد از اینکه سند محضر تمام می شود، مشتری عدوانا از دادن بیست در صد قیمت سربازمی زند و بایع هم نمی تواند جلو تصرف

مشتری را بگیرد، تا مدت ۱۰ سال زمین را مشتری تصرف می کند تا اینکه انقلاب اسلامی پیروز می شود آیا بائع می تواند معامله اش را فسخ کند یا فقط بیست در صد باقی مانده از قیمت را حق دارد بگیرد یا فقط در مقابل بیست درصد می تواند معامله را فسخ کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۰

جواب:: در فرض مسأله فقط حق مطالبه طلب خود را دارد و حق فسخ ندارد.

بلی اگر قدرت خرید پول خیلی سقوط کرده است بنابر احتیاط در مقدار تفاوت مصالحه کنند.

بیع و مقررات حکومت اسلامی

(سؤال ۳۹۱) آیا خریدوفروش اجناس کمیابی که نرخ دولتی دارند به صورت بازار آزاد که معمولا بیشتر است حرام است؟

جواب: مانعی ندارد مگر اینکه جنس را دولت داده باشد و برای آن نرخی معین کرده باشد.

(سؤال ۳۹۲) اگر مغازه داری در فروش اجناس به نرخ روز قیمت گذاری کند، چه صورت دارد؟ مثلا جنسی را که به قیمت ۴۰۰ ریال خریده بود امروز ۹۰۰ ریال شده این قدر قیمت افزایش یافته آیا می تواند به قیمت ۹۰۰ ریال بفروشد یا خیر؟

جواب: غیر اجناس دولتی و غیر اجناسی که حکومت اسلامی قیمت آن را تعیین کرده است فروختن آن، طبق قیمت عادله روز مانعی ندارد.

(سؤال ۳۹۳) در مورد سهمیه که از کارت وصول می شود از قبیل برنج، سیگار و اجناس دیگر و از مصرف خودمان اضافه می آید فروش آن به صورت آزاد اشکالی دارد یا نه؟

جواب: اجناسی که از طرف دولت به لحاظ رفاهیت عموم داده می شود مانند بنزین تاکسی ها و مسافربریها و باربریها، فروختن زیادی آن جائز نیست و اجناسی که به لحاظ رفاهیت اشخاص داده می شود مانند قند و شکر و برنج، فروختن

آنها اشکال ندارد. مگر اینکه شرط کنند که غیر مصرف کننده حق گرفتن ندارد که در این فرض نیز جائز نیست.

(سؤال ۳۹۴) جاهایی که خریدوفروش زمین از نظر دولت اسلامی ممنوع باشد اگر کسی اقدام به آن کرد آیا فقط اثر تکلیفی دارد یعنی گناه نموده است یا اثر وضعی یعنی عدم نقل و انتقال زمین را نیز خواهد داشت؟ و یا اگر بر خلاف دستور سازمان آب دو منزل از یک کنتور استفاده نمودند فقط گناه انجام شده یا وضو و غسل با آن نیز باطل است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۱

جواب:: موارد مختلف است در مثال اول فقط اثر تکلیفی دارد و در مثال دوم اثر وضعی «۱» نیز دارد.

(سؤال ۳۹۵) عرف بر این است که کارخانجات اعلام مزایده می نمایند، شرکت کننده در خواست خرید می نماید و ودیعه ای که به عنوان شرکت در مزایده است می پردازد، پس از برگزار شدن برنامه مزایده، یکی از شرکت کنندگان در مزایده، برنده اعلام می شود، و خریدار موظف است که بقیه وجه را پرداخته و جنس را تحویل بگیرد.

آیا کارخانه دار شرعا می تواند به برنده مزایده که ودیعه هم بابت مزایده پرداخته اعتنا نکرده و جنس را به دیگری بفروشد؟

جواب: در فرض سؤال کارخانه دار خلاف کرده ولی اگر صیغه معامله و لو به لفظ غیر عربی جاری نشده باشد برنده مزایده بیشتر از پولی که داده است حق مطالبه ندارد.

مقاطعه کاری

(سؤال ۳۹۶) شرکتهای ساختمانی با افراد و یا وزارتخانه ها قرار داد ساختمان خاصی را با مصالح شرکت منعقد می نمایند. با توجه به اینکه مورد قرار داد ایجاد یک ساختمان شخصی و جزئی است آن هم با مصالح خود مقاطعه کاران

این قرار داد مصداق کدام یک از عناوین معاملی می باشد؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: اگر با رعایت شرائط یکی از معاملات معهوده، معامله انجام بگیرد اشکال ندارد و اگر در عقد لازم «۲» دیگر قرار داد بسته شود باز اشکال ندارد و عمل به شرط واجب می باشد. در غیر این صورت اگر چه بعید نیست که عنوان مقاطعه کاری یک معامله مستقل عقلایی باشد که چون ردعی (منعی) از طرف شارع مقدّس نرسیده است محکوم به صحت باشد ولی بنابر احتیاط واجب رضایت همدیگر را تحصیل نمایند.

---

(۱)- اثر تکلیفی: گناه بودن و اثر وضعی باطل بودن معامله است.

(۲)- عقد لازم: معامله ای است که شرعا نتوان بدون رضایت طرفین آن را به هم زد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۲

مسائل بهره بانکی، پول و صرف

معاملات ربوی بین مسلمین، بانکها

(سؤال ۳۹۷) اگر انسان بنا به اضطرار نیاز به اخذ وام با بهره از سیستم بانکی جهت امور تجاری یا ساختمانی و خرید مسکن پیدا کند و از طرفی مقیّد به رعایت مباح بودن آن باشد نظر حضر تعالی چیست؟

جواب: اگر معامله شرعیه مانند مضاربه و بیع شرطی انجام بگیرد اشکال ندارد.

(سؤال ۳۹۸) در سپرده های بانکی اگر بگوید جدا این مبلغ را به تو می دهم که با آن کار کنی و اگر سودی بردی، خواستی چیزی به من بده و اصلا انتظاری ندارد. آیا اشکال دارد؟

جواب: اگر به عنوان وام باشد و بانک طبق مقررات خود ملزم به پرداخت سود باشد جائز نیست.

(سؤال ۳۹۹) اگر مبلغی را جدّا به عنوان امانت به بانک بدهد و اجازه تصرف نیز بدهد بدون انتظار بهره ای، فقط به جهت محفوظ ماندن، اگر بانک چیزی بدهد ربا است؟

جواب: در فرض سؤال با تصرف

در آن، عنوان وام بر آن منطبق می شود و حکم مسأله سابق را پیدا می کند.

(سؤال ۴۰۰) در جواب سؤال از بهره ای که بانکها در مقابل پول امانتی اشخاص می دهند مرقوم فرموده اید: با تصرف در آن عنوان وام بر آن منطبق می شود و سود فوق ربا محسوب می شود سؤال این است که عین اسکناس های امانتی در بانکها هیچ گونه ارزشی ندارند بلکه ارزش آنها باعتبار قراردادی است که مثلا برای هر اسکناس ارزش خاصی نسبت به قدرت خریدی که به صاحبان خود می دهد دارد و با تصرف بانک در عین اسکناس های افراد در حقیقت هیچ گونه تصرفی در آن ارزش واقعی پول نشده است با این حال اسکناس ها نیز حکم اشیاء دیگر را دارند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۳

جواب:: اعتباری که دولت به اسکناس داده موجب ارزش داشتن آن شده و احکام ربای قرضی در آن جاری می باشد.

(سؤال ۴۰۱) اگر از بانکی ربح گرفته باشیم با توجه به اینکه بانک آن را قبول نمی کند آن را چه کنیم؟

جواب: می توانید در حساب خود نگهدارید و اگر گرفته باشید به حساب دولت واریز نمایید.

جواز تقاصّ

(سؤال ۴۰۲) یک بانک دولتی از کسی بهره گرفته و بانک دیگری که آن هم دولتی است به حساب پس انداز همان شخص بهره داده. بهره داده را در مقابل بهره گرفته می شود تقاصّ حساب کرد یا نه؟

جواب: جواز آن بعید نیست.

(سؤال ۴۰۳) اگر اجبارا بهره بانکی بگیرند آیا انسان می تواند به مقدار همان مبلغ و از همان بانک بهره بگیرد؟

جواب: اگر بهره بانکی را اجبارا از شما گرفته باشند شما می توانید به قدر آن مبلغ از همان بانک بهره گرفته و به جای

آن حساب کنید.

معاملات ربوی اشخاص

(سؤال ۴۰۴) مقداری پول نقد یا شیئی دیگری به عنوان قرض الحسنه نزد فردی می گذارم چنانچه مبلغی در خلال آن به من بپردازد بلا اشکال می باشد یا خیر؟

جواب: اگر قرض گیرنده بدون شرط سود و یا بناء بر سود، با رضایت خود بپردازد گرفتن آن اشکال ندارد.

(سؤال ۴۰۵) شخص بایع با مشتری این گونه معامله می کند: بایع می گوید: این یک هزار تومان را با ضمیمه این جنس که ارزش آن تقریبا پنجاه تومان است فروختم به شما به مبلغ یک هزار و پانصد تومان به مدت یک سال. بعد، مشتری می گوید قبول کردم نظر مبارک چیست؟

جواب: اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۴

(سؤال ۴۰۶) شخصی جنسی را به مبلغ پنج هزار تومان به کسی می فروشد بازهم بایع، همان جنس فروخته شده را به مبلغ شش هزار تومان نسیه از مشتری می خرد آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اگر در معامله اوّل تبانی بر معامله دوم نباشد اشکال ندارد.

(سؤال ۴۰۷) در بعضی بلاد افغانستان مرسوم است که شخصی از کسی مبلغ ده هزار تومان به مدت یک سال قرض می گیرد این شخص مقروض مثلا مقدار ۳۰ من گندم به خاطر قرض به مبلغ ناچیزی مثلا یک بسته کبریت به صاحب پول می فروشد و معامله به رضایت طرفین انجام می گیرد آیا این صحیح است یا خیر؟

جواب: اشکال دارد.

(سؤال ۴۰۸) سود گرفتن از کافر غیر ذمّی اشکال شرعی ندارد لطفا تصریح فرمایید که سود دادن چه صورت دارد؟

جواب: جائز نیست.

بهره های بانکهای غیر اسلامی

(سؤال ۴۰۹) آیا بهره بانکی در ترکیه جزء ربا محسوب می شود یا نه؟ (تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: گرفتن بهره از بانک غیر اسلامی اشکال ندارد ولی از بانک اسلامی

جائز نیست.

(سؤال ۴۱۰) به مختصر پس انداز اشخاص در بانکهای خارج بهره تعلق می گیرد آیا گرفتن آن مباح است؟ و آیا صرف (یعنی مبادله ارزی به ارز دیگر) که در بانکها معمول است صحیح است؟

جواب: ربا گرفتن از کافری که در پناه اسلام نیست مانعی ندارد ولی نگرفتن آن بهتر است و مبادلات ارزی اشکال ندارد مثل تبدیل اسکناس به دلار یا پوند و فرانک.

(سؤال ۴۱۱) به عرض می رسد، نمایندگی این اداره در فرانسه پولی را که متعلق به تبلیغات خارج از کشور می باشد در بانکهای آن کشور قرار داده که پس از مدتی ۳۰ هزار

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۵

فرانک بهره به آن تعلق گرفته است حال آیا دریافت این بهره، مشروع است یا نه و آیا می توان از بهره به دست آمده در جهت تبلیغات استفاده کرد؟ ضمنا در بعضی شرائط نرخ بهره اضافه می شود و مثلا از ۱۵٪ به ۵۰٪ می رسد آیا در این صورت اگر تعمدا به خاطر به دست آوردن بهره اضافی، پول به بانک سپرده شود بهره به دست آمده مشروع خواهد بود؟ (اداره کل نمایندگیهای فرهنگی وزارت ارشاد در خارج)

جواب: گرفتن سود از کافر غیر ذمّی اشکال ندارد و صرف آن در جهت تبلیغات بلا مانع می باشد.

پول و کاهش ارزش آن

(سؤال ۴۱۲) درهم و دینار که همان طلاـ و نقره مسکوک هستند و در ابواب مختلف فقه مطرح می باشند آیا باعتبار ارزش مسکوک بودنشان که همان پول رائج اعصار گذشته بوده اند می باشد یا به اعتبار صرف طلا و نقره بودنشان؟

جواب: ارزش آنها به اعتبار هر دو می باشد.

(سؤال ۴۱۳) چون قید مسکوک بودن آورده شده لا بد به همان اعتبار ارزش پولی

آنها، در فقه مطرح شده اند، آن وقت این سؤال پیش می آید که پول رائج هر زمان، متغیر و غیر ثابت است و معقول نیست که ارزش پولی پول رائج در قرنهای گذشته امروز موضوع احکام برای نسل حاضر باشد؟ لطفا در این باره توضیح کافی مبذول فرمایید.

جواب: منظور، سکّه رائج در هر عصر است و اگر سکّه مخصوصی به واسطه باستانی و عتیقه بودن آن، قیمتش بالا رود یا اینکه به واسطه سقوط دولتی سکّه آن از ارزش سکّه بودن ساقط شود از حکم مسکوک بودن خارج می شود.

(سؤال ۴۱۴) درباره سؤال فوق اگر بخواهیم ارزش واقعی درهم و دینار را امروز به دست آوریم آیا صحیح است که تحقیق کنیم ببینیم مثلا هر کدام در گذشته معادل چقدر گندم و جو یا سایر مایحتاج زندگی بوده است و به این نسبت ارزش کنونی آنها را امروز تعیین نماییم؟

جواب: تعیین قیمت درهم و دینار به نحو مذکور صحیح نیست و ملاک همان

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۶

است که در جواب مسأله سابق نوشته شد. «۱»

(سؤال ۴۱۵) این جانب بابت قسمتی از ثمن فروش یک خانه، چکی به مبلغ نیم میلیون تومان دریافت داشته ام و این چک در موعد مقرر برگشت شده و کار به مراحل قضایی رسیده پس از گذشت حدود دو سال صاحب چک در دادگاه حقوقی محکوم به پرداخت آن شده است و به نظر می رسد تا پایان مراحل قضایی مدّتی به مقدار مدت بالا طول بکشد. حال آیا با توجه به رشد تورّم فعلی و آینده کشور، این جانب بایستی همان مبلغ چک را دریافت دارم؟ (استادیار دانشگاه اصفهان)

جواب: اگر ارزش

اسکناس از زمان استحقاق مطالبه تا زمان اداء به مقدار معتدّ به پایین آمده باشد بنابر احتیاط واجب نسبت به تفاوت آن با مصالحه، رضایت همدیگر تحصیل شود.

(سؤال ۴۱۶) نظرتان در مورد ترقی های کاذب که بر اثر بی ارزشی پول و تورم می باشد چیست؟ مثلا کسی با پول خمس داده شده زمین می خرد به قیمت صد هزار تومان و حالا شده، پانصد هزار تومان بدون هیچ گونه عملی با تغییری، مثل اینکه پس کوچه بوده و بعدا مسیر خیابان شده باشد. یا زمین دیم بوده و بعد آبی شده. به هر حال آیا این ترقی قیمتهای ظاهری و کاذب مشمول خمس است؟ در صورتی که اگر با طلا قیمت بشود، قیمت طلا طی این مدت که ارزش اسکناس در نوسان بوده ثابت می باشد.

یا فرضا با پول مخمّس مقداری کالا خریده که در مغازه مانده و بعدا قیمت آن دو یا سه برابر شده.

جواب: اصل اعتبار پولهای کاغذی اعم از اسکناس و نوت و دلار و غیر آنها به ملاحظه پشتوانه آنها است، ولی بعد از آنکه حکومت هر کشوری پولی را در کشور خود رائج کرد، خود آن پول در آن کشور معتبر می شود و پشتوانه آن ملحوظ نمی شود، و به لحاظ این دو اعتبار مقابل هم، در موارد سؤال باید احتیاط شود و خمس ارباح به لحاظ اعتبار دوم پرداخت شود کما اینکه درباره دیون و مهریه ها نیز

---

(۱)- چون امروز درهم و دینار رایج نیست، برای تعیین ارزش واقعی درهم و دینار رایج در صدر اسلام به قیمت روز، به پاورقی مسأله ۱، از مسائل نکاح رجوع شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۷

در

صورت حصول تفاوت معتد به، بنابر احتیاط واجب باید طرفین، نسبت به مقدار تفاوت با مصالحه، رضایت همدیگر را تحصیل نمایند.

(سؤال ۴۱۷) از مؤسّسات یا بانکهایی که بدون بهره، قرض نمی دهند آیا می توان بدون قصد جدّی نسبت به شرط بهره، اقدام به قرض گرفتن نمود و چنین قرضی حرام نمی باشد؟

جواب: اشکال دارد.

(سؤال ۴۱۸) در مثل اسکناسهای رائج امروز که معدود می باشد و ربای معامله ای در آنها جریان ندارد آیا می توان قرض اسکناسها را به منظور فرار از ربای قرضی، به طور جدّ، در شکل بیع و شراء انجام داد یا نه؟

جواب: بیع و شراء در مفروض سؤال جایز نیست و تخلّص از ربا حاصل نمی شود بلی اگر داعی دیگری برای فروش آن باشد مانند اینکه بخواهد اسکناس درشت یا نو را به اسکناس ریز یا کهنه بفروشد در این فرض، فروختن آن به اضافه، معامله نقدی باشد یا مدت دار مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۸

مسائل تصرف در اموال و حقوق دیگران

اموال

(سؤال ۴۱۹) از فردی مبلغی قرض گرفته ام و الان او را پیدا نمی کنم و نمی دانم زنده است یا مرده و ورثه دارد یا ندارد، و در چه سرزمینی است و همچنین خربزه ای از یک وانت بار گرفتم، موفق به توزین آن نشد و محلی را معین نمود ولی هر چه سراغ گرفتم او را نیافتم و به کلی از او بی اطلاعم وظیفه شرعی من چیست؟

جواب: اگر از پیدا شدن صاحبان آنها به کلی مأیوس هستید در مورد اول همان مبلغ را و در مورد دوم قیمت فعلی آن را و یا مثل آن را به مستحق شرعی بپردازید.

(سؤال ۴۲۰) در روز عید اضحی (عید قربان) پولی که از فروش

پوست حیوانات قربانی شده به دست می آید برای تعمیر حسینیه می توان خرج کرد یا نه؟

جواب: با اجازه صاحبانش مانع ندارد.

(سؤال ۴۲۱) در صورتی که پدر، مجنون باشد ولی دارای مال است و اولادش فقیرند آیا می توان نفقه اولاد را از اموال پدر مجنون پرداخت کرد یا خیر؟

جواب: با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد.

(سؤال ۴۲۲) چند عدد آبادی نیاز به جاده ماشین رو دارند و راه قدیمی که دارند به خاطر مهندسی نبودن و پیچ و خم زیادی که دارد و از وسط آبادی ها می گذرد به نظر کارشناسان استفاده از آن و مرمّت آن، عسر و حرج و امکان خطر دارد و اهالی پیشنهاد کرده اند جاده جدیدی از وسط مزارع بعضی از این دهات کشیده شود، ولی بعضی از صاحبان این مزارع چه آنهایی که در جاده سهیم می باشند و یا نمی باشند راضی نمی شوند که در زمین آنها جاده کشیده شود آیا شرعا جایز است به خاطر احتیاج اهالی به این جاده از زمین ها استفاده شود؟ و یا در هر حال لازم است رضایت صاحبان زمین کسب شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۲۹

جواب:: باید رضایت صاحبان زمین تحصیل گردد و اگر راه، ضرورت دارد و مالکین رضایت نمی دهند با پرداخت خسارت اشکال ندارد.

(سؤال ۴۲۳) آیا مأمور دولت می تواند وسیله اداره خود را بدون اجازه در اختیار همگان و دوستان خود قرار دهد؟

جواب: جائز نیست.

(سؤال ۴۲۴) استفاده از کارتن و دیگر چیزهای ارگانها و ادارات که احیانا از کار هم افتاده باشد چه حکمی دارد؟

جواب: هر چیزی که قابل استفاده در وزارتخانه ها و ادارات نباشد اگر قابل فروش باشد، باید مسئول امور مالی آن را بفروشد

و جزء بودجه آن وزارتخانه یا اداره قرار بدهد. و هر چیزی که قابل فروش نیست و مورد اعراض است تملّک آن برای اشخاص اشکال ندارد.

(سؤال ۴۲۵) آیا میوه و سیب زمینی و سیب درختی و سایر درآمدهای بنیاد مستضعفان را می توان از قیمت بازار ارزان تر در اختیار خریداران قرار داد یا خیر؟ (بنیاد مستضعفان)

جواب: مسئولین بنیاد امانتدار هستند و باید مصلحت بنیاد را در نظر بگیرند.

(سؤال ۴۲۶) اگر بر خلاف دستور سازمان آب دولت اسلامی، دو منزل از یک کنتور استفاده نمودند، آیا فقط گناه انجام شده یا وضو و غسل با آن نیز باطل است؟

جواب: هم گناه انجام شده و هم وضو و غسل باطل است.

(سؤال ۴۲۷) اسکان و تصرف و نماز امدادگران در منازل و مغازه های مردم که صاحبان آنها معلوم نیست چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت ضرورت و عدم اضرار، امدادگران مجاز هستند.

(سؤال ۴۲۸) استفاده امدادگران از اموال مجهول المالك (خوراکی، پوشاکی و حیوانات) در مواقع ضروری برای افراد نیازمند چه حکمی دارد؟

جواب: هر چه در معرض فساد و تلف است افرادی که در آنجا هستند مجازند که آن را تملك نموده و مصرف کنند و در صورتی که خودشان استحقاق شرعی ندارند قیمت آن را و لو بعد از مراجعت به مستحقّ شرعی بپردازند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۰

(سؤال ۴۲۹) در جبهه، رزمندگان اسلام در آن مقداری که در خاك عراق پیشروی کرده اند ملك شخصی و باغ وجود دارد و با توجه به اینکه باغات ملك مسلمانهای عراق است و میوه های آنها خراب می شود وظیفه رزمندگان چیست؟

جواب: مادامی که وضع آنها از طرف مقامات صالحه مشخص نشده است هر چیزی

که در معرض فساد باشد اشخاصی که آنجا هستند می توانند مصرف نمایند و در صورت عدم امکان شناسایی صاحبان آنها قیمت مصرف شده را صدقه بدهند.

(سؤال ۴۳۰) مسلمانی از یک بهایی مالی را در زمان طفولیت برداشته و حال می خواهد جبران کند در صورت وجوب رد مال به او اگر او را نشناسد وظیفه چیست؟

جواب: احتیاطا به مسلمان مستحق صدقه بدهد.

(سؤال ۴۳۱) آیا بنیاد در زمان توقیف- باغات مثلا- حق فروش چوب و هیمه و امثال آن را داشته یا خیر؟ و اگر حق فروش این گونه چیزها را نداشته و در عین حال فروخته باید وجه آن را به صاحبش برگرداند یا خیر؟ (بنیاد مستضعفان)

جواب: باید به صاحبش برگرداند.

(سؤال ۴۳۲) اگر در ادارات معمولا غذا از مصرف مأمورین آن اداره اضافه بیاید چگونه باید عمل نمود تا از اسراف جلوگیری گردد؟

جواب: اگر نگهداری آن برای وعده بعدی بدون فاسد شدن ممکن باشد باید حفظ شود و اگر ممکن نباشد در صورت امکان قبل از فاسد شدن آن به افرادی که مصرف می کنند داده شود و اگر آن هم ممکن نباشد در ظرف مخصوصی جهت خوراک حیوانات جمع آوری شود و از ریختن آن به سطلهای زباله خودداری شود، و باید هنگام پختن هم دقت کنند که بیش از اندازه نپزند، و باید به متصدیان تهیه غذا دائما تذکر داده شود که از اسراف و تبذیر پرهیز کنند.

(سؤال ۴۳۳) اگر بعضی از اموال مسافرین ممنوع الخروج باشد و در فرودگاه یا گمرک ضبط شود و بعدا صاحبش مراجعه نکند تکلیف چیست؟

جواب: باید در پیدا کردن صاحب آنها کوشش نمود و پس از یاس با اجازه حاکم

شرع از طرف صاحبانش صدقه داد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۱

(سؤال ۴۳۴) شخصی زمین دیگری را به اعتقاد زمین خودش می سازد و بعدا که متوجه اشتباه خود می شود صاحب زمین راضی به مصالحه و معامله با وی نمی گردد در این فرض برای صاحب زمین حق الزام به تخریب هست یا نه؟

جواب: صاحب زمین حق مذکور را دارد.

(سؤال ۴۳۵) شخصی فروشگاهش دچار حریق شده و بیمه دولتی بوده و با تبانی با کارشناس مربوطه مقدار خسارت به مبلغی چند برابر خسارت واقعی گزارش شده و آن را دریافت نمود حال سؤالات ذیل را جواب مرقوم فرمایید:

یک: آیا در آن زمان پول دریافتی را چه می بایست کرد؟

دو: اگر با آن پول کار کرده و امرار معاش و تشکیل خانواده و زندگی داده باشد چه باید بکند؟

سه: اگر با آن پول حج کرده باشد چه صورت دارد؟

چهار: سرمایه ای که با به کار انداختن آن پول به دست آمده چه صورت دارد؟

پنج: اگر شخص مذکور به وظائف شرعی در موارد بالا عمل نکند رفت و آمد با او و نماز خواندن در خانه او چه صورت دارد؟

شش: اگر آن پول را به دولت برنگرداند من که اطلاعی از آن موضوع دارم چه وظیفه شرعی دارم؟

جواب: ۱- لازم بوده پول را به مؤسسه بیمه برگرداند.

۲- آن پول را مدیون است.

۳- اگر احرام و گوسفند قربانی حلال بوده اعمال حج صحیح است.

۴- درآمد آن پول تابع آن پول است.

۵- اگر خانه و زندگی او از عین آن پول یا منافع آن تهیه شده تصرف در آن مشکل است.

۶- اگر شما دخالتی نداشته اید ضامن نیستید فقط به آن شخص تذکر دهید

و نصیحت کنید.

(سؤال ۴۳۶) درآمد املاکی که بنیاد مستضعفان در زمان توقیف از فروش چوب و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۲

میوه و هیمه و غیره، داشته پس از واگذاری و برگشت به صاحبش آیا باید کلّ درآمد یا پس از کسر مخارج، باقی مانده به صاحبش رد شود؟ (بنیاد مستضعفان)

جواب: باید طبق مقررات شرعی دادستانی عمل شود.

(سؤال ۴۳۷) شخصی برای اخذ مال از غاصب مجبور می شود تعهد کند که مبلغی در قبال استرداد مال خود به غاصب بپردازد اولا این گونه تعهد مصداق صلح می باشد یا خیر؟ ثانیا لزوم وفا دارد یا نه؟

جواب: مصداق صلح نیست و غاصب مدیون است ولی اگر به حکم قاضی شرع تعهد داده باشد لازم الوفاء می باشد و بعد از اداء، حق استرداد ندارد.

(سؤال ۴۳۸) در محل شایع شده است که حضرتعالی اجازه فرموده اید که قسمتی از خیابان عمومی مسدود شده، جزء حیاط مسجد باشد مستدعی است بیان فرمایید.

جواب: خیابان و کوچه مورد استفاده عموم را جزء مسجد یا حیاط مسجد نمودن جایز نیست و نسبت مذکور در سؤال مورد تکذیب می باشد.

حقوق

(سؤال ۴۳۹) کسانی که در دوران کودکی یا ضعف ایمان، به حقّ الناس مبتلا شوند و برای حفظ آبرو نتوانند سرقت خود را به صاحب مال مطرح نمایند، می توانند پول وی را به منزلش بیندازند یا به وسیله شخص سوّم بدون معرفی خود به ایشان بفرستند یا نه؟

جواب: اگر به نحوی به او برسانند که او بفهمد متعلق به خودش می باشد تا بتواند تصرف مالکانه کند اشکالی ندارد.

(سؤال ۴۴۰) بعضی فقها حق طبع را شرعی و دارای شخصیّت حقوقی عقلایی و قابل تملّك نمی دانند و لذا اقدام

غیر صاحب طبع و انتشار را مشروع می دانند نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: اگر در کتاب نوشته شده باشد که حق طبع محفوظ است چاپ کردن از روی آن نسخه بدون رضایت ذی حقّ خلاف احتیاط است.

(سؤال ۴۴۱) همچنین بعضی فقها برای صاحبان اختراع، حق خاصّی را که دیگران

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۳

نتوانند از روی آن الگوگیری و تولید نمایند را قائل نیستند، آیا نظر حضرتعالی همین است؟ در صورتی که دارای شخصیّت حقوقی عقلایی باشد و به نام شخصی ثبت شده باشد چه فرقی با ملک شخصی می کند؟

جواب: اگر مخترع، امتیاز مصنوع خود را به نام خود ثبت کرده و آن را مشروط فروخته باشد حکم مسأله سابق را دارد.

(سؤال ۴۴۲) اگر کسی نام و علامت مخصوصی را جهت کالای خود مانند صابون و اجناس دیگر چند سال قبل به ثبت رسانیده و در انحصار خود قرار داده، آیا دیگری می تواند از آن نام و علامت برای همان نوع کالا استفاده کند یا خیر؟

جواب: مشکل است.

(سؤال ۴۴۳) مالکیت شخصیّت های حقوقی آیا شرعا معتبر و صحیح است یا نه؟

جواب: در صورت تحقق موجب مالکیّت، معتبر است.

(سؤال ۴۴۴) آیا مالکیّت دولتها از قبیل مالکیت شخصیّت حقوقی می باشد؟

جواب: بلی مالک، عنوان دولت است که شخصیّت حقوقی می باشد.

(سؤال ۴۴۵) بر فرض مالکیّت دولتها، چه از باب شخصیّت حقوقی و یا غیر آن آیا شرط مالکیّت دولتها، شرعی و مردمی بودن آنها است یا نه؟

جواب: بستگی به تحقّق سبب مملّک دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۴

مسائل ضمان

ضمانت بین اشخاص

(سؤال ۴۴۶) شخصی با جعل امضاء عده ای از مسئولین مملکتی توانسته مبلغ معتنابهی از بانک کسب اعتبار نماید، بر همین

نیز شماره حسابی به عنوان اعتبار در اختیار شخص مذکور قرار می دهد به طوری که هرگاه وی مایل شد به توسط چک از اعتبار مربوطه استفاده نماید ولی پس از مدتی شخصی دیگر با سرقت دسته چک شخص قبلی و جعل امضاء وی موفق می شود مبلغی را از اعتبار مذکور اخذ و استفاده نماید در این صورت آیا شخص اول و دوم هر دو به طور تضامنی ضامن مبلغ اخذ شده هستند؟ تا بانک بتواند از هر دو نفر مطالبه نماید یا اینکه در فرض مذکور تنها گیرنده پول ضامن است؟

جواب: در مورد سؤال، مباشر اخذ (کسی که پول را گرفته) ضامن است و جاعل، استحقاق تعزیر دارد.

(سؤال ۴۴۷) اگر کسی مال دیگری را تلف کند و در دادگاه به پرداخت غرامت محکوم شود آیا تلف کننده ضامن قیمت فعلی است یا ضامن غرامت روز تلف است و در ضمن طلبکار اگر بانک باشد با طلبکار عادی فرق دارد یا هر دو مساوی می باشند؟

جواب: اگر تلف شده مثلی «۱» باشد تلف کننده مثل آن را ضامن است و اگر قیمی باشد در صورتی که غصب کرده بوده بنابر احتیاط تفاوت از روز غصب تا زمان اداء قیمت را مصالحه نمود، رضایت همدیگر را تحصیل نمایند و اگر بدون غصب تلف کرده باشد تفاوت از روز تلف تا روز اداء را مصالحه نمایند و فرق بین طلبکارها نیست.

---

(۱)- مثلی: نظیر حبوبات و ادویه و مصنوعات ماشینی، و قیمی نظیر حیوانات و جواهرات و امثال آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۵

(سؤال ۴۴۸) اگر بدهکار به مقدار بدهی خود چک صادر کرده و به عنوان حامل به طلبکار داده

و طلبکار چک را گم کند و شخصی ناشناس آن را پیدا کرده وصول نماید آیا بدهکار برئ الذمه می شود یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال ظاهرا برائت ذمّه حاصل می شود.

(سؤال ۴۴۹) اگر آب باغچه همسایه به خانه یا زیرزمین انسان ضرر رساند حق اعتراض و مطالبه خسارت دارد یا خیر؟

جواب: اگر به واسطه آب دادن صاحب باغچه، همسایه اش متضرر شود ضامن است و باید باغچه را به نحوی درست کند که به خانه همسایه نفوذ نکند و یا اینکه آب ندهد.

(سؤال ۴۵۰) برادران کارگر افغانی که در ایران مشغول کار می باشند دست مزد خود را جمع کرده به شخصی به عنوان امانت می دهند تا به زن و بچه شان در افغانستان برساند، بعضی حق الزحمه آن شخص را می دهند و بعضی دیگر بدون حق الزحمه. اگر افراد مسلح راه را بگیرند و پولها را به سرقت ببرند آیا این شخص ضامن است و باید تاوان و غرامت بدهد یا خیر؟

جواب: اگر قرارداد حق الزحمه نکرده باشند و شخص امین در حفظ آن تقصیر و کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست و اگر تقصیر و کوتاهی کرده باشد ضامن است و اگر قرار داد حق الزّحمه کرده باشند در صورتی که شرط ضمان نکرده باشند حکم مسأله اول را دارد و اگر شرط ضمان کرده باشند اگر چه در حفظ آن تقصیر و کوتاهی نکرده باشد ضامن است. و در هر موردی که ضامن نیست گرفتن عوض آن بر صاحب پول حرام است.

(سؤال ۴۵۱) اگر کسی در زمین غصبی درخت نشانیده یا زراعت کند آیا این قبیل درخت و زراعت به کدام شخص تعلّق می گیرد؟

جواب: در فرض سؤال،

غاصب علاوه بر معصیت اجازه بهای زمین را ضامن است ولی درخت و محصولی که با نهال و بذر خود به عمل آورده آنها را مالک می باشد.

(سؤال ۴۵۲) بنّایی ساختمانی را جهت شخصی بنا می کند پس از اتمام، آن را تحویل می دهد و شرط می شود که بنّاء تا یک سال هر گونه عیبی را که در ساختمان باشد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۶

تضمین نماید آیا این شرط شامل عیوبی می شود که در زمان تحویل وجود داشته و صاحب ساختمان با حضور و تأیید ناظر ساختمان آنها را دیده است و یا عیوب حادث از زمان تحویل تا یک سال بعد را شامل می شود؟

جواب: اگر شرط قبل از تحویل بوده شامل عیوب حال تحویل می شود و اگر هنگام تحویل شرط ضمان عیب «۱» حادث کرده باشند عیب موجود در حال تحویل را شامل نمی شود، ولی بنّاء اگر چه شرط ضمان نشده باشد عیوب مستند به او را ضامن است و اگر مستند به او نباشد ضامن نیست.

(سؤال ۴۵۳) در جاده های بین شهرها اگر ماشین حیوانی را زیر گرفت آیا راننده ضامن است؟

جواب: ضامن است.

(سؤال ۴۵۴) اگر در اثر برخورد ماشین با حیوان، ماشین واژگون شود آیا صاحب حیوان ضامن است؟

جواب: ضامن نیست.

(سؤال ۴۵۵) چند پسر بچه ۶- ۷- ۸ ساله با هم بازی می کردند یکی از این بچه ها از در خانه بالا رفته و در خانه را باز کرده، دومی شیشه را شکسته و سومی کنتور برق را شکسته، آیا ولیّ، ضامن است یا نه و توضیح بفرمایید حکم آنکه در را باز کرده، یا آنکه شکسته یکسان است یا نه؟

جواب: بچه ای که در را

باز کرده، ولی خسارت نزده ضامن نیست و هر کدام خسارت زده باشد ضامن است که در صورت ثبوت آن اگر بچه مالی داشته باشد باید ولیّ او از مال بچه جبران نماید و اگر مالی نداشته باشد یا اینکه ولیّ او جبران نکرده باشد، باید بچه پس از بلوغش جبران نماید، و بر ولیّ واجب نیست از مال خودش جبران کند، ولی بهتر است که جبران کند و ذمّه بچه خود را برئ نماید.

---

(۱)- شرط ضمان عیب حادث: به این شکل است که در قرار داد و معامله شرط شود هر عیب حادث و جدید بعد از زمان معامله به عهده طرف باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۷

ضمان بین اشخاص و مؤسّسات دولتی

(سؤال ۴۵۶) شهرداریها طبق بخشنامه های رسمی عوارض سنگینی از صاحبان صنایع و ساختمانهای تجاری و تولیدی دریافت می کنند، ولی در بسیاری جاها با سفارش و اعمال نفوذ صاحبان قدرت مقدار زیادی از مقدار قانونی را دریافت نمی کنند حال با توجه به لزوم عمل به مقررات دولت اسلامی آیا افراد، مقدار ذکر شده را ضامن هستند که به بیت المال برگردانند یا فقط گناهی انجام داده اند؟

جواب: اگر دولت در برابر آن، کمکهایی کرده و آن را مشروط به پرداخت عوارض کرده باشد ضمان دارد.

(سؤال ۴۵۷) بعضا اثاثیه بعضی مسافرین در هواپیما یا در جاده های زمینی باید کنترل شود اگر از این ناحیه ضرری به آنها رسید چه کسی ضامن است؟

جواب: وارد کردن خسارت جائز نیست و واردکننده خسارت ضامن است مگر اینکه موقع فروش بلیط، شرط شده باشد.

(سؤال ۴۵۸) بعضی مسئولین ارگانها و ادارات اگر تسلط کافی بر رانندگی نداشته باشند و به همین جهت خساراتی

احیانا بدون تعمد به اتومبیلهای اداری وارد شود چه حکمی دارد؟

جواب: هر کدام طبق مقررات رانندگی به مقدار لازم مهارت نداشته باشند رانندگی او جائز نیست.

(سؤال ۴۵۹) زمینی را سازمان زمین شهری و شهرداری برای احداث مغازه به این جانب واگذار و پروانه صادر نموده اند، بنده هم در آن ملک مبالغی خرج کرده ام اکنون دادگاه حکم تخلیه آن را صادر نموده است. سؤال این است که آیا شهرداری و سازمان زمین شهری باید خسارت وارده را تأمین نماید و یا آنکه مالکی که حکم تخلیه به نفع او شده باید بپردازد؟

جواب: در مفروض سؤال مخارجی که متحمل شده اید هر چه عین آن موجود باشد تعلق به شما دارد و هر چه عین آن موجود نباشد اگر کسی شما را مغرور کرده باشد یعنی فریب داده باشد فریب دهنده ضامن است و الّا کسی ضامن نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۸

(سؤال ۴۶۰) گرفتن جرائم از مامورینی که در حال انجام وظیفه تخلّفی کرده اند اگر مستأصل باشند صحیح است؟

جواب: هر کدام طبق وظائف مقرره خود عمل کند و هیچ گونه تخلّفی و لو سهوی نکرده باشد خسارت وارده در حال انجام وظیفه به عهده او نیست و در صورت تخلّف به عهده او می باشد، ولی اگر چیزی غیر از مستثنیات دین نداشته باشد باید مانند سائر دیون به او مهلت داده شود تا هنگام تمکّن بپردازد و اگر طبق مقررات، مشمول ارفاق باشد در حق او ارفاق شود.

(سؤال ۴۶۱) اگر در حین انجام وظیفه مأموری، ضرری متوجه افراد شد به عهده کیست؟

جواب: ضررهایی که به افراد بی تقصیر وارد می شود اگر کسی ضرر وارد کرده مقصر باشد جبران آن

به عهـده خودش می باشـد و اگر بـدون تقصـیر در حال انجام وظیفه لازم الاجراء موجب ضـرر و زیان شـده باشد جبران آن به عهده دولت است.

(سؤال ۴۶۲) در حال انجام وظیفه دولتی، گاهی در اثر سرعت زیاد تصادفی پیش می آید خسارات وارده به عهده کیست؟

جواب: اگر طبق دستور حاکم شرع، مجاز در سرعت بوده به عهده بیت المال و الّا به عهده پدیدآورنده تصادف است.

(سؤال ۴۶۳) این جانب سالها قبل از انقلاب برای شـرکتی در بانک، ضـمانت نمودم که بدهکاری خود را نداد آن را پرداخت نمـایم و تصادفـا آن شـرکت نتوانست دین خود را بدهـد و این جانب هم آن موقع قادر به پرداخت نبودم و پس از دخالت قوه قضـائیه، دین بانـک جزء مطالبات غیر قابل وصول آن درآمـد، ولی اکنون که جمهوری اسـلامی برقرار شـده خواسـتم از تعهد دین خود که ضـمانت کرده بودم برآیم و همـان مبلغ مورد ضـمانت را به بانک پرداخت نمایم ولی مسـئولین بانک می گویند بایـد دیر کرد و سـود آن را نیز پرداخـت نمـایم که حـدود دو برابر اصـل مبلـغ مـورد ضـمانت این جـانب می باشـد وظیفه من چیست؟

جواب: آنچه را ضـمانت کرده اید بپردازید و حق ندارند از شما مطالبه سود و دیر کرد کنند، در کشور اسلامی مطالبه ربا جائز نیست، بلی در مورد تفاوت فاحش ارزش پول احتیاط در تراضی طرفین است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۳۹

(سؤال ۴۶۴) اسـتفاده شخصی از اموال و امکانات ادارات و ارگانهای مختلف نظیر اتومبیل، کاغذ، تلفن، پاکت نامه و چسب و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: جواز استفاده از وسائل و امکانات و مأکولات و اموال دولتی تابع مقررات است

که در موارد مشکوک باید از مقامات صالحه مربوطه سؤال شود و مسئول هر اداره در حدّی که مجاز در اجازه دادن باشد می تواند اجازه بدهد و هر کس بدون مجوز استفاده کرده باشد ضامن است که باید در صورت امکان به اداره مربوطه و در صورت عدم امکان به حساب دولت واریز نماید.

(سؤال ۴۶۵) گاهی خساراتی که کارشناس برای خودروهای تصادفی دولتی معلوم می کند به نظر کمتر یا بیشتر از واقع است تکلیف چیست؟

جواب: در فرض سؤال باید به کارشناس دیگر مراجعه شود تا اطمینان حاصل گردد.

(سؤال ۴۶۶) اگر خودرو دولتی را در جای نسبتا امنی قرار دادیم اما خودرو، یا وسائل آن را به سرقت بردند جبران خسارت به عهده چه کسی است؟

جواب: اگر به نحوی امن باشد که تقصیر و کوتاهی در حفظ، صدق نکند غیر سارق ضامن نیست و اگر تقصیر و کوتاهی در حفظ، صدق کند مسئول حفظ نیز ضامن است.

(سؤال ۴۶۷) درمان متهم به عهده خود او است یا مسئولین زندان؟ خصوصا اگر مرض، قبل از زندانی شدنش باشد. (مقامات مربوطه)

جواب: هر مقدار از هزینه درمان طبق قانون مصوب مقامات صالحه به عهده دولت اسلامی باشد، باید از اموال دولت تأدیه شود و زائد بر آن به عهده خود مریض می باشد، مگر اینکه بدون درخواست مریض اقدام به معالجه شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۰

مسائل بیمه

(سؤال ۴۶۸) در بیمه عمر که قرارداد منعقد می شود بین اداره بیمه و شخصی، مبنی بر اینکه در قبال پرداخت مبلغی معین، اداره بیمه مبلغ خاصی را به ورثه او به نحو تساوی و یا به هر کس، او معین می کند بپردازد، اصولا

این نوع قرارداد که عملاً خلاف موازین ارث و در بعضی موارد زائد از ثلث می باشد در خصوص بیمه صحیح نیست وجه صحیح آن را بیان فرمایید.

جواب: قرارداد بیمه یک نوع معامله بین اداره بیمه و شخص بیمه شده در زمان حیات بیمه شده است و احکام ارث و وصیّت در آن جاری نیست و باید طبق قرارداد بیمه عمل شود.

(سؤال ۴۶۹) آیا بیمه عمر به شکل ذیل صحیح است؟: شخص بیمه شده تا هر زمان زنده است ماهی فلان مبلغ به بیمه کننده بپردازد که بعد از مرگ به هر نوع مرگی غیر از خودکشی، بیمه کننده به هر یک از فرزندان او تا سنّ ۱۸ سالگی مبلغ معیّنی بپردازد؟

جواب: صحّت آن بعید نیست.

(سؤال ۴۷۰) در فرض بالا اگر قبل از پرداخت اولین قسط، شخص بیمه شده بمیرد آیا وفای به عقد، لازم است یا نه؟

جواب: مشکل است.

(سؤال ۴۷۱) اگر شخصی یا مؤسسه بیمه کننده بدون اجحاف شرعی و ارتکاب امر حرامی ورشکست شد آیا حکم ورشکستگی افراد حقیقی را دارد نسبت به اموال مؤسسه و حق طلبکاران، و نیز آیا از سهم غارمین بابت زکات می توان به آن کمک نمود یا نه؟

جواب: بر افلاس و ورشکستگی شخصیّت حقوقی ظاهرا حکم افلاس شخص، جاری است ولی اعطاء سهم غارمین به آن، خالی از اشکال نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۱

(سؤال ۴۷۲) اگر بیمه کننده به مفاد قرارداد عمل نکرد، آیا بیمه شده حق فسخ قرارداد و مطالبه آنچه را پرداخته دارد یا نه؟

جواب: در عقد لازم اگر یکی از طرفین عقد به متن عقد، عمل نکرد دیگری حق فسخ عقد را ندارد بلکه حق دارد طرف را

مجبور کند به عمل به مفاد عقد هر چند به وسیله حاکم شرع جامع الشرائط ولی به شرط زائد ضمن عقد، عمل نکرد دیگری حق فسخ عقد را دارد.

(سؤال ۴۷۳) اگر بیمه شده به مفاد قرارداد بیمه عمل نکرد، آیا بیمه کننده حق فسخ قرارداد را دارد و آیا نسبت به پرداخت پولی که تا آن زمان گرفته ضامن بیمه شده است یا نه؟

جواب: حکم مسأله قبلی را دارد.

(سؤال ۴۷۴) در بیمه های درمانی و حوادث و سوانح و تصادفات که معمول است، تا چه مقدار باید امراض و حوادث و تصادفات مورد نظر طرفین عقد بیمه معلوم و مشخّص باشد، آیا جهل طرفین به آنها مضرّ به صحّت عقد بیمه نمی باشد و یا باید حدّ اقلّ و اکثر مخارج پیش بینی شده معلوم گردد؟

جواب: باید به مقدار ممکن، خصوصیات تعیین شود به گونه ای که غرر عرفی برطرف شود و بنای بیمه متعارف بر همین معنا است.

(سؤال ۴۷۵) شخصی فوت کرده و کارمند بانک بوده و از محل بازنشستگی او برای مخارج ماهیانه مبلغی به اولاد صغار او داده می شود و پدر و مادرش حیات دارند آیا از این مستمری که بانک پرداخت می کند، به عیال و سایر ورثه آن مرحوم چه مقدار تعلق می گیرد؟

جواب: از ترکه متوفّی یک هشتم، مال عیال، و هر یک از پدر و مادر یک ششم می برند و بقیه مال فرزندان او است ولی نسبت به مستمرّی که بانک می پردازد تابع قوانین و مقررات بانک است باید از آنها استفسار شود که برای چه کسی مستمرّی را می پردازند.

(سؤال ۴۷۶) حق بازنشستگی از چه نوع معاملات و قراردادها است؟ و با توجه به نامعلوم

بودن آیا مدت استخدام و احتمال اینکه انسان پیش از موعد مقرّر قانونی خود را بازنشست نماید آیا ضرری به صحّت معامله و قرارداد می زند یا نه؟

جواب: ظاهرا حقّی است که بر اساس عقد بیمه به بازنشسته تعلق می گیرد و تابع مقرّرات بیمه است و اگر از قبیل شرط ضمن عقد اجاره باشد آن هم اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۲

مسائل صلح

(سؤال ۴۷۷) در صلح، آیا سابقه نزاع و اختلاف نسبت به مال یا حقّی لازم است یا نه؟ جواب: لازم نیست.

(سؤال ۴۷۸) آیا صلح، عقد جایز است یا لازم؟

جواب: صلح از عقود لازمه است.

(سؤال ۴۷۹) آیا صلح معلّق صحیح و نافذ است یا نه؟

جواب: صحیح نیست.

(سؤال ۴۸۰) آیا شرط قبض و یا قبول طرف و یا سایر شرائط معاملات در صلح، معتبر است یا نه؟

جواب: قبول شرط است ولی قبض شرط نیست، و سائر شرائط آن در رسالهٔ توضیح المسائل مذکور است.

(سؤال ۴۸۱) در عقد صلح آیا شرط فسخ از یک طرف یا هر دو، صحیح است یا نه؟

جواب: صحیح است.

(سؤال ۴۸۲) صلح شخص، در مرضی که به فوت او منجرّ می شود آیا نافذ و صحیح است یا نه؟

جواب: بنابر اقوی صحیح و نافذ است.

(سؤال ۴۸۳) کسی زمین خود را به کسی مصالحه نمود سپس پشیمان شد و زمین را پس گرفت و دوباره زمین را به همان شخص، مصالحه نمود ولی این دفعه شرط کرد زمین را به کسی نفروشد آیا صلح اولی صحیح است یا دومی؟

جواب: اگر با توافق هر دو، صلح را به هم زده باشند حکم صلح اول زائل می شود و اگر یک طرفه صلح را به هم

زده باشد حکم صلح اول باقی می باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۳

(سؤال ۴۸۴) شخصی از دیگری دعوی وراثت زمینی را نموده و علماء محل مقدار زمین مورد دعوی را از مدعی علیه اخذ نموده به مدعی می دهند، و رضایت نامه را امضاء می نمایند آیا مدعی بعد از چند سال دوباره حق دعوی دارد و می تواند رضایت نامه قبلی را باطل کند یا خیر؟

جواب: اگر حقوق فی البین مصالحه شده، صلح، عقد لازم است و حق فسخ ندارد.

(سؤال ۴۸۵) کسی وصیت می کند ولی مقداری از اموال خود را می گوید صلح نمودم به همسرم به شرطی که زنده ام در اختیار خودم باشد.

جواب: اگر در حضور زوجه صلح کند و زوجه قبول کند صحیح می باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۴

مسائل موسیقی و غنا و ...

(سؤال ۴۸۶) کدام موسیقی حرام است و آیا گوش دادن به آن برای رفع خستگی ناشی از کار یا افسردگی و مانند آن اشکال دارد؟ و رقص و آواز در مجالس عروسی که زنها و مردها جدا باشند آیا اشکال دارد؟

جواب: هر آهنگ و آوازی که مناسب مجالس لهو و لعب باشد به نحوی که در نظر نوع مردم صوت لهوی محسوب شود، خواندن و گوش دادن به آن حرام است و طبق روایت وارده، رسول اکرم (ص) از مطلق رقص نهی فرموده است، هر چند بعید نیست رقص زن برای شوهرش اشکال نداشته باشد.

(سؤال ۴۸۷) استفاده از آلات موسیقی همچون ارگ و غیره در برنامه های هنر ارگانهای دولت اسلامی، چه حکمی دارد؟

جواب: هر چه در نظر عموم مردم از آلات لهو و لعب محسوب باشد استعمال آن جائز نیست.

(سؤال ۴۸۸) نظر حضرتعالی در مورد سرودها و آهنگهایی

که از رادیو و تلویزیون پخش می شود چیست؟

جواب: هر آهنگ و آوازی که مناسب با مجالس لهو و لعب است به نحوی که عرفا صوت لهوی شمرده می شود، خواندن و گوش دادن به آن در غیر مجلس لهو نیز حرام است.

(سؤال ۴۸۹) اگر خواننده سرود و غیره صوت را در حنجره چرخ دهد غناء محسوب می شود؟ هر چند صورت خوشی هم نداشته باشد؟

جواب: اگر به نحوی باشد که طبعا طرب آور باشد و صوت لهوی شمرده شود غناء محسوب می شود و احتیاط خوب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۵

(سؤال ۴۹۰) خواندن زن چه حکمی دارد؟ همخوانی زنان با مردان چطور؟ شنیدن همخوانی چطور؟

جواب: اگر غناء و مهیّج نباشد و مفسده ای بر آن مترتّب نشود حرام نیست.

(سؤال ۴۹۱) آیا جائز است زن برای شوهر خود آواز بخواند و همچنین حکم رقص او را برای شوهرش بیان فرمایید.

جواب: اگر غنا باشد برای شوهر بودن از مستثنیات نیست. و اگر غنا نباشد و آواز او را نامحرم نشنوند مانعی ندارد و حکم رقص در مسألۀ ۴۸۶ گذشت.

(سؤال ۴۹۲) آیا جایز است زن در میان زنان برقصد، و اگر جایز نباشد حکم نشستن زنان در تالارها و در چنین مجالس چگونه است؟

جواب: طبق روایتی رسول اکرم (ص) از مطلق رقص نهی فرموده است.

(سؤال ۴۹۳) رقص زن برای مرد و بالعکس و زن برای زن و مرد برای مرد یا زن برای شوهر و نیز رقصی که در مجالس عروسی انجام می شود چه صورت دارد، حرام است؟

جواب: طبق روایتی رسول اکرم (ص) از مطلق رقص نهی فرموده است.

(سؤال ۴۹۴) دست زدن (کف زدن) به جهت شادی در عروسی یا برای

تشویق چه حکمی دارد؟

جواب: حرمت آن ثابت نیست مگر اینکه مفسده ای بر آن مترتّب شود.

(سؤال ۴۹۵) حکم دست زدن و دایره زدن را در مجالس عروسی بیان فرمایید.

جواب: دست زدن مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۶

مسائل نمایشها، بازیها و مسابقات

(سؤال ۴۹۶) آیا تعزیه و شبیه خوانی اشکال دارد؟ و اگر اشکال ندارد لطفا بفرمایید که آیا مرد لباس زن را در تعزیه بپوشد و جای او بخواند اشکال دارد؟ و آیا صدای شیپور و طبل و دهل در تعزیه حرام است؟ و در پایان مستدعی است شرائط تعزیه خوانی را بیان فرمایید.

جواب: اگر تعزیه خوانی، مشتمل بر حرام مانند دروغ و غناء و استعمال آلات لهو و لعب و اهانت به اولیاء خدا و محرمات دیگر نباشد اشکال ندارد، و اگر مشتمل بر حرام باشد جائز نیست، و پوشیدن لباس زنانه برای مرد اشکال دارد، و هر چه عرفا از آلات لهو و لعب باشد استعمال آن جائز نیست.

(سؤال ۴۹۷) تشبّه به اهل بیت (ع) در نمایش و تعزیه و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم اهانت به اولیاء خدا نباشد مانع ندارد.

(سؤال ۴۹۸) بازی خواهران در تآتر و تماشای آنها توسط برادران در حال بازی چه صورت دارد؟ (کمیتهٔ پاسخ به سؤالات سازمان تبلیغات اسلامی)

جواب: به نمایش درآوردن قصّه یا قضیّه ای که زن هم در آن نقشی دارد اگر همراه با خلاف شرعی نباشد با رعایت حجاب اسلامی مانعی ندارد.

(سؤال ۴۹۹) بازی با شطرنج یا وسائلی این چنین اگر فقط جنبهٔ فکری داشته باشد حکمش چیست؟

جواب: اشکال دارد.

(سؤال ۵۰۰) مستدعی است حکم شطرنجی با فرض برد و باخت و عدم آن و نیز پاسور حتی بدون برد و

باخت و صرفا جهت بازی در اوقات بیکاری را بیان فرمایید.

جواب: بازی شطرنج و پاسور و سائر آلات قمار با شرط برد و باخت مسلّما حرام است و بدون آن هم اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۷

(سؤال ۵۰۱) مولانا لو علم ان الشطرنج قد خرج مما یعدّ من القمار هل یجوز اللعب به؟ و فی حال الجواز معرفه خروجه، من وظائف الفرد او العرف او اهل الخبره؟

جواب: الشطرنج من آلات القمار و لم یثبت خروجه منها و دون اثباته خرط القتاد و لا بد فی الحکم بالخروج من علم المستعمل نفسه او شهاده عدلین مطلعین علیه.

[س- اگر یقین کردیم که شطرنج از آلات قمار بودن خارج شده آیا بازی با آن جایز است یا نه؟ و در صورت جواز، ملاک، آیا یقین شخص بازی کننده است یا تشخیص عرف و یا اهل خبره؟

ج- شطرنج از آلات قمار است و خارج شدن آن از آلات قمار ثابت نشده است، و ملاک خارج شدن آن یقین شخص بازی کننده است یا شهادت دو عادل مطّلع و خبیر.]

(سؤال ۵۰۲) تیله بازی شرعا چه حکمی دارد و اگر در کوچه و خیابان ببینیم بچه ها با آن بازی می کنند لازمست جلوگیری کنیم؟

جواب: اگر در نظر عرف از آلات قمار محسوب باشد بازی کردن با آنها بدون برد و باخت نیز اشکال دارد و باید از بازی کردن اطفال نیز ممانعت شود و الّا بدون برد و باخت اشکالی ندارد.

(سؤال ۵۰۳) ترقه زدن، ساختن و خریدوفروش آن، با فرض اذیّت داشتن و عدم آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر غرض عقلایی داشته باشد که اسراف صدق نکند و مفسده ای هم بر آن مترتب

نشود مانع ندارد.

(سؤال ۵۰۴) پولی که از راه شرطبندی در تیراندازی به دست می آید چگونه است؟

جواب: مانعی ندارد.

(سؤال ۵۰۵) برد و باخت در مسابقه تیراندازی و اسب سواری که فقها معمولا جایز می دانند آیا منحصر به همان تیراندازی معمول قدیم و اسب سواری می باشد یا اینکه مقصود شارع مقدس، برد و باخت در تعلیم و مسابقه ادوات جنگی و وسائل سوار شدن معمول روز است که شامل مسابقه در انواع ادوات جنگی و ماشین های متداول روز نیز می شود؟

جواب: تیراندازی اعم است ولی شمول اسب دوانی به مسابقه ماشین و هواپیمای جنگی مشکل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۸

مسائل اجاره

(سؤال ۵۰۶) اگر مستأجر زمینی از مالک، اجازه ساختمان در مدت اجاره کسب نماید، پس از انجام ساختمان و پایان مدت اجاره موجر حق تخلیه ملک را دارد یا خیر؟

و علی کل حال، حق مستأجر نسبت به بناء در صورت عدم توافق با مالک به چه نحو باید استیفاء شود؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: در فرض مسأله اگر توافق حاصل شود که مالک، زمین خود را به مستأجر بفروشد یا تمدید اجاره کند و یا اینکه مستأجر، ساختمان خود را بمالک زمین بفروشد یا اجاره دهد، باید طبق توافق خودشان عمل نمایند و اگر توافق حاصل نشود هیچ کدام بدون رضایت دیگری حق تصرف ندارد.

(سؤال ۵۰۷) اگر موجر، ساختمان مورد اجاره را به مدت یک سال به مبلغ ۳۶ هزار تومان در اختیار مستأجر قرار دهد و صراحتا با مستأجر قید کند اگر کمتر از یک سال (۱۲ ماه) تخلیه کند باید وجه اجاره قید شده را بپردازد و مستأجر هم قبول کند بنابراین اگر مستأجر پس از شش

ماه بخواهد تخلیه کند آیا موظف است وجه اجاره بقیه یک سال را بپردازد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال باید مستأجر اجاره بهای یک سال را بپردازد ولی اگر در اثناء سال تخلیه کند مالک بدون اجازه او تا پایان مدت، حق تصرف ندارد و اگر بدون اجازه او تصرف کند باید اجاره بهای مدت تصرف را به مستأجر بپردازد و اگر هنگام اجاره شرط مباشرت نشده باشد، مستأجر می تواند بقیه مدت را به دیگری اجاره دهد و اگر شرط مباشرت شده باشد، نمی تواند به دیگری اجاره دهد.

(سؤال ۵۰۸) این جانب منزلی را از بنگاهی به مدت یک سال نظر به اعتماد و مغرور نمودن صاحبخانه اجاره نمودم و در ضمن مبلغ صد و ده هزار تومان به عنوان

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۴۹

قرض الحسنه به مسئول بنگاه سپردم متأسفانه بعد از مدتی مسئول بنگاه فرار نمود و پس از دستگیری از نظر دادگاه کلاهبرداری او ثابت شده است، آیا اکنون صاحبخانه که او را معتمد خویش معرفی کرده بوده می تواند مرا بدون وصول مبلغ مذکور مجبور به تخلیه خانه نماید، یا خیر؟

جواب: اگر صاحب خانه مسئول بنگاه را به عنوان وکیل و نماینده خود معرفی کرده تحویل پول به وکیل، در حکم تحویل دادن آن به موکل است.

(سؤال ۵۰۹) شرکتی چندین دستگاه ماشین آلات از وزارت راه و ترابری اجاره نموده است برای انجام قسمتی از کارهای ساخت راه آهن بندر عباس، ولی چندین دستگاه از ماشین آلات به تأیید مهندسین ناظر نرسیده و به علت نبودن لوازم یدکی، مورد استفاده واقع نشده و وزارت راه و ترابری مطالبه اجاره آن را نموده

است. مستدعی است بفرمایید آیا از ماشینی که استفاده نشده با توجه به ضرر و زیان وارده به شرکت، اخذ اجاره آن شرعا جایز است یا خیر؟

جواب: اگر تهیه لوازم یدکی به عهده موجر «۱» بوده و به علت تحویل ندادن آنها مستأجر نتوانسته از مورد اجاره استفاده کند، مستأجر اجاره بهای مدتی را که نتوانسته از آن استفاده کند ضامن نیست. و اگر تهیه لوازم یدکی به عهده مستأجر بوده، باید اجاره بهای تعیین شده را بپردازد.

(سؤال ۵۱۰) اگر موجر و مستأجر در ضمن عقد اجاره شرط کنند هر کدام از طرفین بخواهد عقد اجاره را به هم بزند مثلا شش هزار تومان به دیگری بپردازد، آیا این شرط صحیح و لازم العمل است یا خیر؟

جواب: شرط مذکور مانع ندارد و باید طبق شرط عمل شود.

(سؤال ۵۱۱) خانه ای را به این نحو اجاره کرده ام صاحب خانه ۳۰ هزار تومان پول نقد دریافت نموده و هر ماهی نیز ۷۰۰ تومان یک سال به ایشان پرداخت کنم آیا شرعا این اجاره صحیح است یا نه؟

---

(۱)- موجر: اجاره دهنده

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۰

جواب: اگر در ضمن قرض، اجاره شرط شود جائز نیست. و اگر در ضمن اجاره، قرض شرط شود جواز آن بعید نیست اگر چه احتیاط در ترک است.

(سؤال ۵۱۲) شخصی یک باب منزل یا مغازه خود را به یک نفر به عنوان اجاره تا مدت یک سال می دهد. بعد، این مستأجر همین منزل را با اذن و رضایت مالک به شخص دوم به عنوان اجاره در عوض مبلغ صد هزار تومان تا مدت یک سال می دهد. پس از مدتی مستأجر اول فرار می کند؛

آیا مالک حق دارد که از مستأجر دوم منزل را مطالبه کند؟

یا اینکه تا وقتی که مستأجر اول پیدا نشده حق مطالبه و مزاحمت ندارد؟ و اگر فرضا مالک حق مطالبه داشته باشد و منزل را متصرف شود، مبلغ مذکور را که مستأجر دوم داده در ذمّه کدام یک خواهد بود، و آیا مستأجر دوم تا زمانی که به حق نرسیده حق استفاده و سکنی در منزل را دارد یا خیر؟

جواب: اگر مالک در گرفتن سرقفلی نیز به مستأجر اول، وکالت داده بود باید طبق قرارداد مستأجر اول با مستأجر دوم عمل شود و الّا مستأجر دوم پس از پایان مدت اجاره دوم حق ادامه تصرف بدون رضایت مالک ندارد، و اگر آن مبلغ را مستأجر اول با وکالت از مالک برای مالک گرفته باشد مالک ضامن است و الّا ضامن نیست.

(سؤال ۵۱۳) اگر کسی خانه خود را به رهن دهد و مبلغی را بگیرد و خانه را در اختیار مرتهن بگذارد و هر ماهی کمتر از اجرت المثل از او بگیرد آیا این معامله صحیح است و اگر صحیح نباشد آیا راه شرعی برای صحت آن هست مرقوم فرمایید؟

جواب: اشکال دارد، و اگر خانه را به مبلغ کمتر از قیمت عادله اجاره دهد به شرط اینکه مستأجر مبلغی به موجر قرض بدهد اشکال ندارد.

(سؤال ۵۱۴) شخصی منزل خود را اجاره می دهد و در خاطر اوست که مخارج آبا و فاضلاب را خود مستأجر می دهد ولی صحبتی بین طرفین نمی شود و بعدا مستأجر می گوید باید خودت این مخارج را بدهی، آیا موجر حق دارد که قبول نکند؟

جواب: باید به عرف محل مراجعه نمایند

و بعید نیست که در عرف، پول آب مصرفی به عهده مستأجر و اجرت تخلیه فاضلاب به عهده موجر باشد مگر اینکه در اجاره خلاف آن را شرط کرده باشند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۱

سرقفلی

(سؤال ۵۱۵) سرقفلی یک باب مغازه قصابی را به مبلغ چهارصد هزار تومان خریده بودم و اجاره بهای آن در هر برجی چهار صد و پنجاه تومان معیّن شده بود ولی پولم نرسیده که تمامی مبلغ سرقفلی آن را بپردازم و مالك آن، مقرر کرد که سالی پنجاه هزار تومان به او پرداخت نمایم و اجاره آن روزی صد تومان، که می شود برجی سه هزار تومان، به او تأدیه نمایم آیا اضافه اجاره که مبلغ دو هزار و پانصد تومان می باشد ربا می شود یا خیر؟

جواب: اگر هنگام اجاره قرارداد شود که تا مدت معین مبلغ سه هزار تومان هر ماهی اجاره بها، و تا مدت معین هر سالی مبلغ پنجاه هزار تومان به عنوان سرقفلی پرداخت شود اشکال ندارد، و اگر هنگام اجاره کمتر از اجاره بهای یاد شده تعیین شود و به ملاحظه تأخیر در پرداخت سرقفلی سود گرفته شود جائز نیست.

(سؤال ۵۱۶) از آنجا که در رساله حضرت امام (قدس سرّه) و رساله جنابعالی سرقفلی به طور مطلق پذیرفته نشده و تصریح به این شده که پس از انقضای اجاره تصرف مستأجر بدون اذن مالك غاصبانه است. و با توجه به اینکه اکثر سرقفلی های امروزی را همین مورد تشکیل می دهند که مورد قانون مالك و مستأجر هم می باشد (م ۱۹ ق ۱۳۵۶) که مورد توجه اکثر قضات هم می باشد، حال چنانچه قاضی، حکم به تأدیه سرقفلی از ناحیه

مالك نماید تملك مستأجر بر سرقفلی می تواند وجه شرعی داشته باشد یا خیر؟

جواب: اگر مستأجر هنگام اجاره به مالك، سرقفلی پرداخت نکرده باشد پس از پایان مدت اجاره هنگام تخلیه حق مطالبه سرقفلی یا حق کسب و پیشه از مالك ندارد.

(سؤال ۵۱۷) در منطقه (ابرقو) از قدیم الایام چنین مرسوم بوده که کشاورزیهای جزء در دو قسمت خریداری می شده، حق مالك و حق کشاورزی که اولی را (اربابی) و دومی را دسترنجی، تعبیر می کنند و بسیاری از کشاورزان از زمانهای سابق بر این اراضی کشت می کردند و مال الاجاره را طبق عرف محل و قرار کلی به مالك پرداخت می نمودند و اگر کشاورز گهگاه بخواهد دسترنجی آب و ملك را بفروشد متعارف بوده و هست و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۲

بدون اجازه مالك انجام می گیرد و قیمت دسترنجی آن هم اکنون گران تر از اربابی آن خریدوفروش می شود. حال آیا چنین آب و ملکهایی که سابقه خرید دسترنجی آن مشخص نیست و یا بعضا معلوم است که از چندین سال قبل خریداری شده مالك می تواند تمام آن را از دست کشاورز بگیرد و یا او را به خریدوفروش مجبور نماید؟

جواب: اگر زارع، اشجاری با نهال خود به عمل آورده یا بنایی با مصالح خود احداث کرده باشد متعلق به خودش می باشد، و اگر سرقفلی زمین را در ضمن اجاره خریده باشد، باید طبق قرارداد در ضمن اجاره عمل شود، ولی اگر زمین آباد به عنوان مزرعه یا اجاره به او داده شود و او برای به دست آوردن محصول زحمت کشیده باشد، لکن زمین را بهتر از زمانی که به او داده شده نکرده باشد،

زائد بر قراردادشان حقی به نام دسترنجی ندارد.

(سؤال ۵۱۸) شش سال قبل دکانی را با تمام اثاثیه و امتیازات دولتی از قبیل پروانه و غیره با رضایت مالک از متصرف قبلی اجاره نموده و سند اجاره نامه را با مالک تنظیم کرده ام و ضمنا سرقفلی همان مغازه را نیز خریده ام آیا فعلا می توانم آن را به کس دیگر واگذار نمایم یا نه.

جواب: اگر سرقفلی را در ضمن اجاره صحیح خریده باشید باید طبق قرارداد در ضمن اجاره عمل کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۳

مسائل مضاربه

(سؤال ۵۱۹) مضاربه، غیر از طلا و نقره مسکوک، با اسکناس نیز جائز است یا نه؟

جواب: مضاربه بنابر اقوی در مطلق نقود، صحیح است.

(سؤال ۵۲۰) آیا مضاربه، عقد لازم است یا جائز و بر فرض جایز بودن اگر عامل یا مالک آن را فسخ کردند چگونه باید دسترنج عامل و یا استهلاک سرمایه مالک حساب شود؟

جواب: مضاربه از عقود جایزه است و هر کدام فسخ کند در صورت حصول ربح، آن را طبق قرارداد، تقسیم می کنند و در صورت عدم حصول ربح، عمل عامل بی فائده می شود ولی ضرر استهلاک سرمایه را متحمّل نمی شود.

(سؤال ۵۲۱) آیا مضاربه، نوعی از وکالت است یا عقدی است مستقلّ؟ و تفاوت اصولی آن با شرکت چیست؟

جواب: مضاربه عقد مستقل است و تفاوت آن با شرکت اصطلاحی اینست که در شرکت، مورد شرکت در بین شرکاء، مشترک است ولی مال المضاربه اختصاص به صاحب سرمایه دارد و عامل، در صورت حصول ربح، شریک در ربح می باشد.

(سؤال ۵۲۲) تعیین مدت در مضاربه شرط است یا نه؟

جواب: شرط نیست.

(سؤال ۵۲۳) آیا شرکت شخص ثالث در ربح حاصله بین مالک

و عامل جایز می باشد و به صحّت مضاربه ضرر نمی زند؟

جواب: اگر شرط کنند شخص ثالثی که نه در سرمایه شرکت دارد و نه در عمل، خود به خود در ربح، شریک شود اشکال دارد ولی اگر شرط کنند یکی از طرفین یا هر دو از مال خودشان چیزی به او ببخشند مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۴

(سؤال ۵۲۴) با فوت مالك یا عامل، مضاربه به هم می خورد یا اینکه ورثه هر کدام می تواند آن را ادامه بدهند؟

جواب: با فوت هر یک، مضاربه باطل می شود و ادامه آن متوقّف است بر تجدید قرارداد با وارث متوفّی.

(سؤال ۵۲۵) آیا در مضاربه، خسارت، نیز مثل ربح به نسبت بین مالك و عامل تقسیم می شود یا نه و اگر نمی شود با شرط کردن آن در عقد لازم دیگری، عمل به آن شرط، صحیح و لازم می شود یا نه؟

جواب: اگر عامل، تقصیر و کوتاهی نکرده باشد تمام خسارت بر سرمایه وارد می شود و عامل غیر از بی فائده شدن عملش، ضرری را متحمّل نمی شود و شرط خسارت بر عامل، چه در عقد مضاربه باشد و یا عقد دیگری خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۵۲۶) اگر صاحب کارخانه ای مبلغ یکصد هزار تومان از کسی بگیرد و به عنوان سرمایه در کارخانه خود با کار عامل، به کار بندد و بر اساس قرارداد، بنابراین بشود که یک دوم از سود حاصل مبلغ فوق را به صاحب سرمایه ماهانه بپردازد، و بنابر اظهار آقای عامل سود حاصل از وجه مذکور ماهیانه ده هزار تومان می باشد و بنابراین می شود که در صورت تنزل سود حاصل مراتب را به اطلاع طرف قرارداد جهت هر گونه

تصمیم گیری و اقدام برساند و حق فسخ قرارداد در هر زمان با صاحب پول باشد و نیز طرفین توافق کردند که هر گونه خسارت و ضرر مالی اعم از نوع معامله یا هر گونه خسارات و آفات دیگر به عهده عامل باشد و ضمن عقد خارج لازم حفظ اصل سرمایه به عهده عامل باشد و طرف قرارداد هیچ گونه مسئولیتی ندارد و در هر ماه رأس موعد، سود سرمایه محاسبه و به صاحب سرمایه مسترد گردد آیا قرارداد و شروط مذکوره مشروعیت دارد یا نه؟

جواب: اگر معامله صوری و ظاهری به منظور فرار از ربا انجام نشود و سرمایه در ملک صاحبش باقی بماند و با آن تجارت شود و سهم هر یک از صاحب سرمایه و عامل از سود حاصله به طور کسر مشاع تعیین شده باشد (مضاربه) صحیح می باشد و اگر در ضمن عقد لازم شرط کرده باشند که خسارت وارده بر سرمایه را عامل از مال

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۵

خود، جبران نماید باید طبق شرط عمل شود ولی به مجرّد توافق آنها خسارت به عهده عامل نمی باشد.

(سؤال ۵۲۷) شخصی مبلغ یکصد هزار تومان را به عنوان مضاربه به کسی می دهد و صاحب پول می گوید ضرری که ناشی از این معامله می شود را تحمّل نمی کنم و گیرنده می گوید باشد و سود بیشتر را شما از من تقاضا نداشته باش مثلا دو هزار تومان در هر برج به شما می پردازم و صاحب پول قبول می کند و در قرار محاسبات عرف، سود حاصله از مبلغ یکصد هزار تومان شش هزار تومان در هر برج می شود آیا در فرض مذکور، که طرفین معامله،

یکی راضی به تحمّل ضرر و یکی سود بیشتر را تقاضا ندارد ربا تحقق پیدا می کند یا خیر؟

جواب: قرارداد مذکور صحیح نیست و در مضاربه باید قرارداد شود که سود حاصله به طور کسر مشاع مانند: یک دوم و یک سوم بین عامل و صاحب سرمایه تقسیم شود و تعیین مبلغ، صحیح نمی باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۶

مسائل وکالت

(سؤال ۵۲۸) وکالتی که در ضمن عقد لازم به نجو شرط نتیجه «۱» اخذ می شود به جنون موکّل از بین می رود یا خیر؟

جواب: وکالت از بین می رود.

(سؤال ۵۲۹) شخصی قطعه زمینی را به کسی فروخته سپس وکیل وی بدون اطلاع از بیع موکّل همان قطعه زمین را به کسی دیگر فروخته و خریدار دوم اقدام به ساختمان نموده و بعد از ساختمان و مخارج زیاد متوجه شده مالک قبلا آن را فروخته است و مشتری اولی می خواهد قطعه زمین را تحویل بگیرد ولی حاضر به پرداخت مخارج ساختمان نمی باشد، در این صورت غرامت به عهده کدام می باشد؟

جواب: مالک زمین موظف بوده است به وکیل خود ابلاغ کند که موضوع وکالت را از بین برده است و در صورتی که ابلاغ نکرده باشد طبق احتیاط واجب باید از عهده خسارت برآید.

(سؤال ۵۳۰) اگر بین وکیل و موکّل در اصل وکالت اختلاف باشد آیا تصرفات وکیل از لحاظ خریدوفروش دارای چه حکمی می باشد؟

جواب: اگر نزد قاضی شرع، صحت وکالت ثابت شود تصرفاتی که وکیل طبق وکالت انجام داده نافذ می باشد و اگر حکم به بطلان وکالت کند صحت معاملات او موقوف به اجازه مالک می باشد.

(سؤال ۵۳۱) اگر کسی پس از عقد ازدواج با زوجه دائمی خود صلح نامه ای

بنویسد و در آن شرط کنند که زوج زوجه دیگر نگیرد و چنانچه زوجه دیگر اختیار کند، وی وکیل در توکیل در طلاق خود می باشد؟ آیا این صلح و این نوع شرط شرعا جایز است یا

---

(۱)- شرط نتیجه: مثل اینکه وکالت شخصی را که نتیجه عقد وکالت بین او و موکّل او است در یک معامله لازم دیگری شرط کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۷

خیر؟ و چنانچه در همان صلح نامه شرط شود که اگر زوجه مدعی باشد که زوج بد اخلاقی کرده وکیل در توکیل طلاق خود باشد، آیا چنین صلح نامه با این شرائط صورت شرعی دارد یا خیر؟ و نیز چنانچه به محض ادعا که زوج بدرفتاری کرده و بدون اطلاع یک فرد چنانچه طلاقی جاری شود شرعا صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر ثابت شود که در ضمن صلح صحیح شرط وکالت کرده وکالت صحیح است و نسبت به شرط وکالت در طلاق در صورت ادعای زوجه، بد اخلاقی زوج را، اگر واقعا زوج، بد اخلاقی کرده باشد زوجه حق ادعای بد اخلاقی او را دارد و موضوع وکالت محقق می شود و اگر بد اخلاقی نکرده باشد حق ادعای آن را ندارد و در مورد اختلاف باید به محکمه صالحه شرعیه مراجعه شود.

(سؤال ۵۳۲) کسی از طرف شخص دیگر وکالتا عقد نکاح خواند ولی موکّل به وی نام زن و پدرش را نگوید و زن و مرد یکدیگر را نشناسند و بعد از عقد، شوهر بگوید که من زن را نشناختم لذا باید عقد دوباره خوانده شود ولی وکیل گوید دوباره خواندن عقد جایز نیست آیا دوباره خواندن عقد لازم است یا خیر؟

جواب:

اگر زوج، عاقد را وکیل کرده بود که طبق اختیار خود برای او زنی را ترویج کند و وکیل هم طبق وکالت خود تزویج کرده باشد عقد، صحیح است و الا عقد فضولی «۱» می باشد که اگر زوج اجازه کند صحیح می شود و اگر رد کند باطل می باشد و اگر در صحت عقد شبهه داشته باشند دوباره خواندن آن احتیاطا اشکال ندارد.

(سؤال ۵۳۳) در صورت مفقود الاثر بودن موکل، وکیل در طلاق می تواند به استصحاب بقای حیات موکل بگوید پس وکیل او هستم و می توانم طلاق را جاری کنم و زوجه هم عده طلاق نگاه دارد آیا این اصل مثبت، نیست؟

جواب: اولاـ بقاء وکالت اثر شرعی بقاء حیات است و ترتیب اثر شرعی بر استصحاب موضوع بی اشکال است و ثانیا خود وکالت را می شود استصحاب کرد و احتیاج به استصحاب حیات نیست.

---

(۱)- عقد فضولی: عقد بدون اطلاع و رضایت صاحب آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۸

مسائل هبه (بخشش)

(سؤال ۵۳۴) آیا بدون اطلاع قیّم بچه یتیمی، انسان مجاز به هبه کردن به ایشان (از طرف خود یا دیگران) و سپس سرمایه گذاری در امور تجارتی یا خرید اموال غیر منقول به نام او و حفظ آن تا حدّ بلوغ و سپردن به دستش می باشد یا خیر؟

جواب: مادامی که ولیّ یا قیّم بچه، مورد هبه را برای بچه قبول نکرده و تحویل نگرفته منتقل به بچه نمی شود و هر تصرفی در مال صغیر با اجازه ولیّ شرعی اشکال ندارد.

(سؤال ۵۳۵) حکم بخشش زن به شوهر و برعکس با فرض بقاء عین بخشیده شده و عدم بقاء آن را بیان فرمایید.

جواب: رجوع به عوض در صورت عدم بقاء عین آن

مسلّما جایز نیست و در صورت بقاء آن در فرض سؤال نیز احتیاط واجب در عدم رجوع است.

(سؤال ۵۳۶) طلاجات که شوهر و پدر شوهر و مادر شوهر به عروس داده اند و او در حال نشوز است آیا شوهر می تواند مطالبه کند یا نه؟

جواب: اگر عاریه داده باشند در صورتی که از بین نرفته باشد هر کس عاریه را داده می تواند پس بگیرد و اگر بخشیده باشند در صورتی که بلا عوض و قربه الی اللّه نبخشیده باشند و عین آن موجود باشد و کسی که بخشیده است با او خویشاوندی نداشته باشد می تواند پس بگیرد و الا نمی تواند پس بگیرد و اگر غیر زوج بخشیده باشد به زوج مربوط نیست.

(سؤال ۵۳۷) و همین طور سایر مخارج که در مجلس عقد خرج شده و از بین رفته است آیا شوهر می تواند مطالبه کند یا خیر؟

جواب: نمی تواند مطالبه کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۵۹

(سؤال ۵۳۸) هنگام ازدواج اگر مرد مقداری طلا به عنوان زینت به خانمش بدهد، آیا قانونا و شرعا می تواند پس بگیرد؟

جواب: اگر عاریه داده باشد حکم عاریه را دارد و اگر بخشیده باشد حکم هبه را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۰

مسائل پیوند اعضاء و تشریح

(سؤال ۵۳۹) با توجه به نیاز امروز جامعه به پیوند کلیه، آیا می توان قبل از مرگ، هنگامی که طبق نظر پزشکان معالج مرگ انسان مسلم باشد، یک کلیه او را درآورد، و او را با یک کلیه که قابل حیات است به حال خود گذاشت و یا هر دو کلیه او را درآورد؟

جواب: بدون رضایت او جائز نیست و با رضایت او در صورتی که ضرر معتدّ به برای

او نداشته باشد و حیات مسلمان دیگری متوقف بر آن باشد مانع ندارد.

(سؤال ۵۴۰) طبق آمار سازمان بهشت زهرا به طور متوسط ۳۵۰۰ نفر در سال به علت سکته مغزی، خونریزی و یا ضربه مغزی فوت می نمایند. از نظر پزشکی کلیه این افراد، قابل پیوند به بیماران دیالیزی دردمند است، آیا قطع کلیه این افراد برای پیوند به جهت حفظ بیماران دیالیزی در صورت رضایت وابستگان یا وصیّت میّت جائز است و در صورت قطع، دیه تعلق می گیرد یا خیر؟

جواب: پس از مرگ اگر حفظ جان مسلمان متوقف بر آن باشد مانع ندارد و بنابر احتیاط دیه آن را بپردازند که به مصرف حج یا صدقه و خیرات برای خود میّت برسد و نباید در بین ورثه تقسیم شود.

(سؤال ۵۴۱) مریضی است در بیمارستان که در نوبت عمل پیوند کلیه به سر می برد و برادر ایشان کمی از نظر فکری عقب افتادگی دارد، قیّم و ولیّ ایشان با این عمل یعنی پیوند کلیه برادر عقب افتاده به مریض موافقت کرده و متخصصین بیمارستان پس از آزمایش های مربوطه از طرفین تشخیص داده اند که بافت پیوند از برادرش عملی می باشد. با توجه به وضعیت بدی که احتمال خطر مرگ بیمار دارد و فقط با پیوند کلیه برادرش نجات خواهد یافت تکلیف شرعی را اعلام فرمایید؟

جواب: اگر زنده ماندن مریض متوقف بر اعطاء کلیه باشد فرد بالغ و عاقل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۱

می تواند کلیه خود را با عدم ضرر معتدّ به و گرفتن پول یا تبرّعا به او اعطا کند ولی کسی که خودش رشد فکری ندارد ولیّ او نمی تواند اجازه بدهد و بدون اجازه

هم جائز نیست.

(سؤال ۵۴۲) اگر رحم زنی را به زن دیگری که بچه دار نمی شـده پیونـد زدنـد و بچه دار شد از نظر جواز پیوند و سایر احکام تکلیف چیست؟

جواب: حکم پیونـد زن مرده در رسالهٔ توضیـح المسائل ذکر شده است، و قطع رحم زن زنده جایز نیست و در صورت وقوع و بچه دار شدن زن تمام احکام مادری و فرزندی بین او و بچه جاری می باشد و زن صاحب رحم اصلی حکم اجنبیّه را دارد.

(سؤال ۵۴۳) پیونـد زدن اعضـاء افرادی که به دلیـل ارتـداد یا مفسـد فی الارض بودن اعـدام شـده انـد و نیز نبش قبر افراد غیر مسـلمان که در کشور جمهوری اسـلامی دفن شده اند و تشـریح جسد آنان چه حکمی دارد؟ آیا اجازه ولیّ و وصیّ یا وارث، لازم است؟

جواب: کفر و ارتداد هر کدام ثابت شده باشد تشـریح جسد او اشـکال ندارد و اذن ولیّ و وارث او هم شـرط نیست مگر اینکه آنها در صورت عـدم استیذان، فتنه برپا کنند که بر خلاف مصـلحت اسـلام باشد، ولی ارتداد هر کدام شـرعا ثابت نباشد حکم جسد مسلمان را دارد.

(سؤال ۵۴۴) برای تشـریح جسـدی یا تجزیه اسـتخوانی اجبارا به دانشـگاه برده می شویم و نمی دانیم متعلق به مسـلمان است یا کافر آیا تحقیق لازم است یا نه؟ و حکم غسل مس میّت چه می شود؟

جواب: تحقیق، مطابق احتیاط است مگر اینکه از دستکش بهداشتی استفاده کنید و تماس حاصل نشود.

(سؤال ۵۴۵) حکم تشـریح جسد مسـلمان در صورت کمبود جسد غیر مسـلمان برای تشریح در دانشگاههای جمهوری اسلامی چیست؟

جواب: اگر احراز شود که حفظ جان مسلمان متوقّف بر آن است و جایگزین ندارد جائز است و در غیر

این فرض جائز نیست.

(سؤال ۵۴۶) اگر بعد از تحقیق معلوم نشد که جسد مسلمان است یا کافر تشریح آن چه حکمی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۲

جواب:: حکم تشریح جسد مسلمان را دارد که تفصیل آن در مسأله ۵۴۵ گذشت.

(سؤال ۵۴۷) اصولا حکم تشریح جسد مسلمان با توجه به اینکه جسد غیر مسلمان یا اصلا نباشد و یا فراوان نیست و یا برای دولت اسلامی مشکلاتی دارد چیست؟ و آیا اجازه ولیّ یا وصیّ و وارث میّت مسلمان در جواز تشریح جسد مسلمان مؤثر می باشد یا نه؟

جواب: ملاک جواز و عدم جواز تشریح جسد مسلمان در مسأله ۵۴۵ نوشته شد و در صورت عدم جواز، اجازه ولیّ و وارث و وصیّ، حرمت آن را بر نمی دارد.

(سؤال ۵۴۸) تشریح جسد مرتدّین و مفسدین فی الارض که در جمهوری اسلامی اعدام شده اند برای آموزش پزشکی چه حکمی دارد آیا اذن ولیّ یا وصیّ یا وارث آنها لازم است؟

جواب: کفر و ارتداد هر کدام ثابت شده باشد تشریح جسد او اشکال ندارد و اذن ولیّ و وارث او هم شرط نیست، مگر اینکه آنها در صورت عدم استیذان، فتنه برپا کنند که بر خلاف مصلحت اسلام باشد، ولی ارتداد هر کدام ثابت نباشد حکم جسد مسلمان را دارد.

(سؤال ۵۴۹) در مواردی که برای تشریح، بدن میّت غیر مسلمان نباشد و از نظر توقّف تربیت پزشک به تشریح که در این فرض تشریح که در این فرض تشریح بدن مسلمان در حد ضرورت جائز است آیا مماثلت جنس لازم است یا نه؟ یعنی مرد، می تواند بدن میّت زن و زن، بدن میّت مرد را تشریح کند یا نه؟

جواب:

اگر با تشریح مماثل ضرورت مرتفع شود تشریح غیر مماثل جائز نیست.

(سؤال ۵۵۰) آیا مسلمان می تواند وصیت کند که بعد از مرگ، اعضای بدنش مانند قلب و کبد و چشم و غیره مورد استفاده بیمارستانها و مراجع تحقیقاتی پزشکی و با افراد نیازمند قرار گیرد یا نه؟

جواب: اگر زنده ماندن فردی متوقف بر آن باشد اشکال ندارد و در غیر این فرض مشکل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۳

مسائل معاشرت

معاشرت با مسلمان

(سؤال ۵۵۱) برخی افراد هستند که دچار مرض روحی و روانی هستند ولی کارهای زیاد عاقلانه انجام می دهند و درس می خوانند و معاشرت آنان با دیگران معمولی است ولی یک دفعه از حال عادی خارج شده به حدّی که احتیاج به تزریق آمپول مخصوصی می باشد و در این حال گاه دست به کارهای خطرناک می زنند. با این گونه افراد از نظر احکام شرعی معاشرت و معامله و دادوستد چگونه باید رفتار نمود؟

جواب: حال این گونه افراد به جنون ادواری «۱» تعبیر می شود که در حال عادی بودن حکم مجانین را ندارد.

(سؤال ۵۵۲) فردی است بهایی می خواهد زمین خود را به فرد مسلمانی اجاره دهد و در کشت و زراعت نیز با هم شریک باشند و این بهایی فردی است که با دیگر بهائیها رابطه و میانه ای ندارد و امید هدایت او می رود. آیا در این فرض معامله و معاشرت و شرکت با او جائز است؟ شاید بدین وسیله ارشاد شود؟

جواب: اگر عمل مزبور مستلزم ترویج باطل نباشد به امید ارشاد و راهنمایی او مانعی ندارد.

(سؤال ۵۵۳) اگر فرزند انسان مثلا ۷ مهر ماه به دنیا آید هنگام شناسنامه گرفتن برای اینکه برای تحصیل، عقب نیافتد چند

روز زودتر تاریخ تولد را بگوید شرعا جائز است؟

جواب: اگر دروغ نگوید و مرتکب خلاف مقررات هم نشود اشکال ندارد.

(سؤال ۵۵۴) در مجالسی که مانند بعضی از مجالس عروسی یکی از محرّمات انجام می گیرد چه تکلیفی داریم؟ ترک آن اگر مفسده دارد چطور؟

---

(۱)- جنون ادواری: جنون گاه وبیگاه.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۴

جواب:: حضور در مجلس حرام جائز نیست و اگر ترک آن مستلزم مفسده ای باشد که گناه آن از گناه شرکت بزرگ تر باشد گناه بزرگ تر را باید ترک نمود.

(سؤال ۵۵۵) آیا در گفتن جواب سلام فقط کلمه «سلام» کافی است یا حتما باید با «علیکم» همراه باشد؟

جواب: اگر سلام دهنده کلمه «سلام» را بدون علیکم بگوید در جواب هم سلام بدون علیکم کافی است و ضمیمه کلمه «علیکم» بهتر است و اگر سلام دهنده کلمه «علیکم» را اضافه کرده باشد در جواب هم لازم است.

(سؤال ۵۵۶) آیا عمل را به اوامر اساتیدی که مقیّد به انجام فرائض شرعی نیستند لازم است؟ احترام به آنان چطور؟

جواب: اگر امر به خلاف شرع کنند اطاعتشان جائز نیست.

(سؤال ۵۵۷) بودن خواهران و برادران در یک کلاس در دانشگاه جایز است یا خیر؟

جواب: اگر همه دانشجویان باتقوا باشند و بتوانند احکام شرعیه را بدون ترتّب مفسده رعایت کنند مانعی ندارد، ولی با اختلاف دانشجویان در داشتن و نداشتن تقوا رعایت احکام شرعیه امکان پذیر نمی باشد.

(سؤال ۵۵۸) آیا بر مسئولین، لازم و واجب است که در صورت امکان کلاس خواهران را از برادران دانشجو جدا کنند و برای خواهران، استاد زن و برای برادران استاد مرد بیاورند؟

جواب: در صورت امکان، لازم است.

(سؤال ۵۵۹) آیا دختران دانشجو می توانند در مورد کلاس یا

مسائل علمی در میان برادران دانشجو کنفرانس ارائه نمایند؟

جواب: اگر بتوانند احکام شرعیه را رعایت کنند مانعی ندارد.

(سؤال ۵۶۰) صحبت کردن دختر و پسر نامحرم بدون قصد لـذّت جایز است یا خیر اگر در حین صحبت قصد لذّت شد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در معرض ریبه نباشد مجرّد صحبت کردن حرام نیست و اگر اتفاقا در اثناء صحبت، تلذّذ حاصل شود، باید فورا صحبت را قطع نماید.

(سؤال ۵۶۱) حکم خنده و شوخی های لفظی استاد خانم در کلاس که دانشجوی

پسر و دختر با هم می باشند چیست؟ بعضا این شوخی ها برای رفع خستگی و شاداب شدن برای درس انجام می شود.

جواب: شوخیها و مزاحها مختلف است شوخیهای فسادانگیز موجب افتنان جایز نیست.

(سؤال ۵۶۲) سوار شدن زنها با مرد نامحرم در اتومبیل جهت آموزش رانندگی که قهرا در اماکن خلوت انجام می شود آیا مصداق خلوت کردن زن و مرد نامحرم می باشد و حرام است؟ و اگر در خیابان غیر خلوت باشد با این حال مصداق خلوت کردن محرّم است؟

جواب: بدون وجود شخص ثالث اشکال دارد.

(سؤال ۵۶۳) حضور زنان در اماکنی که به طور حتم با مردان تماس بدنی پیدا می کنند مثل اتوبوسها و سالن سینماها و تآتر و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تماس از روی لباس و بدون قصد شهوت رانی و ریبه باشد مانعی ندارد.

(سؤال ۵۶۴) حذف اوراقی که حاوی مطالبی در مورد مفاسد اخلاقی افراد است چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در حفظ آن، مصلحتی نباشد مانعی ندارد، بلکه بسا بقاء اوراق، موجب اشاعه فحشاء است حذف آنها واجب می شود.

(سؤال ۵۶۵) درج نمودن مفاسد اخلاقی و گزارشات مربوط به حیثیت و آبروی

افراد در پرونده آنان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم اشاعه فحشاء باشد جایز نیست.

(سؤال ۵۶۶) غیبت یعنی چه؟ و موارد جواز غیبت را بیان فرمایید.

جواب: غیبت یعنی ذکر کردن عیب مؤمن به نحوی که اگر بشنود ناراحت گردد و در مواردی مانند احقاق حق و ابطال باطل و در مورد مشورت و غیبت ظالم برای مظلوم در خصوص ظلمی که به او شده و غیبت متجاهر به فسق در خصوص همان معصیت و در مواردی که مفسده نگفتن بیشتر از مفسده غیبت است، جائز می باشد.

(سؤال ۵۶۷) گاهی مورد مشورت یکی از طرفین که قصد ازدواج دارند قرار می گیریم در حالی که از بیماری و نقائص بدنی و روحی طرف دیگر مطلع هستیم که

سکوت و عدم اظهار، نزاع های بعدی و اظهار و بیان آنها سر نگرفتن آن ازدواج را در پی خواهد داشت آیا ما مجازیم این عیوب را برای مشورت کننده بیان کنیم؟

جواب: در مورد مشورت باید انسان بدون کم و زیاد حقیقت امر را بگوید و از موارد استثنایی حرمت غیبت است.

(سؤال ۵۶۸) برای تسلیت گفتن در فاتحه مسلمانی که خودکشی کرده می توان شرکت نمود؟

جواب: گرچه میّت با خودکشی معصیت بزرگی مرتکب شده است ولی مسلمان است و در ضمن، بستگان او گناهی نکرده اند برای تسلیت و دلداری نزد آنان رفتن مانعی ندارد.

(سؤال ۵۶۹) قطع رحم که شدیدا مذموم و یا حرام است شامل افراد رحمی که متدین و ملتزم به شرع نیستند و یا لا ابالی می باشند و صله رحم نیز تاثیری در تقیّد آنان به دین ندارد می باشد یا نه؟

جواب: شامل آنها نیز هست ولی در موارد

تزاحم باید رعایت اهم بشود.

(سؤال ۵۷۰) در موارد تراشیدن ریش در بعضی رساله ها حرام دانسته شده و در بعضی احتیاط واجب کرده اند مستدعی است اجمالا به دلیل حرمت آن اشاره بفرمایید.

جواب: تراشیدن ریش اشکال دارد و اجماع منقول و شهرت محقّقه و سیره مستمرّه دلالت بر گذاشتن ریش دارد و در بعضی روایات نیز اشاره به آن شده است و چون ریش تراشی در صدر اسلام معمول نبوده، به علاوه مستهجن هم بوده چه بسا نهی صریح از آن خلاف بلاغت محسوب می شده است. مثلا چون خوردن میته و گوشت خوک معمول بوده در آیات قرآن برای منع از آن نهی صریح وارد شده است ولی گوشت سگ با اینکه حرمت آن مسلم است خوردن آن معمول نبوده اگر در قرآن نهی صریح از آن می شد خلاف بلاغت بود.

(سؤال ۵۷۱) در رساله شریفه مرقوم فرموده اید: «بنابر احتیاط واجب باید از تراشیدن ریش و زدن آن با ماشین ته زن اجتناب شود.» سؤال این است که ملاک ته زن چیست؟ عده ای می گویند مثلا از چند متری مشخص باشد که شما ریش دارید عده ای

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۷

دیگر می گویند اگر دست به قسمت ریش صورت بکشید احساس کنی که دست به ریش کشیده می شود نه به پوست صورت و ...

خواهشمندم ملاک شرعی حدّ ریش را بیان فرمایید و در ادامه همان مسأله فرموده اید:

«و آنچه معمول شده که قسمت چانه را می گذارند و دو طرف را می زنند نیز محل اشکال است.» سؤال این است که اگر گذاردن ریش موجب تحقیر و استهزاء مؤمن شود (البته در موقعیت بخصوصی) می تواند ریش قسمت چانه را بگذارد و دو طرف را بزند؟

جواب:

باید به نحوی باشد که عرفا صدق ریش کند و استهزاء و تحقیر مؤمن حرام است و حکم خدا با استهزاء عوض نمی شود.

(سؤال ۵۷۲) مع الرّغبه الشدیده من الشباب فی بلادنا للهجره الی الدراسه الدینیه او ممارسه النشاط الاسلامی فی بلدهم، مع ذلک الآباء بسبب عواطفهم او الخوف من الحکومات یمنعون اولادهم من التوجه للدّراسه الدینیه، فهل یطیع الشابّ والدیه؟

(اخوانکم من القطیف)

جواب: قد تصل الدراسه الدّینیه و النشاطات الاسلامیه الی حدّ الوجوب العینی و ذلک اذا لم یقم بها الاشخاص بقدر الکفایه و فی هذه الصوره لا یشترط اذن الوالدین و رضاهما.

[س- جوانان در منطقه ما علاقه زیادی به مهاجرت جهت فراگیری علوم اسلامی و بالا بردن فرهنگ اسلامی دارند و والدین آنها به واسطه علاقه و عاطفه ای که به آنها دارند و یا ترس از حکومتها مانع از این کار می شوند با این حال آیا اطاعت والدین لازم است یا نه؟ (برادران شما از قطیف)

ج- هرگاه فراگیری علوم اسلامی و تقویت جهات فرهنگی دینی در منطقه ای به حدّ وجوب شرعی عینی برسد مثل آنکه کسی به اندازه کفایت و لزوم اقدام ننماید در این صورت رضایت و اجازه والدین شرط نیست.]

معاشرت با غیر مسلمان

(سؤال ۵۷۳) عده ای کارشناس ایرانی هستیم که جهت تحقیقات به کشور چین رفته ایم و در رابطه با نحوه ارتباط ما با مردم چین و غذا خوردن با یکدیگر نگرانی هایی برای ما مطرح شده که در مسائل ذیل مطرح می شود:

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۸

۱- آیا جائز است با آنها دست داد و معانقه نمود؟

۲- از رستورانهای آنجا غذاهای پخته می شود خرید و یا در مأموریتهای اجباری از غذاهای آنان می توان استفاده نمود

و بعضا استفاده نکردن موجب وهن و سستی نسبت به مسلمانان پیش می آید مثلاـ در غذا خوردنهای جمعی که میگو می آورند وقتی ما استفاده نکنیم با خود می گویند اینها از کجا آمده اند که میگو نمی خورند و آیا بین غذای تهیه شده توسط دستگاه و آنچه دست انسان درست می کند فرق باید گذاشت؟

۳- بنابر مصالح امنیتی ما پولهای خود را در بانگهای چین می گذاریم و طبیعتا مقداری سود می آورد، آیا جائز است بگیریم؟ و در صورت جائز نبودن، هزینه ما از ایران به صورت چک می آید و وقتی به بانک مراجعه می کنیم برای تبدیل کردن به پول چینی مقداری کسر می کنند حال می شود آن مقداری که کسر می کنند را از آن سود بر فرض عدم جواز برداریم؟

۴- ما باید دلار را با پول مخصوص چین معاوضه کنیم اگر فرضا ۱۰۰ دلار به بانک بدهیم ۵۰۰ یوآن می دهد ولی بازار آزاد ۱۰۰ دلار را ۶۰۰ یوآن می دهد و اگر چه بازار آزاد خلاف قانون است ولی با اینکه مأمورین دولتی ناظر هستند ولی مخالفتی نمی کنند این معامله شرعا چگونه است؟

۵- آیا معامله با کفار جائز است؟

۶- با دقت عقلی ما مطمئن نیستیم که فرضا صید ماهی با اصولی است که شرع جائز دانسته، یا راجع به گوشت همین طور، وظیفه ما چیست؟

جواب: ۱- در مواردی که مصلحت اقتضاء کند اشکال ندارد.

۲- ذبیحه کفار اگر چه اهل کتاب باشند حرام است ولی در صید ماهی و میگو مسلمان بودن شرط نیست، بلکه باید بدانیم آنها را زنده از آب گرفته اند و مأکولات و اجناس دیگر را اگر انسان نداند که نجس شده است یا خیر محکوم به طهارت

است و در موارد عدم جواز اگر اضطرار در حدّی باشد که اکل میته جائز باشد اشکال ندارد.

۳- گرفتن سود از آنها اشکالی ندارد و در نتیجه، موضوع ذیل سؤال منتفی است.

۴- اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۶۹

۵- اگر مستلزم تقویت کفر و ترویج باطل نباشد اشکال ندارد.

۶- تفصیل آن در جواب مسأله دوم نوشته شد.

(سؤال ۵۷۴) رفتن به آرایشگاه مسیحی جایز است یا نه؟ صاحب آرایشگاه کارش را با نام خدا شروع می کند و پیامبری حضرت محمّد (ص) را نیز قبول دارد آیا وسائل کارش پاک است یا باید مسلمانها خودشان را آب بکشند؟

جواب: مسیحی بودن با قبول داشتن پیامبری حضرت محمّد (ص) منافات دارد زیرا اگر کسی پیامبری حضرت محمّد (ص) را قبول داشته باشد مسلمان است و باید به احکام اسلام عمل نماید و اهل کتاب نظیر مسیحی ها و یهودی ها گرچه به نظر این جانب بالذّات پاک هستند ولی چون از چیزهایی که در اسلام، نجس شمرده شده پرهیز ندارند باید از معاشرت و اختلاط با آنها خودداری شود.

(سؤال ۵۷۵) در بعضی مناطق عده کثیری دارای سبیل و شارب غیر متعارف هستند و بعضیها هم سبیل و شارب ندارند ولی مسلکا یکی هستند و ظاهرا به وحدانیت خدا و به نبوت پیغمبران و امامت ائمه طاهرین علیهم السّلام و به تمامی ضروریات اسلام اقرار و اعتقاد دارند و در نماز جماعت و مجلس دینی و روضه و غیره شرکت می نمایند. ولی عده ای از مسلمانان همجوار می گویند آنان مسلمان نیستند و باطنا علی اللّهی هستند آیا با چنین عده ای معاشرت از حیث طهارت و نجاست چه صورت دارد؟ لطفا حکم اللّه

را درباره آنان مرقوم فرمایید.

جواب: اگر یکی از ضروریات اسلام را مانند وجوب نماز و روزه با توجه به ضروری بودن آن منکر باشند احکام اسلام درباره آنها جاری نمی شود و اگر منکر نباشند مسلمان هستند و افرادی که همجوار آنها هستند می توانند بفهمند که آیا آنها نیاز را به جای نماز کافی می دانند یا خیر و آیا روزه ماه رمضان را واجب می دانند یا اینکه عوض آن فقط سه روز در روزهای کوتاه روزه می گیرند و آیا در مجالس خصوصی خودشان اعمال خلاف اسلام دارند یا خیر.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۰

مسائل پوشش و زینت

پوشش بانوان

(سؤال ۵۷۶) آیا پوشش و حجاب از ضروریات دین است که منکر آن کافر باشد؟

جواب: اصل لزوم حجاب برای زن از ضروریّات اسلام است ولی بعضی از جزئیات آن از ضروریّات نیست.

(سؤال ۵۷۷) آیا پوشیدن لباس یا چادری که در مقابل نور، بدن را می نمایاند کافی است؟

جواب: در فرض مسأله در غیر صورت تابش نور، کافی است ولی در صورت تابش نور، کافی نیست.

(سؤال ۵۷۸) پوشاندن صورت و کفین برای زنها در نماز و غیره واجب است یا نه و در صورت واجب نبودن اگر زن احساس نمود که مرد اجنبی به قصد ریبه و شهوت به صورت و دستهای او نگاه می کند باز ستر آنها بر او واجب نمی باشد؟

جواب: اگر نامحرمی نباشد پوشاندن صورت و کفین بر آنها در نماز واجب نیست و در صورت علم به نگاه کردن نامحرم چه در حال نماز و چه در غیر نماز بنابر احتیاط باید بپوشانند.

(سؤال ۵۷۹) آیا پوشاندن برجستگی موی زنان در صورتی که مهیّج باشد لازم است یا نه؟

جواب: در صورت

مهیّج بودن باید بپوشانند.

(سؤال ۵۸۰) آیا لباس الوانی که زینت محسوب می شود به عنوان آخرین پوشش کافی است؟ و لباس طلاباف چطور؟

جواب: اگر جلب نظر نامحرم کند اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۱

(سؤال ۵۸۱) مقصود از لباس شـهرت چیست و آیا چادر سـفیدی که موجب انگشت نما شدن زن می شود و یا عبا و عمامه ای که آن طور باشد از مصادیق لباس شهرتند؟

جواب: مقصود از لباس شهرت، لباسی است که عرفا زننده باشد و از جهت زنندگی، انگشت نما باشد.

(سؤال ۵۸۲) در مـدارس راهنمایی و دبیرسـتانهای دخترانه برای اجرای تآترهای مـذهبی خواهران می توانند در نقش مرد بازی کنند و لباس مردانه بپوشند حکم شرعی چیست؟

جواب: خالی از اشکال نیست (مگر اینکه موقّتی و برای یک هدف عقلایی باشد.)

(سؤال ۵۸۳) آیا پوشیدن لباس زن برای شوهر و لباس شوهر برای زن مورد اشکال است و حکم لباسهای مشترک چیست؟

جواب: پوشیدن لباس زنانه بر مرد و مردانه بر زن اشکال دارد و مقصود شکل و نوع لباس است مثلا مرد نباید چادر بپوشد اگر چه مال خودش باشد و هیـچ زنی اصـلا آن را به سـر نکرده باشـد و همچنین است عمامه نسـبت به زن، پس اگر شـکل و نوع لباس مشترک باشـد هر دو می تواننـد بپوشـند اگر چه ملک دیگری باشـد و مـدتی هم پوشـیده باشد و در این مسأله بین زن و شوهر و سایر مردها و زنها فرقی نیست.

(سؤال ۵۸۴) اگر اسـتاد، خانم باشـد و لباس زننده و تحریک آمیز پوشـیده باشد به طوری که نگاه به او موجب تحریک انسان می شود، آیا برای فراگیری درس می توان به ایشان نگاه کرد اگر با نگاه کردن

انسان تحریک شود چه حکمی دارد؟

جواب: باید دانشجوها به اطلاع رئیس دانشگاه برسانند تا اینکه اساتید را وادار به رعایت احکام اسلامی نماید.

(سؤال ۵۸۵) اگر استاد، حجاب اسلامی را رعایت نکند جایز است که دانشجو به روش اسلامی به ایشان تذکر بدهد؟ در صورت تکرار و توجّه نکردن حکم چیست؟

جواب: در صورت احتمال تأثیر باید تذکّر بدهند و در صورت عدم تأثیر، طبق مسأله سابق عمل نمایند.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۱، ص: ۱۷۲

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۲

(سؤال ۵۸۶) در هنگام تشریح یا عمل جرّاحی در بیمارستانها برای آموزش، گاهی دست و صورت استاد، بیش از حدّ شرعی مشخّص می باشد حتی گاهی موهای استاد به طور کلّی مشخّص هستند حکم آن برای دانشجویان پسر در صورتی که جهت آموزش مجبور به نگاه باشند چیست؟

جواب: باید از نگاه عمدی به نامحرم، خودداری شود.

(سؤال ۵۸۷) اگر همین وضع برای دانشجویان دختر و استاد مرد پیش بیاید هنگام تشریح و آموزش تکلیف چیست؟

جواب: حکم مسأله سابق (۵۸۶) را دارد.

زینت بانوان

(سؤال ۵۸۸) آیا سرمه کردن، گرفتن موهای ابرو، انگشتر عقیق، ساعت، عینکهای طبی زیبا، برای خانمها زینت محسوب می شود که پوشش آن لازم باشد؟

جواب: هر چه در نظر عرف مردم زینت محسوب شود اظهار آن در برابر نامحرم جائز نیست.

(سؤال ۵۸۹) در رابطه با حرام بودن زینت در عدّه وفات شوهر این سؤالات مطرح است:

۱- مراد، زینت فقط در لباس است یا مطلقا حتی بدن و اطاق محل زندگی زن؟

۲- اگر شهرها به حسب عادت مختلف باشند و در بعضی شهرها چیزی یا کاری

زینت حساب می شود و در بعضی نمی شود ملاک کدام است؟

۳- و آیا چیزهایی که نظیر گوشواره یا گردن بند و النگو همیشه زن با خود داشته است را باید در ایام عدّه وفات استعمال نکند؟ و یا بین گوشواره که کالجزء بدن است و غیر آن فرق هست؟

جواب: ۱ و ۳- هر چیزی که عرفا تزیین محسوب است که زنها برای شوهرشان یا در اعیاد و جشنها خود را با آن تزیین می کنند و هنگام عزاداری از آن خودداری می نمایند نسبت به لباس و بدن باید از آنها خودداری کند ولی سکونت او در مسکن و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۳

اطاق مزیّن اشکال ندارد و همچنین زینتهایی که در ایّام عزا ترک آن معمول نیست مانند گوشواره اشکال ندارد.

۲- در هر جایی که زن عدّه نگه می دارد عادت و رسم آنجا ملاک است.

(سؤال ۵۹۰) معمول است خانمها هنگام رفتن به مجالس عروسی و جشن علاوه بر زینتهای نامریی، خود را با موادّ خوشبو، معطّر می کنند. با توجه به اینکه نفس خوشبو و معطّر نمودن خود، نوعی از زینت و آرایش حساب می شود و معمولا بوی آن را مرد نامحرم در بین راه احساس می کند آیا اشکالی دارد یا نه؟

جواب: اگر جلب توجه نامحرم نکند به مجرد احساس اشکال ندارد.

پوشش مردان

(سؤال ۵۹۱) حجاب مرد را در بر خورد با زن نامحرم بیان فرمایید.

جواب: اگر مستلزم مفسده نباشد بر مرد ستر غیر عورتین واجب نیست و هر جای بدن او که ترک ستر آن موجب فتنه و فسادانگیز باشد باید بپوشاند.

(سؤال ۵۹۲) آیا پوشیدن لباسهای زنانه برای مردان هنرمند، در تآتر و نمایش جایز است؟

جواب:

اشکال دارد.

(سؤال ۵۹۳) آیا طلا که برای مردان حرام است فرقی بین طلای زرد و سفید هست یا به طور مطلق حرام است؟

جواب: پوشیدن طلای زرد بر مردان حرام است و طلای سفید نیز اگر واقعا طلا باشد اشکال دارد ولی پلاتین اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۴

مسائل نظر و لمس

نظر

(سؤال ۵۹۴) در مواقعی که انسان یقین دارد اگر به زن جوان نامحرمی نگاه بکند تاثیری در او ندارد و اصلا باعث نمی شود که به گناه بیفتد آیا نگاه کردن به صورت یا دستهای آن زن اشکال دارد؟

جواب: نگاه عمدی خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۵۹۵) نگاه کردن به صورت و دست خواهران دانشجو هنگام سخنرانی و کنفرانس یا غیره بدون قصد ریبه و لذّت برای برادران چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه عمدی خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۵۹۶) حضرت امام (قدس سرّه) در مسألۀ ۲۴۳۳ گفته اند: «احتیاط واجب آنست که بدون قصد لذّت، مرد به صورت و دستهای زن نامحرم نگاه نکند.» حال می خواهیم بپرسیم که اگر در مواقعی پیش آمد که نگاه کردن به زن نامحرم لازم است (نه از روی قصد لذّت) در این مواقع چه باید کرد؟

مثلا وقتی که با نامحرمی حرف می زنیم تقریبا مجبور می شویم که به او نگاه کنیم یا مثلا برای شناسایی آن زن مجبوریم به او نگاه کنیم. (البته قصد لذّت و ریبه نیست) در این مواقع چه باید کرد؟

جواب: اولا معظم له در مسألۀ نامبرده فرموده اند: «نگاه به دست و صورت نامحرم بدون لذت مانعی ندارد» و ثانیا در مواقع ضرورت بدون تلذّذ و ریبه «۱» اشکال ندارد ولی نگاه کردن در هنگام صحبت از موارد ضرورت نیست، بلکه

انسان می تواند عمدا نگاه نکند و اگر اتفاقا چشم بیفتد اشکال ندارد.

---

(۱)- تلذّذ: احساس لذّت، و ریبه: خوف گناه و فساد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۵

(سؤال ۵۹۷) نگاه کردن به کلاه گیسی که از موی زن نامحرم ساخته شده، در مغازه و یا روی سر زن دیگری و همچنین نگاه کردن به موی زن نامحرم که بموی زن دیگر وصل شده چه حکمی دارد؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۵۹۸) کسی که می خواهد ازدواج نماید می تواند جهت اطلاع از جهات حسنه زن یا دختر به او نگاه کند آیا جواز نظر منحصر به صورت و دست ها و قسمتی از موهای او است یا سایر اعضاء بدن غیر از عورت را نیز می تواند به این منظور نگاه کند، و آیا از روی لباس نازک باید باشد یا لازم نیست؟ و سایر جهات مسأله را توضیح فرمایید.

جواب: نگاه کردن به مقداری که در پسند کردن متعارف است جائز است و زائد بر آن جائز نیست.

(سؤال ۵۹۹) نگاه کردن به زن برای ازدواج در صورت علم به حصول لذّت، و تکرار نگاه کردن در صورتی که مرتبه اول، غرض، حاصل نشود چه حکمی دارد؟

جواب: اگر قصد لذّت بردن نداشته باشد حصول لذّت قهری اشکال ندارد و تکرار نظر نیز بدون قصد لذّت بردن در صورت عدم حصول غرض، با نظر قبلی اشکال ندارد.

(سؤال ۶۰۰) نگاه کردن زن یا مرد به اعضا جدا شده از بدن زن یا مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

(سؤال ۶۰۱) نگاه کردن به مو و قسمتی از بدن زنان سالخورده (بدون قصد لذّت) و تماسهای جزئی با آنها (مثلا وقتی که دست آنها به

دست ما می خورد) چه حکمی دارد؟ و اگر جائز است حدود آن را مشخص کنید.

جواب: نگاه کردن بدون تلذّذ و ریبه «۱» به دست و مچ و صورت و موی جلو سر زنهایی که سنّ آنها از حدّ ازدواج گذشته است مانع ندارد ولی تماس عمدی جائز نیست.

---

(۱)- تلذّذ: احساس لذت کردن و ریبه یعنی ترس افتادن در وادی گناه و معصیت.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۶

(سؤال ۶۰۲) آیا نگاه کردن بدون قصد لذّت به صورت و موی زنان دهاتی که معمولاـ موی خود را نمی پوشانند یا زن بدحجابی که در شهرها بخصوص شهرهای بزرگ هستند و موی خود را نمی پوشانند (البته قسمتی از آن را) جائز است؟

جواب: بنابر احتیاط از نگاه عمدی خودداری شود هر چند بنابر اقوی اشکال ندارد.

(سؤال ۶۰۳) آیا اگر مردی به صورت زنی نگاه کند در صورتی که صورت وی بدون آرایش باشد و نگاه هم ریبه باشد گناه به گردن کیست؟ به نظر من زن تا حدّ پوشش خود را پوشانده و گناه بگردن مرد می باشد؟ و اگر زن به مرد نگاه کند و نگاه ریبه باشد و مرد حدّ پوشش را رعایت کرده باشد، به نظر من گناه بگردن زن است.

جواب: نظر شما در هر دو فرض درست است.

(سؤال ۶۰۴) نگاه کردن بر زنان غیر مسلمان در حال عادی یا هنگام گفتگو با آنها تا چه حدّ جایز است؟

جواب: نگاه کردن به هر عضوی که پوشاندن آن برای آنها معمول نیست بدون تلذّذ و ریبه اشکال ندارد.

(سؤال ۶۰۵) آیا جائز است که زن برای یادگیری مسائل حج مثل احرام و طواف به بدن مرد نامحرم نگاه کند

یا خیر؟

جواب: نگاه عمدی به غیر صورت و دستها جائز نیست و یاد گرفتن مسائل شرعیه ملازم با نگاه عمدی نمی باشد.

(سؤال ۶۰۶) نگاه کردن زن به بدن پسر بچه و لمس بدن او در صورتی که موجب انگیزش شهوت نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر پسر بچّه، مميّز نباشد اشکال ندارد.

(سؤال ۶۰۷) آیا برای زنها نگاه به صورت و دستها و پاهای مردها تا مچ بدون قصد شهوت و تلذّذ جایز است یا نه؟ و بر فرض عدم جواز نظر، آیا بر مردها پوشاندن مقدار ذکر شده لازم است یا نه؟

جواب: بنابر احتیاط از تعمّد نظر بدون احتیاج، خودداری شود ولی پوشاندن آنها بر مرد، لازم نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۷

نظر به تصویر

(سؤال ۶۰۸) نگاه کردن به عکسهای عریان که در کتب پزشکی موجود است اگر به قصد آموزش باشد جایز است یا خیر؟ و آیا به قدر ضرورت باید اکتفا نمود؟ اگر ریبه آور باشد هر چند برای آموزش، جایز است یا خیر؟ و اگر ریبه آور نباشد بدون قصد آموزش هم جائز است یا خیر؟

جواب: عکسهای مورد سؤال چون عکس شخص خاصّ (شناخته شده) نیست اگر چه برای آموزش نباشد و ضرورت هم نداشته باشد نگاه کردن به آنها بدون ریبه اشکال ندارد ولی با وجود ریبه جایز نیست.

(سؤال ۶۰۹) در اثر دیدن صور زنها از تلویزیون یا بعضی مجلات، بعضی افراد احیانا به فکر آنها می افتند و در ذهن خود، آنها را مجسّم می سازند و طبعا آثاری در بدن از قبیل تحریک و نعوظ آلت و سستی، مشاهده می کنند. آیا نفس این فکر کردن و تجسم حرام می باشد یا نه؟

جواب: مجرّد تصور و خطور

ذهنی در صورتی که هیچ مفسده و خلاف شرعی بر آن مترتّب نباشد حرام نیست.

(سؤال ۶۱۰) تصویرهای منتشر شونده در تلویزیون آیا حکم عکس را دارند که اگر شناخته شوند نامحرم و اجنبی نمی تواند به آنها نگاه کند؟

جواب: حکم عکس را دارند.

(سؤال ۶۱۱) تصویرهای هنرمندان معروف خارجی که از سریالهای تلویزیون منتشر می شود و تقریبا برای همگان تصویری آشنا و شناخته شده می باشند آیا حکم عکس زن نامحرم شناخته شده را دارند؟

جواب: مجرد دانستن اسم جعلی یا اسم واقعی فردی شناختن نیست بلکه باید آگاهی به نحوی باشد که عرفا صدق شناختن کند.

(سؤال ۶۱۲) آیا عکسی که بدون حجاب اسلامی از زن گرفته شده است می شود به عکاسی نامحرم برای ظاهر کردن داد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۸

جواب: اگر عکاس صاحب عکس را نشناسد و خطری هم نداشته باشد اشکال ندارد.

(سؤال ۶۱۳) نگاه کردن به فیلم های ورزشی مردان برای بانوان چگونه است؟

جواب: با تلذّذ و ریبه جائز نیست.

لمس

(سؤال ۶۱۴) حضور زنان در اماکنی که به طور حتم با مردان تماس بدنی پیدا می کنند مثل اتوبوسها و سالن سینماها و تآتر و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تماس از روی لباس و بدون قصد شهوت رانی و ریبه باشد مانعی ندارد.

(سؤال ۶۱۵) بوسیدن و لمس بدن دختر قبل از شش سالگی چه حکمی دارد؟

جواب: بدون تلذّذ و ریبه اشکال ندارد.

(سؤال ۶۱۶) دست دادن مرد با زن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

کارهای مستلزم نظر و لمس

(سؤال ۶۱۷) افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر و یا لمس بدن دیگری است مثل دندان پزشکی، زایمان، جرّاحی، ارتوپدی، پرستاری، معاینات پزشکی، تزریق آمپول، خیاطی، گریم نمودن، انگشت نگاری و تشخیص هویت و برخی از رشته های ورزشی و غیر اینها، در این گونه موارد تکلیف چیست؟ و آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست؟ و ملاک ضرورت چیست؟

جواب: در غیر حال ضرورت جایز نیست و حال ضرورت یعنی حالت ناچاری.

(سؤال ۶۱۸) با توجه به لزوم بهره گیری از نشانه ها و علائم بیماریها و علم بالینی آیا معاینه بیمار برای دانشجویان اشکال دارد؟ (دانشگاه علوم پزشکی اصفهان)

جواب: نگاه کردن و معاینه بدن نامحرم جائز نیست مگر برای ضرورت به مقدار

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۷۹

ضرورت پس اگر واقعا حفظ جان و سلامت انسانها توقف بر آن داشته باشد به مقدار ضرورت مانعی ندارد.

(سؤال ۶۱۹) در صورتی که دانشجویان برای فراگیری و آموزش، مجبور هستند، عورتین مریض را معاینه نمایند حکمش چیست؟

جواب: در حدّی که حفظ جان بیماران در آینده توقف بر آن دارد اشکال ندارد و تجاوز از حدّ ضرورت جایز نیست.

(سؤال ۶۲۰) اگر

دکتر مماثل پیدا کردن جستجوی زیاد بخواهد یا دارای مشقّت باشد آیا می توان به غیر مماثل رجوع کرد؟ اگر جایز است حدّ آن را مشخّص کنید.

جواب: اگر مراجعه به پزشک مماثل در حدّ عسر و حرج باشد مراجعه به غیر مماثل اشکال ندارد.

(سؤال ۶۲۱) در مسأله پیش (۶۲۰) اگر اطباء مماثل خیلی حاذق نباشند آیا جایز است رجوع به غیر مماثل که حاذق است؟

جواب: با توجه به خصوصیات مرض از جهت خطری بودن و نبودن آن و توجّه به مقدار آگاهی مماثل اگر مراجعه به مماثل، عقلایی نباشد مراجعه به غیر مماثل مانعی ندارد.

(سؤال ۶۲۲) معاینه (اعم از لمس و نگاه) دکتر از افراد غیر بیمار جهت کنترل سلامتی و یا جهت استخدام و سربازی و غیره اگر غیر مماثل باشد جایز است یا نه؟

جواب: در صورت لزوم و عدم امکان مماثل مانعی ندارد.

(سؤال ۶۲۳) در آموزش عملی مثل گرفتن نبض و یا امور دیگر ایجاب می کند که استاد و دانشجو بدنشان تماس پیدا کند اگر استاد و دانشجو غیر مماثل باشند آیا لمس و تماس برای آموزش جایز است؟ در صورت ضرورت یا غیر ضرورت و حال ضرورت را بیان فرمایید؟

جواب: در غیر حال ضرورت جایز نیست و ضرورت به معنای ناچاری است که در مورد سؤال وجود ندارد.

(سؤال ۶۲۴) نگاه به جسد همجنس یا غیر همجنس، مسلمان یا غیر مسلمان در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۰

حال ضرورت و غیر آن، برای آموزش پزشکی یا کالبد شکافی، به عورت یا غیر آن حکمش چیست؟

جواب: حکم نگاه کردن و مسّ جسد اموات حکم نگاه و مسّ احیاء را دارد.

(مسائل ۶۱۹ الی ۶۲۴ از طرف

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران سؤال شده است)

(سؤال ۶۲۵) اگر زن به دکتر مرد مراجعه کرد آیا بر دکتر لازم است سؤال کنـد که زن در جسـتجوی دکتر زن برآمده یا نه؟ و یا بر عکس؟

جواب: اگر پزشک، شک داشـته باشـد که برای مریض امکان مراجعه به پزشک مماثل هست یا خیر بایـد بپرسد و موارد جواز مراجعه به پزشک غیر مماثل در مسأله ۶۲۰ نوشته شد.

(سؤال ۶۲۶) در صورتی که یـک بیماری بین زن و مرد مشترک می باشـد آیا لازم است که حتما دانشـجوی (پزشـکی) مماثل برای معالجه او باشد؟

و در صورتی که برای فراگیری و آموزش، مجبور به معاینه (لمس و نگاه) مریض توسط غیر مماثل باشد حکمش چیست؟

جواب: در صورت امکـان معـاینه مماثـل، معـاینه غیر مماثـل جایز نیست و در صورت عـدم امکان به مقـدار اقتضای ضـرورت مانعی ندارد و تجاوز از حدّ ضرورت جایز نیست.

(سؤال ۶۲۷) حکم نگـاه کردن، لمس بـدن و عورت یـا جسـد و معـاینه آنها برای آموزش پزشـکی در مورد افراد مماثل و غیر مماثل چیست؟ ضمنا وظیفه دانشجوی مردی که باید به مدّت ۴ ماه در بخش زنان و زایمان آموزش ببیند چیست؟

جواب: به مقداری که حفظ جان بیماران، توقف بر آن دارد اشکال ندارد و تجاوز از حدّ ضرورت جایز نیست.

(سؤال ۶۲۸) اگر موارد فوق الـذکر را جایز نمی دانیـد تکلیف دانشـجویان را نسـبت به اوامر اساتیـد دانشـگاهها و بیمارسـتانها مشخص کنید.

جواب: اگر بر زائد از مقدار ضرورت امر کنند موافقت آنها جایز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۱

مسائل نکاح

مهریه

(سؤال ۶۲۹) مقدار مهریه حضرت زهرا (س) چقدر بوده و با پول فعلی چقدر می شود؟

جواب:

مقدار آن طبق مشهور ۵۰۰ درهم است که ۵/ ۲۶۲ مثقال نقره سکه دار است و قیمت آن تابع نرخ روز است. «۱»

(سؤال ۶۳۰) درهم، و قیمت فعلی آن را بیان فرمایید.

جواب: درهم ۱۲ و ۶ دهم نخود از نقره مسکوک است و قیمت آن متغیّر است.

(سؤال ۶۳۱) شخصی پس از ازدواج و پیش از دخول یا بعد از آن متوجه می شود که همسر او قبل از ازدواج دارای بعضی از عیوبی بوده که مجوّز فسخ نمی باشد و اگر می دانست بخصوص با این مقدار مهریّه اقدام به چنین ازدواجی نمی کرد. حال، زوج می تواند مهر المثل را ملاک قرار دهد یا نه؟

جواب: مهر المسمّی را بدهکار است.

(سؤال ۶۳۲) مهریه هایی که از سالها پیش بر ذمّه شوهران می باشد با این تفاوت خاص کنونی که در ارزش پول بوجود آمده است چگونه باید حساب کرد یعنی آیا ملاک، همان مقدار معین در عقد است و یا ارزش آن به پول رائج روز؟

جواب: اگر مهر زوجه، جنس یا طلا و نقره باشد هرچه باشد همان را طلبکار

---

(۱)- ظاهرا در زمان پیامبر اکرم (ص) درهم یک دهم دینار ارزش داشته و به عبارت دیگر هر دینار ده درهم بوده پس اگر در آن زمان مهر السنّه ۵۰۰ درهم بوده، معادل ۵۰ دینار یا ۵۰ مثقال شرعی طلا بوده است که اگر هر مثقال شرعی ۵۱۵۶۲۵/ ۳ گرم طلا باشد مجموعه مهر السنّه می شود ۷۸۱۲۵/ ۱۷۵ گرم طلا.

می باشد و اگر اسکناس و نوت و دلار و مانند آنها بوده و پایین آمدن ارزش آنها قابل توجه باشد بنابر احتیاط واجب نسبت به تفاوت آن مصالحه

شود.

(سؤال ۶۳۳) کسی زنی را به عقد دائمی یا انقطاعی درآورده و قبل از دخول او را طلاق داده یا بذل مدت نموده و شیربهاء هم پرداخته است آیا زن مستحق شیربهاء و مهریه می باشد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، مهر، نصف می شود و اگر زوج با رضایت خود شیربهاء را بخشیده باشد حکم سائر هبه ها را دارد.

(سؤال ۶۳۴) شخصی با نامزد حلال خویش که عقد خوانده شده مشغول استمتاع بوده از وی منی بیرون آمده جذب به زن شد و زن از آن حامله شده در حالی که دخول محقّق نشده و با آمدن بچه به دنیا بکارت زن از بین رفته سپس بین ایشان اختلاف شده، مرد می خواهد طلاق بدهد آیا تمام مهر را باید مرد پرداخت نماید چون بکارت زن زایل شده و یا چون قبل از دخول است نصف مهر را باید پرداخت نماید؟

جواب: در مفروض سؤال، نصف مهر را بپردازد و در نصف دیگر بنابر احتیاط واجب مصالحه نمایند.

(سؤال ۶۳۵) به چند مسأله زیر جواب مرقوم فرمایید:

۱- اگر کسی زن خود را ناشزه کند آیا زن در حال نشوز، می تواند مهریه خود را از شوهرش مطالبه کند یا نه؟

۲- مبلغی پول به عنوان قرارداد یا شیربهاء بانضمام مهریه نقد گرفته شده و تبدیل به جهیزیه شده است آیا شوهر می تواند آن را از زن که در حال نشوز است مطالبه کند یا نه؟

جواب: ۱- زوجه، ناشزه «۱» باشد یا نباشد حق مطالبه مهر خود را دارد و با ناشزه کردن زوج، زوجه ناشزه نمی شود بلکه با خروج از اطاعت زوج در مواردی که اطاعت او لازم است ناشزه می شود.

۲- اگر

جزء مهر بوده حق مطالبه ندارد و اگر جزء مهر نبوده در صورتی که با

---

(۱)- ناشزه: زنی است که در موارد لازم از شوهر اطاعت نمی کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۳

رضایت خود نبخشیده حق مطالبه دارد و اگر با رضایت خود بخشیده چون عین آن باقی نیست حق مطالبه ندارد.

(سؤال ۶۳۶) در مهریه نقد مرسوم است وسائل لازمه زندگی را از قبیل فرش و کمد و یخچال و ... به عنوان مهریه تعیین می کنند و دیگر آن را تقویم و قیمت گذاری نمی کنند، آیا این شکل تعیین مهر که قیمت دقیق آن مشخص نیست صحیح است و بر فرض بطلان آیا به صحت عقد خللی می رساند؟

جواب: تقویم لازم نیست ولی اگر معیّن خارجی نباشد و کلّی باشد باید خصوصیات آن فی الجمله ذکر شود.

شرائط عقد: رضایت زوجه

(سؤال ۶۳۷) یک دختر مطابق میل خود می خواهد ازدواج کند ولی والدین او وی را به صیغه کسی درآورده اند و تاکنون عدولی انجام نشده است دختر مرتبا از ابتداء مخالفت می کرد بعد از مدتی دختر عقدنامه جعلی شخص دیگری را امضاء کرده و این شخص اعتراف می کند که دختر آن را امضاء نموده حال آیا صیغه باطل است یا دختر باید طلاق بگیرد؟

جواب: اگر پدر یا جد پدری دختر قبل از بلوغ با رعایت مصلحت دختر او را برای کسی عقد کرده باشند عقد صحیح است و اگر قبل از بلوغ بر خلاف مصلحت دختر عقد کرده باشند حکم عقد فضولی «۱» را دارد که دختر بعد از بلوغ، اختیار اجازه و ردّ عقد را دارد و اگر بعد از بلوغ و بدون اطلاع دختر عقد کرده باشند فضولی است

و منوط به اجازه یا ردّ دختر است.

(سؤال ۶۳۸) آیا اگر زنی بدون علاقه با مردی ازدواج کند آن ازدواج شرعا صحیح است؟

جواب: اگر مقصود از بی علاقه بودن، اجبار و اکراه باشد یعنی بدون رضایت زن عقد بخوانند و او بعلاوه اینکه اجازه نکند ردّ هم بکند این عقد باطل است و در

---

(۱)- عقد فضولی: عقد بدون اطلاع و رضایت صاحب آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۴

ازدواج دختر باکره به علاوه رضایت دختر، به احتیاط واجب، اذن پدر یا جد پدری هم شرط است مگر در صورتی که آنها بخواهند به ضرر دختر اقدام نمایند یا دختر با احتیاج به ازدواج، دسترسی به پدر یا جد پدری نداشته باشد.

(سؤال ۶۳۹) شخصی شغلی آزاد و یا دولتی دارد و احتمال می دهد اگر به خانواده دختر که معمولا از شغل شوهر سؤال می کنند راست بگوید به ازدواج راضی نشوند آیا می تواند دروغ بگوید؟

جواب: دروغ جائز نیست و اگر با فهمیدن شغل، راضی به ازدواج نباشند باید با فردی که راضی می باشد ازدواج نمود بلی اگر نپرسند گفتن آن لزوم ندارد.

اجازه ولیّ

(سؤال ۶۴۰) اگر دختر، مضطر باشد به ازدواج و پدر به جهت افکار بیهوده او را شوهر ندهد آیا دختر حق ندارد که بدون اذن پدر ازدواج بکند؟

جواب: در فرض مسأله، اذن پدر از اعتبار ساقط است.

(سؤال ۶۴۱) اگر دختر یقین دارد که پدرش به ازدواج موقت راضی است و لکن نمی تواند که اظهار رضایت بکند آیا دختر می تواند ازدواج دائم یا موقت بکند؟

جواب: حکم سؤال ۶۴۰ را دارد.

(سؤال ۶۴۲) این جانب دختری ۲۲ ساله هستم با پسر خاله خود که متدین است قصد ازدواج

دارم ولی پدرم که مشروب خوار است با ازدواج من مخالفت می ورزد و کوشش خانواده در جلب رضایت وی بی فائده شده است آیا با چنین وضعی نیز اذن پدر برای ازدواج شرط است یا خیر؟

جواب: اگر دختر تمایل داشته باشد با فردی که شرعا و عرفا هم شأن با دختر است ازدواج کند و مع ذلک پدر او مخالفت می کند در این فرض، اذن پدر از اعتبار ساقط می شود.

(سؤال ۶۴۳) آیا کفو شرعی و عرفی شامل اختلاف سنّ دختر و مردی که با ازدواج نموده و دختر از ولیّ خود اجازه اخذ ننموده است می شود یا خیر؟

جواب: اگر اختلاف سنّ آنها به قدری باشد که عرفا غیر متناسب به همدیگر باشند کفو عرفی محسوب نمی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۵

(سؤال ۶۴۴) بدون اجازه پدر، عقد فضولی دختر واقع شده و دخول هم انجام گرفته پدر دختر اگر رضایت ندهد تکلیف چیست؟

جواب: اگر از موارد سقوط اذن پدر از اعتبار نباشد در صورت ردّ باید احتیاط شود باین صورت: یا آن کسی که دختر برای او عقد شده او را طلاق دهد و یا عقد با اذن پدر تجدید شود و موارد سقوط اذن پدر در رسالۀ توضیح المسائل ذکر شده است.

(سؤال ۶۴۵) اگر پسر و دختر مسلمان همدیگر را از صمیم قلب دوست بدارند و مادر دختر و پدر مادر پسر هم راضی باشند که این دو با هم ازدواج کنند ولی پدر دختر به این امر راضی نشود حکم چگونه است؟ آیا امر عقد بدون دخالت پدر دختر صحیح است یا نه؟

جواب: در دختر باکره اجازه پدر لازم است علی الاحوط، مگر اینکه

پسر و دختر هم شرعا و هم عرفا کفو و هم ردیف باشند و مع ذلک پدر دختر لجبازی می کند در این صورت رضایتش ساقط است.

(سؤال ۶۴۶) اگر دختر باکره، کافر یا مخالف مذهب باشد و دختر، مسلمان یا شیعه شده باشد آیا برای ازدواج، اجازه پدر یا جدّ پدری که علی الفرض غیر مسلمان است شرط است یا نه؟

جواب: اگر پدر دختر، مسلمان نباشد اذن او شرط نیست و اگر مسلمان باشد اذن او بنابر احتیاط واجب شرط است، مگر اینکه دختر با نیاز به ازدواج بخواهد با کفو خود، ازدواج کند و پدر او بر خلاف مصلحت دختر ممانعت نماید.

(سؤال ۶۴۷) مولانا هل یجب استیذان ولیّ بنت البکر الکتابیه عند عقد الزواج؟

جواب: لو لم یکن اذن الوالی عندهم شرطا فی زواجها لم یجب الاستیذان.

[س- در عقد با دختری که اهل کتاب باشد آیا اجازه گرفتن از ولیّ او شرط است یا نه؟

ج- در جایی که عقد با اهل کتاب جایز باشد مثل عقد موقّت، اگر به اعتقاد آنها اجازه ولیّ شرط نباشد اجازه گرفتن، لازم نیست.]

(سؤال ۶۴۸) کسی دو نفر فرزندان صغیر خود را ازدواج نموده است و اکنون می خواهند طلاق بدهند چون دختر در ایران و پسر در افغانستان است و می خواهند

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۶

دختر را به افغانستان ببرند و برای دختر صغیره جدا شدن از پدر و مادر خیلی مشکل و سخت است مستدعی است حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

جواب: اگر ولیّ صغیرها با رعایت مصلحت آنها عقد را واقع ساخته باشد اختیار طلاق دست آنها نیست و اگر بر خلاف مصلحت هر دو یا یکی از

آنها عقد را واقع ساخته باشد نسبت به هر کدام که بر خلاف مصلحت بوده فضولی می باشد و بعد از کبیر شدن اختیار اجازه یا ردّ عقد را دارد.

(سؤال ۶۴۹) دختر یتیم را حاکم شرع در امور حسبیّه اختیار دارد او را شوهر بدهد یا خیر؟

جواب: در فرض مسأله حاکم شرع ولایت ندارد و اختیار ازدواج با خود اوست مگر اینکه بر فرض نادر، لزوم آن را به طور قطع احراز کند.

اسلام زوجین

(سؤال ۶۵۰) آیا همانگونه که زن مسلمان با مردی که اسلامش مورد شک است نمی تواند ازدواج کند اگر زنی اسلامش مورد شک باشد مرد مسلمان هم نمی تواند با او ازدواج دائم یا موقّت بنماید یا نه؟

جواب: هر کس اظهار اسلام کند چه مرد باشد و چه زن در صورت احتمال صدق، ازدواج با او مانعی ندارد و در غیر این فرض، ازدواج با او جائز نیست بلی اگر زنی مشکوک باشد که مسلمان است یا اهل کتاب ازدواج موقّت با او مانع ندارد.

(سؤال ۶۵۱) مسلمان ایرانی با زن مسیحی طبق مقررات مسیحیان ازدواج کرده و صیغه عقد اسلامی خوانده نشده و دو فرزند دارد پس از چند سال کار به جدایی کشیده شده. آیا شرعا آن دو فرزند تابع پدرند یا خیر؟

جواب: اولاد تابع اشرف ابوین «۱» است و اگر پدر جاهل به حرمت زن برای او بوده اولاد قطعا تابع او می باشند.

---

(۱)- اشرف ابوین: هر کدام از پدر یا مادر که بر خلاف دیگری مسلمان باشند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۷

(سؤال ۶۵۲) مولانا هل یجوز الزواج مع اتباع الفرقه الدروزیه؟

جواب: ان کانوا منکرین ضروریّه من ضروریات الاسلام مع علمهم بکونها من

ضروریاته لم یجز الزّواج معهم و الّا جرت فیهم احکام الاسلام.

[س- آیا ازدواج با پیروان فرقه دروزیه جایز است؟

ج- اگر آنها یکی از ضروریات اسلام را با علم و توجه به ضروری بودن آن منکر باشند ازدواج با آنها جایز نیست وگرنه حکم اسلام بر آنان جاری می باشد.]

(سؤال ۶۵۳) اگر عقد دختر شیعه ای با مرد سنّی طبق مذهب سنی خوانده شود حقیقت این عقد چگونه است؟

جواب: اگر عقد به نحوی خوانده شود که طبق فتوای مرجع تقلید دختر صحیح نبوده آن عقد باطل است.

در عدّه نبودن زن

(سؤال ۶۵۴) مردی زن خود را سه طلاق، داده است و بعد از مدتی برای اینکه دوباره با زن ازدواج کند گفته که من در طلاق سومی راضی نبودم و میل به طلاق دادن نداشتم، و البته کسی آن مرد را به طلاق دادن مجبور نکرده بود (صرفا به خاطر لج کردن و عصبانی شدن، طلاق سوم را داده بود) خلاصه پس از مدتی این مرد دوباره با زن خود که قبلا او را سه طلاق داده بود ازدواج می کند و لکن قبل از اینکه هیچ گونه نزدیکی یا دخول صورت گیرد زن از باب احتیاط که شاید حقیقتا سه طلاق واقع شده باشد به مرد می گوید نباید بین ما ازدواج صورت بگیرد و مرد هم قبول می کند که دوباره جدا شوند و ازدواج برقرار نشود، اما زن بدون اینکه از مرد دوباره طلاق بگیرد با مرد دیگری ازدواج می کند، آیا ازدواج این زن با مرد دوم شرعی است یا خیر و در صورت غیر شرعی بودن، زن چه وظیفه ای دارد؟

جواب: مجرد عصبانی و ناراحت بودن در صورتی که از روی

قصد و اراده طلاق داده باشد مضرّ به صحّت طلاق نمی باشد و در نتیجه ازدواج با دیگری صحیح می باشد بلی اگر ثابت شود که از روی قصد و اراده، طلاق نداده بوده به عکس آن،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۸

ازدواج با او صحیح و ازدواج با دیگری باطل می باشد و در صورت شک، طلاق و ازدواج دوم محکوم به صحّت است.

(سؤال ۶۵۵) با همسر شهیدی ازدواج نمودم و بعدا معلوم شد در عده شوهر بوده تکلیف چیست؟

جواب: در فرض مسأله عقد باطل است و اگر دخول محقق شده باشد به همدیگر حرام مؤبّد «۱» می باشید.

(سؤال ۶۵۶) زنی بعد از انقضاء عده طلاق رجعی ازدواج کرده و بعد معلوم شده که زوج اول دو روز از عده طلاق مانده وفات کرده است و او از حین بلوغ خبر، عده نگه داشته. آیا وی پس از انقضاء عده وفات به زوج دومی حرام مؤبّد می باشد، یا نه؟

جواب: احوط جدا شدن ابدی است اگر دخول شده باشد.

شرائط ضمن عقد

(سؤال ۶۵۷) آیا مرد می تواند ضمن عقد، شرط کند که نسبت به زن مطلق العنان باشد و زن در مقابل او مطیع مطلق باشد؟

جواب: اگر منظور از مطلق العنان این است که حتی دستور به ارتکاب خلاف شرع بدهد یا زوجه را وادار به اموری که مستلزم اضرار بر او است بنماید صحیح نیست و اگر منظور، کارهای جائز غیر مستلزم اضرار به زوجه باشد مانع ندارد.

(سؤال ۶۵۸) آیا زن می تواند در ضمن عقد شرط کند که شوهر بر او ولایت نداشته باشد و مثلا زن، مختار باشد و هر گاه خواست بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؟

جواب: شرط مورد

سؤال باطل است.

(سؤال ۶۵۹) زن ثروتمندی با مرد فقیر هنگام ازدواج شرط کرده که مرد از وی ارث نبرد و در قباله ازدواج هم قید کرده اند، اکنون زوجه فوت شده آیا زوج از او ارث می برد یا خیر؟

جواب: اگر عقد دائمی بوده شرط مذکور، باطل است و زوج از او ارث می برد.

---

(۱)- حرام مؤبّد: حرام همیشگی.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۸۹

موانع عقد

(سؤال ۶۶۰) شخصی دارای چهار زن بود و تصمیم گرفته یکی از آنها را طلاق دهد و بر حسب متعارف این مناطق، طلاق نامه ای تنظیم و جهت اجراء صیغه طلاق آن را به شخص معتمدی می دهد پس از چند روزی از آن شخص سؤال می کند و جواب می دهد صیغه طلاق را جاری نمودم و آن شخص یا اتکاء به آن پس از گذشت عده طلاق اقدام به ازدواج با زن دیگر می کند و بعدا معلوم می شود که هنگام ازدواج هنوز صیغه طلاق چهارمی واقع نشده بوده، حال آیا زن پنجم که در حال دارا بودن زن چهارم عقد شده حرام موبد می شود یا نه یا بعد از انقضاء عده پنجمی می توان او را عقد نمود؟

تکلیف چیست؟ (امام جمعه رودان)

جواب: حرام مؤبّد نمی شود و پس از انقضاء عده زن چهارم در صورتی که طلاق رجعی باشد اگر چه عده زن پنجم منقضی نشده باشد می تواند با او ازدواج کند و اگر طلاق زن چهارم بائن «۱» باشد در تزویج زن پنجم انقضاء عده زن چهارم لازم نیست.

(سؤال ۶۶۱) شخصی در دوران قبل از بلوغ با پسر خاله خود عمل لواط انجام داده و اکنون طبق قرارداد پدر و مادر بنا شده است دختر خاله

این شخص به ازدواج او در آید آیا راه حلی برای حلّیت این ازدواج وجود دارد؟

جواب: اگر برادر آن دختر در آن عمل شنیع لواط مدخول باشد هیچ راه حلّی وجود ندارد مگر اینکه یقین به دخول نداشته باشد و اگر بر عکس باشد یعنی او دخول کننده باشد نه مدخول در این صورت خواهر دخول کننده بر مدخول حرام نیست.

(سؤال ۶۶۲) لو اوقب البالغ رجلا بالغا هل یحرم علیه ام و اخت و بنت الملوط؟

(اخوانکم فی الخلیج)

جواب: لا ریب فی حرمه المذکورات فی مفروض المسأله و انما الاشکال فیما اذا لم یکن الموقب بالغا. و السلام علیکم و رحمه اللّه.

---

(۱)- طلاق بائن: طلاقی است که شوهر حق ندارد از طلاق منصرف گردد و به زن خود رجوع نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۰

[س- اگر شخصی بالغ با مردی، لواط کرد آیا مادر، خواهر و دختر شخص لواط شده بر لواطکننده حرام می شود؟

ج- در مفروض سؤال در حرام شدن اشخاص ذکر شده شکی نیست بلی اشکال در جایی است که لواطکننده بالغ نباشد.]

موارد جواز فسخ

(سؤال ۶۶۳) مردی قبل از ازدواج با زوجه فعلی خود قدرت بر وطی داشته لیکن از بدو ازدواج با زوجه، عاجز از وطی می باشد آیا احکام عنّین درباره وی جریان دارد یا خیر؟

جواب: اگر از وطی زن دیگر نیز عاجز باشد حکم عنّین درباره او جاری است.

(سؤال ۶۶۴) در یک سال مهلتی که محکمه به عنین می دهد اگر زوجه وی تمکین نکند و خود را در اختیار شوهر قرار ندهد پس از انقضاء مهلت یک سال و بقاء بیماری در زوج، حق فسخ برای زوجه می باشد یا خیر؟

جواب: اگر با اقرار زوج یا

غیر آن ثابت شود که با فرض تمکین «۱»، قدرت بر وطی نداشته زوجه می تواند فسخ کند و و الا باید تجدید مهلت شود.

(سؤال ۶۶۵) شخصی در حال صحّت، ازدواج نموده و بعد از مدت یک سال گرفتار جنون شده است آیا زنش بدون طلاق می تواند شوهر ثانی اختیار کند یا خیر؟

جواب: اگر جنون عارضه به طوری شدید باشد که حتی اوقات نماز را نتواند تشخیص بدهد زوجه او می تواند نکاح را فسخ نموده و پس از انقضاء «۲» عده ازدواج نماید.

(سؤال ۶۶۶) شخصی دختر غشی خود را سالم به شوهر داده و شوهر پس از مشاهده غش او که اوائل ازدواج بوده درصدد تفحص برآمده اقارب و همسایگان نزدیک وی گفتند که این دختر سالهای متمادی است که این مرض را دارد در این صورت شوهر حق فسخ دارد یا نه؟ وظیفه او در مورد مهریه و شیربها که پدر دختر نقدا گرفته و مخارج دیگر عروسی چیست؟

---

(۱)- تمکین: مانع نشدن زن از زناشویی شوهر با وی.

(۲)- انقضاء عدّه: تمام شدن آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۱

جواب:: اگر دختر و منسوبین او از ذکر عیب سکوت نموده و زوج به اعتقاد سالم بودن دختر اقدام به ازدواج کرده باشد حق فسخ ندارد بلکه اگر تصریح به سلامت دختر هم کرده باشند به نظر این جانب جواز فسخ مشکل است و باید احتیاط شود و اما شیربهاء را اگر زوج با رضایت خود داده و عین آن موجود نباشد حق گرفتن عوض آن را ندارد و مخارج دیگر عروسی را هم هر کس به اختیار خودش خرج کرده باشد به عهده خودش می باشد.

(سؤال ۶۶۷)

بعد از ازدواج، روشن شده که مرد یا زن یک چشم دارد آیا این موجب فسخ می شود یا نه؟

جواب: نابینا بودن یک چشم فی حدّ ذاته از مجوّزات فسخ نکاح نیست و در صورت ثبوت تدلیس مانند سائر نقائص، احکام تدلیس «۱» بر آن مترتب می شود.

(سؤال ۶۶۸) اگر کسی با دختری ازدواج و بعد متوجه شود که راه حیض و ادرار وی یکی بوده است و پس از مراجعه به پزشک معلوم شود که، مادرزادی بوده است و حامله هم نمی تواند بشود و متحمل مخارج عقد و عروسی هم شده است مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: اگر ثابت شد که راه حیض و ادرار یکی است زوج، خیار فسخ دارد، در صورتی که ثابت شود سابق بر عقد بوده، ولی اگر دخول کرده باشد مهر را باید بدهد مگر اینکه تدلیس در کار باشد که در این صورت مهر را از تدلیس کننده می گیرند و تشخیص این امور نیاز به محکمه شرعیه دارد.

(سؤال ۶۶۹) اگر زنی دارای عیب قرن «۲» و غیره باشد و با عمل جراحی می توان رفع عیب نمود، آیا شوهر حق عقد نکاح را دارد، یا نه؟

جواب: قبل از رفع عیب حق فسخ دارد ولی اگر فسخ نکرده باشد بعد از رفع عیب مشکل است.

---

(۱)- تدلیس: فریب و ظاهرسازی.

(۲)- قرن: استخوانی است در فرج زن که مانع زناشویی شوهر می باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۲

عقد موقّت

(سؤال ۶۷۰) در مورد متعه دلیل شیعه بر آن چیست؟ (تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: علماء اهل سنّت خودشان قبول دارند که متعه در زمان رسول خدا (ص) حلال بوده و آیه ۲۴ سوره نساء فَمَا

اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ دلالت بر آن دارد و آنها می گوینـد خلیفه دوم حرام کرده است و امامیه می گوینـد چیزی را که خدا حلال کرده است تحریم دیگری حجت نیست.

اجازه ولیّ

(سؤال ۶۷۱) الف: دختر باکره اگر با کفو شرعی صیغه بکند آیا اذن پدر لازم است؟

ب: ازدواج موقّت اگر فقط برای محرمیت و به شرط عدم دخول باشد آیا بازهم اذن پدر لازم است؟

جواب: الف و ب- بنابر احتیاط واجب اذن پدر یا جد پدری لازم است.

(سؤال ۶۷۲) اگر پـدر تا بیست و پنج یا سـی سالگی، دختر خود را تزویج نکند و دختر بخواهد با کفو شـرعی صـیغه بکند آیا اذن پدر لازم است؟

جواب: اگر دختر نیاز شدید به ازدواج داشته باشد و پدر او از ازدواج با کفو شرعی و عرفی ممانعت کند اذن او از اعتبار ساقط می شود.

(سؤال ۶۷۳) اگر دختر بدانـد که اذن نـدادن پدر از جهت عیب دانسـتن صـیغه است و الا اشـکالی در بین نیست آیا بازهم اذن پدر لازم است؟

جواب: اگر مورد سؤال، از مفروض مسأله سابق نباشد بنابر احتیاط واجب، اذن پدر یا جد پدری لازم است.

برخی از احکام عقد موقّت

(سؤال ۶۷۴) اصولا در عقد متعه باید عقد به شکل صیغه اجراء شود و همان رغبت و تمایل کافی نیست؟

جواب: عقد بدون اجراء صیغه تعیین شده در رساله های عملیه صحیح نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۳

(سؤال ۶۷۵) آیا مهریه که در متعه به آن اشاره شده است اجباری است؟

جواب: تعیین مهر از شرائط صحّت متعه می باشد.

(سؤال ۶۷۶) دربـاره متعه بـا اهـل کتـاب اگر خـوف آن است که مطرح کردن قرائت صـیغه متعه موجبـات تـوهین زنی از اهل کتاب را به اسلام فراهم آورد آیا مرد می تواند در صورتی که زن به آمیزش علاقه و رضایت کامل داشته باشد تمایل و رغبت او را ملاک قرار داده و در دل

هم از طرف آن زن، صیغه متعه را قرائت کند؟

جواب: صحیح نیست بلی اگر فضولتا با رعایت شرائطی که در رساله های عملیه ذکر شده است صیغه جاری شود و سپس زوجه آن را اجازه کند عقد صحیح می شود.

(سؤال ۶۷۷) عده زن متعه که حیض می بیند یا دو پاکی معتبر دانسته شده مقصود از این تعبیر چیست؟ و آیا اگر هنگام پایان مدت یا بخشیدن آن، زن پاک باشد این پاکی جزء عدّه حساب می شود یا نه و یا اگر حیض باشد جزء حیض معتبر در عدّه حساب می شود یا نه؟

جواب: اگر انقضاء مدت یا بذل آن در حال طهر واقع شود یک طهر محسوب می شود و اگر در حال حیض واقع شود بنابر احتیاط، آن حیض را از عدّه محسوب نکند.

(سؤال ۶۷۸) عده فسخ و انفساخ عقد متعه عدّه طلاق است یا عدّه پایان مدت متعه؟

جواب: به مقدار عدّه متعه.

(سؤال ۶۷۹) در فسخ و انفساخ عقد دائم و موقّت و یا پایان عقد متعه یا بخشیدن آن از طرف شوهر، پاکی زن از حیض و نفاس شرط است یا نه؟

جواب: شرط نیست.

(سؤال ۶۸۰) آیا همان طور که در ضمن عقد دائم، زوجه می تواند وکالت خود را شرط کند که در مواردی بتواند به وکالت از طرف زوج، خود را مطلّقه نماید در عقد منقطع هم می تواند وکالت خود را شرط کند تا بتواند در مواردی باقیمانده مدت را ببخشد یا نه؟

جواب: بله می تواند و اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۴

بعضی از احکام اولاد

(سؤال ۶۸۱) آیا حق شیر خوردن بچه به مدّت دو سال از حقوق لازمه است که مادر نمی تواند شرعا بدون عذر و مانع

از آن مدت کمتر شیر بدهد؟

جواب: در صورت امکان بر ولیّ طفل، لازم است که حدّ اقل تا ۲۱ ماه برای طفل، مرضعه پیدا کند ولی بر مادر طفل، واجب نیست مگر اینکه شیر خوردن برای طفل، ضرورت داشته باشد و مرضعه دیگر یافت نشود.

(سؤال ۶۸۲) نفقه ولد زنا بر پدر واجب است یا خیر؟

جواب: ظاهرا واجب است.

(سؤال ۶۸۳) اگر در اثر ملاعبه مرد اجنبی با زن اجنبیه، زن بدون دخول، حامله شده باشد فرزند ملحق به والدین می شود یا خیر؟

جواب: وجوب نفقه و محرمیت و حرمت ازدواج ثابت است ولی توارث «۱» مورد اشکال است و احتیاط در مصالحه می باشد.

(سؤال ۶۸۴) اگر مردی با زن اجنبیه ملاعبه نماید و دخول واقع نشود لکن زن در اثر جذب نطفه، حامله گردد آیا فرزند ملحق به آنان می شود یا نه؟ و در صورت الحاق اگر دو مرد یا بیشتر به نحو مذکور با زن ملاعبه کرده باشند با قرعه تعیین پدر باید نمود یا راه دیگری وجود دارد؟

جواب: در صورت عدم وجود شبهه اگر چه جریان احکام زنا خالی از وجه نیست ولی احتیاط ترک نشود یعنی در مسأله توارث، مصالحه نمایند و اما حرمت نکاح و وجوب نفقه ثابت است و در صورت تعداد افراد مذکور نسبت به وجوب نفقه، منفق «۲» با قرعه تعیین می شود ولی نسبت به حرمت نکاح باید احتیاط شود.

(سؤال ۶۸۵) اگر مرد و زنی به اشتباه نزدیکی کنند در صورتی که اشتباه از دو طرف باشد یا یک طرف و زن، شوهر داشته باشد یا نداشته و فرزندی قبل و یا بعد از گذشتن شش ماه به دنیا آمد:

---

(۱)- توارث:

ارث بردن طرفین از یکدیگر.

(۲)- منفق: انفاق کننده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۵

الف: بچه ملحق به کیست؟

ب: تکلیف بچه نسبت به ارث، محرمیت و نفقه و خرجی او در مدت حمل و بعد از آن چیست؟ و اگر زن باکره بوده آیا حق مهر المثل دارد؟

جواب: ولد شبهه در جمیع احکام، حکم ولد حلال را دارد و اگر از یک طرف، شبهه و از طرف دیگر، زنا باشد هر کدام حکم خود را دارد و اگر معلوم نباشد که بچه از نطفه کسی متکوّن شده است باید در تعیین آن به قاضی شرع مراجعه شود و اگر از طرف زن، زنا نباشد باکره باشد یا غیر باکره حق مطالبه مهر المثل دارد.

محرمیّت

(سؤال ۶۸۶) در رابطه با علت محرم شدن به واسطه شیر دادن، شرائطی در رساله ذکر شده شرط دوم آن این است که شیر از زایمان باشد نه اینکه به واسطه مکیدن مثلا، شیر در پستان زن یا مرد پیدا شود و شیر بدهد لطفا توضیح بفرمایید که منظور از مرد در شیر دادن چه می باشد؟

جواب: چون ممکن است پستان مرد هم شیر پیدا کند در این فرض هم مسأله را عنوان کرده ایم.

(سؤال ۶۸۷) آیا مردی که زن خود را طلاق داده و از زنش صاحب فرزند شده با مادر همسر مطلّقه خود محرم می باشد یا نه؟

جواب: بله در فرض سؤال محرمیّت باقی است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۶

مسائل حقوق زن و شوهر

(سؤال ۶۸۸) در تزاحم بین حق واجب شوهر و گناه زن، کدام مقدم است مانند اینکه شوهر به همسر خود بگوید باید در خارج منزل که مثلا- همراه هم می روند زن، خود را زینت و آرایش نماید که از نظر حق شوهر، اطاعت او واجب است و از نظر در معرض دید نامحرم قرار دادن زینت و آرایش، بر زن حرام می باشد؟

جواب: لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق (یعنی در موارد معصیت و گناه نباید از هیچ مخلوقی هر کس باشد اطاعت نمود).

(سؤال ۶۸۹) اگر زن در اثر کار خود، اموالی به دست آورد و در زندگی مشترک خود با شوهرش صرف مخارجی نمود که

شرعا بر عهده شوهر واجب بوده آیا شوهر، مدیون همسر خود می باشد یا نه؟

جواب: اگر به شوهرش قرض داده باشد طلبکار می باشد و اگر تبرعا خرج کرده باشد طلبکار نمی باشد، بلی مخارج خود زوجه که بر زوج، واجب است اگر

زوج نپردازد مادامی که زوجه، او را برئ الذّمه نکرده است طلبکار می باشد.

(سؤال ۶۹۰) زوجه غیر مدخول بها قبل از گرفتن مهر در خارج شدن از منزل و نیز در آمدن به خانه شوهر موظف به اطاعت از شوهر خود می باشد یا خیر؟

جواب: احوط «۱» اطاعت است.

(سؤال ۶۹۱) اگر فعالیت و کار زن موجب شود که از شوهرش جدا شود وظیفه او چیست؟ با اینکه شوهر، خرجی او را می دهد؟

جواب: اگر مستلزم تضییع حق زوج باشد موقوف به رضایت زوج است.

---

(۱)- احوط: نظری که بیشتر به احتیاط نزدیک تر است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۷

(سؤال ۶۹۲) هرگاه شوهر از اداء حقوق واجبه امتناع نمود و نشوز کرد و حاکم شرع یا نتوانست جلو نشوز مرد را بگیرد و یا دسترسی به حاکم نبود آیا زوجه می تواند متقابلا از اداء حقوق واجبه شوهر امتناع نماید و ناشزه گردد؟ بعضی، جواز آن را به مشهور علماء نسبت می دهند نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: بعید نیست که گفته شود حقوق زوجین در برابر هم است که اگر یکی از آنها بدون عذر موجّه از اداء حق دیگری ممانعت کند تا زمانی که از نشوز برنگشته است دیگری هم بتواند از اداء حقوق او امتناع ورزد.

(سؤال ۶۹۲) آیا زن موظف است تمام کارهای خانه را انجام دهد؟ و در صورت کوتاهی از انجام کارهای خانه آیا شوهر حق تعرض و اهانت دارد؟

جواب: انجام دادن کارهای خانه به عهده زن نیست مگر در صورت توافق و تراضی، و در هر صورت شوهر حق اهانت به زن ندارد.

(سؤال ۶۹۴) آیا زن از درآمد مرد اصلا سهمی ندارد؟ در صورتی که مرد در خارج از

خانه کار می کنـد و زن در خانه، چه فرقی می کند؟ هر دو کار می کنند ولی زن تأمین اقتصادی ندارد و کاملا وابسـته به مرد است؟

جواب: زن در درآمـدهای شوهرش سـهیم نیست لکن می توانـد به شوهر خود بگویـد من کارهایی که در خانه انجام می دهم حتی شـیری که به بچه می دهم اجرت می گیرم بنابراین، زن هم استقلال اقتصادی دارد اما در مال خودش، نه در مال دیگری، اگر چه در بسیاری از مصارف، احتیاج به اذن شوهر دارد، اما در مالکیت، استقلال دارد یعنی مال خود زن است و شوهر بدون رضایت زن حق تصرف در مال او را ندارد.

(سؤال ۶۹۵) مولانا هل یجوز للزوج اجبار الزوجه علی التمکین بالقوه المادیه لو امتنعت من عذر شرعی؟

جواب: یجب علی الزّوجه التّمکین و ان کرهته و للزّوج حملها علیها لو لم یستلزم اضرارا بها و لکن یجب مع ذلک رعایت مراتب الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر و صیانه الکرامه الانسانیّه.

[س- اگر زوجه بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر، ممانعت کرد آیا شوهر می تواند او را از راه زور وادار به نزدیکی نماید یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۸

ج- بر زوجه واجب است تمکین از شوهر هر چند با کراهت از آن و اگر مستلزم ضرری بر زوجه نباشد شوهر، حق دارد او را به تمکین، مجبور سازد ولی بـا این حال مراتب و شـرائط امر به معروف و نهی از منکر و نیز کرامت انسانی لازم است مراعات گردد.]

(سؤال ۶۹۶) آیا کارهای زوجه که ارتباطی با حق شوهر ندارد نظیر وصیّت نمودن چه وصیّ او شوهر او باشد یا غیر و یا نیابت دیگران و

یا شوهر و یا وصیّ و نائب شدن خود زوجه از غیر شوهر باید با رضایت شوهر انجام شود یا نه؟

جواب: اگر مستلزم تضییع حق شوهر نباشد اذن او شرط نیست.

(سؤال ۶۹۷) زن علاقه شدید به بچه دار شدن دارد و مرد هم مطابق گواهیهای پزشکی امکان بچه دار شدن ندارد آیا از نظر شرع، طلاق دادن جایز است یا نه؟

در صورت عدم، ظلم بر زن نیست؟

جواب: در فرض سؤال، زوجه حق اجبار به طلاق ندارد و در صورت کراهت شدیده، گرفتن طلاق خلع بستگی به توافق در بذل دارد و احکام شرعیه تابع مصالح است و ظلم در آن تصور ندارد.

(سؤال ۶۹۸) در افضاء «۱» زن که پیش از نه سالگی توسط شوهر انجام شده در رسالهٔ توضیح المسائل مرقوم فرموده اید علاوه بر مهر و دیه کامله، نفقه او را باید تا آخر عمر او بدهد، حال اگر با وسائل پزشکی روز چنین زنی کاملا جراحی و معالجه شد و شوهر نمود باز نفقه او بر شوهر اول، تا آخر عمر، لازم است؟

جواب: بنابر احتیاط، لازم است.

(سؤال ۶۹۹) در موردی که مرد از نزدیکی با دختر باکره عاجز باشد ولی از نزدیکی با غیره باکره عاجز نباشد آیا حکم عنین مثل حق فسخ زوجه باکره و امهال حاکم شرع به او تا یک سال جریان دارد یا نه؟

جواب: حکم عنین در فرض مسأله جاری نیست و اگر تا چهار ماه نتواند مواقعه کند زوجه می تواند به قاضی شرع مراجعه نماید تا اینکه قاضی شرع، زوج را وادار کند یا خود را معالجه نماید و یا زوجه خود را طلاق بدهد.

---

(۱) افضاء: یکی شدن مخرج بول و

حیض زن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۱۹۹

(سؤال ۷۰۰) و در مورد فوق الذکر، شوهر می تواند با انگشت خود یا چیز دیگر، بکارت زوجه باکره خود را از بین ببرد و زوجه حق جلوگیری از این عمل را دارد یا نه؟

جواب: شوهر چنین حقی ندارد.

(سؤال ۷۰۱) بچه دار شدن آیا حق شرعی زوج است یا زوجه و به هر حال در صورت تزاحم و تعارض به این شکل که یکی از آنان بچه بخواهد و دیگری بدون عذر شرعی موجّه، بچه نخواهد تکلیف چیست و حق کدام مقدم است؟

جواب: در فرض مسأله، حق زوج مقدم است.

(سؤال ۷۰۲) عزل منی را بدون اجازه و رضایت همسر دائمی اکثر فقها مکروه می دانند نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: کراهت دارد.

(سؤال ۷۰۳) هرگاه شوهر، زن خود را ملزم به ترک واجب یا فعل حرام نمود و بدون اطاعت زن، حاضر به زندگی و معاشرت با او نشد و او را تنها گذاشت، نفقه بدهد یا ندهد در این گونه موارد:

یک: آیا زن می تواند به منظور اجتناب از گناه، شوهر خود را ترک کند و قهرا حقوق مشروع شوهر نیز تضییع می شود، یا نمی تواند؟

دو: اگر شوهر وضع را ادامه داد و به طلاق او نیز راضی نشد ولی نفقه او را می دهد آیا حاکم شرع می تواند زن را طلاق دهد یا نه؟

سه: اگر شوهر او را بین طلاق یا انجام گناهان ذکر شده مخیّر نمود اختیار طلاق بر زوجه واجب است هر چند به عسر و حرج بیفتد یا نه؟

جواب: ۱- شوهر حق ندارد زن خود را به خلاف شرع ملزم کند و اگر ملزم کند اطاعت او نسبت به ارتکاب خلاف شرع

جایز نیست ولی نسبت به حقوق مشروع او باید اطاعت کند.

۲- اگر تمام حقوق واجبه زوج را اداء کند حاکم شرع حق طلاق ندارد و اگر تمام حقوق او را اداء نکند حاکم شرع باید او را وادار کند که یا حقوق زوجه خود را اداء کند و یا او را طلاق بدهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۰

۳- اختیار طلاق در دست شوهر است و با مخیّر کردن زوجه بین طلاق و گناه اختیار طلاق بر زوجه واجب نمی شود، بلکه او نباید مرتکب خلاف شرع شود و زوج اگر خواست، طلاق می دهد و اگر نخواست طلاق نمی دهد.

(سؤال ۷۰۴) در بعضی خانواده ها یک سری خواسته های نامشروع از ناحیه مرد و زن نسبت به یکدیگر احیانا وجود دارد و قهرا بی اعتنایی به آنها عوارض منفی از قبیل درگیری و تشدید اختلاف و احیانا کتک کاری و بسا طلاق را هم به دنبال دارد، تا چه اندازه باید در برابر اینگونه خواسته ها مقاومت نمود؟ و آیا عوارض ذکر شده بعضا مجوّز بعضی امور نامشروع نمی باشد؟

جواب: هر یک از افراد خانواده موظّف است که خودش مرتکب خلاف شرع نشود و با رعایت شرائط نهی از منکر سایرین را هم از ارتکاب خلاف شرع ممانعت کند و در صورت فقدان شرائط نهی از منکر وظیفه نهی از منکر ساقط می باشد.

(سؤال ۷۰۵) زنی در خانه شوهرش چهل سال یا بیشتر انجام وظیفه همسری نموده و زحمات بسیاری متحمّل گشته و کارهای خانه را انجام داده. فعلا مرد می خواهد او را طلاق بدهد آیا می توان حق الزحمه در مقابل زحمات پنجاه ساله او قرار داد یا نه؟ در صورت عدم، آیا انصاف

است بعد از پنجاه سال طلاق داده شود که موجب بدبختی او گردد؟

جواب: زوجه هر چه کسب کرده و به شوهرش نبخشیده باشد متعلق به خودش می باشد و هرچه به دستور شوهرش کار کرده و قصد تبرّع «۱» نکرده باشد حق مطالبه اجرت دارد.

---

(۱)- تبرع: مجانی و بدون عوض.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۱

مسائل تلقیح

(سؤال ۷۰۶) چنانچه برای داشتن بچه، مرد از هر نظر سالم باشد و نقص، متوجه زن باشد آیا می توان با عاریه گرفتن تخمک از زن دیگر و ترکیب آن با منی مرد، تشکیل جنین داده و سپس این جنین را به زن منتقل نمود؟ (این روش هم اکنون در کشورهای غربی شیوع زیادی پیدا کرده است) و اهداءکننده تخمک هیچ گونه ارتباط حضوری و فیزیکی با مرد نداشته بلکه در بیمارستان ها این تخمک ها برای فروش آماده و قابل عرضه است در این صورت منی از مرد بوده و تخمک از زن اهداء کننده ای که ناشناس است و جنین در شکم همسر مرد به مدت ۹ ماه همانند حاملگی طبیعی باید مسیر رشد و تکامل خود را طی نماید چنانچه نظر شرع مقدس پیرامون این موضوع منفی باشد تحت چه شرایطی بلا مانع است؟

جواب: اگر تلقیح به وسیله غیر زوج باشد مسلما جائز نیست و اگر به وسیله زوج باشد آن هم اشکال دارد و در صورتی که عقیم بودن با معالجه مداوا نشود معلوم می شود که مصلحت در بچه دار شدن او نیست و علی ایّ حال چنین کاری بشود بچه ملحق به صاحب نطفه است و نسبت به صاحب تخمک و زنی که نطفه در رحم او قرار داده شده

لازم است احتیاط رعایت شود.

(سؤال ۷۰۷) و اگر اشکال متوجه مرد باشد و زن سالم باشد و با عاریه گرفتن منی مرد دیگری از بیمارستان بدو هیچ گونه ارتباطی بین اهداءکننده منی با زن منظور و یا اگر اشکال متوجه مرد و زن باشد و نتوانند اشکال آنان را رفع نمایند ولی با عاریه گرفتن جنین از زوج دیگری بدون هیچ گونه ارتباطی بین این زن و شوهر و آن زوج اهداءکننده جنین و انتقال به رحم زن پس از مدت ۹ ماه وضع حمل می نماید در هر صورت آیا این عمل جائز است شرعا؟

جواب: جائز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۲

(سؤال ۷۰۸) اگر برای حلّ شرعی مشکل فوق (بچه دار نشدن عده زیادی) فکری نشود ممکن است خانواده های زیادی متلاشی گردد و به طلاق و جدایی منجر شود.

(عده ای از مسلمانان انگلستان)

جواب: در برابر مقدرات الهی باید صبر نمود.

(سؤال ۷۰۹) اخیرا با پیشرفت علوم، تلقیح به شکل عاریه گرفتن تخمک زن معمول شده است و تخمک زن، همان مادّه ای است که به آن «اوول» گفته می شود و در اثر جفت شدن با «اسپرم» که ماده ای است در منی مرد، جنین درست می شود حال آیا این کار جایز است یا نه و بر فرض جائز نبودن آیا بچه متولّد از آن، حکم بچه از زنا را دارد یا وطی به شبهه و تکلیف ارث و محرمیّت و نفقه و ازدواج او نسبت به مرد و زنی که منی و تخمک از آنها می باشد و نیز زنی که تخمک در رحم او رشد کرده چیست؟

جواب: اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع دیگری باشد مسلّما جائز نیست و در غیر

این فرض نیز محل اشکال است و در صورت وقوع باید در تمام احکام مادری و فرزندی در بین آن دو زن و بچه احتیاط شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۳

مسائل جلوگیری و سقط جنین

[جلوگیری]

(سؤال ۷۱۰) یکی از راههای جلوگیری از آبستنی که بسیار متداول است بستن لوله های زن یا مرد است و اهل فنّ می گویند هر وقت آنها بخواهند می توانند با یک عمل جرّاحی آن را مجدّدا بازنمایند آیا این عمل مصداق عقیم نمودن حرام است یا نه؟

جواب: اگر باز کردن آن ممکن باشد حکم عقیم کردن را ندارد بنابراین اگر این عمل مستلزم خلاف شرعی نباشد مثل اینکه به وسیله خود زوجین انجام گیرد اشکال ندارد و اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد مثل اینکه مستلزم نظر به عورت باشد حتی به وسیله مماثل هم در غیر حال ضرورت جایز نیست. لکن جلوگیری های موقت دیگر مانند عزل و استفاده از قرص و آمپول با تجویز پزشک متخصص اشکال ندارد.

(سؤال ۷۱۱) عقیم کردن دائم مرد یا زن در چه صورت جایز است و حدّ ضرورت برای عقیم کردن دائمی و ملاک آن چیست؟

جواب: اگر معالجه و سلامت زن یا مرد بر آن منحصرا متوقّف باشد یا بدانیم بچه ای که ممکن است متولد شود عقب مانده بدنی یا عقلی خواهد بود مانعی ندارد و الّا محلّ اشکال است.

(سؤال ۷۱۲) همسرم مسلول و تحت نظر پزشک می باشد و هم اکنون حامله است و اطباء اظهار می دارند که وی نباید دیگر حامله شود چون برای جنین اثر غیر مطلوب دارد از این رو اگر همگام زایمان رحم او مسدود شود اشکال شرعی دارد یا خیر؟

جواب: اشکال دارد، ولی جلوگیری

از حمل به واسطه عزل در حال انزال اشکال ندارد.

(سؤال ۷۱۳) آیا فرزنددار شدن و تنظیم خانواده که از حقوق شخصی پدر و مادر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۴

می باشد، می تواند از حقوق جامعه نیز تلقّی گردد و با توجه به مشکلاتی که فرزند زیاد در جامعه ایجاد می کند در مواردی، حاکم اسلامی با توجه به مصالح اجتماعی و ضرورتهای آن از این حق استفاده کند؟ و مثلاـ قانونی برای تشویق جامعه به تحدید نسل ایجاد کند یا الزام به تحدید نسل نماید؟

جواب: اگر حاکم شرع خبیر، احیانا مصلحت جامعه را در کنترل و تنظیم خانواده تشخیص دهد تشویق جامعه نسبت به آن مانعی ندارد ولی با راهنمایی نسبت به راههای حلال و منع از راههای حرام از قبیل سقط جنین و امثال آن. و الزام به تحدید نسل جایز نیست.

(سؤال ۷۱۴) به طور کلّی در صورت تزاحم بین کثرت کمّی مسلمانان با کثرت کیفی آن از جهت آموزش، سلامت، ایمان و تربیت سالم، آیا با توجه به ادلّه ای که کثرت فرزند در شرع، مطلوب شمرده می شود، کدام مقدم است؟

جواب: موارد بر حسب ازمنه و امکنه مختلف است.

(سؤال ۷۱۵) اگر روش پیشگیری از فرزنددار شدن، متوقف بر حرامی مانند نگاه کردن پزشک به عورت باشد، در چه حالتی این حرمت برداشته می شود آیا محدود به صورتی می شود که ضرر به سلامتی بچه یا مادر شیرده یا ترس از بیمار شدن فرزند جدید یا مشقّت در تحمّل نفقه باشد- که برخی از فقها متعرض آن شده اند- یا شامل هر نوع ضرر و یا رعایت مصلحتی می شود؟

جواب: ارتکاب امر حرام جایز نیست مگر در صورت تزاحم با

مصلحت لازم الاستیفایی که شرعا اهم باشد و در این جهت، موارد مختلف است.

سقط جنین

(سؤال ۷۱۶) سـقط جنین قبل از دمیده شدن روح و بعد از آن در صورتی که بقاء آن برای مادر یا جنین ضرر (اعم از مرگ یا مریضـی شدیـد یا غیر شدید) داشته باشد چگونه است؟ و آیا ضـرورتهای اجتماعی- اقتصادی مجوّز سـقط جنین قبل از دمیده شدن روح می تواند باشد یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۵

جواب:: اسـقاط جنین مطلقا (چه روح دمیده شده باشد یا نه) حرام است، بلی قبل از دمیده شدن روح، اگر به تشخیص پزشک متخصـص زنـده مانـدن مـادر متوقف بر آن باشـد یا اینکه بقاء جنین در رحم، مسـتلزم معیوب شـدن و ناراحتی غیر قابل تحمّل برای مادر باشد اشکال ندارد.

(سؤال ۷۱۷) در صورتی که پزشـکان در دوران حمل، تشـخیص دهنـد به ظنّ قویّ که فرزنـد در شـکم مادر معیوب است و به دنیـا آمـدن وی بـاعث گرفتـاری بچه و خـانواده و جـامعه می شود آیا پیش از نفـخ روح یا پس از نفخ روح جایز است آن را اسقاط کنند؟

جواب: جایز نیست.

(سؤال ۷۱۸) آیا سقط جنین با رضایت پدر و مادر پیش از نفخ روح انسانی و صدق انسان شدن چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

(سؤال ۷۱۹) در صورت تحقق زنا، آیا استفاده از روشهای پیشگیری، واجب و لازم است یا نه؟

جواب: واجب نیست و بعد از انعقاد، اسقاط آن حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۶

مسائل اختلافات خانوادگی

(سؤال ۷۲۰) از زن شوهردار فرزنـدی متولـد می گردد زن و شوهر متفقا ولـد را از شوهر نفی می کننـد. در این مورد سؤالهای ذیل مطرح می شود:

۱- آیا لعان، مورد دارد یا خیر؟

۲- بر فرض که لعان مورد نداشته باشد با اظهارات زوجین

مبنی بر نفی او نفی ولد ثابت می گردد یا خیر؟

۳- در صورتی که اظهارات ایشان برای نفی ولد کافی نباشد و آنان علم داشته باشند به نفی ولد و اینکه مولود از یک رابطه نامشروع به دنیا آمده تکلیف آنان چیست؟

جواب: ۱- در مفروض سؤال، لعان مورد ندارد.

۲ و ۳- اگر به ثبوت شرعی نرسد مأخوذ «۱» به اقرارشان می شوند ولی ادّعای آنها مسموع نیست مثلا حق مطالبه نفقه از آن فرزند ندارند ولی نفقه او را با رعایت شرائط دیگر باید بدهند.

(سؤال ۷۲۱) در اختلاف بین زن و شوهر، زن ادعا می کند که شوهر مرا از خانه بیرون کرده است و نفقه مرا نداده است و شوهر نیز ادعا می کند که زنم خودش از خانه بیرون رفته و ناشزه شده است، بنابراین مستحق نفقه نیست، آیا این، دو دعوا تلقی می شود که باید در اینجا هر کدام اقامه بیّنه کنند و اگر نتوانستند اقامه بیّنه نمایند آیا برای فصل خصومت، تحلیف طرف مقابل لازم است یا خیر؟ و اگر یک دعوا باشد کدام مدعی و کدام منکر حساب می شوند و اگر مدعی نتواند اقامه بیّنه نماید آیا قسم متوجه منکر می شود یا نه؟ (دادگستری شهرستان قم)

---

(۱)- مأخوذ به اقرار: محکوم نمودن فردی نسبت به آنچه به ضرر خود اعتراف نموده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۷

جواب:: در فرض مسأله بعید نیست که زوجه مدعی، و زوج منکر، محسوب شود که اگر زوجه نتواند ادعای خود را ثابت کند می تواند به زوج قسم بدهد.

(سؤال ۷۲۲) اگر زوجین در اصل نکاح، اتفاق و در دوام و انقطاع خلاف کنند و دلیلی در کار نباشد قول کدام

مقدم است؟

جواب: قول مدعی دوام با خوردن سوگند مقدم می باشد.

(سؤال ۷۲۳) اگر زوجین در اصل طلاق اتفاق داشته باشند و در رجعی و خلعی بودن خلاف کنند و دلیلی در کار نباشد قول کدام مقدم است؟

جواب: قول مدعی رجعی، با خوردن سوگند مقدم می باشد

(سؤال ۷۲۴) زن در حال نشوز که معلوم نیست به خانه شوهر برگردد آیا حق دارد جهیزیه خود را مطالبه کند یا نه؟

جواب: زوجه اختیار جهیزیه خود را دارد.

(سؤال ۷۲۵) زن ناشزه را حاکم به جرم نشوز می تواند تعزیر کند یا اینکه مجازات آن همان قطع نفقه و مراحلی است که قرآن مجید به اختیار شوهر قرار داده است؟

جواب: در فرض سؤال باید شرائط نهی از منکر ملحوظ شود.

(سؤال ۷۲۶) در صورتی که زوجه بدون مجوّز شرعی و قانونی به بهانه های بی اساس از زوج تمکین نکند و حاکم شرع نیز حکم به لزوم تمکین نموده آیا حاکم می تواند زوجه را تعزیر نماید یا نه؟ و اگر نمی تواند یا مؤثر نباشد تکلیف زوج چیست؟

جواب: تقصیر زوجه در عدم تمکین در صورت ثبوت آن مانند سائر معاصی تعزیر دارد و اگر تعزیر ممکن یا مصلحت نباشد یا اینکه تأثیر نداشته باشد و موعظه و متارکه و زدن زوجه در حدّی که مستلزم دیه نباشد نیز مؤثر نباشد حاکم شرع یک نفر از طرف زوج و یک نفر از طرف زوجه را حکم قرار می دهد.

(سؤال ۷۲۷) خانمی در اثر عدم شناخت لازم در آغاز ازدواج گرفتار شوهری شده است که هیچ نوع سازش اخلاقی و روحی با او ندارد و به همین جهت حاضر است مهریه و هر حقی داشته باشد به وی بذل

کند تا خود را آزاد سازد، و او هم اکنون مدت هشت سال تمام است که در منزل پدر و جدا از شوهرش زندگی می کند، ولی شوهر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۸

به علت لجاجت و آزار دادن حاضر به طلاق نیست و از طرفی برای اثبات عسر و حرج که مورد نظر دادگاه باشد مدارک محکمه پسند وجود ندارد آیا هشت سال زندگی توام با ناراحتیهای روحی نشانی از عسر و حرج نمی تواند باشد؟

جواب: اگر زوج حقوق زوجه خود را تضییع کند و به او ستم روا دارد، باید قاضی شرع او را وادار کند که یا حقوق زوجه خود را اداء کند و یا او را طلاق دهد و اگر حقوق او را تضییع نکند و به او ظلم ننماید باید زوجه به خانه شوهر خود برگردد و با همدیگر مطابق موازین شرعیه زندگی نمایند، و مجرد ۸ سال در خانه پدر بودن دلیل نمی شود که لجاجت از طرف زوج است و از طرف زوجه نیست.

(سؤال ۷۲۸) اگر شوهر، زوجه را از غیر جهت نفقه اذیت بکند و زندگانی زن و شوهر دشوار بشود آیا حاکم شرع یا وکیل مجاز، حق دارد او را طلاق بدهد یا نه؟

جواب: در فرض مسأله اگر زوجه به قاضی شرع مراجعه کند قاضی شرع باید زوج را وادار کند که یا به زوجه خود ظلم نکند و یا با اداء حقوق، او را طلاق بدهد.

(سؤال ۷۲۹) همسر زنی سالها او را بدون نفقه و یا طلاق رها کرده و به یک شهر یا کشور دیگری مسافرت کرده و اصرار افراد و خود زن در مورد قبول نفقه و

یا طلاق مؤثر واقع نمی شود تکلیف زن چیست؟

جواب: در فرض سؤال می تواند به قاضی شرع مراجعه کند تا در صورتی که برای قاضی شرع ثابت شود که شوهر هم از انفاق و هم از طلاق امتناع می ورزد او را طلاق دهد.

(سؤال ۷۳۰) ۱- زوجه پس از اجرای عقد هنوز به خانه شوهر نرفته می گوید از شوهر خود متنفرم و حاضر نیستم با وی زندگی نمایم و مهر خود را بر او حلال می کنم تا طلاق دهد و زوج به هیچ عنوان حاضر نمی باشد او را طلاق دهد و قصد دارد او را معلّقه بگذارد، با توجه به اینکه معلّقه گذاشتن زوجه، موجب اضرار و باعث عسر و حرج اوست که در سن جوانی از تمام جهات زندگی محروم بماند در این صورت حاکم شرع می تواند زوج را مجبور به طلاق نماید یا نه؟

۲- در صورتی که حاکم شرع زوج را مجبور به طلاق کند ولی زوج هیچ گونه به دادن طلاق حاضر نباشد آیا حاکم با در نظر گرفتن ادله عسر و حرج خودش می تواند طلاق دهد یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۰۹

جواب:: ۱ و ۲- اگر حرجی بودن زندگی با زوج مستند به زوج باشد بعید نیست که قاضی شرع بتواند زوج را وادار به طلاق، و در صورت امتناع او، قاضی شرع اقدام به طلاق نماید، ولی اگر مستند به زوجه باشد مشکل است.

(سؤال ۷۳۱) معیار در عسر و حرج که موجب طلاق گردد چیست؟ آیا مربوط به عرف است و یا تنها تشخیص آن با نظر حاکم شرع می باشد؟

جواب: تشخیص آن با قاضی شرع جامع الشرائط است و قاضی شرع

جامع الشرائط فتوی طبق نظر خود حکم می کند و قاضی شرع منصوب «۱» از طرف او تابع نصب است در غیر این فرض کسی حق حکم ندارد و اگر حکم کند حکمش نافذ «۲» نیست.

(سؤال ۷۳۲) دختری هنگام عقد با یک مرد غیر ایرانی شرط کرده مدت ده سال در قم سکونت نماید و زوج قبول کرده است ولی زوج پس از دو سال زندگی به این شرط پشت پا زده و با مراجعت به وطن خود در خارج ایران خواهان رفتن زوجه به آن کشور می باشد؛ اما زوجه به استناد شرائط منعقده حین عقد نمی خواهد از ایران به کشور خارج مهاجرت نماید و در نتیجه در موضعی قرار گرفته که چاره ای جز درخواست طلاق ندارد، علی هذا دو سؤال ذیل مطرح است: ۱- آیا حق طلاق به عهده زوجه قرار می گیرد یا خیر؟ ۲- چنانچه زوج به درخواست زوجه پاسخ مثبت گفته و طلاق بدهد آیا زوجه به تمام مهریه معینه حق دارد یا کمتر از آن؟

جواب: در فرض سؤال، اختیار طلاق در دست زوجه نیست ولی بر او واجب نیست که از ایران قبل از پایان مدت اشتراط، خارج شود و در این فرض اگر زوج از اداء حقوق او با رعایت شرط مذکور امتناع نماید زوجه می تواند به مقام صالح قضایی مراجعه کند تا قاضی شرع، زوج را مجبور کند که یا حقوق زوجه خود را اداء نماید و یا او را مطلّقه کند و اگر زوج، طلاق رجعی بدهد یا اینکه طلاق ندهد، زوجه حق مطالبه تمام مهر خود را دارد و اگر به طلاق خلع توافق نمایند هر چه در برابر

طلاق، بذل کرده باشد متعلق به زوج است و زوجه حق مطالبه بقیه را دارد.

---

(۱)- منصوب: نصب و تعیین شده از طرف مقام صالح.

(۲)- نافذ: لازم الاجراء.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۰

(سؤال ۷۳۳) معمول است خانواده ها به خواستگاری دختر می روند و کار خیر هم تمام می شود و در شب زفاف پسر می بیند وی باکره نیست در صورتی که در سند ازدواج هم دوشیزه نوشته است، آیا می توان گفت عقد مبنیا علیه (یعنی باکره) واقع گردیده تا با فاقد بودن آن، امکان طلاق میسّر گردد یا نه در حالی که اگر از اول پسر می دانست اصلا تمایل نشان نمی داد؟

جواب: زوج حق طلاق دارد ولی احکام تدلیس در صورتی مترتب می شود که یا بکارت در ضمن عقد اسم برده شود و یا قبل از عقد گفتگوی بکارت شده و عقد مبنی بر آن جاری شده باشد و مجرد سکوت دختر و اولیاء و اعتقاد زوج به باکره بودن دختر و ثبت در دفتر، تدلیس نمی باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۱

مسائل طلاق

شرائط طلاق

(سؤال ۷۳۴) عدالت دو مردی که باید اجراء صیغه طلاق را بشنوند آیا باید برای شوهر زن محرز باشد یا برای وکیل و نائب او که می خواهد صیغه را بخواند یا هر دو تکلیف طلاقهایی که واقع می شوند و شوهر، اصلا توجه به عدالت و فسق شهود و شرط بودن حضور آنها ندارد چیست؟

جواب: احراز عدالت آن ها بر مجری صیغه طلاق لازم است و احراز زوج شرط نیست بلی اگر فسق آنها بر زوج ثابت باشد صحّت طلاق مشکل است.

(سؤال ۷۳۵) مولانا، من المعروف لدی العامه وقوع الطلاق الثلاث بلفظ واحد و لکن فی قوانین

حکوماتهم یقع طلقه واحده و من المعروف ایضا انه لو رجع منهم الینا لفصل مثل هذه المشکله یجب علینا ان نعمل طبقا لقاعده الالزام و لکن المشکله تثور بایّ رای یجب الزامهم رای المذهب او رای القانون و المفروض ان رای السلطان یجب اتّباعه عندهم؟ (اخوانکم فی الخلیج) جواب: یحکم بوقوع طلقه واحده فی مفروض السؤال.

[س- معروف است که اهل سنّت، انجام سه طلاق را با یک جمله و در مجلس واحد، معتبر می دانند ولی طبق قوانین حکومتی آنها وقوع سه طلاق را در یک مجلس، یک طلاق می دانند و از طرفی معروف است هرگاه آنها برای این گونه مسائل به ما شیعیان رجوع نمودند باید طبق قاعده الزام، یعنی: «به آنچه خود می گویند آنان را ملزم نمایید» عمل نماییم حال، سؤال این است که در مسأله طلاق که به ما رجوع می کنند آیا طبق فتوای علماء مذهبشان نظر بدهیم یا طبق قوانین دولتی آنها؟ و از سوی دیگر آنها بر اساس عقائد خود، قوانین دولت ها را هر چه باشد لازم العمل می دانند.

ج- در فرض سؤال، باید به وقوع یک طلاق، حکم نمود.]

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۲

(سؤال ۷۳۶) اگر زن و شوهری در وضعیتی قرار بگیرند که زمینه ادامه زندگی برایشان موجود نباشد و بدون اینکه هیچ گونه امتیازی از یکدیگر بخواهند بگیرند صرفا به علت فرار از مشکلاتی که از طرف والدین بوجود آمده و بعضی مسائل جزئی دیگر در رابطه با زندگی مشترکشان از هم جدا شوند و طلاق صورت گیرد این چه نوع طلاقی می باشد؟ ضمنا در رساله امام خمینی طلاق بائن را پنج نوع ذکر می کنند، این طلاق از

کدام قسم است؟

جواب: اگر مرد در مقابل طلاق چیزی نگرفته و از حقوق زن هم چیزی اسقاط نشده در مقابل طلاق، و از آن چهار قسم اول بائن هم نبوده، طلاق رجعی است.

(سؤال ۷۳۷) الف- در طلاق رجعی که اخراج زن از خانه حرام است مقصود، وجوب نفقه او بر مرد است؟ ب- و حکم نفقه زن در اقسام طلاق بائن چیست؟

جواب: الف- علاوه بر وجوب نفقه، اخراج از خانه ای که در حال طلاق در آنجا بوده در غیر مورد استثناء، جائز نیست.

ب- نفقه زن، در طلاق بائن بر عهده زوج نیست.

(سؤال ۷۳۸) طلاقی که به اذن حاکم داده می شود در مواردی که ذاتا قابل رجوع باشد مرد می تواند رجوع کند یا خیر؟

جواب: قبل از انقضاء عده، زوج حق رجوع دارد.

(سؤال ۷۳۹) اگر دختری مدخوله باشد از دبر و قبل حد اقل به اندازه حشفه ولی بنا به تشخیص پزشک مربوطه ازاله بکارت صورت نگرفته باشد یعنی بکارت باقی مانده باشد:

الف- چنین دختری را اگر شوهر طلاق دهد برای رجوع شوهر در مدت مقرر (قبل از پایان یافتن مدّت عدّه طلاق) آیا اجازه پدر دختر لازم است؟

ب- برای ازدواج همین دختر با شرائط فوق با یک مرد دیگر چطور؟

ج- اگر اجازه پدر ضروری است آیا شوهری که او را طلاق داده اگر تا قبل از پایان عدّه طلاق، رجوع کند باید با اجازه پدر دختر، صیغه عقد مجدّد بخواند یا صرف رجوع کافی است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۳

جواب:: الف و ب- در موردی که شرعا رجوع ممکن است، اذن پدر زوجه شرط نیست ولی چون هنوز باکره است بعد از طلاق و انقضاء

مدت عده اگر نخواهد به عقد جدید با زوج اول و یا کس دیگر ازدواج کند، احتیاط آن است که به اذن ولیّ باشد مگر اینکه زن و خواستگار او هم شرعا و هم عرفا کفو یکدیگر باشند ولی پدر لج می کند که در این صورت رضایتش معتبر نیست.

ج- احتیاط واجب آن است که به عقد جدید باشد.

طلاق خلع

(سؤال ۷۴۰) اگر شوهری زن خود را مورد سبّ و شتم و ضرب قرار داد تا مهریه یا مال دیگری به او ببخشد و او را طلاق دهد آیا اولا: این کار مشروعیّت دارد و گرفتن آنها بر مرد جایز و حلال است؟ و ثانیا: طلاق او رجعی است یا خلع؟

جواب: اگر به منظور درخواست طلاق خلع [یعنی تملیک مهریه یا مال دیگری توسط زن به شوهر جهت طلاق دادن] باشد علاوه بر حرمت اصل آن، خلع، باطل است و زوج مالک بذل نمی شود و اگر مجری صیغه طلاق خود زوج باشد و دنبال خلع، صیغه طلاق هم خوانده باشد یا اینکه به وکیل، وکالت داده باشد که به دنبال خلع، صیغه طلاق هم جاری کند و وکیل هم طبق وکالت، عمل کرده باشد طلاق، رجعی، واقع می شود و در غیر این فرض [یعنی مواردی که صیغه طلاق به دنبال بخشیدن آنچنانی زن توسط زوج یا وکیل او خوانده نشود و فقط صیغه خلع خوانده شود و یا موردی که وکیل فقط در خلع وکیل بوده نه در طلاق و با این حال طلاق را خوانده باشد] اصلا طلاق واقع نمی شود و زوجیّت باقی می باشد.

مواردی که زن می تواند طلاق بگیرد

(سؤال ۷۴۱) مواردی که زن می تواند قانونا و شرعا طلاق بگیرد را لطفا بیشتر توضیح دهید؟

جواب: اگر وکالت در طلاق داشته باشد طبق وکالت خود می تواند خود را مطلّقه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۴

نماید و اگر وکالت نداشته باشد در صورتی که زوج، حقوق او را اداء نکند می تواند به قاضی شرع مراجعه نماید تا قاضی شرع زوج را وادار کند که یا حقوق او را اداء کند

و یا طلاق بدهد و همچنین در مورد ظلم و تعدی زوج.

(سؤال ۷۴۲) عقد دختر شیعه ای را یک عالم سنی طبق مذهب خود خوانده و دختر قبل از مباشرت، اصرار کرد که عقد او طبق مذهب شیعه خوانده شود (این قید را دختر قبل از عقد به عنوان شرط پیشنهاد کرده بود) که انجام نشد و شوهرش بدون مباشرت با دختر به کشور خارج سفر کرد در این هنگام دختر مطالبه طلاق خلع کرد بعد از شش ماه شوهر با این شرط قبول کرد که اگر دختر پنج برابر مهر را به شوهر به عنوان معاوضه بدهد راضی به طلاق خلع خواهد شد و این معامله مورد قبول طرفین واقع شد و قرار شد روز دیگر شوهر به قولش عمل نماید ولی بعدا شوهر آن را انکار کرد و عدم آمادگی در آینده را نیز اعلام داشت پس از این، دختر معامله ای را که با شوهرش انجام داده بود روی کاغذی نوشت و به یک عالم سنّی داد؛ آن عالم فتوا داد که طلاق این دختر بوقوع پیوسته است، حال تکلیف این دختر چیست؟

جواب: اگر دختر به مجری عقد، وکالت نداده و بعد از عقد هم آن را امضاء نکرده آن عقد، باطل است و زمینه برای طلاق باقی نمی ماند و اگر فرضا دختر را وکیل بلا عزل قرار داده برای طلاق، وکالت دختر برای طلاق باقی است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۵

مسائل وقف

شرائط وقف

(سؤال ۷۴۳) آیا مراتع که جزو انفال محسوب می شود، می تواند جزو موقوفه قرار گیرد، یا خیر؟

جواب: اگر زمین، موات بالاصاله باشد و سابقه عمران نداشته باشد وقف آن صحیح نیست.

(سؤال ۷۴۴)

شخصی طبق سند رسمی، ملکی را وقف مسجد نموده و خود را مادام الحیاه متولی قرار داده، پس از مدتی ادعا می کند قصد من این بوده که مادام الحیاه منافع وقف مربوط به خودم باشد و بعد از خودم در اختیار جهت وقف قرار گیرد. مرقوم فرمایید این ادعا که مادام الحیاه منجر به بطلان وقف می شود از متولّی در قبال اداره اوقاف که نظارت بر موقوفات دارد بر حسب موازین شرعی مسموع است یا خیر؟

جواب: قول او در صورت احتمال صدق پذیرفته می شود و استثناء منافع تا مدت معین یا مادام الحیاه واقف موجب بطلان وقف نمی باشد و حکم وقف بر نفس را ندارد.

(سؤال ۷۴۵) شخصی ساختمان مسکونی خود را وقف می کند که اولاد ذکورش نسلا بعد نسل در آن درس علوم دینی بخوانند و واقف خود را از آن محصلین می داند به طوری که اگر می دانست که خودش محروم است وقف نمی کرد آیا به عقیده واقف که خود نیز از مورد وقف استفاده خواهد کرد عنوان وقفیت بر آن ثابت است یا نه؟

جواب: اگر خود را در لفظ، داخل موقوف علیهم نکرده باشد خیال دخول، مخلّ به صحّت وقف نمی باشد ولی اگر برای تصرف در جهت وقف به موقوف علیهم یا به متولّی موقوفه نداده باشد اختیار به هم زدن آن را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۶

(سؤال ۷۴۶) بعضیها وقف اولاد مذکور می کنند و دست اولاد اناث از اموال پدر کوتاه می شود آیا بعد از مرگ پدر، این دخترها از نظر شرع، می توانند ادعای حق خود را از مال پدر بنمایند یا نه؟

جواب: اگر برای پدر پس از مرگ مالی مانده

باشـد دختران سـهم خود را می تواننـد مطـالبه کننـد ولی آنچه را که در زمـان حیـات وقف کرده برای خصوص اولاـد ذکور، دختران در آن سهم ندارند؟

(سؤال ۷۴۷) حکم زیر زمین مساجـد چیست؟ آیا اگر کتابخانه در زیر زمین مسـجد باشـد زن حائض می تواند در آنجا توقف کند؟

جواب: اگر هنگام وقف مسجد از مسجد بودن استثناء نکرده باشند حکم مسجد را دارد.

تصرف در وقف

(سؤال ۷۴۸) مسـجدی است که بعضـی دیوارهای آن کهنه شده احتیاج به تجدید بنا دارد اهالی قصد دارند تجدید بنا نموده و سقفش را تبدیل به تیر آهن نمایند آیا فروش چوبهای سـقف و در و پنجره مسجد و تبدیل به آن به تیر آهن جایز است یا نه و هکذا برای مؤمنین خرید آنها جائز است یا نه؟ لطفا نظر مبارک را بیان فرمایید.

جواب: اگر مصـرف آن در همان مسـجد یا مسـجد دیگر ممکن نباشـد اشـکال ندارد و در صورت جواز فروش خریدن آن نیز اشکال ندارد ولی فروشنده یا باید نسبت به اموال مسجد تولیت شرعیه داشته باشد و یا از طرف حاکم شرع مجاز باشد.

(سؤال ۷۴۹) مسجدی است مخروبه که خاک در آن به صورت تپه بوجود آمده آیا بردن خاک آن جایز است یا نه؟

جواب: اگر بردن خاک اضافی به نفع مسـجد باشـد اشـکال نـدارد، ولی اگر قیمت داشـته باشـد و در مساجد داشـته باشد و در مساجد دیگر مصرف نداشته باشد باید آن را بفروشند و صرف تعمیر همان مسجد نمایند.

(سؤال ۷۵۰) مسجد محل به علت کثرت جمعیت نیاز به توسعه دارد و در جوار آن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۷

قطعه زمینی وقفی است که در صورت باغ

و مغروس بـدرخت انـار بوده وصل به مسـجد و وقف بر همین مسـجد بوده، ولی باغ مزبور به علت خراب شـدن و ضایع شـدن درختـان بلاـ اسـتفاده مانـده و اکنون به صورت مخروبه و بـدون مصـرف می باشـد آیـا اجازه می فرماییـد که زمین مـذکور را ضمیمه مسجد نمود و مردم از مضیقه نجات یابند؟

جواب: اگر اسـتفاده از آن بـا اجاره دادن ممکن باشـد بایـد طبق وقف عمل شود و جزء مسـجد کردن آن جائز نیست و اگر به هیـچ وجه اسـتفاده ممکن نباشـد متولّی شـرعی می تواند آن را بفروشد و با پول آن، زمین دیگر بخرد و موقوفه مسـجد کند تا منافع آن به مصرف برسد و خریداران آن زمین متروکه می توانند آن را جزء مسجد نمایند.

(سؤال ۷۵۱) مسـجد الاقصـی (مشـیر السـلطنه) واقع در تهران دارای موقوفاتی می باشـد که از آن جمله طبق وقفنامه موجود دو باب حمام زنانه و مردانه و یک باب کاروانسـرا و خانه و مغازه که مصرف وجوه مال الاجاره آنها در وقفنامه مشخص شده، در زمان سـلطنت رضا شاه دولت وقت که تولیت موقوفه را داشـته این مستقلّات را به کلی خراب کرده و در محل آن که زمینی به مساحت حدود شـش هزار متر مربع است ساختمان و حیاطی بنا شده که اکنون دبیرستان دخترانه «عبرت» شده و در اجاره اداره آمـوزش و پرورش می باشـد، و اکنـون اداره مـذکور فقـط اجـاره زمین را به دفتر موقوفه می پردازد. لطفـا بفرماییـد آیـا بنـای دبیرستان مذکور به جای بنایی که خراب کرده اند جزء موقوفات مسجد محسوب می شود یا خیر؟

جواب: تخریب ساختمان موقوفه جائز نبوده است ولی ساختمان جدید خود به خود وقف نمی شود

مگر اینکه سازنده آن، آن را وقف کند.

(سؤال ۷۵۲) قریه صدرآباد قزوین مسجد قدیمی دارد به علت کوچکی و کجی قبله اش اهالی تصمیم گرفته اند آن را بزرگ و قبله اش را درست کنند و قرار بر این شده شبستان فعلی را خراب کنند و به حیاط، تبدیل نمایند و حیاط فعلی را شبستان کنند آیا این تبدیل جائز است یا نه؟

جواب: اگر با امکان حفظ احکام مسجد تبدیل صحن به مسجد و مسجد به صحن آن، به نفع مسجد باشد مانع ندارد و الّا جائز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۸

(سؤال ۷۵۳) در طرح شهرداری و شهرسازی چنین مقرر است که در کوچه های تنگ در زمان تجدید بنا صاحبان اماکن را برای تعریض کوچه وادار به عقب نشینی نمایند نسبت به اماکن موقوفه از قبیل حسینیه و آب انبار و غیره بعضی از متولیان و متصدیان به عنوان حمایت از وقف رعایت این قانون را غیر شرعی می دانند مستدعی است برای رفع شبهه تکلیف شرعی را نسبت به موارد سؤال بیان فرمایید.

جواب: مورد سؤال در اماکن موقوفه جایز نیست و در غیر موقوفه اگر با تحصیل رضایت مالک شرعی باشد اشکال ندارد.

(سؤال ۷۵۴) ۱- در محل ما آب انباری است قدیمی دارای وقفنامه که برای استفاده عموم وقف و ساخته شده و بودجه ای برای آن نیز وقف شده است. آیا می شود آن را از بین برد یا آن را برای کار و نیاز عمومی مردم محل قرار داد، زیرا آب محل، لوله کشی شده و آب انبار مذکور مورد نیاز نیست یا خیر؟

۲- و طبق وقفنامه، آب قنات برای حمام مردانه و زنانه وقف شده که با

تأسیس حمام جدید دوشی، آنها به صورت تعطیل درآمده اند ولی در جنب آنها مسجد و تکیه ای قرار گرفته اند و آنها نیاز به توسعه و وضوخانه دارند. آیا جایز است زمین آنها را در توسعه مسجد یا تکیه قرار دهیم یا تلفن خانه احداث نماییم؟

جواب: ۱- اگر به کلی از مورد استفاده افتاده باشد می توانند زمین آن را اجاره داده و وجه اجاره و بودجه آن را از موقوفه به مصرف آب عمومی محل برسانند.

۲- در فرض سؤال می توانند وجه اجاره آن را به مصرف آب حمام جدید برسانند.

و اگر به کلی از مورد استفاده واقع شدن یاس حاصل شود می توانند زمین آن را جهت مرافق مسجد و تکیه اجاره بدهند و وجه اجاره را در مخارج حمام جدید مصرف نمایند و تشخیص موارد مذکوره یا تصدّی آن به عهده متولّی شرعی می باشد.

(سؤال ۷۵۵) اگر زمینی در یک قسمت از صحرا وقف حمامی باشد آیا با قطعه زمین دیگر که مشابه و اندازه آن باشد، در قسمت دیگر صحرا تعویض آن جایز است یا نه؟

جواب: صحیح و جایز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۱۹

(سؤال ۷۵۶) آیا در زمین وقف می شود خانه ساخت؟

جواب: اگر به منظور مطلق استفاده، وقف شده و از متولّی شرعی اجاره شود مانعی ندارد.

(سؤال ۷۵۷) کتابخانه ای در محلی از طرف اداره کل آموزش و پرورش تأسیس شده است و در مساجد آن محل، معمولا کتابهایی وقفی جهت مطالعه وجود دارد با توجه به حفظ بهتر آنها و مطالعه بیشتر از آنها آیا می توان کتابهای مساجد را به آن کتابخانه عمومی منتقل نمود؟

جواب: اگر کتابی محرز است یا ظاهر است که برای مسجد

وقف شـده است تغییر محـل آن جـایز نیست مگر اینکه در محـل اول بلا اسـتفاده بمانـد ولی اگر محرز نیست که برای مسـجد خاصـی وقف شده باشد فقط عملا در آن مسـجد قرار داده شده و احتمال می دهیم برای مطلق مطالعه باشد بلکه مظنون است، در این صورت آنچه فایده دارتر است انجام شود.

(سؤال ۷۵۸) بریـدن درخت چناری که مانع احیاء و گسترش امام زاده و مسـجد محل می باشد و اسـتفاده آن در جهت مخارج دو مکان مذکور، شرعا اشکال دارد یا خیر؟

جواب: اگر مالک شخصی ندارد و بر مسجد یا حسینیه وقف است در صورتی که وقف شده باشد که از سایه آن مردم استفاده کنند باید باقی بماند و اگر وقف شده باشد که به مصارف مسجد یا حسینیه برسد متولّی شرعی در صورتی که موقع بریدن آن رسیده باشد می تواند آن را قطع کند و به مصرف وقف برساند و اگر از طرف واقف، متولّی تعیین نشده باشد حاکم شرع، فرد مورد اعتمادی را تعیین کند تا اینکه او طبق وقف عمل نماید.

(سؤال ۷۵۹) شـهرداری قم در اجرای طرح توسعه و تعریض شوارع و معابر با املاک و مستحدثات موقوفه (به استثنای مساجد) در مسـیر طرح، مـواجه می گردد کـه بـه صـورت ذیـل عمـل می نمـوده اسـت. شـهرداری مقـدار اعیـانی در مسـیر را طبـق نظر کارشـناس، تخریب و غرامت آن را پرداخت نموده و عرصه مورد اسـتفاده برای شـارع را بـا حفـظ مـالکیت اوقـاف به صورت اجاره ضـمیمه شارع می نماید مسـتدعی است اگر این شـیوه مغایرتی با شـرع مقدس ندارد اعلام فرمایید. (شهرداری شهرستان قم)

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۰

جواب:: موقوفاتی که وقف شده

است که منافع آن در جهت وقف مصرف شود اگر تعریض یا احداث خیابان طبق تشخیص متولّی شرعی برای موقوفه مصلحت داشته باشد اشکال ندارد و الّا باید متولّی شرعی با رعایت مصلحت وقف آن را به اجاره داده و اجاره بهای آن را به مصرف وقف برساند.

(سؤال ۷۶۰) ملکی موقوفه اعم از باغ و زمین مزروعی در مسیر جاده قرار گرفته آیا از بین بردن آنها از نظر جنابعالی جائز است یا خیر؟ راه شرعی آن را مرقوم فرمایید.

جواب: اگر طبق تشخیص متولّی شرعی، احداث جاده برای موقوفه مصلحت داشته باشد مانع ندارد و الا جائز نیست.

(سؤال ۷۶۱) اگر کسی زمین وقف را خانه ساخته وظیفه او چیست آیا با دادن مال الاجاره سکونت بلا اشکال است؟

جواب: با پرداخت مال الاجاره به متولّی شرعی، سکونت مانعی ندارد.

مشکوک بودن وقف

(سؤال ۷۶۲) در قریه رهنان اصفهان قبرستانی است که از وقف خاص و عام بودن آن اطلاع نیست اخیرا از دهات مجاور، اموات خود را به این گورستان می آورند احتمال دارد که در آینده برای مردم محل، موجب عسر و حرج باشد آیا عمل مذکور جایز است یا نه؟ در صورت عدم جواز، اهالی می توانند از آوردن اموات ممانعت نمایند یا خیر؟

با توجه به اینکه هر روستایی در گذشته برای خود گورستانی داشته است.

جواب: اگر پس از تحقیق کامل، وقفیّت آن، برای دفن اموات ثابت شود در صورت ثبوت وقف خاص، غیر موقوف علیهم حق تصرف ندارند و در صورت ثبوت وقف عام دفن هر مسلمانی در آنجا جائز است، و اگر اصلا وقفیّت آن ثابت نشود در صورتی که جزء حریم آن محل باشد، دفن در

آنجـا برای غیر اهـل آن محـل جـایز نیست و در صورت عـدم جواز آن، عموم اهـالی مجـاز در ممانعت نمی باشـند، بلکه باید اطلاع مسئولین مربوطه برسانند تا آنها طبق مقررات ممانعت نمایند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۱

مسائل وصیّت

(سؤال ۷۶۳) آیا مسـلمان همماننـد پیروان ادیان الهی دیگر می توانـد وصـیت کنـد که بعـد از مرگ جنازه اش به جای تدفین سوزانده شود؟

جواب: جائز نیست و در صورت وصیّت هم عمل کردن به آن حرام است.

(سؤال ۷۶۴) پـدری می خواهـد بعضـی فرزنـدان ذکور خود که در املاـک کشـاورزی و غیره او به پـدر کمک می نموده اند مقداری بیشتر از سایر ورثه سهم ببرند و در وصیّت خود این موضوع را نام می برد حال بعد از مرگ پدر اختلاف بوجود آمده تکلیف چیست؟

جواب: پدر در زمان حیات هر چه بخواهد به پسـرش ببخشد یا صلح کند مانعی ندارد ولی اگر می خواهد وصیّت کند که بعد از مردن به پسر بدهند اگر سایر ورثه امضاء کنند باز مانعی ندارد و اگر نه نسـبت به یک سوم مانعی ندارد و نسبت به دو سوم دیگر بسـته به اجازه ورثه است، چنین پـدری اگر مایل است در زمان حیات خود هر انـدازه می خواهد به پسـرش صـلح قطعی کند که الان مالک شود.

(سؤال ۷۶۵) آیا اگر کسـی وصـیّت نمود به اینکه بعـد از مرگ چشم یا ریه و قلب او را درآورند و در بیمارسـتانها جهت افراد نیازمند مصرف نمایند چنین وصیّتی درست و نافذ است یا نه؟

جواب: تفصیل آن در رسالهٔ توضیح المسائل مذکور است.

(سؤال ۷۶۶) میت در وصیتنامه اش نوشته «راجع به اموالم علی کتاب اللّه عمل شود» آیا این وصیت به ثلث

است یعنی به استناد این عبارت ثلث ما ترک از منقول و غیر منقول را باید برای میّت مصرف کرد؟

جواب: در فرض مسأله، دیون میت و تجهیزات واجبه او از قبیل مخارج تغسیل و تکفین و دفن، از ترکه او برداشته می شود و بقیه در بین ورثه تقسیم می شود و ثلث

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۲

برداشته نمی شود و اگر وجوه شرعیه بدهکار باشد یا اینکه حج واجب در ذمه داشته باشد آن هم حکم دیون را دارد که از اصل ترکه برداشته می شود.

(سؤال ۷۶۷) و آیا فرزند بزرگ میت می تواند بدون رضایت ورّاث صغیر، در مواردی که وصیت به ثلث نافذ است ثلث را تماما از زمین حساب کند و برای خود بردارد به این بهانه که قیمت آن را برای میّت مصرف می کند؟

جواب: چنین حقی را ندارد.

(سؤال ۷۶۸) یک زن و شوهر وصیت می نماید هر کدام از دار فانی رفتیم مال را ورثه نبرند تا دومی هم از دار فانی برود ولی دوّمی بدون احتیاج، دست به فروش اموال می زند آیا چنین وصیتی است یا خیر؟

جواب: وصیت در زائد بر ثلث نافذ نیست مگر اینکه ورثه اجازه کنند و در هر صورت، موصی مادامی که زنده است حق هر گونه تصرف در اموال خود را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۳

مسائل نذر و قسم

(سؤال ۷۶۹) صیغه نذر اگر به این شکل اداء شود: خدایا مریضم را شفا بده صد تومان نذر حضرت عباس، آیا تعهدآور است و وفاء به آن واجب؟

جواب: انعقاد نذر به این صورت معلوم نیست ولی احتیاط در عمل نمودن به آن است.

(سؤال ۷۷۰) اگر وقت آن نذر، معیّن باشد مثلا

روز عاشورا وقت اداء آن باشد با عدم امکان، آیا ساقط می شود؟

جواب: در صورت عدم امکان عمل به نذر، وجوب عمل به نذر ساقط می شود.

(سؤال ۷۷۱) شخصی نذرش گوسفند نر بوده ولی پس از ذبح، ماده در می آید وظیفه اش چیست؟

جواب: در فرض سؤال مجزی نیست.

(سؤال ۷۷۲) کسانی که اطعام برنج و روغن و امثال آن نذر دارند و با کمبود آن مواجهند وظیفه شان چیست؟

جواب: هر کس با رعایت شرائط، نذر کرده باشد در صورت تمکّن باید طبق نذر، عمل کند و در صورت تعذّر، ساقط می شود.

(سؤال ۷۷۳) یک نفر پسری داشته دوساله از کوه افتاده و دختری داشته یک ساله (به منظور شفای آن پسر) در حال عصبانیت نذر می کند دختر را در راه خدا به یک فقیر یا یک سیّد بدهد و در رساله نوشته شده نذر در حال عصبانیت جائز نیست لطفا جواب بدهید.

جواب: اگر بر خلاف مصلحت دختر نذر کرده باشد صحیح نیست و اگر با ملاحظه مصلحت دختر نذر کرده باشد و نذرکننده پدر یا جد پدری دختر بوده و شرائط نذر را که در توضیح المسائل بیان شده رعایت کرده و عصبانیتش در حد سلب اختیار نبوده طبق نذر عمل شود.

(سؤال ۷۷۴) کسانی که چیزی برای ضریح حضرت ابو الفضل (ع) نذر کرده اند آیا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۴

باید تا بازشدن راه کربلا صبر کنند یا از طریق کشورهای خلیج فارس ارسال دارند یا به جبهه های نور علیه ظلمت بدهند؟

جواب: اگر با رعایت شرائطی که در رساله عملیّه بیان شده است نذر کرده باشند باید به هر نحو ممکن طبق نذر خود عمل نمایند.

(سؤال ۷۷۵) در مواردی که انسان نذر

می کنـد چیزی برای ضـریح یا حرم یکی از ائمه (ع) یا حضـرت عباس (ع) بفرسـتد و قادر بر ارسال نیز هست و لیکن می داند که آن چیز کلا یا بعضا به مصارف دیگر می رسد وظیفه او چیست؟

جواب: اگر می داند در صورت ارسال آنچه نذر کرده به مصـرف منذور له «۱» نمی رسد احتیاطا در جهتی که به مقصود ناذر نزدیک تر است صرف نماید.

(سؤال ۷۷۶) این گونه نـذرها که صد تومان مثلا نذر حضـرت عباس یا حضـرت امام حسـین (ع) می شود چگونه باید صـرف شود؟

جواب: اگر نـاذر، منظور خاصـی در صـرف آن نداشـته می توانـد به نیّت اهـداء ثواب به منـذور له آن مبلغ را در هر کـار خیر صرف نماید، ولی بهتر است که آن را به زوّار منذور له و یا در اقامه عزاداری آنان مصرف نماید.

(سؤال ۷۷۷) قسم هایی که زنان در خانه هنگام ناراحتی با بچه یا شوهر خود می خورنـد گرچه موارد آنها خلاف شـرع و گناه نباشد با این حال آیا عمل به آن، شرعا واجب است و ترک آن کفاره دارد یا نه؟

جواب: اگر ناراحتی او در حـدّی نباشـد که او را مسـلوب الاراده کرده باشد و از روی قصد و اختیار، قسم بخورد و مورد قسـم مرجوح «۲» نباشد عمل بر طبق آن واجب است و مخالفت آن کفاره دارد.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۱، ص: ۲۲۴

(سؤال ۷۷۸) و آیا اصولا اگر از روی ناراحتی و عصـبانیت قسم و نذر انجام شود گرچه به حدّ غیر اختیاری بودن نمی رسد باز عمل به آنها واجب است یا نه؟

جواب: حکم مسأله

سابق را دارد و تفصیل شرائط قسم و نذر در رسالهٔ توضیح المسائل مذکور است.

---

(۱)- منذور له: کسی که برای او نذر شده.

(۲)- مرجوح: کاری که حرام یا مکروه باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۵

مسائل خوردنیها و آشامیدنیها

(سؤال ۷۷۹) یک نوع ماهی در اینجا (بوشهر) مصرف می کنیم که قبا نام دارد و با اینکه می گویند در دم آن پولک باید باشد ما مشاهده نکرده ایم و شرکت تعاونی و شیلات جنوب آن را برای فروش و خوردن توزیع می کند تکلیف چیست؟

جواب: در میان انواع ماهی ها هر کدام فلس (پولک) دارد یا اینکه بعد از بزرگ شدن فلس دار خواهد شد حلال است و اگر از جنس فلس دار نباشد حرام است.

(سؤال ۷۸۰) اکنون که کشورمان اسلامی است خوردن سوسیس، کالباس و همبرگر چگونه است؟

جواب: هر نوع گوشتی که از مملکت غیر اسلامی وارد می شود، پخته یا خام، اگر ذبح شرعی آن ثابت نشده باشد خوردن آن حرام است، بلی اگر از مسلمان بخرد و احتمال بدهد که او تحقیق کرده و ذبح شرعی را احراز نموده و به علاوه خودش اجتناب نمی کند در این صورت اشکال ندارد.

(سؤال ۷۸۱) سؤال دیگرم در مورد سوسیس هایی است که از کشورهای اجنبی وارد می شود بفرمایید که چه حکمی دارد؟

جواب: سوسیس اگر در آن، گوشت باشد، گوشتی که از کشورهای غیر اسلامی است خوردنش جائز نیست مگر اینکه از طرف دولت اسلامی بر کشتار آن نظارت شود.

(سؤال ۷۸۲) یک سؤال دیگر درباره گوشت غیر ذبح اسلامی است که بعضی از اساتید اجازه فرموده اند بنده نظر حضرتعالی را خواستارم. (هوستون آمریکا)

جواب: گوشت غیر ذبح اسلامی حکم میته را دارد و حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱،

(سؤال ۷۸۳) اخیرا در روزنـامه کیهـان خوانـدم که ایران خرچنگ به ترکیه و برخی دیگر از کشورهای خارجی صادر می کند آیا این خرچنگ های صادراتی جمهوری اسلامی ایران حلال هستند و می توان مصرف کرد یا نه؟

جواب: خرچنگ حرام است ولی اگر از غیر مسلمان، در برابر رفع ید از آن پولی گرفته شود اشکال ندارد.

(سؤال ۷۸۴) غذای نجس را می توان به بچه نابالغ داد تا بخورد یا نه؟

جواب: در صورتی که ضـرر داشـته باشـد حرام است بلکه اگر هم ضـرر نداشـته باشد بنابر احتیاط واجب باید از آن خودداری کننـد ولی خورانـدن غذاهایی که خود طفل، نجس کرده به او مانعی ندارد و اگر خود طفل غذای نجس را بخورد یا با دسـت نجس، غذا را نجس کند و بخورد لازم نیست از او جلوگیری کنند.

(سؤال ۷۸۵) در برخی از شربت ها که مصرف پزشکی دارند الکل وجود دارد آیا می توان از این شربت ها استفاده نمود؟

جواب: هر کس بدانـد شـربتی مشـتمل بر الکل مسـکر است اگر چه یک درصـد باشـد نمی توانـد مصـرف کند مگر در مواقع ضرورت و فقدان جایگزین آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۷

مسائل صید و ذبح

(سؤال ۷۸۶) صـیّادها تور یـا قلاـب مـاهیگیر را در آب می اندازنـد و روز بعـد مشاهـده می کننـد ماهی در تور یا به قلاب می باشد، ولی ضمنا آب هم پایین رفته و ماهی در خشکی است آیا این گونه ماهی ها حلال است؟

جواب: بنابر اقوی اگر به جهت افتادن در تور مرده باشد حلال است چه در آب مرده باشد و چه در خارج از آب.

(سؤال ۷۸۷) اگر صیاد، ماهی را صید کند و از شکم آن، ماهی دیگر بیرون آید

آیا ماهی دیگر که از شکم آن بیرون آمده حلال است یا خیر؟

جواب: حلال نیست مگر اینکه زنده، آن را از آب بیرون آورده باشند.

(سؤال ۷۸۸) ماهی هایی که توسط تورهای ماهیگیری بزرگ توسط صیّادان، صید می شوند معمولاً تعدادی از ماهی ها که در تور در زیر قرار دارند قبل از بیرون آمدن تور از آب در اثر سنگینی و فشار ماهی ها می میرند حکم آنها از نظر حلال بودن چیست؟

جواب: بنابر اقوی حلال است.

(سؤال ۷۸۹) رو به قبله بودن حیوان علاوه بر حال ذبح و قطع اوداج اربعه آیا در حال نزع روح هم شرط است؟

جواب: رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

(سؤال ۷۹۰) ذبیحه کافر و مشرك اعم از اهل کتاب و منکرین که وجه متمایزی هم ندارند همچنان نجس و حرام است؟

جواب: ذبیحه کفار حرام است و اگر عسر و اضطرار باشد «الضّرورات تتقدّر بقدرها «۱»».

(سؤال ۷۹۱) ذبح با وسائل برقی اگر تمام شرائط آن محقّق باشد و فقط مباشرت ذابح نباشد آیا کفایت می کند؟

جواب: مشکل است.

---

(۱)- یعنی احکام ضرورتها محدود به وجود و حدود ضرورتها است و نه بیشتر.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۲۸

مسائل احیاء موات

مشترکات

(سؤال ۷۹۲) در طول رودخانه ای دو ده واقع شده از قدیم الایام آب رودخانه مورد استفاده ده پایین بوده و ده بالا از آب قنات مشروب می گردیده و در حال حاضر اهل ده بالایی می خواهند آب رودخانه را بسته و مورد استفاده قرار دهند. آیا شرعا این حق را دارند؟

جواب: اگر اهالی روستای پایین با احداث نهر و غیره آن آب را حیازت کرده باشند اهالی روستای بالا حق تملك آن را ندارند و الا

هر کس جلوتر حیازت «۱» کند متعلق به او می باشد.

(سؤال **۷۹۳**) برای هر ده محدوده معینی به عنوان مرتع معین شده در صورتی که مقداری از آب و گیاه آن محدوده زائد بر ما یحتاج اهل ده باشد آیا می توانند منافع مقدار زائد را به عنوان اجاره یا صلح به دیگران واگذار نمایند یا خیر و در صورتی که این حق را داشته باشند وجه دریافتی در چه اموری باید مصرف گردد؟

جواب: اگر موات «۲» بالاصاله باشد زائد بر مورد نیاز عموم خارج از حریم است و اهالی نمی توانند در برابر آن به هیچ عنوان پول بگیرند.

(سؤال **۷۹۴**) در اطراف دهات کوهپایه تپه و کوههایی وجود دارد که از قدیم مشهور به محدوده همان محل می باشد و اهالی روستاهای مستضعف مانند روستای ما که قادر به عمران و آبادی آنها نیستند تا به حال آنها را اجاره می دادند و در عمران و آبادی محل، مصرف می کردند متأسفانه در حال حاضر شخصی از همین روستا همه این

---

(۱)- حیازت: تملّک اموال بدون صاحب مثل انفال.

(۲)- موات بالاصاله: زمینی است که هیچ سابقه آبادی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: **۲۲۹**

مراتع را مجانا تصرف نموده است و هیچ گونه کمکی به محل نمی نماید مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمایید؟

جواب: از زمینهای موات مادامی که احیاء نشده است همه حق استفاده دارند و حق ممانعت از استفاده دیگران ندارند مگر اینکه مرتع آبادی باشد.

(سؤال **۷۹۵**) زارعین، زمین های آبی را در بین خودشان با چشمه و آب معین تقسیم کرده اند بعدا مقداری بالاتر از چشمه معین چشمه دیگری به خودی خود پیدا و جاری شده است آیا این آب، مربوط

به چشمه اولی است یا مربوط زارعین منطقه می باشد؟

جواب: اگر در ملک شرعی فردی یا افرادی حادث شده باشد به تبع زمین متعلق به مالک شرعی زمین می باشد و اگر در زمین موات بالاصاله حادث شده باشد متعلق به حیازت کننده می باشد.

تحجیر و احیاء

(سؤال ۷۹۶) اگر کسی پستی و بلندی دامنه کوه واقع در نواحی شهر را برای فروش تسطیح نماید با این عمل مالک می شود یا خیر؟

جواب: اگر تسطیح «۱» مقدمه احیاء باشد و آن را رها هم نکرده باشد حق اولویت دارد برای احیاء ولی مالکیتی که مجوز فروش باشد حاصل نشده.

(سؤال ۷۹۷) در شهرک سالاریه قم، زمینهایی وجود دارد که در ابتداء به صورت تپه و درّه بوده و قبل از انقلاب اسلامی شرکتی کلیه آن زمین ها را تسطیح نموده و برای ساختمان سازی آماده نموده است و علاوه بر این تمام منطقه را خیابان کشی و اسفالت نموده و آب و برق آورده است آیا این تسطیح، احیاء محسوب می شود یا نه و توضیح اینکه در همان سال شرکت و مردم خانه های زیادی هم در همان منطقه ساخته اند؟

جواب: هر مقداری که ساخته شده متعلق به سازنده است و نسبت به بقیه که

---

(۱)- تسطیح: صاف و هموار نمودن زمین.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۰

تسطیح و خیابان کشی شده اگر برای احیاء بوده حکم تحجیر را دارد و اگر برای فروش بوده ارزش کارشان را می توانند مطالبه نمایند.

(سؤال ۷۹۸) سازمان اراضی شهری برابر مقرراتی که دارد زمینهایی را که افراد معمولی با اسناد عادی خریداری نموده اند به عنوان اینکه این اسناد اعتبار ندارد و زمین موات شناخته می شود تملک و به افراد دیگر واگذار می کند این

امر سبب مشکلات عدیده برای مردم و محاکم قضایی گردیده در صورتی که اقدامات سازمان اراضی شهری بر خلاف شرع باشد توضیح دهید. (دادگستری شهرستان قم)

جواب: اگر زمین، زمین محیاه «۱» و کشت باشد مادامی که دولت خریداری نکرده است متعلّق به مالک می باشد و مالک به هر کس فروخته است او مالک می شود و اگر دولت به آن نیاز دارد باید خریداری کند. و اگر زمین موات بوده است در صورتی که قبلا کسی آن را تحجیر کرده است حق تقدم دارد، و اگر مشغول ساختمان است مزاحمت او جائز نیست.

(سؤال ۷۹۹) زمین موات جهت زراعت و غرس اشجار احیاء شده در حالی که پروانه حفر چاه آن توسط شخص محیی، به نام دیگری درخواست و نوشته شده بدون اینکه قصد احیاء برای او باشد و یا کمترین مبلغی از آن شخص در این مورد هزینه شده باشد در صورت اختلاف، کدام یکی از آنان مالک آن زمین خواهد بود؟

جواب: اگر احیاءکننده و اجیر و وکیل شخص دیگر است و از طرف او و به قصد او زمین احیاء می کند زمین متعلق به موکل است، و اگر اجیر و وکیل او نیست و فقط از نظر مراسم اداری برای مصالحی پروانه حفر چاه به نام او درخواست شده متعلق به احیاءکننده است (من احیی ارضا میته فهی له) (هر کس مرده ای را آباد کند آن زمین مال اوست).

(سؤال ۸۰۰) آیا ثبت زمین موات به نام دولت یا وضع قانون بر منع مداخله اشخاص، مانع شرع برای احیاء موات می باشد؟ و راه تملک را مسدود می نماید و آیا

---

(۱)- زمین محیات: زمین آباد شده.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱،

عمل ثبت به نام دولت یا اشخاص بدون عمل احیاء یا تحجیر حق تقدمی در احیاء ایجاد می کند؟ (دادگستری شهر کرد)

جواب: زمین در صورتی که سابقه عمران نداشته باشد هر کس احیاء کند آن را مالك می شود و اگر به قصد احیاء تحجیر کرده باشد حق اولویت دارد و ثبت و تنظیم سند بدون احیاء و تحجیر موجب مالکیت و اولویت نمی شود. ولی دولت اسلامی جامع شرائط می تواند زمین موات را تحت اختیار خود قرار دهد و بر طبق مصلحت در آن عمل نماید.

(سؤال ۸۰۱) از طرف حکومت طاغوت با وجود مقررات گذشته به عده ای از اشخاص چندین هکتار از اراضی مرتع واگذار شده است ولی آنان این زمینها را به حال خود گذاشته و هیچ گونه سابقه احیایی ندارند. مستدعی است حکم شرعی را درباره مالکیت اراضی مذکور مرقوم فرمایید.

جواب: زمین موات بالاصاله را هیچ کس بدون احیاء مالك نمی شود، و تحجیر «۱» موجب حق اولویت می باشد.

حریم

(سؤال ۸۰۲) سازمان آب منطقه قصد دارد جهت لوله کشی بعضی شهرها چاه آبی را در رگه های آب قنات بعضی روستاها ایجاد نماید به طوری که بعضی از کارشناسان خود سازمان احتمال کم شدن آب قنات و تأثیر آن در سالهای آتی را می دهند مستدعی است حریم روستا را بیان فرمایید و اگر احتمال کم شدن آب قنات را در سالهای آینده برای این روستاها بدهند آیا می توانند چنین چاه را حفر کنند یا خیر؟

جواب: اگر با تشخیص اهل خبره، زدن چاه ضرر به آب قنات برساند احتیاج به اجازه مالکین قنات دارد و حریم روستا از اطراف آن، جاهایی است که اهالی روستا در استفاده های

عمومی احتیاج به آنها دارند و مزاحمت آنها جائز نیست.

---

(۱)- تحجیر: سنگ چینی زمین مرده جهت آباد کردن آن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۲

(سؤال ۸۰۳) حریم قنات در زمین های موات برای اهل روستا چند زراع و در زمینهای آباد چند متر می باشد؟

جواب: حریم قنات در اراضی غیر معموره «۱» اگر خاکش سخت باشد پانصد زارع و اگر نرم باشد هزار زراع است ولی در اراضی معموره حریم ندارد.

(سؤال ۸۰۴) منطقه ای به نام علف خواره و آبخوره حیوانات مشترک قریه می باشد ولی یک نفر از افراد قریه همین زمین را زراعت نموده آیا مالك می شود یا خیر؟

جواب: اگر جزء حریم قریه باشد هیچ کس حق تملک ندارد و اگر خارج از حریم باشد تملك آن با احیاء مانع ندارد.

(سؤال ۸۰۵) شورای اسلامی روستای اسفندیار در کنار زمینهای کشاورزی و آغل های گوسفندان در زمین موات دویست و چهارده دستگاه واحد مسکونی از طریق بنیاد مسکن که وجه آن را خود مردم در اختیار گذاشته اند ساخته است، ولی مقدار و اندازه حریم شرعی زمینهای کشاورزی و آغل های گوسفندان نیاز به توضیح دارد مستدعی است بیان فرمایید؟

جواب: حریم زمینهای مزروعی و جایگاههای حیوانات از اطراف آن به مقداری است که استفاده از آنها متوقف بر آن می باشد و هر چه استفاده متوقف بر آن نباشد جزء حریم نمی باشد.

---

(۱)- اراضی غیر معموره: زمینهای غیر آباد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۳

مسائل لقطه

(سؤال ۸۰۶) اگر انسان چیزی را، در راه پیدا کرد با چه شرائطی و تا چه مقدار که باشد باید به دنبال صاحبش تحقیق نماید؟

جواب: چیزی که انسان پیدا کرده و صاحب آن معلوم نیست اگر ارزش آن کمتر از

یک درهم باشد جستجو لازم نیست و یابنده آن می تواند خودش مصرف کند و به مستحق دادن آن هم واجب نیست و درهم تقریبا ۲ گرم و نیم نقره سکّه دار است که باید به قیمت روز حساب شود.

(سؤال ۸۰۷) در لقطه (مال پیدا شده) اگر قبل از پایان یافتن اعلان سال از یافتن صاحب مال مأیوس شود آیا باز اعلان تا یک سال لازم لازم است یا ساقط می شود؟

جواب: اگر به کلی مأیوس شده باشد اعلان و تعریف ساقط می شود و می تواند آن را صدقه بدهد ولی تملّک آن در این فرض اشکال دارد.

(سؤال ۸۰۸) در لقطه آیا عدد، جزء علامت است (مثلا صد تومان) یا خیر؟

جواب: موارد و جاها مختلف است.

(سؤال ۸۰۹) اگر مالی در حد نصاب یا بیشتر پیدا شود و می دانیم که این مال از فرد دیگری به سرقت رفته، آیا باید به شخص گم کرده برگردانده شود یا به صاحب اصلی مال؟

جواب: در صورت امکان به صاحب اصلی بازگردانده شود و در صورت عدم امکان، به حاکم شرع جامع الشرائط داده شود.

(سؤال ۸۱۰) در صورتی که صاحب اصلی را نمی شناسد وظیفه او چیست؟

جواب: به حاکم شرع جامع الشرائط رسانده شود و یا با اجازه او صدقه داده شود.

(سؤال ۸۱۱) اگر از اموال عمومی که تحت تصرّف ظلمه است چیزی در حدّ نصاب یا بیشتر پیدا شود وظیفه یابنده چیست؟

جواب: به حاکم شرع جامع الشرائط رسانده شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۴

مسائل ارث

(سؤال ۸۱۲) میت، پسر، دختر و دو نوه ای که پدرشان قبل از او مرحوم شده دارد، آیا نوه ها از جدّشان ارث می برند یا وجود عمو و عمه مانع می شود؟

جواب:

در فرض مسأله نوه ها از ترکه جدشان ارث نمی برند بلکه از ترکه پدر خودشان ارث می برند.

(سؤال ۸۱۳) تعداد ۱۶ نفر مددجو مبلغی در مرکز نگهداری معلولین شهرستان قم داشته و فعلا فوت شده اند و وارث قانونی ندارند، مصرف وجوه فوق را بیان فرمایید.

(اداره بهزیستی شهرستان قم)

جواب: اگر وارث شرعی آنها معلوم نیست و راهی برای شناخت وارث ندارید حکم وجوه نامبرده صدقه است به مصرف محتاجین برسد.

(سؤال ۸۱۴) زوجه مقتول آیا از عین زمین یا ساختمان که به عنوان دیه و خون بهاء داده شده است ارث می برد یا نه؟

جواب: بلی از عین آن ارث می برد.

(سؤال ۸۱۵) آیا مجرد اطلاع و رضایت شوهر از سقط جنین که توسط همسر او انجام شده مانع ارث بردن شوهر از دیه سقط جنین می باشد یا نه؟ بلکه باید به نحوی هر چند به شکل دستور یا ترغیب و تشویق همسر در انجام سقط دخالت داشته باشد؟ و یا غیر مباشر، محروم از ارث بردن از دیه نمی شود؟

جواب: مجرد اطلاع و رضایت، موجب و محرومیّت از ارث نیست.

(سؤال ۸۱۶) مهریه زوجه پس از اداء تمام دیون متوفّی تا دیه می شود یا قبل از آنها داده می شود و آیا زوجه قبل از تقسیم ترکه زوج متوفّی حق سکونت در خانه او را دارد یا خیر؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۵

جواب:: ۱- مهر زوجه حکم سائر دیون متوفّی را دارد که اگر ترکه او وافی باشد باید از اصل ترکه اخراج شود و اگر وافی نباشد باید ترکه او به نسبت دیونش در بین طلبکارها تقسیم شود.

۲- زوجه بدون توافق ورثه زوج حق ادامه سکونت در خانه زوج را ندارد

و ورثه هم بنابر احتیاط واجب قبل از اداء سهم الارث زوجه از قیمت هوایی ساختمان بدون رضایت زوجه حق تصرف در خانه را ندارند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۶

مسائل تحقیق و تجسّس

(سؤال ۸۱۷) تحقیق از مسائل شخصی و خانوادگی و یا مفاسد اخلاقی افراد چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و اشاعه فحشاء نیز حرام است.

(سؤال ۸۱۸) مسئولین ژاندارمری و غیره گاهی مأمور می شوند که در خصوص لواط، که بعض افراد به آن متهم هستند تحقیق کنند آیا این عمل جایز است یا نه؟

جواب: تجسس در مورد سؤال جایز نیست.

(سؤال ۸۱۹) در مورد اتهام زنا و لواط رویّه بر این بوده که بازپرس، شخصی را که در مظانّ تجاوز است برای کشف جرم به پزشک معرفی می نماید با توجه به اینکه متّهم انکار کند و شاهدی هم در بین نباشد آیا این گونه تحقیقات در امور فوق جایز است یا خیر؟

جواب: جایز نیست.

(سؤال ۸۲۰) در گزینش افراد برای کارهای اجتماعی و دولتی اگر سابقه اخلاقی داشته باشند و فعلا به کلی تغییر مسیر داده اند آیا پیگیری از سوابق آنان لازم و یا صحیح است یا نه؟

جواب: مفید بودن و مضر نبودن وجود هر کس محرز باشد پذیرش او مانع ندارد و اگر واقعا از گذشته تائب باشد و به کلی تغییر مسیر داده در گزینش تحقیق نسبت به گذشته وی بی مورد است و باید آبرو و حیثیت افراد کاملا حفظ شود.

(سؤال ۸۲۱) بازداشت متّهم در مراحل مقدماتی و تحقیقاتی که از آن، به قرار بازداشت موقّت تعبیر می شود به مجرّد گزارش یا ظنّ بر مجرميّت و ظنّ به فرار متّهم و امحاء آثار جرم احتمالی، جایز

است یا خیر؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۷

جواب:: تحقیق و تجسّس در حقوق الهی و بخصوص امور جنسی و عرضی جایز نیست و در سایر موارد، اگر مدّعی خصوصی در بین باشد، طبق بعضی روایات، در اتهام قتل، تا شش روز، حاکم شرع حقّ بازداشت متهم را دارد و در غیر آن باید طبق ضوابط باب قضا عمل شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۸

مسائل قضاوت

شرائط قاضی

(سؤال ۸۲۲) قاضی در قضاوت باید به فتوای مرجع تقلید محکوم علیه عمل کند یا مرجع خودش و یا اگر مجتهد می باشد به فتوای خودش؟

جواب: قاضی جامع الشرائط فتوا طبق نظر خود حکم می کند و قاضی منصوب از طرف مجتهد جامع الشرائط تابع نصب است و غیر این دو طائفه حق حکم کردن ندارند و بر فرض حکم کردن، حکم آنها نافذ نیست.

(سؤال ۸۲۳) اگر قاضی محکمه ای در بین مردم و یا بین مترافعین به عدالت شناخته شده نیست و یا او را فاسق بدانند در چنین موردی حکمش نافذ است شرعا؟

جواب: در قاضی شرع، عدالت شرط است و اگر مترافعین «۱» او را عادل ندانند باید به قاضی شرعی که عادل می دانند مراجعه نمایند.

(سؤال ۸۲۴) آیا جهت احقاق حق، مراجعه به دادگاههای اینجا خلاف شرع است یا نه؟ (تعدادی از شیعیان ترکیه)

جواب: اگر گرفتن حق، موقوف به مراجعه به آنها باشد مانع ندارد.

طرح دعاوی

(سؤال ۸۲۵) اگر کسی علیه کسی دیگر شکایت کند و مدتی کم یا زیاد، وقت مدعی علیه را گرفته و او را از شغل و کارش بازدارد و در نهایت امر، معلوم شود که ادعا بی مورد و بدون دلیل بوده، آیا مدعی علیه در این صورت می تواند ضررهای مالی خود را از وی مطالبه کند یا نه؟

(۱)- مترافعین: طرفین دعوا در یک قضیّه.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۳۹

جواب:: اگر طرف با توجه به ناحق بودن خود، شکایت کنـد مدعی علیه حق مطالبه خسارت وارده و اجرای تعزیر را از مدعی باطل دارد ولی اگر شاکی، خود را محقّ می دانسته و ادله هم اقامه کرده منتها نزد قاضی ثابت نشده و

حکم به نفع او نشده در این صورت ادعای خسارت و اجراء تعزیر بر او مشکل است.

(سؤال ۸۲۶) زن بی شوهر وضع حمل می کند و ادعا می نماید که مولود مربوط به فلان شخص می باشد که از راه زنا تکوّن یافته است و مرد متهم، اظهارات زن را تکذیب می کند با توجه به اینکه نفقه ولد زنا بر زانی است و نفقه یک امر مالی است و اظهارات زن در مقام مطالبه نفقه باشد نه در مقام اجراء حدّ آیا در مقام فصل خصومت، یمین متوجه مرد می شود یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال اگر چه مادر بچه مستقیما طرف دعوی نیست تا بتوان آن مرد را قسم داد ولی نظر به اینکه اگر پدر بچه پیدا نشود وجوب انفاق متوجه به مادر می شود لذا بعید نیست مدعی شمرده شود و بتواند قسم را متوجه به مدعی علیه کند.

(سؤال ۸۲۷) اگر مدعی در اثبات مدعای خود بیّنه کافی نداشته باشد و به تحلیف منکر هم حاضر نباشد آیا می شود منکر را تبرئه یا قرار منع تعقیب صادر نمود یا اینکه دعوی مطروحه و پرونده بلا تکلیف بماند؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: در مفروض سؤال، پرونده متوقف می شود و مدعی مادامی که مدعای خود را ثابت نکرده است حق مزاحمت مدعی علیه را ندارد.

(سؤال ۸۲۸) در صورتی که قتلی واقع شود و اولیاء مقتول ادعاء کنند که قتل عمدی بوده و قاتل ادعاء کند که قتل واقع شده خطأیی بوده و هیچ کدام بیّنه نداشته باشند و لوثی هم در کار نباشد اولا مورد از باب تداعی است یا خیر؟ و اگر از باب تداعی است چنانچه در تحریر الوسیله

به آن تصریح شده نتیجه بعد از تحالف چه خواهد شد؟

(دادگستری شهرستان قم)

جواب: مورد سؤال ظاهرا از باب تداعی نیست بلکه اولیاء دم، مدعی و قاتل، منکر است و اولیاء دم حق قسم دادن قاتل را دارند و چون ثبوت قتل به اقرار است دیه به عهده خود قاتل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۰

(سؤال ۸۲۹) در جرائم حقوق الهی که اعم از حدود و تعزیرات است، آیا در مرحله اتهام و رسیدگی مقدماتی قبل از ثبوت و یا پس از ثبوت حدّ و تعزیر، کفالت صحیح است یا نه؟ (دادگستری شهرستان بجنورد)

جواب: در مورد سؤال کفالت صحیح نیست.

(سؤال ۸۳۰) اگر شوهر زن و یا نزدیکان وی و یا نزدیکان فردی که متّهم به عمل لواط یا زنا یا معانقه یا تفخیذ می باشد به مراجع انتظامی و یا قضایی شکایت نمایند و محل انجام گناه را مشخص نمایند، کشف و تعقیب آن جایز است یا نه؟

جواب: اگر شاکی، زوج باشد، حکم لعان «۱» با رعایت شرائط آن اجراء می گردد و اگر غیر زوج باشد باید شرائط شهادت رعایت شود و علم قاضی شرع در امور جنسی شرعا نافذ نیست.

موارد سوگند منکر

(سؤال ۸۳۱) شخصی در حالی که سرش شکسته و زخمی است به سه نفر صریحا گفته که سر مرا آقای زید شکسته است و این سه نفر بیشتر از این، از اصل ماجرا و صحنه درگیری اطلاع نداشته اند، یعنی شهود اصلا شهادت به اصل قضیه و کیفیت واقعه نمی دهند ولی می گویند آقای علی به ما گفت آقای زید مرا زده است در صورت ثبوت ادعا و عمدی بودن آن، قصاص ثابت می شود یا دیه؟ و

اگر مدعی نتواند مدعای خود را ثابت کند آیا منکر باید قسم بخورد و اگر نخورد قصاص می شود و یا دیه گرفته می شود؟

جواب: اگر مستند شاهدها فقط قول مضروب باشد شهادت آنها بی اثر است و مدعی می تواند نزد قاضی شرع به منکر قسم بدهد و منکر اگر نزده باشد می تواند قسم بخورد و می تواند قسم را به مدعی برگرداند، بلی اگر از امارات ظنیه برای قاضی شرع مظنّه به صدق ادعای مدعی حاصل شود، مورد از موارد لوث و قسامه می باشد و در هر صورت اگر ضرب عمدی ثابت شود، در صورتی که قصاص کردن خطری نباشد و مثل آن ممکن باشد مورد قصاص است و الا محکوم به پرداخت دیه می باشد.

---

(۱)- لعان: لعنت کردن زن و شوهر بر دروغگو با شرائط خاص در مورد متهم نمودن شوهر زن خود را به زنا و یا نفی ولد از خود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۱

(سؤال ۸۳۲) در مواردی که اصل زنا ثابت باشد و زن دعوی اکراه نماید و مرد او را تکذیب کند و بگوید با رضایت وی عمل واقع شد و بیّنه هم در کار نباشد آیا مهر المثل به زن تعلق می گیرد یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال یمین متوجه مرد می باشد.

(سؤال ۸۳۳) در جنایت اطفال با فرض اینکه ولیّ طفل انکار می کند می توان سوگند را متوجه ولیّ نمود یا خیر؟

جواب: اگر ضرر جنایت متوجه به مال ولیّ نباشد و متوجه به مال طفل باشد نمی تواند قسم بخورد.

(سؤال ۸۳۴) اگر در یک نزاع دسته جمعی یکی از آنان کشته شود و شهادت گواهان هم در مورد قاتل، مختلف و متزلزل باشد تکلیف باشد

تکلیف چیست؟ جواب: اگر قاضی شرع مورد را از موارد لوث تشخیص بدهد احتیاج به قسامه دارد و الاـ در صورتی که مدعی نتواند اقامه بیّنه کند حاکم شرع، قسم را به منکر متوجه می سازد.

اثبات جرم به اقرار، قسم و غیر آنها

(سؤال ۸۳۵) در صورتی که متهم به زنا چهار مرتبه در نزد غیر حاکم اقرار نموده باشد و بعدا پیش حاکم به اقرارهای قبلی اقرار نماید، مجرد اقرار بر اقاریر برای اثبات حدّ، کافی است یا خیر؟ بر فرض اول تعدد اقرار لازم است یا خیر؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: در مفروض سؤال حدّ جاری نمی شود ولی تعزیر می شود.

(سؤال ۸۳۶) آیا جائز است متهم را تحت فشار قرار داد تا به مفاسد اخلاقی خود یا دیگران اعتراف کند؟

جواب: اجبار بر اقرار در مفاسد اخلاقی شخصی جائز نیست.

(سؤال ۸۳۷) اگر از روی اکراه و یا در شرائط غیر عادی اقراری مربوط به آمریت و یا مباشرت و یا معاونت فرد یا افرادی در قتلی شده باشد شرعا می توان ترتیب اثر داد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۲

جواب:: اقراری که در شرائط تخویف و تهدید و یا اکراه باشد ارزش و اعتبار ندارد.

(سؤال ۸۳۸) آیا به اقرار دیگری در حق کسی که از روی اکراه یا غیر اکراه شده باشد باید شرعا ترتیب اثر داد؟

جواب: اقرار با اکراه اثر ندارد، بلی شهادت شهود عادل در حال عادی بدون اکراه معتبر است هر چند در حق غیر.

(سؤال ۸۳۹) فحاشی، تهدید، ایجاد مزاحمت با قسم ثابت می شود یا نه؟

جواب: با قسم ثابت نمی شود مگر اینکه منکر در نزد قاضی شرع، قسم را به مدّعی ارجاع دهد.

(سؤال ۸۴۰) در بعضی از دعاوی، طرفین قبل از مراجعه

به دادگاه با تراضـی خود به وسیله شخص ثالث مراسم تحلیف را بجا آورده ترک دعوی می کنند، آیا حلف و فصل خصومت مذکور، شرعی و صحیح است که در نتیجه بعدا نمی توانند در دادگاه طرح دعوی کنند یا خیر؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: اگر قاضی شرع طبق موازین قضاء، قسم نداده باشد، طرح دعوی در نزد قاضی شرع مانع ندارد.

(سؤال ۸۴۱) در دیه و قصاص جرح و قتل تصادفات رانندگی که ملاک، استناد جرح و قتل به تقصیر راننده است، آیا این استناد باید به نظر کارشناسان فنّی دولتی باشد یا نظر عامه مردم و شاهدین صحنه تصادف؟ و در صورت تفاوت نظر آنان، کدام مقدّم است شرعا؟

جواب: ملاک، علم قاضی شرع یا بیّنه معتبره و یا اقرار خود راننده است.

(سؤال ۸۴۳) در تشخیص جرم، گاه سازمانهای دولتی از نظر دکتر و تشخیص او در مورد زنا و دخول در قبل و دبر استفاده می کنند آیا این راه شرعیّت دارد و منافی با لزوم چهار شاهد عادل در تشخیص جرم نیست؟

جواب: با نظر متخصص بر فرض اینکه اصل عمل ثابت شود کیفیت عمل و استناد آن به شخص معیّن ثابت نمی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۳

(سؤال ۸۴۳) اگر راننـده سابقه دار و دارای گواهی نامه در اثر سبقت ناگهانی و سرعت غیر مجاز اتومبیل دیگر، وحشت زده شده و کنترل خود را از دست داده و بی اختیار به ماشین دیگری برخورد نماید و خسارت عمده به هر دو ماشین وارد شود در این صورت خسارت وارده به عهده مباشر یا به عهده سبب است؟ که راننده ماشین دیگر بوده که سبقت غیر مجاز داشته است و با

توجه به اینکه کاردانهای فنّی طبق مقررات موجود مباشر را مقصر معرفی کرده و دلیل دیگری هم در بین نباشد، فصل نزاع به چه نحو است و کدام یک از آنان ضامن می باشد؟

جواب: در خسارت وارده ضمان آن دائر مدار استناد است، وارد کردن خسارت با اختیار یا بدون اختیار استنادش به هر کس ثابت شود آن شخص ضامن است و در صورت نزاع و اختلاف طبق موازین قضاء اگر مدعی، بیّنه شرعیه اقامه نکند قسم به منکر متوجه می شود.

(سؤال ۸۴۴) آیا اعمال فشار و تهدید بر شخص زندانی توسط تعزیر جهت اعتراف گرفتن بر اساس اعتراف دیگران و یا وجود گزارش و قرائن احتمالی و ظنّی جایز است؟

و اقرار او شرعا معتبر می باشد یا نه؟

جواب: در مفروض سؤال، تعزیر جایز نیست، تعزیر برای جرم ثابت و محرز است نه برای اثبات و احراز جرم و چنین اقراری شرعا نافذ و معتبر نیست.

(سؤال ۸۴۵) احیانا بعضی افراد با انگیزه خصومت و بی آبرو کردن طرف و یا مقاصد شیطانی دیگری، طرف را هیپنوتیزم نموده و در آن حال، با القاء مطالبی، اقرار و اعترافاتی نسبت به کارهای زشت و قبیحی که بعضا موجب حدّ شرعی هستند از او می گیرند آیا چنین عملی جایز است؟ و آیا چنین اعترافاتی اعتبار شرعی و قانونی دارند یا نه؟

جواب: حرام بودن آن قطعی است و کسانی که متصدّی این قبیل کارها می شوند مستحق تعزیر شرعی هستند و اقرار و اعتراف افراد در چنین حالی ارزش شرعی و قانونی ندارد و چنانچه از این طریق به حیثیت مسلمانی لطمه وارد شود باید جبران گردد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۴

علم قاضی

(سؤال

۸۴۶) در مسأله منکرات مثل زنا و ... آیا علم قاضـی حجت است یا نه و اگر حجت است اعم از اینست که از روی حدس باشد یا از روی حسّ و یا منحصـر است به موردی که خود دیـده باشد و اگر بتواند به علمش مطلقا عمل کند چرا منتظر چهار شاهد عادل و یا چهار اقرار بشود چون نوعا با اقرار اول و دوم علم حاصل می شود. (ستاد مبارزه با منکرات)

جواب: بعضـی از علمـاء، علم قاضـی شـرع را مطلقـا حجت می داننـد ولی به نظر این جانب در امور جنسـی، علم قاضـی شـرع حجّت نیست و در غیر آنها هم احتیاط شود.

(سؤال ۸۴۷) اگر یک نفر شـهادت بدهد بر زنای کسـی و از گفتارش برای قاضـی علم حاصل شود آیا باز باید به آن یک نفر شاهد حدّ قذف زده شود یا نه؟

جواب: در مفروض سؤال اجراء حدّ قذف محل اشکال است.

(سؤال ۸۴۸) اگر شخصـی به جرمی متهم است که به نظر و عقیده خود، اظهار آن شـرعا واجب نیست ولی قاضی شرع او را به دلیـل کتمـان و خـودداری از اعـتراف به آن، تعزیر می کنـد سـؤال این است که در این مورد که به تشـخیص متهم، اظهـار آن واجب نیست می توان شرعا او را تعزیر نمود؟

جواب: تعزیر برای جرائمی است که از راههای شـرعی ثابت و محرز شـده باشد نه برای اثبات جرم. و الحدود تدرأ بالشّـبهات، (با اندک شبهه ای حدّ، جاری نمی شود).

(سؤال ۸۴۹) محدوده اعتبار و حجیّت علم قاضـی شـرع که باسـتناد آن بتواند حکم کند را نسبت به موارد زیر بیان فرمایید: ۱- حق اللّه فردی ۲- حق اللّه اجتماعی ۳-

حق الناس فردی ۴- حق الناس اجتماعی.

جواب: در امور جنسی مانند زنا و لواط، علم قاضی شرع حجّت و نافذ نیست و در غیر آنها نیز احوط اکتفا نمودن به اقامه بیّنه و قسم است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۵

اختیارات قاضی

(سؤال ۸۵۰) با فرض پیگیری شاکی، محکمه می تواند بنا به مصالحی که در نظر است از تعزیر مجرم صرف نظر نماید یا خیر؟

جواب: قاضی منصوب تابع مقررات نصب می باشد.

(سؤال ۸۵۱) آیا حاکم شرع می تواند از نظر زمان موقعیت و تشخیص مصلحت، حکم کلی تعزیر متهمی را به فرد یا افرادی بدهد؟ (مسئولین بازرسی)

جواب: با تعیین معیار می تواند به فرد مورد وثوق خود اجازه بدهد ولی به طور کلی نمی تواند به نظر او موکول نماید.

(سؤال ۸۵۲) با توجه به اینکه تعیین نوع و کیفیت تعزیر شرعا با حاکم است آیا این قاعده در مورد قضاوت مأذون و منصوب که غیر مجتهدند ولی به لحاظ ضرورت، منصب قضا را پذیرفته اند جاری است و یا شرعا این اختیار منحصر به قضاوت واجد الشرائط است؟

جواب: قاضی منصوب تابع نصب است.

(سؤال ۸۵۳) ارش جنایات مانند دیه مؤجل «۱» می باشد یا اینکه اختیار آن از نظر نقد و تأجیل با حاکم است؟

جواب: ظاهرا موکول به نظر حاکم است.

(سؤال ۸۵۴) آیا حاکم شرع می تواند و یا باید زن یا مرد همجنس باز را به ازدواج مجبور نماید و هزینه آن را اگر ندارند بیت المال تأمین نماید؟

جواب: در صورت ثبوت آن با موازین شرعیّه، اجراء حدّ، واجب است ولی مجبور کردن بر ازدواج، واجب نیست بلکه در صورتی که حدّ آن، قتل نباشد یا اینکه اجراء حدّ، ممکن نباشد باید طبق

موازین شرعی نهی از منکر، عمل نماید.

(سؤال ۸۵۵) آیا پس از اثبات جرم متهم در حقوق مردمی اگر دادگاه بدون اعمال

---

(۱)- مؤجل: مهلت دار در برابر نقد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۶

زور شاکی را به گذشت دعوت کند و در اخذ رضایت وی اصرار ورزد که در نتیجه متهم را عفو کند؛ آیا این عمل دادگاه مشروع است یا اینکه عدول از بی طرفی است و دادگاه چنین عملی را نباید انجام دهد؟ (بعضی از دادگاههای عمومی کشور)

جواب: اگر حکم را صادر کند و به ذیحق بفهماند که مجبور بر عفو و گذشت نیست وساطت اشکال ندارد.

(سؤال ۸۵۶) در حقوق الهی مانند زنا و لواط و شرب خمر نمی توان حکم غیابی صادر کرد و در حقوق مردمی مانند اینکه اکبر از علی مثلا صد تومان طلبکار است می توان حکم غیابی صادر کرد آیا تخلفات از مقررات دولتی مانند رانندگی بدون گواهینامه، ترک پست، خوابیدن سر پست، تیراندازی بی مورد هوایی و سایر اموری که خلاف مقررات دولت و حکومت انجام می گیرد از کدام یک از آنهاست؟ حکم غیابی صادر می شود یا نه؟ (دادستانی انقلاب اسلامی و عمومی پاسداران خراسان)

جواب: در موارد سؤال، حکم غیابی اشکال دارد.

(سؤال ۸۵۷) آیا با شکایت شاکی مراجع قضایی بدون شاکی می توانند به عنوان وکیل شاکی، قرارداد کفالت و ضمانت را امضاء نمایند یا نه؟ (دادگستری شهرستان بجنورد)

جواب: مجرد شکایت دلیل بر توکیل مذکور نیست و کفالت مورد سؤال صحیح نمی باشد.

(سؤال ۸۵۸) قاضی محکمه می تواند مظلومی را به طرح دعوی ارشاد نماید یا خیر؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: در مجلس قضا و حضور مترافعین نمی تواند ولی در غیر مجلس قضا مانع ندارد.

(سؤال ۸۵۹) در

تعزیراتی که جنبه حق النـاس دارد از قبیـل تعزیر فحاشـی و اهانت و امثال آن با فرض پیگیری شاکی، محکمه می توانـد نظر به مصالحی که در نظر اوست از تعزیر مجرم صرف نظر کند؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: قاضی منصوب، تابع نصب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۷

نقض حکم

(سؤال ۸۶۰) مولانا یقول احد الفقهاء المعاصـرین لو اصدر الحاکم الشـرعی حکما فی حدّ من الحدود طبقا لشـهاده الشـهود ثم رجعوا عن شـهادتهم لظهور خطائهم قبل الاستیفاء، یجب تنفیذ الحکم فی هذا الحال، ما رایکم فی هذا القول؟ علی سبیل المثال شهد الشاهدان عمروا قد سـرق و حکم الحاکم بقطع الید استنادا علی الشهاده و رجع الشاهدان عن شهادتهما معترفا بالخطاء قبل الاستیفاء یجب علی الحاکم تنفیذ الحکم من غیر اعتبار لمثل هذا الرجوع؟ (اخوانکم فی الخلیج)

جواب: ینقض الحاکم حکمه فی مفروض السؤال.

[س- بعضـی از فقها می گویند: اگر حاکم شـرع به اسـتناد شهادت شهود، حکمی در مورد یکی از حدود شرعی صادر کرد و قبـل از اجراء حکم، شـهود به خطـا خود پی برده و از شـهادت منصـرف شدنـد بـا این حال، حکم حاکم بایـد اجراء گردد نظر حضرتعالی چیست؟ (برادران شما در خلیج فارس)

ج- در مورد سؤال، حکم حاکم شرع نقض می شود.]

(سؤال ۸۶۱) پس از اینکه حاکم در تعزیرات حکم به مقداری خاص از حبس و یا شلاق می نماید قبل از اجراء حکم خود می تواند طبق مصلحت، مقدار تعیین شده را کم یا زیاد و یا تبدیل به نوع دیگر تعزیر کند یا خیر؟

جواب: اگر اشتباه او برای خودش چه در نوع تعزیر و چه مقدار آن کشف شده باشد باید حکم خود را نقض کند

و الا نمی تواند نقض نماید.

خطای قاضی

(سؤال ۸۶۲) قاضـی شـرع مجتهـد و منصـوب اگر حکـم به اعـدام داد و بعـدا به هر دلیلی مثـل خروج از عرف قـانونی معمـول محاکم حکم او مورد تشکیک قرار گرفت آیا او در حکم به اعدام آمر به قتل است؟

جواب: حکم قاضی شرع مجتهد و منصوب اگر مطابق موازین شرعیه واقع

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۴۸

شده باشد نافذ است و خطای او به عهده بیت المال است و حکم آمر به قتل عمد را ندارد.

هزینه دادرسی

(سؤال ۸۶۳) گرفتن هزینه داوری از محکوم علیه مشروعیت دارد یا خیر؟

جواب: مشروعیت ندارد.

(سؤال ۸۶۴) در مواردی که محکوم له برای گرفتن حق خود ناچار به پرداخت هزینه دادرسـی و تحمل خسارات با فرض اینکه محکوم علیه با علم و عمـد از اداء حق ممانعت می کنـد از باب قاعده لا ضـرر و یا تسبیب در ضـمان و یا دلائل دیگر می توان خسارات مذکور را از محکوم علیه مطالبه کرد یا خیر؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: در فرض مسأله که محکوم علیه از روی علم و عمد از اداء حق، امتناع می کند صدق اضـرار بعید نیست و در عین حال احتیاط در تصالح است.

(سؤال ۸۶۵) دو نفر زمینهای زرخرید مرا در حکومت ظاهر شاه افغانی با دادن پول به دستگاه حکومتی به اسم خود تنظیم سند نموده بودنـد و این جـانب در محکمه عالی حاضـر شـده سـند مـذکور را ابطال نمودم و در ضـمن پول زیاد در این مورد خرج کردم آیا پول مصرف شده را حق مطالبه دارم یا خیر؟

جواب: حق مطالبه پول مصرف شده را ندارید فقط اجاره ملک را می توانید مطالبه کنید.

هدیه به قاضی

(سؤال ۸۶۶) بعد از تمام مرافعه، قاضی می تواند هدیه یکی از اصحاب دعوی را قبول کند یا خیر؟

جواب: عدم قبول هدایا موافق احتیاط است.

مسائل حدود

زنای محصن و محصنه

(سؤال ۸۶۷) مردی که دارای زوجه باشد و مبتلی به زنا شود در موارد ذیل محصن می باشد و با وجود شرائط دیگر استحقاق رجم دارد یا خیر؟

۱- در صورتی که زوجه او در حال زنای مرد، حائض باشد.

۲- در صورتی که زوجه او صائمه باشد.

۳- در صورتی که از زوجه خود غائب باشد و لیکن به وسیله طیاره یا سیاره در مدّت کوتاهی قادر باشد خود را به زوجه خویش برساند.

۴- در صورتی که زوجه او ناشزه بوده و از وی تمکین نمی نماید.

۵- در صورتی که به قصد زنا و فرار از رجم از شهری که زوجه او در آن می باشد به شهر دیگر رفته و در آنجا زنا کند.

۶- مردی که دارای دو زن می باشد یکی مدخول بها و دیگری غیر مدخوله. زوجه مدخول بها را طلاق بائن می دهد و قبل از دخول به دومی مبتلی به زنا بشود. (دادگستری شهرستان قم)

جواب: در مورد ۴ و ۶ احصان «۱» محقق نیست و در بقیه نیز به واسطه مورد شبهه بودن آنها حکم احصان جاری نمی شود.

(سؤال ۸۶۸) در هر مورد از موارد فوق که صدق احصان نشود مجرد ادعا از طرف زانی به وجود عذر، کفایت در رفع رجم می کند یا اینکه نیاز به تحقیق و اثبات دارد؟

(دادگستری شهرستان قم)

---

(۱)- احصان: شوهر داشتن مرد و در صورت احراز این شرط با سایر شرائط، حکم آن سنگسار نمودن مرد و زن زنا کار است.

جواب:: در صورت احتمال صدق او حکم احصان جاری نمی شود. و ظاهرا تحقیق هم لازم نیست.

(سؤال ۸۶۹) در صورتی که زن شوهردار مبتلی به زنا شود آیا در موارد ذیل محصنه محسوب می شود و استحقاق رجم دارد یا خیر؟

۱- در صورتی که شوهر وی عنّین «۱» باشد.

۲- در صورتی که شوهر وی از او منزجر و حاضر به مواقعه با او نگردد.

۳- در صورتی که علقه زوجیّت به عقد انقطاعی باشد نه عقد دائم.

۴- در صورتی که شوهر به او دخول نکرده باشد. (دادگستری شهرستان قم) جواب: در هیچ یک از موارد سؤال حکم احصان جاری نمی شود.

(سؤال ۸۷۰) اینکه در رساله مرقوم فرموده اید اگر کسی دید شخصی با زن یا یکی از بستگانش زنا می کند می تواند هر دو را بکشد. اگر همان موقع نتوانست یا ترسید آیا می تواند بعدا و در فرصت مناسبی آنها را بکشد؟

جواب: محل تأمّل است و اقامه دلیل بر اصل مسأله نیز به نحو اطلاق مخصوصا نسبت به زن مشکل است.

(سؤال ۸۷۱) در صورتی که مردی زن دارد ولی به واسطه بیماری رحم زوجه خود، نتواند وطی از قبل نماید و لیکن امکان سائر استمتاعات و وطی در دبر برای او باشد و با این وضع اقدام به زنا کند حکم زنای محصن را دارد یا خیر؟

جواب: حکم به زنای محصن خالی از اشکال نیست. «و الحدود تدرأ بالشبهات» «۲».

(سؤال ۸۷۲) نعوذ باللّه کسی زنای محصنه کرده و سرّش فاش نشده و توبه کرده آیا در رابطه با شوهر این زن که مسلما راضی نیست چه کند؟

جواب: برایش استغفار و احسان نماید.

---

(۱)- عنین: مردی که از انجام عمل

زناشویی عاجز است.

(۲)- الحدود تدرأ بالشّبهات: اجراء حدود با اندک شبهه ای متوقف خواهد شد.

(سؤال ۸۷۳) در صورتی که صغیری از صغیره ای به عنف «۱» و زنائا ازاله بکارت نموده باشد پرداخت مهر المثل به عهده خود صغیر است یا عاقله وی باید پرداخت نماید؟

جواب: به عهده عاقله او است مگر اینکه مهر المثل کمتر از یک بیستم دیه کامله باشد که در این صورت خود صغیر ضامن است که باید ولیّ او از مال صغیر بپردازد و اگر نپردازد باید خود صغیر بعد از بلوغ بپردازد.

(سؤال ۸۷۴) اگر مردی و زنی با جهل به اینکه با اعطاء و اخذ اجرت، نزدیکی حلال نمی شود نزدیکی کنند مثلا خیال می کردند فقط زنای با زور حرام است، حدّ از آنها ساقط است یا نه؟

جواب: در فرض مسأله، حدّ جاری نمی شود.

حد قذف «۲»

(سؤال ۸۷۵) در صورتی که مقذوف، قاذف را عفو نماید فقها فرموده اند: حدّ قذف (نسبت زنا یا لواط به کسی دادن) ساقط می شود مرقوم فرمایید تعزیر او پس از عفو جایز است یا خیر؟

جواب: در صورت عفو مقذوف اگر قاذف توبه کرده باشد احتیاط در ترک تعزیر است و اگر توبه نکرده باشد تعزیر می شود.

حدّ سرقت

(سؤال ۸۷۶) چنانچه سارقی با شکستن قفل درب اتومبیل که در کنار خیابان پارک شده آن را برباید عمل وی سرقت از (حرز) محسوب می شود؟ در همین فرض اگر آن را از پارکینگ یا گاراژ سرقت کند چطور؟

جواب: هر جایی که حفظ و نگهداری ماشین در آنجا عقلایی و معمول است

---

(۱)- عنف: با زور و اکراه.

(۲)- قذف: نسبت زنا یا لواط به کسی دادن. نسبت دهنده قاذف و نسبت داده شده مقذوف می باشند.

سرقت از آنجا سرقت از حرز «۱» محسوب می شود و در غیر این فرض سرقت از حرز محسوب نمی شود.

(سؤال ۸۷۷) در قطع ید سارق، تخدیر و بی حس کردن عضو جائز است یا خیر؟

جواب: عضو را بی حسّ نمودن مشکل است.

(سؤال ۸۷۸) آیا احتمال توبه در سرقت و امثال آن برای سقوط حدّ کافی است یا لازم است توبه احراز گردد؟ (یکی از دادگستریها)

جواب: در مواردی که توبه مسقط حدّ است مانند توبه قبل از قیام بیّنه، اگر احتمال عقلایی به صدق مدّعی توبه داده شود حدّ ساقط می شود.

(سؤال ۸۷۹) آیا تقاضای قطع ید از کسی که مالش به سرقت رفته لازم است یا تقاضای حکم شرعی کافی است؟ (شعبه ۱۲ دیوان عالی)

جواب: بنابر احتیاط موقوف به مطالبه قطع می باشد.

(سؤال ۸۸۰) در سرقت

اگر مال مسروقه را شهربانی و مأمورین به صاحبش مسترد نمایند حدّ ساقط است یا خیر؟ (دیوان عالی شعبه ۱۲) جواب: اگر قبل از مرافعه به حاکم، مال مسروق به صاحبش مسترد شود جواز اجراء حدّ هر چند پس از مرافعه ثابت نیست.

(سؤال ۸۸۱) اگر برای یک نفر سرقت واجد شرائط حدّ با سرقت فاقد شرائط حدّ ثابت شود آیا اجراء حدّ کفایت از تعزیر می کند و یا به لحاظ سرقت واجد شرائط حدّ باید حدّ اجراء شود و به لحاظ سرقت فاقد شرائط حدّ، تعزیر اجراء شود؟

جواب: در مفروض سؤال بنابر احتیاط به اجراء حدّ اکتفا شود.

تعزیر سارق

(سؤال ۸۸۲) سارق حرفه ای را مسروق منه قبل از رجوع به حاکم عفو می کند و با توجه به اینکه رها کردن اینگونه سارقین نظام جامعه را به هم می زند حاکم، حق دارد

---

(۱)- حرز: جای امن برای حفظ مال از خطر سرقت است و از جمله شرائط اجراء حدّ سرقت می باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵۳

آنان را به صورت حبس یا تبعید یا شلاق تعزیر نماید یا خیر؟

جواب: اگر توبه او ثابت نشده باشد تعزیر می شود و باید جلو فساد گرفته شود.

(سؤال ۸۸۳) در سرقتی که جامع شرائط قطع ید نیست اگر دو مرتبه مجرم تعزیر شده باشد، در مرتبه سوم باز تعزیر می شود یا حکم دیگری دارد و اگر تعزیر حکم مرتبه چهارم چه خواهد بود؟ (دادگستری شهرستان قم)

جواب: بازهم تعزیر می شود مگر اینکه عنوان دیگری از قبیل مفسد فی الارض و غیر آن بر او منطبق گردد.

مفسد فی الارض

(سؤال ۸۸۴) بعضی از مراجع عظام و از جمله حضرت امام خمینی (قدس سرّه) در جواز اعدام مفسد فی الارض احتیاط می کنند ولی بعضی دیگر و از جمله حضرتعالی اجمالا جایز می دانید، مستدعی است موارد زیر را که در حقیقت از قبیل شبهه مصداقیّه هستند جواب مرقوم فرمایید:

۱- با توجه به اینکه اکثر گناهان، دارای مفاسد اجتماعی و اخلاقی می باشند و هر مرتکب کبیره یا مصرّ بر صغائر را می توان در منطقه یا شهر یا محل سکونت خود مفسد دانست با این حال ملاک افساد و مفسد بودن چیست؟

۲- آیا باید نسبت افساد به شخص یا اشخاص، نسبت مباشرت باشد یا تسبیب؟

۳- و اگر تسبیب، لازم است آیا شامل هر سببی هر چند ناقص می شود؟ در

حالی که سبب ناقص، خود، معلول علت دیگر اقوی خواهد بود یا اینکه باید سبب اصلی و علت العلل فساد و افساد، مورد نظر باشد؟

۴- و بنابراین فرض، در مفاسد اجتماعی که اولا بیشتر معلول فقر فرهنگی و اقتصادی توأما هستند، مصداق شرعی مفسد فی الارض را چگونه باید جستجو نمود؟

و ثانیا موقعیت و نفوذ و مقدار تأثیر افراد در اصلاح و افساد جامعه به یک میزان نیست و متفاوت خواهد بود بنابراین از نظر شرعی، نسبت افساد به آنها و ترتّب آثار شرعی بر آن چگونه خواهد بود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵۴

۵- و مقصود از «فی الارض» کشور است یا منطقه و محدوده خاصی که افساد در آن محقّق شده است؟ هر چند کوچک؟ ولی شکی نیست که در شرائط کنونی دنیا که همه کشورها به منزله یک خانه یا یک محلّه شده اند هر قسمتی از قسمت دیگر متأثر و منفعل خواهد بود با این حال، نسبت افساد به قسمتهای اصلی و ریشه ای داده می شود یا فرعی ها هر چند دست چندمی را نیز شامل می شود؟

جواب: ۱- ظاهرا ملاک، فسادی است که از ناحیه شخص یا اشخاص و یا قدرتی متوجه کیان جامعه اسلامی و یا حیثیت عمومی اسلام و مسلمین باشد و شامل ارتکاب هر گناهی هر چند کبیره باشد نمی شود.

۲- ملاک، تصمیم فاعل بر افساد و صدق انتساب است عرفا هر چند به نحو تسبیب باشد ولی اگر در کنار فاعل مباشر، یا سبب ضعیف، سبب اقوی وجود داشته باشد صدق مفسد بر آنها نوعا محل اشکال است، و الحدود تدرأ بالشبهات: [یعنی با وجود شک و شبهه، حدود نباید اجراء

شود].

۳- تسبیب، خصوصیتی ندارد. آنچه ملاک است قصد افساد مرتکب نسبت به کیان فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی جامعه اسلامی می باشد و صدق انتساب عرفی است و با وجود سبب اقوی، صدق مفسد بر سبب ضعیف معلوم نیست، و الحدود تدرأ بالشبهات: [یعنی با وجود شک و شبهه، حدود نباید اجراء شود].

۴- در مواردی که بدانیم یا احتمال دهیم عمل شخص ناشی از انگیزه های اقتصادی و یا فقر فرهنگی شخص بوده و تصمیم او بر افساد جامعه و ضربه زدن بر حیثیت عمومی و کیان اسلام و مسلمین محرز نباشد صدق عنوان مفسد معلوم نیست و در صورت شک، اعدام جایز نیست.

۵- کشور و منطقه خاص، ملاک نیست بلکه ملاک، حیثیت عمومی و کیان اسلام و مسلمین است و به طور کلّی در موارد شک باید احتیاط شود و اصولاً برای برخورد با فسادها و افراد و جریانات ناسالم اعم از سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حتی المقدور باید علتها و ریشه ها را جستجو نمود و با آنها مبارزه نمود و مبارزه و برخورد با آثار و معلولها کمتر مؤثر است و اعدام کمتر اثر مثبت دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵۵

حدّ ارتداد

(سؤال ۸۸۵) برخورد با ارتداد آیا تکلیف شخصی مثل نماز و روزه است یا یک تکلیف حکومتی؟ اگر یک تکلیف شخصی باشد هر کسی می تواند به هر دلیلی، دیگری را مرتدّ بداند و بگوید یقین پیدا کردم یا چند نفر اهل خبره گفتند فلان شخص مرتدّ شده و طبعا می توان او را کشت ولی اگر یک حکم حکومتی باشد باید از مسیر حکومت شرعی و قانونی با ضوابط مقرّره شرعی، حاکم شرع

صالح حکم به ارتداد کسی بنماید، کدام یک می باشد؟

جواب: برای هر کس ارتداد کسی ثابت شود باید احکام ارتداد را غیر از قتل از قبیل نجس دانستن او و جدایی همسر، جاری نماید ولی قتل او متوقّف به حکم حاکم شرع جامع الشرائط است، بلی در خصوص سبّ النبی (ص) و ائمه (ع) نعوذ باللّه بر شنونده در صورت عدم خوف و نداشتن مفسده، قتل سبّ کننده واجب است.

(سؤال ۸۸۶) اگر کاری به اعتقاد مرتکب آن از روی تقلید یا اجتهاد، جایز بوده و به اعتقاد حاکم شرع حرام، آیا حدّ جاری می شود یا نه؟

جواب: در فرض مسأله حدّ، جاری نمی شود.

(سؤال ۸۸۷) افرادی که قائل هستند در آخرت (روز قیامت) جزاء و سزا، روحانی است نه جسمانی چه حکمی دارند؟

جواب: اصل اعتقاد به معاد از ضروریات دین اسلام است و ظاهر آیات قرآن و روایات هم معاد جسمانی و روحانی توأم با هم است. آن چه که موجب ارتداد می شود انکار اصل معاد است آن هم از روی علم و عناد و جحد، نه نفی بعضی از کیفیّات و چگونگی آن.

(سؤال ۸۸۸) تکلیف شوهری که همسرش تغییر دین داده و از اسلام خارج شده است چیست؟ و آیا شوهر می تواند از ملاقات چنین زنی با فرزندانش ممانعت به عمل آورد؟

جواب: در فرض مسأله اگر تا پایان عدّه توبه نکند کشف می شود که از اول زمان

ارتدادش عقد آنها منفسخ و زوجیت، باطل شده است و پدر فرزندان باید مصلحت آنها را در نظر بگیرد که اگر ملاقات مادرشان با آنها معرضیت «۱» برای اغواء و انحراف آنها داشته باشد ممانعت

کند و الا ممانعت نکند.

(سؤال ۸۸۹) مدتی است که یک عده بهایی توبه کرده اقرار به اسلام نموده اند ولی در مساجد حاضر نمی شوند احتمال می رود که از ترس بوده و صرفا لقلقه لفظی باشد، لطفا جواب شرعی را بیان فرمایید.

جواب: اگر توبه آنان و مسلمان بودنشان مورد قبول حاکم شرع باشد مادامی که ارتداد مجدد آنان به حاکم شرع ثابت نگردیده است حکم اسلام را دارند.

---

(۱)- معرضیت: در معرض بودن.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵۷

مسائل گناهانی که حدّ ندارند

تعزیر مفتری

(سؤال ۸۹۰) آیا بدون احراز شرعی در یک محکمه صالحه می توان کسی را به ارتداد یا انحراف و فسق و نظائر این اتهامات متهم نمود و اگر جائز نباشد آیا شخص مفتری از عدالت خارج می شود و شرعا استحقاق تعزیر شرعی را دارد یا نه؟

جواب: در مورد ارتداد، احراز لازم است و در مورد فسق، علاوه بر احراز باید مجوّز افشاء هم وجود داشته باشد و در صورت ادعای علم، مرافعه شرعیه لازم است.

(سؤال ۸۹۱) اگر کسی متهم به قتل باشد و اولیاء دم با تکیه به قرائنی، مدعی علم به قاتل بودن وی باشند اما پس از تحقیق قضایی و محاکمه متهم برای دادگاه قرائن مذکور کافی برای علم یا حصول ظن نباشد که در اثر نبود حجت شرعی، دادگاه به برائت متهم حکم صادر می کند و متهم به عنوان افتراء از اولیاء دم شکایت می کند. آیا شرعا اولیاء دم را می توان به عنوان مفتری تعزیر کرد یا نه و این سؤال جز زنا و لواط در جرائم دیگر نیز مطرح است زیرا در زنا و لواط اگر به موازین شرعی نتواند ثابت کند محکوم به حد قذف

خواهد شد. (یکی از دادگاههای کیفری)

جواب: اگر قاضی شرع علم به افتراء مدّعی نداشته باشد در فرض سؤال حق تعزیر ندارد.

تعزیر برای استمناء

(سؤال ۸۹۲) آیا جایز است زن به منظور تلذّذ جنسی و اطفاء شهوت به وسیله دست خود یا چیز دیگر با فرج خود کاری نظیر استمناء را انجام دهد چه منی خارج شود یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۵۸

جواب:: در حرمت استمناء بین زن و مرد فرقی نیست و در صورت ثبوت آن پیش حاکم شرع تعزیر دارد.

تعزیر زوجه و فرزند

(سؤال ۸۹۳) اگر زن مقدار واجب حجابش را دعایت نکند و یا آرایش و زینتش را عمدا نپوشاند، همچنین اگر از اطاعت شوهرش در اموری که باید از او اطاعت کند خودداری نماید و مثلاـ بدون اجازه او از خانه خارج شود و یا اگر از انجام واجباتی مثل نماز و روزه و حج و خمس و زکاتش خودداری نماید و یا اگر در ملاء عام کاری کند که موجب تحریک شهوت و وسوسه و اغوای مردان شود و امر به معروف و نهی از منکر در او مؤثر واقع نشود، آیا ابتداء شوهرش یا پدرش می توانند او را تعزیر نمایند؟ یا اینکه باید به حاکم شرع رجوع کند؟ و در هر صورت، مقدار تعزیر او در موارد فوق چقدر است؟

جواب: زوج و پدر مانند سایرین باید شرائط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را رعایت کنند و اما اصل تعزیر و کمیّت و کیفیت آن، موکول به نظر حاکم شرع جامع الشرائط است.

تعزیر اقلیتهای مذهبی

(سؤال ۸۹۴) اقلیتهای مذهبی در ایران اگر اقدام به حمل مسکرات در وسائل نقلیه برای استفاده شخصی خود و یا تحویل به هم کیشان خویش نمایند استحقاق تعزیر دارند یا خیر؟

جواب: در حمل و نقل علنی تعزیر می شوند.

(سؤال ۸۹۵) اگر اقلیتهای مذهبی به شرب خمر و زنا با هم کیشان خود اقرار نمایند وظیفه شرعی درباره آنان چه می باشد؟

جواب: اگر اقرار به شرب علنی نمایند تعزیر می شوند و اگر اقرار به شرب مخفیانه نمایند تعزیر ندارند و در اقرار به زنا اگر طبق مذهب خودشان نیز زنا باشد با رعایت شرائط، حدّ زنا بر آنها جاری می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱،

تعزیر سایر گناهان

(سؤال ۸۹۶) الف: در جرائمی که جنبه حق مردمی دارد اما چون به ضرر و زیان جامعه نیز می باشد و از جنبه شرعی گناه است و به لحاظ گناه بودن آن جنبه خدایی نیز دارد مثل خیانت در امانت و کلاهبرداری و تصرف عدوانی و غیره آیا با گذشت شاکی شرعا تعقیب و مجازات متوقّف می گردد و یا به لحاظ گناه بودن آن و جنبه عمومی آن و لو شاکی رضایت بدهد می توان متهم را تعزیر نمود؟

ب: و آیا در جرائم مذکور رسیدگی و صدور حکم غیابی جائز است یا نه؟

جواب: الف- در صورت گذشت شاکی اگر عاصی توبه کرده باشد تعزیر او ساقط می شود و الا بنابر احتیاط شرائط نهی از منکر لحاظ شود.

ب- در صورت عدم امکان احضار او حکم غیابی مانع ندارد. (و لکنّ الغائب علی حجّته «۱»).

(سؤال ۸۹۷) در بعضی دهات مرسوم است پسری، دختری را بدون اطلاع پدر دختر و بدون رضایت دختر یا با رضایت وی به قصد ازدواج از کوچه به یک خانه امن فراری می دهد چنانچه این عمل موجب از بین رفتن عفت شود آیا می شود پسر را تعزیر کرد یا نه؟

جواب: اگر برای قاضی شرع از راههای شرعی ثابت شود که پسر، او را ربوده است می تواند او را تعزیر نماید.

(سؤال ۸۹۸) اگر عملی از نوع معاملات یا غیر آن به نظر مقلّد مکلّف جایز باشد ولی به نظر حاکم شرع، حرام، آیا حاکم شرع می تواند مرتکب آن را تعزیر نماید؟

جواب: در مفروض سؤال، تعزیر جایز نیست.

(سؤال ۸۹۹) در مواردی که مرتکب گناه، ادعا می کند یقین به گناه و حرام بودن، کار مورد

نظر نداشته یا مدعی داشتن و یا وجود مجوّزی شرعی هر چند به اعتقاد خود باشد آیا تعزیر او جایز است؟

---

(۱)- یعنی: شخص غائب که محکوم می شود بالاخره حجت و دلیل خود را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۰

جواب:: در مفروض سؤال، تعزیر جایز نیست و الحدود تدرأ بالشّبهات.

(سؤال ۹۰۰) افرادی به واسطه در اختیار داشتن امکاناتی از راه دور اقدام به اعمال شکنجه و تا حدّی خواندن فکر و عقائد می نمایند که این امر باعث اخلال های فکری و عصبی شده و تفتیش عقائد قلمداد می گردد حکم ذات این امور چیست و حکم شرعی اعمال کنندگان این امور و افرادی که مورد ظلم و اذیّت می شوند را بیان فرمایید؟

جواب: سؤال مجمل است اگر منظور غیر سحر است، هر کاری که موجب ظلم و ایذاء و اخلال فکری و عصبی و یا تصرف در جسم و روح شخص یا اشخاص باشد آن هم حرام می باشد و حاکم شرع می تواند مرتکب آن را تعزیر نماید.

(سؤال ۹۰۱) بعضی افراد با انگیزه خصومت و عناد با استفاده از این روش، طرف را به حالت خواب مصنوعی می برند و در آن حال، او را انجام بعضی جرائم و اعمال زشت و گناه وامی دارند، چه کسی مستحق شرعی مجازات ارتکاب جرائم ذکر شده می باشد، شخص مباشر که به خواب برده شده یا خواب کننده؟ و یا فرق است بین موردی که شخص مباشر با رضایت و میل، خود را در اختیار خواب کننده قرار می دهد و موردی که بدون رضایت و اختیار، او را خواب کرده باشند؟

جواب: بر فرض اینکه صرف خواب کردن بی اشکال باشد ولی القاء انجام کارهای حرام اگر ممکن

باشد قطعا حرام است و خواب کننده ای که چنین القائاتی را انجام داده مستحق تعزیر شرعی است، ولی بر شخص خواب برده شده چون مسلوب الاختیار بوده تعزیر جاری نیست مگر اینکه عمدا خودش را به منظور اجرای امور حرام در اختیار خواب کننده قرار دهد.

اموری مربوط به حدّ و تعزیر

(سؤال ۹۰۲) برای جواز تعزیر آیا حکم شفاهی حاکم شرع کافی است یا باید کتبی باشد؟ و چه کسانی می توانند حکم را اجراء کنند؟ (مسئولین قضایی و بازپرسی)

جواب: حکم شفاهی کافی است و صادرکننده حکم تعزیر به هر کس دستور داده باشد او مجاز می باشد. یادآور می شود که تعزیر در مقابل جرم ثابت است نه برای اثبات جرم.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۱

(سؤال ۹۰۳) در مواردی که اگر بلوغ متهم ثابت و قطعی شود حدّ شرعی بر او جاری است با آنکه احتمال بلوغ داده می شود آیا تجسّس و تحقیق در رسیدن او به بلوغ جائز است؟ (دادگستری شهرستان بجنورد)

جواب: باید تحقیق شود و اگر با تحقیق ثابت نشد حکم غیر بالغ را جاری نماید.

(سؤال ۹۰۴) آیا اجراء حدّ مثل شلّاق زدن و یا تعزیر باید در یک دفعه باشد یا در دفعات متعدّده می توان آن را اجراء نمود و یا بستگی به نظر حاکم شرع صالح و یا ضعیف و قوت جسمی مجرم دارد؟

جواب: در اجراء حدّ اگر اجراء آن در یک دفعه محذوری نداشته باشد باید در یک دفعه اجراء شود ولی تعزیر، بستگی به صلاحدید حاکم شرع دارد.

(سؤال ۹۰۵) چون بین قضات شرع معمولاـ در چگونگی تعزیر و اجراء آن به تمام اعضاء جز نزدیکی کلیه ها و یا اجراء آن فقط به کف پا و یا بر روی کمر

اختلاف وجود دارد وظیفه شرعی را بیان فرمایید. (مسئولین بازپرسی)

جواب: اجراکننـده تعزیر تابع نظر صادرکننـده حکم است و صادرکننـده حکم بایـد موازین شـرعیه را در نظر بگیرد مثلا تعداد شلاقها را از تعداد شـلاقهای حدّ، کمتر تعیین کند و از زدن شـلاق به اعضایی که مانند سر و صورت و عورت، در حدّ، ممنوع است منع نمایـد و به طـور کلی اگر جـامع شـرائط فتـوی است طبق رأی خود، حکم صـادر نمایـد و الاـ در موارد مشـکوکه به مجتهدی که او را نصب کرده مراجعه نماید.

ضمنا به کتاب «ولایه الفقیه» این جانب جلد ۲ صفحه ۴۰۸ ببعد مراجعه شود.

(سؤال ۹۰۶) اگر تعزیر متهمی منجر به مرگ وی شد چه کسی دولت یا شخص تعزیرکننده و یا آمر باید دیه او را بدهد؟

جواب: اگر تعزیر، طبق موازین شرعیه اجراء شود هیچ کس ضامن نیست و در غیر این فرض، متخلف ضامن است.

توبه: مسقط حدّ یا تعزیر

(سؤال ۹۰۷) هرگاه شخصی کسی را نگه دارد و دیگری او را بکشد سپس اولیاء هر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۲

دو را عفو کننـد همـان طوری که قصاص از قاتل، ساقط می شود حبس ابـد از نگهدارنـده هم ساقط می شود یا خیر؟ و هکـذا نسبت به امر قتل و مراقب؟

جواب: اگر توبه کنند محلی برای حبس و تعزیر باقی نمی ماند.

(سؤال ۹۰۸) توبه زانی محصن یـا غیر محصن، قبل از اقرار یا شـهادت بیّنه و نیز توبه شـخص محارب قبل از دسـتگیری، به نظر بعضـی از فقها، موجب سـقوط حدّ از آنها می شود، نظر حضرتعالی در دو مورد ذکر شده و نیز در مورد توبه مرتدّ فطری مرد، قبل از رسیدن به حاکم شرع و

اقرار یا شهادت بیّنه چیست؟

جواب: اگر برای قاضـی شـرع، ثابت شود که زانی قبل از اقرار و اقامه بیّنه و نیز محارب قبل از دسـتگیری توبه کرده است نباید حـدّ، جاری کنـد. ولی توبه در مورد ارتـداد فطری مرد، اگر ارتداد برای قاضـی شـرع ثابت شود، حدّ را ساقط نمی کند گرچه بنابر اقوی، توبه او بین خود و خدا قبول می شود و اگر مرتد فطری، زن باشد، توبه او قبول است.

(سؤال ۹۰۹) توبه شـخص قبـل از اقرار و یـا شـهادت بیّنه و رسـیدن به حـاکم شـرع از کارهایی که موجب تعزیر می باشـد آیا موجب سقوط حکم تعزیر می شود یا نه؟

جواب: در صورت ثبوت آن برای قاضی شرع، تعزیر ساقط می شود.

(سؤال ۹۱۰) در مواردی که بـا توبه متّهم، مجـازات او ساقـط می شود آیا توبه بایـد احراز گردد یا اظهار توبه کافی است؟ و یا در موردی که علم به عـدم توبه متّهم حاصـل نیست و دادگـاه علم نـدارد که متهم جهت فرار از مجـازات اظهار توبه می نماید اظهار توبه، توبه محسوب می گردد؟ (دادگستری شهرستان بجنورد)

جواب: اگر احتمال عقلایی به صدق مدّعی توبه داده شود حکم توبه بر آن مترتب می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۳

مسائل قصاص

شرائط قصاص

(سؤال ۹۱۱) شخص مقتول، صغیر هم دارد و دختر بالغه و خانه دار هم دارد آیا وی- دختر بالغه- حق قصاص دارد یا خیر؟

جواب: بدون پرداخت سهم صغیر از دیه به قیّم شرعی او حق قصاص ندارد و با پرداخت آن نیز خالی از اشکال نیست.

(سؤال ۹۱۲) شخصـی دو نفر را به قتل می رساند بستگان یکی از مقتولین با قاتل به دیه تصالح می کنند، و بستگان مقتول دوم مطالبه قصاص می نمایند،

با فرض اینکه قاتل دارایی بالفعل برای پرداخت دیه نداشته باشد و به وسیله کار کردن به تدریج بتواند دیه را پرداخت کند قصاص مربوط به مقتول دیگر بتاخیر می افتد یا خیر؟

جواب: در فرض مرقوم اگر تمام ترکه قاتل بدون استثناء چیزی از آن، وافی نباشد در صورتی که اولیاء مقتولی که می خواهند قصاص نمایند بقیه دیه مقتول دیگر را ضمانت نمایند می توانند قصاص کنند و الا احوط تأخیر قصاص است.

(سؤال ۹۱۳) آیا اولیاء مقتول پس از پذیرش دیه و انصراف از قصاص مجددا حق تقاضای قصاص را دارند یا نه؟

جواب: با قبول دیه تقاضای قصاص مسموع نیست.

(سؤال ۹۱۴) حکم ازاله بکارت، قصاص است یا نه؟ و بر فرض دیه، مقدار آن را بیان فرمایید و آیا فرقی هست در اینکه جانی، مرد باشد یا زن و یا دختر؟

جواب: اگر ازاله کننده باکره باشد و قصاص، بدون زیاده ممکن باشد ظاهرا قصاص مانعی ندارد اگر چه احوط تصالح به دیه است و در غیر این فرض باید دیه پرداخت شود و دیه آن به مقدار مهر المثل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۴

(سؤال ۹۱۵) اگر شخصی عمدا دست کسی را قطع کند ولی مجنی علیه با مراجعه به دکتر دست قطع شده را به بدن متصل کند و سالما یا با مختصر محدودیتی در حرکات انگشتان، جوش بخورد بازهم قصاص ثابت است یا تبدیل به دیه می شود؟

جواب: اگر شرائط قصاص با قطع نظر از وصل، موجود باشد وصل آن، قصاص را ساقط نمی کند.

(سؤال ۹۱۶) آیا می شود زنی را که اسید روی صورت زن دیگری پاشیده قصاص کرد؟

جواب: اگر قصاص بمثل کما و کیفا ممکن باشد

قصاص مانع ندارد و اگر قصاص به مثل ممکن نباشد دیه دارد.

(سؤال ۹۱۷) مولانا ما رایکم فی روایه «لا قود لمن لا یقاد منه» و فی حال صحتها هل یمکن اتخاذها قاعده کلیه لتعمیمها فی جمیع الموارد خصوصا ان احد الفقهاء الموجودین استند الیها لمنع القصاص اذا قتل البالغ غیر البالغ؟

جواب: قد ذکرنا فی کتاب توضیح المسائل، انه لا یخلو من اشکال و ان الاحوط هو التصالح بالدّیه.

[س- روایتی به این مضمون وارد شده که: «هر کس مورد قصاص واقع نشود، دیگری نیز برای او قصاص نمی شود» بعضی از فقها با استناد به این روایت فرموده اند: اگر شخص بالغ، صغیری را کشت، قصاص او جایز نیست. بر فرض صحت این روایت، به نظر حضرتعالی آیا می توان چنین قاعده کلّی از آن به دست آورد یا نه؟

ج- ما در رساله توضیح المسائل گفته ایم که مسأله فوق، خالی از اشکال نیست و احوط آن است که با گرفتن دیه، مصالحه شود.]

ثبوت قصاص به قسامه

(سؤال ۹۱۸) اگر اولیاء دم به استناد اختلاف قبلی اکبر با علی مدّعی شوند که ما ظنّ پیدا می کنیم و در بعضی موارد به طور یقین طرح دعوی کنند که اکبر، علی را به قتل رسانیده و اظهار کنند که اکبر در حال حیات علی او را تهدید به قتل کرده و در این مورد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۵

گواهان غیر معتبر را (مثلا فاسق) به دادگاه معرفی نمایند و آنان هم گویند بلی اکبر، علی را تهدید به قتل نمود آیا از موارد لوث محسوب می شود و طرفین می توانند قسامه را انجام دهند یا نه؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: اگر برای قاضی شرع ظنّ به

صدق دعوای مدّعی حاصل شود و مدّعی، ادعای قطعی داشته باشد از موارد «۱» لوث می باشد و الاخیر.

(سؤال ۹۱۹) قتلی که قاتل مشخص دارد و اعتراف به اصل قتل می کند و لیکن ادعای استناد آن به حکم حاکم شرع یا تجویز عالم و مجتهدی را دارد و آن حاکم یا عالم یا مجتهد انکار می کند آیا قسامه ورثه مقتول می تواند مثبت استناد به حکم حاکم شرع یا آن عالم و مجتهد باشد؟

جواب: اثبات حکم، به قسامه مدّعی بر خلاف موازین قضاء است و قدر متیقن از آن و دلیل آن در مباشرت قتل است و جریان آن نسبت به ممسک و آمر و ناظر «۲» دلیل ندارد و همچنین نسبت به حاکم شرع و سایر خصوصیات غیر از مباشرت به عمل، بلی فقها مباشرت جرح را هم به آن ملحق کرده اند.

(سؤال ۹۲۰) آیا در انجام مراسم قسامه درخواست مدّعی و مدعی علیه مانند مراسم تحلیف شرط است؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: در مورد قسامه «۳» باید مدعی، حاضر برای قسم خوردن باشد و درخواست مدعی علیه لازم نیست.

(سؤال ۹۲۱) در جایی که مدعی و یا مدعی علیه به حدّ بلوغ نزدیک است (مثلا ۱۵ ساله است ولی به ۱۶ نرسیده است) آیا می توانند مراسم تحلیف و قسامه را خودشان یا ولیّ ایشان بجا آورند؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: حلف (قسم خوردن) غیر بالغ بی اثر است و حلف ولیّ نیز خالی از اشکال نیست و طبق احتیاط باید فصل خصومت موقوف به زمان بلوغ صبیّ گردد.

---

(۱)- لوث: وجود شواهد و امارات ظنّی بر صدق مدّعی به جای بیّنه که جای عمل به قسامه می باشد.

(۲)- ممسک: نگه دارنده کسی تا

دیگری او را بکشد. آمر: دستور دهنده قتل، ناظر: دیده بان قتل.

(۳)- قسامه: قسم های پنجاه نفر در قتل عمدی و بیست و پنج نفر در قتل خطایی.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۶

موارد سقوط قصاص

(سؤال ۹۲۲) صرف مشروبات الکلی به طور عامّ موجب تخفیف یا تشدید مجازات مرتکبین جرم می گردد یا خیر؟

جواب: اگر در حالی که مسلوب الاختیار بوده مرتکب جرم شده باشد اجراء حدّ مشکل است ولی دیه و ضمان ثابت می باشد.

(سؤال ۹۲۳) اگر کسی پس از صرف مشروبات الکلی مرتکب قتل گردد مشمول مجازات قصاص است یا دیه؟ و آیا می توان مجرم مست را مسئول اعمال خود دانست یا خیر؟

جواب: اگر مسلوب الاختیار بوده قصاص اشکال دارد بلکه باید دیه بپردازد.

(سؤال ۹۲۴) انگیزه قتل با نیّت خوب یا بد در میزان و نوع مجازات تغییری می دهد یا خیر؟

جواب: اگر قاتل با اعتقاد به جواز قتل، محقون الدم «۱» را کشته باشد احتیاط در ترک قصاص است ولی باید دیه را بپردازد.

(سؤال ۹۲۵) اگر شخص مسلمان غیر مسلمانی را به تنهایی بکشد آیا او را قصاص می کنند یا خیر؟

جواب: اگر کافر ذمی باشد قصاص ندارد ولی خونبهای او را باید بدهد.

(سؤال ۹۲۶) فردی متهم به زنا بوده و دیگری خیال کرده زانی مهدور الدم است و روی این اعتقاد و احساسات دینی او را کشته است آیا حکمش قصاص است؟ (شعبه ۱۲ دیوان عالی)

جواب: اگر به اعتقاد مهدور الدم بودن کشته باشد قصاص ساقط می باشد.

(سؤال ۹۲۷) اگر کسی به کسی دیگر به قصد کشتن، در خانه و غیره حمله نماید و در اثناء جنگ و زد و خورد، مهاجم و متجاوز کشته یا زخمی شود از

نظر حکم شرع دیه و قصاص دارد یا خیر؟

جواب: اگر دفع مهاجم و متجاوز منجر به قتل و جرح وی شود با فرض ثبوت، قصاص و خونبها ندارد.

---

(۱)- محقون الدّم: کسی که جانش محترم است و باید حفظ شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۷

مسائل دیات

قتل و جرح عمد و شبه عمد

(سؤال ۹۲۸) قتل ناشی از تصادفات ماشین و امثال آن، قتل خطا است یا شبه عمد؟ و فرق است بین کسی که از نظر کاردان فنّی مقصر شناخته شده و بی احتیاطی کرده و با رعایت مقررات رانندگی را نکرده یا کسی که چنین نیست؟ (دادگستری همدان)

جواب: اگر قتل، مستند به تقصیر و تفریط راننده باشد شبه عمد محسوب می شود و الا خطاء محض محسوب است اگر چه از جهت رانندگی مقصر شناخته شود مانند راننده ماهر که از جهت گرفتن گواهی نامه تقصیر کرده باشد ولی قتل، مستند به تقصیر او نباشد.

(سؤال ۹۲۹) اگر قاتل مال نداشته باشد آیا می شود دیه را از پدر وی با اکراه اخذ کرد و به ورثه مقتول داد یا خیر؟

جواب: اگر قتل عمد یا شبه عمد باشد به پدر مربوط نیست مگر در صورت صغر «۱» قاتل.

(سؤال ۹۳۰) در جایی که به واسطه ضرب عمدی، مدعی علیه باید دیه بپردازد آیا می شود علاوه بر اخذ دیه او را تعزیر کرد یا نه؟

جواب: اگر توبه نکرده باشد بعید نیست.

(سؤال ۹۳۱) اگر کسی دیگری را به خیال اینکه کافر یا مهدور الدم است بکشد قصاص دارد یا نه، لطفا جواب شرعی را مرقوم فرمایید.

جواب: اگر مهدور الدّم نبوده ظاهرا از موارد شبیه به عمد است خونبهای او را باید بدهد.

---

(۱)- صغر قاتل: صغیر و نابالغ بودن او.

رساله

(سؤال **۹۳۲**) اگر شخصی در صحنه تصادف یا در دعوایی جراحتی پیدا کرده در ابتداء فکر می کرد جراحت سطحی است رضایت داد لیکن با گذشت زمان جراحت عمیق و خطرناک شد با اینکه رضایت قبلی داده بود اما چون خسارتها زیاد شده آیا می تواند دعوی اقامه نماید در محکمه جهت تعیین دیه یا نه؟ (دادگاه کیفری شهرستان قمشه)

جواب: اگر ضارب را بری الذّمه کرده باشد نمی تواند مطالبه دیه کند.

(سؤال **۹۳۳**) شخصی نگهبان اتومبیلها در پارکینگ بوده و فردی به عنوان اینکه پسر صاحب فلان ماشین پارک شده می باشد ماشین را سوار و به دستور و ممانعت نگهبان توجه ننموده و نگهبان درب ماشین را می گیرد ولی طرف ماشین را سریع به حرکت در آورده که موجب ضربه خوردن و مصدوم شدن نگهبان و سپس فوت او شده حال، این قتل آیا قتل عمد است یا شبه عمد؟ (دادگاه کیفری شهرستان قم)

جواب: در فرض مسأله، قتل مذکور ملحق به شبه عمد است و بعید نیست تمام دیه به عهده راننده باشد.

(سؤال **۹۳۴**) اگر مردی هنگام نزاع با دیگری با کف دست خود ضربه ای به سینه وی وارد کند که در اثر آن او بمیرد و پزشک علت فوت وی را مرض قلبی اعلام نماید، و بنویسد که ضربه وارده به سینه وی که جای آن کبود شده موجب تشدید مرض و تسریع فوت پیرمرد ۷۵ ساله گردیده است با توجه به اینکه ضارب از پیری و بیماری مقتول اطلاع داشته است. به نظر جنابعالی قتل مذکور عمد، شبه عمد یا خطاء می باشد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر ضارب قصد کشتن نداشته باشد

و نداند که اگر او را بزند کشته می شود شبه عمد می باشد.

(سؤال ۹۳۵) شخصی به قصد زدن زید تیراندازی می کند و به علی اصابت می کند و می میرد و هر دو محقون الدم هستند آیا قتل عمد است که قصاص دارد یا قتل خطاء محض است و یا شبه عمد؟ (شعبه ۱۲ دیوان عالی)

جواب: حکم شبه عمد را دارد.

(سؤال ۹۳۶) اگر یک یا چند نفر، فردی را به دلیل داشتن افکار و فعالیتهای خاصّی مهدور الدم تشخیص دادند و با این عقیده اقدام به قتل او نمودند آیا این قتل، عمدی است؟

جواب: باید در منشأ تشخیص آنها تحقیق شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۶۹

(سؤال ۹۳۷) شخصی بدون گواهینامه، فرزند ۱۴ ساله کسی را بدون اجازه وی سوار تراکتور نموده و او در بیابان مسطح به زیر تراکتور افتاده و مرده است، و عمل مذکور بنا به عداوت قبلی عمدا یا سهوا- خدا می داند- انجام یافته است حکم شرعی این مسأله را با تعیین مقدار دیه وی بیان فرمایید.

جواب: اگر در نزد قاضی شرع ثابت شود که قتل مستند به راننده بوده در صورتی که ثابت شود که قتل عمدی بوده اولیاء مقتول می توانند مصالحه به دیه نمایند و یا عفو کنند ولی قصاص محل اشکال است مگر اینکه فرزند بالغ باشد. و اگر ثابت شود که شبیه به عمد بوده دیه مقتول به عهده قاتل می باشد و اگر ثابت شود که خطاء محض بوده در صورتی که اصل قتل با اقرار قاتل ثابت شده باشد بازهم دیه او به عهده خود قاتل است و اگر با بیّنه ثابت شده باشد دیه او به عهدۀ عاقله

قاتل می باشد و مقدار دیه یا هزار دینار است و یا ده هزار درهم و یا صد شتر و یا دویست رأس گاو و یا هزار رأس گوسفند و یا دویست حلّه است که انتخاب یکی از آنها در اختیار دیه دهنده می باشد.

(سؤال ۹۳۸) هرگاه زید به قصد کشتن علی با آلت قتّاله به وی حمله ور گردد و اتفاقا آلت قتاله به فرد دیگری به نام بکر اصالت نماید و کشته شود یا مجروح گردد آیا در فرض مذکور قتل یا جرح، عمد است یا شبه عمد و یا خطاء؟

جواب: شبیه به عمد است.

(سؤال ۹۳۹) در تصادفات رانندگی با عابر پیاده اگر غیر عمد باشد و راننده مقصر نباشد آیا دیه به ذمه راننده تعلق می گیرد یا نه، و اگر تعلّق گیرد دیه یک پا چقدر می باشد؟

جواب: اگر قتل غیر عمد یا جرح، مستند به راننده باشد در صورت مقصر بودن او دیه به عهده خود راننده و در صورت بی تقصیر بودن او نیز اگر دیه جرح، کمتر از موضحه «۱» باشد به عهده خود راننده و در قتل و جرح موضحه و بالاتر هم اگر جرح با اقرار راننده ثابت شده باشد به عهده خود راننده می باشد و اگر با بیّنه ثابت شده باشد به عهده عاقله راننده می باشد و دیه یک پا، به قدر نصف دیه آن کسی است که پای او قطع شده است.

---

(۱)- موضحه: زخمی که به سطح استخوان برسد که دیه آن به مقدار یک بیستم دیه قتل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۰

(سؤال ۹۴۰) بعضی از ضربات یا شکستگیها و حتی جراحات عمدی و یا غیر عمدی در

تصادفات و یا مشاجرات بدوا خطر جانی متوجّه مجنیّ علیه نمی نماید اما بسیار دیده شده که همان ضامن ارش یا دیه جراحات است یا اینکه دیه قتل شبه عمد به عهده او است؟ و آیا فرقی بین تقصیر و عدم تقصیر جانی در معالجه مجنیّ علیه و رساندن او به بیمارستان می باشد یا نه؟

جواب: اگر احراز شود که مرگ، مستند به جراحت وارده است شخص جانی، ضامن دیه قتل است و در این جهت فرقی بین تقصیر در معالجه یا عدم تقصیر در آن نیست بلی قصاص ثابت نیست مگر با قصد قتل.

شرکت و معاونت در قتل

(سؤال ۹۴۱) در یک نزاع دسته جمعی شخصی مورد حمله گروهی قرار گرفته است و هر یک از افراد صدمه هایی به او وارد نموده اند و یکی از صدمات وارده شکستگی استخوان جمجمه بوده است و پزشک قانونی علت مرگ را شکستگی جمجمه اعلام نموده است. با توجه به اینکه صدمات وارده یکسان نبوده و علت مرگ نیز طبق نظر پزشک یکی از صدمات بوده است و اولیاء دم نیز شخص معینی را به عنوان قاتل معرفی ننموده و تقاضای تعیین آن را از دادگاه نموده اند، آیا ضاربین، شرکاء قتل محسوب می شوند یا آن کس که صدمه مذکور را وارد نموده است قاتل است؟ و در صورتی که ضارب فوق مشخص نباشد و همگی منکر صدمه فوق باشند، آیا موردی برای قصاص می باشد یا باید دیه پرداخت شود و در صورت اول نحوه تعیین قاتل و در صورت دوم نحوه پرداخت دیه چیست؟

جواب: در فرض مسأله اگر ثابت شود که قتل، مستند به ضربت وارده بر جمجمه بوده و ضربات دیگر مؤثر در

قتل نبوده، کسی که ضربت را بر جمجمه وارد کرده قاتل است و هر یک از بقیه باید دیه ضربتی را که وارد کرده بپردازد، و در صورت حصول علم اجمالی و عدم امکان تعیین قاتل و سائر ضاربها بعید نیست که قاتل و ضاربها با قرعه تعیین گردند ولی در خصوص قاتل اگر توافق به گرفتن دیه حاصل نشود قصاص با قرعه مشکل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۱

(سؤال ۹۴۲) در یک نزاع دسته جمعی اگر یک یا چند نفر در اثر ضربات همگی کشته شوند تکلیف چیست؟

جواب: در فرض مسأله حکم شرکت در قتل، جاری می باشد که تفصیل آن در رسالهٔ توضیح المسائل این جانب مذکور است.

(سؤال ۹۴۳) زن شوهرداری به مردی پول می دهد که شوهرش را بکشد و مقدمات قتل را آماده می کند طبق نقشه قبلی در ساعت معین همراه شوهرش مثلا از منزل حرکت می کند در بین راه فردی که با زن این فرد نقشه آماده کرده بودند می رسد و همسر این زن را می کشد. آیا این زن قابل مجازات است و اگر هست مجازاتش چیست و به عنوان معاون قتل یا سبب آن مجازات می شود؟ بیان فرمایید. (دادگستری کیفری یک رشت)

جواب: در مفروض سؤال، زوجه طبق صلاحدید قاضی شرع تعزیر می شود و اگر زوجه عین و جاسوس باشد برای نشان دادن همسر خود مسأله ۳۳ قصاص تحریر الوسیله درباره او جاری است «۱».

(سؤال ۹۴۴) در مورد امساک و نگاه داشتن شخصی که دیگری او را می کشد و حکمش حبس ابد است آیا اگر با تهدید و خشونت کسی ملزم به ایستادن و عدم فرار شد بدون اینکه او را

بگیرند امساک و نگاه داشتن صدق می کند و حکمش حبس ابد است یا نه؟

جواب: تهدیدکننده حکم ممسک را ندارد بلکه طبق نظر حاکم شرع، تعزیر دارد.

قتل و جرح خطایی

(سؤال ۹۴۵) اگر متهمی در حال تعقیب و دستگیری و یا در حال بازرسی منزل خود فرار کرد و مأمورین مربوط بر طبق مقررات لازم الاجراء به سوی او تیراندازی نموده ولی قصد کشتن نداشتند و تصادفا تیری به او اصابت نمود و کشته شد دیه او به عهده چه کسی است؟ قاتل، آمر یا بیت المال؟

---

(۱)- در ذیل آن مسأله چنین گفته شده: کسی که برای انجام قتلی، دیده بانی نمود چشم او با میله داغ درآورده می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۲

جواب:: اگر مباشر از دستوری که شرعا لازم الاجراء است به هیچ وجه تخطی نکرده باشد دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود و در غیر این فرض به عهده خود مباشر است.

(سؤال ۹۴۶) در بازیهای مشت زنی رسمی اگر یکی از بازیکنان با مشت حریف خود بمیرد دیه او بر دولت میزبان یا دولت اعزام کننده تیم بازی کن یا شخص بازیگر می باشد؟

جواب: به عهده خود مباشر است.

(سؤال ۹۴۷) دیه خطأ محض در صورتی که به اقرار متهم ثابت شود به عهده خود متهم است در صورتی که متهم با مهلت قانونی یا بیشتر از آن نتواند آن را بپردازد آیا منتقل به بستگان الاقرب فالاقرب او می شود یا به بیت المال؟ (دادگاه کیفری یک رشت)

جواب: در هر موردی که دیه به عهده خود قاتل یا ضارب باشد حکم دین بر آن مترتب می شود که در صورت (اعسار) «۱» مشمول آیه شریفه «فَنَظِرَةٌ إِلىٰ مَيْسَرَةٍ»

می باشد مگر اینکه به دلیل خاصّی خارج شده باشد و دلیل خاصی در مورد سؤال، ثابت نیست.

(سؤال ۹۴۸) اگر بر اثر بی احتیاطی در رانندگی، شخصی مرتکب قتل و یا جرح و صدمه بر کسی گردد که معمولا قصد جنایت بر مجنیٌ علیه را ندارد اما قصد بی احتیاطی را دارد، از قبیل قصد سبقت ممنوع و سرعت بیش از حدّ مقرر قانونی آیا چنین قتل و یا جرحی خطایی محض می باشد و یا شبه عمد است؟ (دادگستری شهرستان بجنورد)

جواب: اگر قتل و جرح مستند به تقصیر و تفریط راننده باشد شبه عمد محسوب می شود و الا خطاء محض محسوب است اگر چه از جهت مقررات رانندگی مقصر شناخته شود مانند راننده ماهر که از جهت گواهی نامه تقصیر کرده باشد ولی قتل و جرح مستند به تقصیر او نباشد.

---

(۱)- اعسار: سختی و تنگدستی و ورشکستگی و ترجمه آیه این است: هر مدیون ورشکسته ای باید طلبکارش تا روز گشایش و رفع سختی او صبر نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۳

(سؤال ۹۴۹) دیه قتل خطاء که با علم قاضی و یا با قسامه ثابت می شود به عهده قاتل است یا به عهده عاقله؟

جواب: بنابر اقوی علم قاضی و قسامه حکم بیّنه را ندارند. ولی احوط مصالحه است.

(سؤال ۹۵۰) هرگاه قتل خطاء با علم حاکم ثابت گردد آیا دیه بر عهده عاقله است یا بر عهده جانی؟

جواب: ظاهرا بر عهده عاقله است.

(سؤال ۹۵۱) در مواردی که دیه بر عاقله است آیا تقسیط دیه «۱» به طور مساوی است و یا بر اساس ما فرض اللّه است؟

جواب: به طور تساوی است.

(سؤال ۹۵۲) در مواردی که دیه بر عاقله می باشد می توان

دعوی را از ابتداء متوجه عاقله کرد و آنها را طرف نزاع قرار داد یا خیر؟

جواب: اگر بر عـاقله «۲» بودن دیه محرز باشـدماننـد جنایت صبی، طرف دعوی مسـتقیما عاقله او می باشد و اگر محرز نباشد، طرف دعوی ابتداء خود جانی می باشد.

(سؤال ۹۵۳) هرگاه قتل خطایی محض با قسامه ثابت گردد بر جانی است یا بر عاقله؟

جواب: در مسأله دو قول است و هر چنـد بودن بر عهـده عـاقله قویّ است ولی احوط تصالـح قاتـل است با عاقله و این احتیاط ترک نشود.

(سؤال ۹۵۴) اگر شـخص مریضـی با شنیدن خبر ناراحت کننده ای از کسی فوت شد، قتل عمد است یا خطاء و یا تفصیل است بین مورد توجه و آگاهی مخبر و مورد جهل و یا غفلت او از مریضی و یا از تأثیر خبر در او؟

جواب: اگر قصد قتل نداشته قتل عمد نیست و اگر اخبار به نحو غیر متعارف نبوده حتی استناد قتل به خبر دهنده معلوم نیست و در صورت عدم استناد، حکم قتل خطاء را هم ندارد.

---

(۱)– تقسیط دیه: سهمیه بندی کردن دیه بر عاقله یعنی بستگان پدری شخص ضارب یا قاتل.

(۲)– عاقله: خویشاوندان پدری قاتل نظیر برادرها و عموها و عموزاده ها.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۴

شبه قتل

(سؤال ۹۵۵) اگر نوزادی در بـدو تولّد برای بقاء زندگی احتیاج به عمل جرّاحی داشـته باشد و به اظهار پزشک متخصـص اگر عمل نشود می میرد ولی اگر عمل بشود چنـد سالی را با حالت فلـج و یک سـری درد و رنـج زنـده می مانـد حال چنانچه ولیّ طفل طبق نظر پزشک مایل به عمل نباشد و طفل بمیرد آیا قتل نفس محسوب می شود یا

خیر و به عهده کیست؟

جواب: در فرض مسأله، قتل محسوب نمی شود ولی اگر پزشک متخصص، صلاح طفل را در معالجه و مداوای او تشخیص بدهد باید ولیّ طفل، اقدام به معالجه او نماید.

دیه سقط جنین حلال

(سؤال ۹۵۶) دیه سقط جنین که با رضایت کامل پدر و مادر جنین به مباشرت دکتر، توسط عمل جرّاحی با تزریق آمپول توسط ثالثی انجام می شود به عهده دکتر است و یا ثالث، چون مباشر است؟ یا پدر و مادر جنین چون سبب هستند یا هر سه و اگر با مصرف نمودن داروی دکتر توسط مادر انجام شد به عهده دکتر است یا مادر؟

جواب: دیه به عهده مباشر است مگر اینکه مباشر نداند که آمپول، جهت سقط جنین است که در این فرض به عهده دستور دهنده است و اگر مباشر بداند و به دستور وارث اقدام به اسقاط جنین کند بنابر احتیاط در دیه آن باید مصالحه شود.

(سؤال ۹۵۷) مواردی که به تشخیص دکتر حاذق و موثق ادامه حمل برای مادر، ضرر معتنابه یا خطر جانی دارد آیا سقط جنین مطلقا جایز یا مطلقا حرام است و یا تفصیل بین سقط قبل از دمیده شدن روح در آن و بعد از آن داده می شود؟ و به هر حال حکم دیه آن چیست؟

جواب: در صورت دمیده شدن روح جایز نیست و در صورت عدم دمیده شدن روح اگر بقاء حمل، خطر جانی بر مادرش داشته باشد یا اینکه معالجه ضروری،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۵

متوقف بر اسقاط جنین باشد به نحوی که بقاء آن مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمّل باشد مانعی ندارد و نسبت به دیه آن با

پدر جنین مصالحه شود.

(سؤال ۹۵۸) بنده که ۲۷ سال دارم و دارای چهار فرزند می باشم به دلیل اعصاب ضعیف و سختی امرار معاش پنجمین فرزندمان را که نطفه ای یک ماهه در شکمم بود سقط نمودیم آیا کار ما گناه کبیره بوده است؟ و دیه جنین یک ماهه به پول روز چقدر است؟ و با توجه به تعداد فرزندانمان این دیه چطور تقسیم می شود؟ و اگر برای ما مقدور نبود این مقدار دیه را فراهم کنیم چه باید بکنیم؟

جواب: گناه بزرگی را مرتکب شده اید و باید هر چه سریع تر توبه کنید و دیه جنین در فرض سؤال بیست دینار یعنی ۱۵ مثقال ۲۴ نخودی طلای سکّه دار است که ۵۰/ ۱ (یک پنجاهم) دیه قتل می باشد و اگر مباشر سقط، مادر یا پزشک باشد دیه آن به پدر جنین می رسد که اگر حلال کند، مباشر سقط برئ الذّمه می شود.

دیه سقط جنین زنا

(سؤال ۹۵۹) زنی که از زنا حامله شده جنین خود را که هشت ماهه بوده سقط کرده آیا مانند سقط جنین از حلال، باید دیه بدهد یا نه و اگر از پرداخت دیه معاف باشد حاکم شرع می تواند او را تعزیر نماید یا خیر؟ (دادگستری شیراز)

جواب: در صورت ثبوت اسقاط عمدی اگر بچه کشته شود علاوه بر کفاره جمع، دیه جنین، حکم ترکه «من لا وارث له» را دارد که وارث آن امام علیه السلام است و در زمان غیبت باید قاتل، آن را به فقیه جامع الشرائط بپردازد و نسبت به مقدار دیه محل تأمل است هر چند در فرض سؤال جواز اکتفاء به دیه کافر ذمّی بعید نیست.

(سؤال ۹۶۰) جنین که از نطفه زانی و زانیه متکوّن گردیده و

در هشت ماهگی توسط مادرش (زانیه) سقط می شود آیا دیه دارد یا خیر؟ و در صورت داشتن دیه مقدارش به اندازه دیه مسلمان است یا کمتر؟

جواب: دیه دارد ولی مقدار دیه او محل تأمل است هر چند در فرض سؤال جواز اکتفاء به دیه کافر ذمّی بعید نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۶

(سؤال ۹۶۱) دختری اغفال گردیده بر اثر عمل زنا دارای حمل می گردد که با استفاده از دارو، حمل که (ولد زنا) باشد از بین می رود، نسبت به عمل زنا حکم، صادر گردیده هم اکنون سؤال این است که نسبت به استفاده از دارو جهت از بین بردن حمل از نظر شرعی چه حکمی دارد. (دادگاه کیفری شهرستان قمشه)

جواب: عمل او حرام بوده و کار حرام تعزیر دارد به نظر حاکم شرع و دیه جنین را نیز بدهکار است و وارث او امام است یعنی حکم میراث «۱» من لا ـ وارث له را دارد و ظاهرا بر جنین زنا حکم ذمّی بار است یعنی به حساب کافر ذمّی دیه او حساب می شود و مصرف میراث من لا وارث له علی الاحوط فقراء می باشند و اگر مادر، فقیر است دیه را به او ببخشید.

دیه اعضاء زوج و فرد

(سؤال ۹۶۲) در روایتها وارد شده دیه هر عضوی که در بدن، زوج است زمانی که یکی از آن عضوها از بین برود نصف دیه است و آن عضوی که در بدن تنهاست زمانی که از بدن زایل شود تمام دیه است آیا این حکم به نظر حضرتعالی مختص به اعضاء ظاهری است و یا اعضاء باطنی (داخلی) را هم شامل می باشد؟ (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: ظاهرا فرق ندارد مگر اینکه

بیشتر از دو تـا باشـد مثلاـ در یـک کلیه نصف دیه و در کبـد تمام دیه ثابت می باشـد ولی در غـدد داخلی بـدن، حکومت «۲» است.

دیه جرح و شکستگی اعضاء

(سؤال ۹۶۳) جراحات حارصه «۳» و دامیه «۴» و غیره که هر کدام دیه معیّن دارند ولی

---

(۱)- میراث من لاـ وارث له: یعنی کسـی که وارثی نـدارد مربوط است بـا امـام معصوم یا نائب او که حکومت صالـح اسـلامی تشکیل داده باشد.

(۲)- حکومت: جاهایی که دیه معیّنی در شـرع ندارد آنچه را حاکم شـرع بعد از مقایسه تفاوت ارزش مورد مجروح و مصدوم با سالم و صحیح آن صلاح می داند تعیین می کند و آن را آرش و حکومت می گویند.

(۳)- حارصه: زخمی سطحی که فقط به پوست بدن می رسد.

(۴)- دامیه: زخمی که به داخل گوشت می رسد و خون بیرون می آید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۷

اکثر دکترهـا عرض و طول و عمق آنها را نمی نویسـند و ظاهرا نمی تواننـد به طور دقیق مشـخص کننـد که زخم از کـدام نوع است مثلا به پوست نازک اسـتخوان رسـیده است یا نه و از طرف دیگر طرفین هم مصالحه نمی کنند در این نوع موارد تکلیف چیست؟ آیا قدر متیقن و حد اقل را باید گرفت؟

جواب: در مفروض سؤال به قدر متیقن اکتفاء و حدّ اقل ثابت می شود.

(سؤال ۹۶۴) در اثر ایراد ضـربه پای شخصی شکسته و به جهت معالجه توسط اطباء مبالغی خرج می کند مثلا هزار تومان خرج کرده است و دیه متعلقه مثلاـ چهـل هزار تومـان می شود آیـا اضـافه مخارج به گردن متهم و لو ضـمانا می آیـد یا نه؟ (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: غیر از دیه شکستن، چیزی به عهدهٔ ضارب نیست.

(سؤال ۹۶۵)

پای شخصی شکسته و ۱٪ معیوب شده و پای شخصی دیگر شکسته و ۹۵٪ معیوب گردیده آیا به نظر حضرتعالی دیه هر دو یکی است و در صورت یکی بودن آن عقلایی است. (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: در هر موردی که دیه مقدّره دارد همان دیه ثابت است و اگر چند شکستگی در یک استخوان ایجاد شده باشند احوط تصالح است.

(سؤال ۹۶۶) در مورد ضرب و جرح عمدی که استیفاء قصاص ممکن نباشد علاوه بر پرداخت دیه، ضارب و جانی را به عنوان تعزیر می توان عقوبت کرد یا خیر؟

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۱، ص: ۲۷۷

جواب: اگر اظهار ندامت نکند تعزیر می شود و اگر اظهار ندامت کند احتیاط در ترک تعزیر است.

(سؤال ۹۶۷) اگر کسی با ایراد یک ضربه به دیگری چند جراحت و یا چند شکستگی در یک استخوان و یا شکستگی چند استخوان ایجاد نموده باشد آیا یک دیه لازم است پرداخت نماید یا به جهت هر جراحت و شکستگی یک دیه مستقل پرداخت کند؟ (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: اگر در اعضاء متعدده باشد هر کدام دیه مستقل دارد و اگر در یک عضو باشد احوط تصالح است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۸

(سؤال ۹۶۸) با توجه به اینکه ساق پای انسان از دو استخوان مجزّا به نامهای درشت نی و نازک نی تشکیل یافته آیا در شکستگی استخوان در صورتی که هر دو شکسته باشد یک شکستگی محسوب می گردد و یا اینکه دو شکستگی؟

جواب: ظاهرا دو شکستگی محسوب است.

(سؤال ۹۶۹) کسی پایش شکسته می شود و مدتی از کار می ماند و وی

علاوه بر دیه، دادخواست ضرر و زیان ایام بیکاری می دهد آیا دادگاه می تواند علاوه بر دیه، متهم را به ضرر و زیان محکوم نماید؟ (یکی از دادگستریها)

جواب: مجروح و مصدوم بیشتر از دیه مقرره حق مطالبه ندارد.

(سؤال ۹۷۰) آیا لگن خاصره منتهی الیه پا و جزء آن حساب می شود تا در شکستگی، حکم دیهٔ پا بر آن بار شود؟ یا خارج از پا حساب می شود و حاکم به عنوان ارش حساب می کند؟ (یکی از دادگستریها)

جواب: لگن خاصره جزء پا نیست و دیه آن با حکومت تعیین می شود.

(سؤال ۹۷۱) با عنایت به اینکه دست انسان از آرنج پایین تر از دو استخوان به نامهای زند اعلی و زند اسفل تشکیل یافته آیا در شکستگی استخوان در صورتی که هر دو زند شکسته شده باشد یک شکستگی محسوب می گردد و یا اینکه دو شکستگی؟

جواب: ظاهرا دو شکستگی محسوب است.

(سؤال ۹۷۲) در جایی که با ضرب عمدی، مدّعی علیه باید دیه را بپردازد (و قصاص ندارد) آیا می شود علاوه بر دیه تعزیر کرد؟ (دادگاه آذربایجان غربی)

جواب: اگر توبه نکرده باشد مانعی ندارد.

(سؤال ۹۷۳) شخصی ۹۵٪ دید چشم خود را در اثر ضربه جانی از دست داده آیا می تواند دیه تمام چشم را از جانی بگیرد یا باید با ارش و حکومت حکم داد؟ (شعبه ۱۲ دیوان عالی)

جواب: در مفروض سؤال، دیه ۹۵٪ دید چشم گرفته می شود.

(سؤال ۹۷۴) دیه ترک برداشتن استخوان بینی طوری که بینی فاسد نگردد چه خواهد بود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۷۹

جواب:: احتیاطا با مصالحه رضایت همدیگر تحصیل شود و اگر از مصالحه امتناع ورزند قاضی شرع طبق صلاحدید خود، دیه آن را تعیین

نماید.

(سؤال ۹۷۵) سر و صورت که در تغییر رنگ دیه خاصی دارد آیا به پیشانی و ابروها، صورت صدق می کند یا نه و حدود صورت را از لحاظ دیه معین فرمایید.

(دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: پیشانی و ابروها جزء صورت است و از گردن به بالا جزء سر و صورت محسوب می شود و شمول سر و وجه به گردن مشکل است.

(سؤال ۹۷۶) آیا از زیر چانه تا ترقوه از قسمت سر و صورت محسوب می شود یا از بدن؟ (دادگاه کیفری یک تبریز) جواب: در ما به التفاوت احوط تصالح است.

(سؤال ۹۷۷) تراشیدن موی سر و صورت دیگری با تیغ، دیه دارد یا خیر؟ و فرقی بین زن و مرد می باشد یا نه؟

جواب: اگر تمام موی سر با تمام ریش مردی را به هر وسیله ای زائل کنند که دیگر نروید، به قدر دیه قتل یک مرد دیه دارد و اگر بروید در موی سر، ارش است و در ریش، به مقدار یک سوم دیه قتل یک مرد دیه دارد، و اگر تمام موی سر زنی را به هر وسیله ای زائل کنند که دیگر نروید به قدر دیه قتل یک زن دیه دارد و اگر بروید به قدر مهر المثل او دیه دارد.

(سؤال ۹۷۸) جراحاتی که در اثر ضربه به باطن بدن انسان وارد می شود مثل کلیه یا پاره شدن روده که در نتیجه، دکتر معالج مجبور می شود برای معالجه شکم او را بشکافد آیا غیر از دیه عضو باطن برای شکافتن شکم هم که متهم باعث گردیده دیه لازم است یا خیر؟ (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: غیر از دیه همان عضو به عهده ضارب نمی باشد.

جرح و شکستگی صغیر

(سؤال ۹۷۹) در

مواردی که فرزند صغیری به وسیله تصادف و غیره مجروح می شود، ولیّ او (پدر) جهت رسیدگی به موضوع، به دادسرا احضار می گردد و پس از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۰

حضور، اعلام می دارد که هیچ گونه شکایتی علیه راننده مقصر (و غیره) ندارم و گذشت می نمایم و بعضا اظهار می دارد که چنانچه فرزندم پس از کبیر (بالغ) شدن ادعایی داشت خودم جبران خواهم کرد، آیا این گذشت صحیح است یا خیر؟

جواب: ولیّ شرعی باید مصلحت صغیر را در نظر بگیرد و جبران تعلیقی «۱» کافی نیست.

(سؤال ۹۸۰) شخصی به کلیه و طحال طفلی جراحت وارد کرده ولیّ طفل مدعی است که در خارج کشور تعویض آن امکان پذیر است ولی مخارج آن زیاد است و دیه بعض اعضاء باطنی مانند کلیه و طحال در رساله ها و کتب فقهی معین نشده است و مسأله ارش و حکومت هم به هیچ وجه ممکن نیست و از طرفی دکتر نظر داده که طفل مجروح تا حدّ بلوغ نرسد امکان عمل را ندارد آیا دادگاه می تواند از ضارب و جارح مقدار مخارج را تا ده سال دیگر به حساب سپرده صندوق دادگستری واریز نماید؟

جواب: در اعضایی که دیه مقدّره «۲» ندارد قاضی شرع اگر صلاح بداند می تواند مخارج معالجه را به عنوان دیه تخمین بزند و طبق آن حکم صادر کند و زیاده و نقیصه را به عهده دیه گیرنده بگذارد و موکول به آینده نکند.

ارش و موارد آن

(سؤال ۹۸۱) در مواردی که دیه بر اساس ارش و حکومت تعیین می گردد منظور از ارش و حکومت چیست اگر هدف تقویم انسان است صحیحا و معیبا و اخذ ما به التفاوت، در زمان ما

مملوکی نیست تـا فرض مـذکور گردد و چنانچه منظور چیز دیگری است و یا اینکه فرض مـذکور در عصـر حاضـر نیز متصور است به روشنی، شرح کافی بیان فرمایید.

جواب: بایـد فرض شود که اگر مجنیّ علیه عبـد مملوک تفـاوت قبـل از جنـایت و بعـد از جنایت وارده چه قـدر می شود و در صورت عدم امکان تشخیص و تعیین آن، با تصالح حلّ و فصل شود.

---

(۱)- جبران تعلیقی: یعنی اگر فرزند پس از بلوغ رضایت نداد پدر، جبران خسارت فرزند را بکند.

(۲)- دیه مقدّره: دیه ای که مقدارش در شرع تعیین شده باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۱

(سؤال ۹۸۲) در ارش، قیمت صـحیح و معیوب را بایـد با فرض عبد (برده) ملاحظه کرد در صورتی که چنین ارزیابی، در حال حاضـر امکـان نـدارد زیرا عبـد وجود نـدارد پس، از لحـاظ تعیین دیه در این موارد چه حکمی بایـد صـادر کرد؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: در مفروض سؤال قاضی شرع باید به نظر خودش دیه آن را تعیین کند و بنابر احتیاط با مشورت دو نفر عادل کارشناس دیه آن را تعیین نماید.

(سؤال ۹۸۳) در اثر کاردی که به طحال شخصـی رسـیده و موجب فاسـد شـدن آن و بیرون آوردنش شـده، آیا بایـد تمام دیه گرفته شود چون عضو فرد است نه زوج یا با ارش و حکومت باید حکم نمود؟ (شعبه ۱۲ دیوان عالی)

جواب: ظاهرا تعیین مقدار دیه در مورد سؤال، طبق حکومت «۱» است.

(سؤال ۹۸۴) ارش که در فتاوا و روایات است با توجه به اینکه امروز عبد و امه وجود ندارد تا صحیح و معیوب حساب شود آیا اگر نظریه پزشک در مورد هزینه معالجه

حساب شود کفایت می کند یا نه؟ (یکی از دادگستریها)

جواب: در فرض سؤال باید قاضی شرع طبق صلاحدید خود با مشورت کارشناس، دیه آن را تعیین نماید.

(سؤال ۹۸۵) اگر زیبایی صورت زنی را با پاشیدن اسید از بین ببرد، دیه او چقدر است؟ در صورتی که با جرّاحی، صورت او مثل اول یا بهتر ترمیم شود آیا دیه، ساقط نمی شود؟

جواب: اگر بدون زخم کردن تغییر داده باشد دیه آن طبق حکومت است، و معالجه، دیه را ساقط نمی کند.

تغلیظ دیه

(سؤال ۹۸۶) تغلیظ دیه به (مقدار) ثلث در مواردی که قتل در ماههای حرام انجام شده مخصوص قتل عمدی است یا شامل قتل شبه عمد و قتل خطاء نیز می شود؟

---

(۱)- معنای حکومت در مسائل گذشته قصاص گفته شد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۲

جواب:: تغلیظ دیه در قتل عمد و شبه عمد مسلّم است، ولی ثبوت آن در خطای محض خالی از اشکال نیست، هر چند احتیاط خوب است.

(سؤال ۹۸۷) شخصی در یکی از ماههای حرام یعنی ذو القعده، ذی الحجه، محرّم و رجب ضربه می خورد و این ضربه منجرّ به مرگ او در غیر ماههای حرام می شود مرحوم میرزای قمّی قائل به تشدید دیه هستند، نظر مبارک چیست؟

جواب: در مورد سؤال، تغلیظ دیه ثابت نیست.

نوع دیه

(سؤال ۹۸۸) آیا جانی در انتخاب نوع دیه از امور ششگانه مذکور در فقه مخیر است و لو بعضی انواع آن مثل دینار و درهم و لباس یمنی مخصوص که در جهان امروز موجود نباشد؟ و یا با عدم دسترسی به بعضی انواع اختیار منحصر می شود به انواعی که وجود دارد مثل شتر، گوسفند، گاو، و نسبت به انواعی که وجود ندارد در صورت انتخاب الزاما قیمت را باید بپردازد و حق انتخاب جانی ساقط می شود؟ و در مورد مسأله فوق اگر بعضی انواع در خارج از ایران میسور باشد اما به لحاظ عدم امکان دسترسی جانی باخذ از خارج کشور سؤال فوق چه حکمی پیدا می کند آیا اختیار انتخاب جانی، محصر به انواعی که اصل آن در داخل کشور است نمی گردد؟

جواب: مادامی که اداء یکی از انواع شش گانه برای جانی ممکن باشد دیه گیرنده مجبور به اخذ قیمت نمی باشد.

(سؤال ۹۸۹)

در مواردی که اولیاء دم بایـد نصف دیه را به قاتل بدهنـد و سـپس قصاص انجام گیرد آیا اولیای دم در انتخاب نوع دیه مختار می باشند و یا بین طرفین به نوعی مصالحه احتیاج است؟

جواب: بلی مختار می باشند.

(سؤال ۹۹۰) در دیه قتـل، فرموده انـد که قاتل در انتخاب دیه از انواع ششـگانه مخیّر است ولی در دیه جراحات و غیر آن طبق روایات در بعضی موارد دینار و در بعضی، شتر تصریح شده آیا دینار و شتر موضوعیت دارد و یا جنبه طریقیت دارد و جانی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۳

می توانـد درهم و غیره را انتخـاب نمایـد؟ و در صورت عـدم موضوعیت، به دلیـل آن فهرست وار اشـاره نماییـد. (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: ظـاهرا از باب مثال است و موضوعیت «۱» نـدارد مثلا پنج شتر یعنی یک بیسـتم دیه کامله و ۱۰۰ دینار یعنی یک دهم دیه و شاهـد آن این است که در بعضـی روایات جمع بین هر دو تعبیر شـده است مثلا در نافـذه «۲» نقل شده «فدیتها عشـر دیه الرجـل مائه دینار» «۳» یـا اینکه در روایـتی نصف دیه و در روایت دیگر ۵۰ شتر ذکر شـده و همچنین روایـات دیگر، ولی باید توجه داشت که اگر دیه دهنده یکی از عین شش چیز را ندهد اداء قیمت نیاز به توافق طرفین دارد.

(سؤال ۹۹۱) دیه قتل از چه چیز تا دیه می شود و انتخاب نوع آن در اختیار دیه دهنده است یا اخذکننده؟

جواب: دیه قتل یکی از شـش چیز است که در رساله های عملیه بیان شـده است و انتخاب هر یک از آنها در غیر قتل عمـد در اختیار دیه دهنده است و

اگر بخواهند پول یکی از آنها را بدهند و بگیرند باید با هم توافق نمایند.

(سؤال ۹۹۲) در موارد ارش جنایات، تعیین ارش بایستی از انواع ششگانه دیه:

دینار، درهم، شتر و غیر ذلک باشد یا این مطلب لزومی ندارد و حاکم بدوا می تواند ارش را یا اسکناس و غیره معیّن نماید؟

جواب: لزوم ندارد.

(سؤال ۹۹۳) دینار و یا شتر که در روایتها به عنوان دیه وارد شده آیا کلّا تمثیل بوده یا باید خود دینار یا شتر و یا قیمتش از مجنیّ علیه گرفته شود؟ (دادگاه کیفری یک تبریز)

جواب: ظاهرا از باب تمثیل است مثلا در موضحه «۴» که دیه آن پنج شتر است یعنی یک بیستم دیه کامله.

---

(۱)- موضوعیّت ندارد: خصوصیت ندارد در نظر شارع مقدّس.

(۲)- نافذه: زخمی که از فرو بردن چیزی در دست و پا نظیر سیخ، میخ و گلوله بوجود می آید و آن چیز از آن طرف زخم خارج می شود.

(۳)- فدیتها الخ: یعنی دیه زخم نافذه یک دهم دیه یک مرد است که صد دینار باشد.

(۴)- موضحه: زخمی که به سطح استخوان برسد که دیه آن به مقدار یک بیستم دیه قتل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۴

(سؤال ۹۹۴) در مورد دیه قتل که چند چیز را ذکر کرده اند با توجه به اینکه اختلاف قیمت فاحش دارند آیا اختیار انتخاب با خود قاتل است و یا با اولیاء مقتول که اگر قاتل خواسته باشد کمترین را بدهد اولیاء دم می توانند ردّ کرده بگویند ما رضایت نمی دهیم مگر به فلان مقدار؟

جواب: در انتخاب هر یک از آنها اختیار با دیه دهنده می باشد ولی قیمت نیاز به توافق طرفین دارد و همچنین پرداخت دیه

در قتل عمدی نیاز به توافق دارد.

(سؤال ۹۹۵) روایات و کلمات فقها در دیه نقص اعضاء و از بین بردن منافع به طور اطلاق وارد شده است، مثلا فرموده اند قطع یـد واحـده نصف دیه کامله را دارد و وارد نمودن جرح به درون بـدن، ثلث دیه را دارد، علی فرض موضوعیّت دینار و شتر در جرح در اطلاقات چه باید کرد آیا جانی در انتخاب دیه مخیّر است یا فقط ارزش دینار را باید بپردازد؟ (دادگستری آذربایجان غربی)

جواب: جانی در انتخاب یکی از آن شش چیز مخیّر است.

تعیین دیه با قرعه

(سؤال ۹۹۶) چنـد نفر به شخصـی هجوم می آورنـد و هر کـدام جرحی را بر وی وارد می نماینـد جراحتهای وارده کمّا و کیفا مختلف می باشد بعضی قابل قصاص و بعضـی قابل قصاص نمی باشد و نیز بعضی بر اندام وارد شده و بعضی بر سر و صورت و نیز بعضی به صورت دامیه و بعضی دیگر به صورت هاشمه و غیره می باشد این مطلب مسلم است که هر یک از مهاجمین به طور مسـتقلّ جرحی را وارد نموده لیکن معلوم نیست کـدام جرح از کـدام مهـاجم صادر شـده و خود مجروح نیز در این زمینه ادعایی ندارد مرقوم فرمایید حکم شرعی مسأله چیست و فصل نزاع به چه صورتی به عمل آید؟

جـواب: در مفروض سؤال دیه جروح غیر قابـل قصـاص بـا قرعه تعیین می شود و قاضـی شـرع نسـبت به جروح قابـل قصـاص، جارحین «۱» معلوم بالاجمال را وارد می کند که دیه آن جروح را با توافق بین خودشان بپردازند.

---

(۱)- جارحین: واردکنندگان زخم و جرح بر شخص.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۵

(سؤال ۹۹۷) دو نفر تیراندازی می کنند یک نفر

مجروح و یک نفر کشته می شود و معلوم نیست با تیر کدام یک بوده، علم اجمالی هست که با تیر یکی از این دو، یک نفر مجروح و یک نفر کشته می شود آیا حکم آن قصاص است یا دیه؟ (دادگستری همدان) جواب: اگر جراحت با فرض مشخص بودن جارح موجب دیه باشد در فرض سؤال جارح با قرعه تعیین می شود و اگر موجب قصاص باشد حکم قتل را دارد که حاکم شرع افراد معلوم بالاجمال را وادار می کند که با توافق خودشان مشترکا و یا منفردا با قرعه یا بدون قرعه دیه مقتول و مجروح را بپردازند.

پرداخت دیه

(سؤال ۹۹۸) مهلت پرداخت دیه که در قتلهای عمد، شبه عمد، خطای محض، به ترتیب یک سال، دو سال و سه سال است آیا ابتدای زمان پرداخت، زمان صدور حکم است و یا تاریخ فوت، کدام یک؟

جواب: در عمد، ظاهرا از حین توافق قاتل با ورثه مقتول است و در دو قسم دیگر بنابر احتیاط از تاریخ فوت است.

(سؤال ۹۹۹) مهلت پرداخت دیه اطراف در عمد، شبه عمد، خطای محض که به ترتیب یک سال، و دو سال و سه سال است ابتدای زمان پرداخت دیه از چه زمانی است از زمان صدور حکم است یا از تاریخ جراحات وارده؟

جواب: بنابر احتیاط از تاریخ وقوع جراحات است مگر اینکه حکم اوّلی آن قصاص باشد که در این فرض از حین توافق به دبه حساب شود.

(سؤال ۱۰۰۰) ابتدای پرداخت دیه قتل عمد تاریخ فوت است یا روز تراضی طرفین؟

جواب: طبق توافق پرداخت می شود و اگر بر مطلق دیه بدون تعیین زمان پرداخت آن توافق شده باشد بعید نیست ابتدای

آن از حین توافق حساب شود.

(سؤال ۱۰۰۱) شخصی محکوم به دیه شرعی گردیده و موقعی که باید دیه را پرداخت نماید ادعا می کند که ندارد. ولی حاکم شرع احتمال قوی می دهد که اگر فرد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۶

محکوم را چند روزی به زندان بفرستد دیه را اگر هم نداشته باشد فوری تهیه می کند و پرداخت می نماید در این صورت می شود او را به زندان فرستاد یا نه؟

جواب: دیه حکم سائر دیون را دارد که اگر برای قاضی شرع پس از تحقیق ثابت شود که علاوه بر مستثنیات «۱» دین، چیزی دارد و امتناع می کند می تواند حبس کند و الا نمی تواند حبس نماید.

(سؤال ۱۰۰۲) شخصی به حکم دادگاه محکوم بپرداخت دیه به نفع شاکی شده، پس از انقضاء مهلت به عللی از پرداخت آن خودداری می نماید و فعلا رویه در محاکم قضایی بر این است که دیه به قیمت روز تقویم و به واحد ریال رایج کشور به ذی نفع پرداخت می شود بفرمایید شخصی که تعلّل ورزیده و بخواهد فرضا شش ماه پس از انقضاء مهلت بپردازد به قیمت یوم الاداء پرداخت نماید یا به قیمت یوم الانقضاء مهلت؟

(دادگستری شهرستان قم)

جواب: اگر دیه دهنده و دیه گیرنده، دیه را به مبلغ معینی مصالحه کرده باشند دیه دهنده باید همان مبلغ را بپردازد و در صورت تأخیر در پرداخت اگر تنزل ارزش و تفاوت فاحش پیدا شده باشد احتیاطا نسبت به این تفاوت نیز مصالحه کنند، و الا مخیر در پرداخت یکی از شش چیز مقرره می باشد و اداء قیمت بستگی به توافق دارد.

---

(۱)- مستثنیات دین: چیزهای ضروری زندگی شخص مانند خانه مسکونی و اثاثیه و وسیله

لازم رفت و آمد که در مجبور نمودن بدهکار برای فروش، جهت اداء دین خود استثناء شده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۷

فرهنگ لغات و مصطلحات

«الف»

۱- اداء: به دو معنا است: یک: از عهده کاری برآمدن مثل دادن قرض که اداء دین می گویند. دو: از عهده کاری برآمدن در وقت خاصّ آن مثل نماز اداء.

۲- امارات ظنّیه: آثار و نشانه هایی که موجب مظنّه می شود.

۳- احتیاطا- احتیاط و احوط: هرکجا احتیاط مرجع بدون قید واجب و یا مستحب گفته شده مقلّد باید عمل نماید مگر جاهایی که قبل از احتیاط یا بعد از آن فتوا و یا نشانه ای بر خلاف باشد.

۴- استیذان: اجازه خواستن

۵- اوداج اربعه: چهار رگ حیوان که هنگام ذبح باید بریده شود.

۶- استرداد: پس گرفتن

۷- امتناع: خودداری

۸- اعراض: صرف نظر و چشم پوشی کردن ۹- اهل کتاب: یهود، نصارا و مجوس

۱۰- استصحاب حیات: کسی که زنده بوده و در مرگ او شک کنیم باید بگوییم زنده است و هر آنچه حکم شرعی دارد بر آن مترتب کنیم. در اصطلاح علم اصول، این، استصحاب حیات است.

۱۱- انقضاء عدّه: گذاشتن ایام عدّه

۱۲- ارش البکاره: تفاوت مهریّه باکره با غیر باکره

۱۳- اعسار: ورشکست شدن

۱۴- افتراء: به دروغ به کسی نسبت دادن

۱۵- استثناء: جدا نمودن

۱۶- ایام تشریق: یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجّه

۱۷- اقوی و اظهر: فتوای مرجع می باشند و مقلّد باید به مضمون آنها عمل نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۸

۱۸- الاعلم فالاعلم: مرجعی را که انسان باید از او تقلید کند اعلم گویند و مرجعی که در رتبه بعدی از نظر علمیّت قرار دارد و در

احتیاطات مرجع تقلید می توان به فتوای او مراجعه نمود فالاعلم می گویند.

۱۹- ارتداد: مرتد شدن از اسلام

۲۰- اجماع منقول: نقل نمودن اتفاق فقهای شیعه در حکمی از احکام

«ب»

۲۱- بعید نیست: دلالت بر فتوای مرجع می کند و باید به آن عمل شود.

۲۲- به مباشرت زوج و زوجه: با رضایت و به دست خود آنان

۲۳- بیع شرط: معامله ای است که در آن شرط می شود طرفین یا یک کدام تا مدّت معیّن بتوانند معامله را فسخ نمایند در حقیقت در معامله، خیار شرط قرار داده شده است.

۲۴- بلاغت: سخنی که موافق اقتضاء زمان تکلّم و شرائط شنونده باشد.

۲۵- بالقوه: داشتن توان و قدرت هر چیزی

۲۶- برائت: بری ء الذمه شدن

«ت»

۲۷- تعزیر: مجازاتی است که حاکم شرع بر اشخاص گناهکار حکم می کند و در شرع، مقدارش معین نشده است.

۲۸- تقبّل: قبول کردن چیزی

۲۹- تجزّی: داشتن قدرت اجتهاد تنها در پاره ای از مسائل فقهی نه تمام آنها.

۳۰- تحالف: قسم خوردن طرفین دعوا

۳۱- تداعی: جایی است که طرفین دعوا، مدّعی چیزی علیه دیگری باشند.

۳۲- تصالح: مصالحه نمودن طرفین دعوا

۳۳- توارث: ارث بردن طرفین از یکدیگر

۳۴- تنصیف: نصف کردن چیزی

۳۵- تقویم: قیمت نمودن

۳۶- تعذّر: عذر داشتن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۸۹

۳۷- تخطّی: خلاف تعهّد، عمل نمودن

۳۸- ترقوه: استخوان بالای گودی گلو

۳۹- تخلف شرط: بر خلاف شرط در ضمن معامله عمل نمودن

۴۰- توطّن: تصمیم بر وطن گرفتن جایی

«ج»

۴۱- جارح: واردکننده زخم بر کسی، جمع آن جارحین است.

۴۲- جاهل قاصر: جاهلی است که در جهلش مقصّر نیست مانند کسی که خود را جاهل به احکام نمی داند و یا دسترسی به کسی جهت یاد گرفتن ندارد در مقابل، جاهل مقصر است که در جهلش مقصّر می باشد.

«ح»

۴۳- حرجی: کاری که مشقّت زیاد دارد.

۴۴- حق استرداد: حق بازپس گرفتن چیزی

۴۵- حلف: قسم خوردن

۴۶- حشفه: مقدار سر آلت مرد که بعد از ختنه ظاهر می گردد.

۴۷- حکم غیابی: حکم قاضی در صورت حاضر نبودن متّهم

۴۸- حق اولویّت: بر دیگران مقدّم بودن

۴۹- حج افراد: یکی از انواع سه گانه حجّ است که اعمال حج در آن، پیش از عمره می باشد.

۵۰- حاذق: دکتری که در تشخیص و معالجه مرض، قوی و متخصّص باشد.

«خ»

۵۱- خیار فسخ: اختیار به هم زدن معامله

۵۲- خالی از قوت نیست: در حکم فتوا دادن مرجع است و مقلّد باید به مفاد آن عمل نماید.

۵۳- خالی از وجه نیست: نشانه آن است که مرجع در مرز فتوا دادن می باشد ولی فتوای قطعی نمی دهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹۰

۵۴- خالی از اشکال نیست: نشانه آن است که مرجع فتوا ندارد و مقلّد می تواند عمل به احتیاط کند و یا به فالاعلم مراجعه نماید.

«د»

۵۵- دیه: مالی که برای خون مسلمان یا وارد کردن نقص بدنی بر او داده می شود.

«ر»

۵۶- رفع ید: دست برداشتن از چیزی

۵۷- ریبه: با نظر بد و شیطانی نگاه کردن

«س»

۵۸- سیره مستمرّه: روش همیشگی و دائمی

۵۹- سفاهت: کم عقلی و ضعف فکری

«ش»

۶۰- شهرت محقّقه: فتوایی که بین فقها و علمای شیعه کاملا مشهور است.

۶۱- شرط ضمان: در ضمن عقدی که خود به خود ضمان آور نیست نظیر ودیعه (امانت) شرط شود که اگر مال امانت تلف شد، امین، ضامن باشد.

۶۲- شرط ضمان عیب حادث: در قرارداد معامله شرط شود هر عیب جدید بعد از زمان معامله به عهده طرف باشد.

۶۳- شرط نتیجه: شرط نمودن نتیجه عقدی نظیر وکالت شخصی مثلا و یا ملکیّت چیزی را برای کسی در یک معامله.

«ض»

۶۴- ضروری دین یا مذهب: حکمی را که قطعی و مسلّم بین اهل دین و یا اهل مذهب تشیّع باشد ضروری دین و یا مذهب گویند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹۱

«ط»

۶۵- طلاق رجعی: طلاقی است که مرد در زمان عدّه زن، می تواند از طلاق منصرف شود و به همسرش رجوع نماید.

۶۶- طلاق بائن: طلاقی است که مرد حق انصراف از طلاق و رجوع به همسرش در زمان عدّه را ندارد.

۶۷- طلاق خلع: طلاقی است که زن به دلیل علاقه زیاد به طلاق گرفتن، مهریه یا مال دیگرش را به شوهر می دهد تا او را طلاق بدهد.

«ظ»

۶۸- ظاهرا ... و ظاهر اینست ...: هر دو کلمه دلالت بر فتوای مرجع می کند و باید به مضمون آنها عمل شود.

۶۹- ظنّان: کسی که با اندک چیزی و بیش از متعارف، مظنّه پیدا می کند.

«ع»

۷۰- علم اجمالی: یک فرد یا یک چیز معلوم بین دو یا چند نفر یا چند چیز که مشخص نیست.

۷۱- عاریه: مالی را جهت استفاده بدون عوض در اختیار دیگری گذاشتن

۷۲- عقد لازم: معامله ای که شرعا نتوان بدون رضایت طرفین آن را به هم زد.

۷۳- عرصه: زمین ساده بدون ساختمان و اشجار و هر گونه کارکردی روی آن.

«غ»

۷۴- غساله: آبی است که هنگام شستن چیزها از آنها جدا می شود.

«ف»

۷۵- فلس: پولک ماهی

۷۶- فصل خصومت: از بین بردن نزاع و کشمکش

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹۲

«ق»

۷۷- قصد تبرّع: قصد مجانی

۷۸- قصد ما فی الذمه: نیّت کردن آنچه واقعا بر ذمّه انسان است.

۷۹- قدر متیقن: مقدار قطعی از کاری یا چیزی

۸۰- قاضی شرع منصوب: قاضی ای که مجتهد جامع الشرائط او را برای قضاوت نصب و تعیین کرده باشد.

۸۱- قرعه: نوشتن نام مورد نظر روی کاغذ یا چوب، ریگ و سنگ و سپس چشم بسته یکی را بر گرفتن.

۸۲- قصاص: تلافی بمثل در قتل عمد و جراحات و نقصهای بدنی

۸۳- قطع قطاع: یقین آدم زود باور که با اندک چیزی یقین پیدا می کند.

«ک»

۸۴- کسر مشاع: یک یا چند سهم نامعین از یک مجموعه

۸۵- کفو یکدیگر: همشان و همطراز یکدیگر

۸۶- کفّاره جمع: جمع نمودن بین شصت روز روزه گرفتن و اطعام شصت فقیر و آزاد کردن یک برده.

«ل»

۸۷- لوث: وجود شواهد و امارات ظنّی بر صدق مدّعی که جای عمل به قسامه می باشد.

«م»

۸۸- مترافعین: طرفین دعوا که به محاکمه می نشینند.

۸۹- مدخول: کسی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

۹۰- مرافق: زمینهای موات یا بائر اطراف دهات که مورد نیاز اهالی آنها باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹۳

۹۱- معامله صوری: معامله ای که صوره و نه جدّا واقعا انجام می شود.

۹۲- منحلّ: خود به خود از بین رفته

۹۳- متنجّس: چیزی که ذاتا نجس نبوده و نجس شده.

۹۴- مهیّج: محرّک غریزه جنسی

۹۵- منفسخ: خود به خود فسخ شونده

۹۶- محرز: قطعی

۹۷- مجزی نیست: تکلیف ساقط نمی شود.

۹۸- مجوّزات: اسباب و علل جواز عمل

۹۹- مهر المسمّی: مهری که ضمن عقد نام برده شده.

۱۰۰- مهر المثل: آنچه که معمولا در مورد مقدار مهریّه زنی تعیین می کنند که در حدّ لیاقت و شأن او می باشد.

۱۰۱- محتلم: کسی که در خواب از او منی خارج شده.

۱۰۲- مدّ طعام: تقریبا ده سیر یا ۷۵۰ گرم گندم و امثال آن.

۱۰۳- مؤنه: مخارج متعارف انسان با افراد عائله اش در طول یک سال.

۱۰۴- مسلوب الاختیار: بدون اختیار

۱۰۵- منذور له: کسی که برایش چیزی نذر شده

۱۰۶- مجزّا: جدا و مشخص بودن اجزاء یک چیز

۱۰۷- مستقرّ در ذمّه: به ذمه و عهده انسان ثابت بودن

۱۰۸- مجنیّ علیه: کسی که بر او جنایتی از قبیل ضرب و شتم و قطع اعضاء وارد شده باشد.

۱۰۹- مرافعه شرعیّه: مراجعه به حاکم شرع جهت احقاق حقّی

۱۱۰- معتدّ به: قابل توجه

۱۱۱- معتنابه: قابل اعتناء و توجه

۱۱۲- مباشر: کسی که خودش بدون واسطه، کاری را انجام دهد

۱۱۳- محدث: کسی

که کاری انجام داده که موجب وضو یا غسل می باشد.

۱۱۴- مرتهن: کسی که چیزی را به عنوان رهن از بدهکار قبول می کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۱، ص: ۲۹۴

«ن»

۱۱۵- نافذ: قطعی و لازم العمل

۱۱۶- ناذر: نذرکننده

۱۱۷- ناشزه: زنی که در موارد لازم از شوهر، اطاعت نکند.

۱۱۸- نشوز:- ناشزه

۱۱۹- نتاج: زاد و ولد گوسفند و غیره

«و»

۱۲۰- وطن: شهر محل سکونت انسان نه به معنای کشور

۱۲۱- وارث او امام است: امام معصوم یا فقیه جامع الشرائط که حکومت حقه تشکیل دهند.

۱۲۲- وفاء به آن: عمل نمودن به آن

«ه»

۱۲۳- هتک: بی حرمتی نمودن

۱۲۴- هبه: بخشش

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹